هو چی مین

گزیده آثار

۱۹۲۵ – ۱۹۶۹

متن کامل

ترجمهٔ ج. نوائی

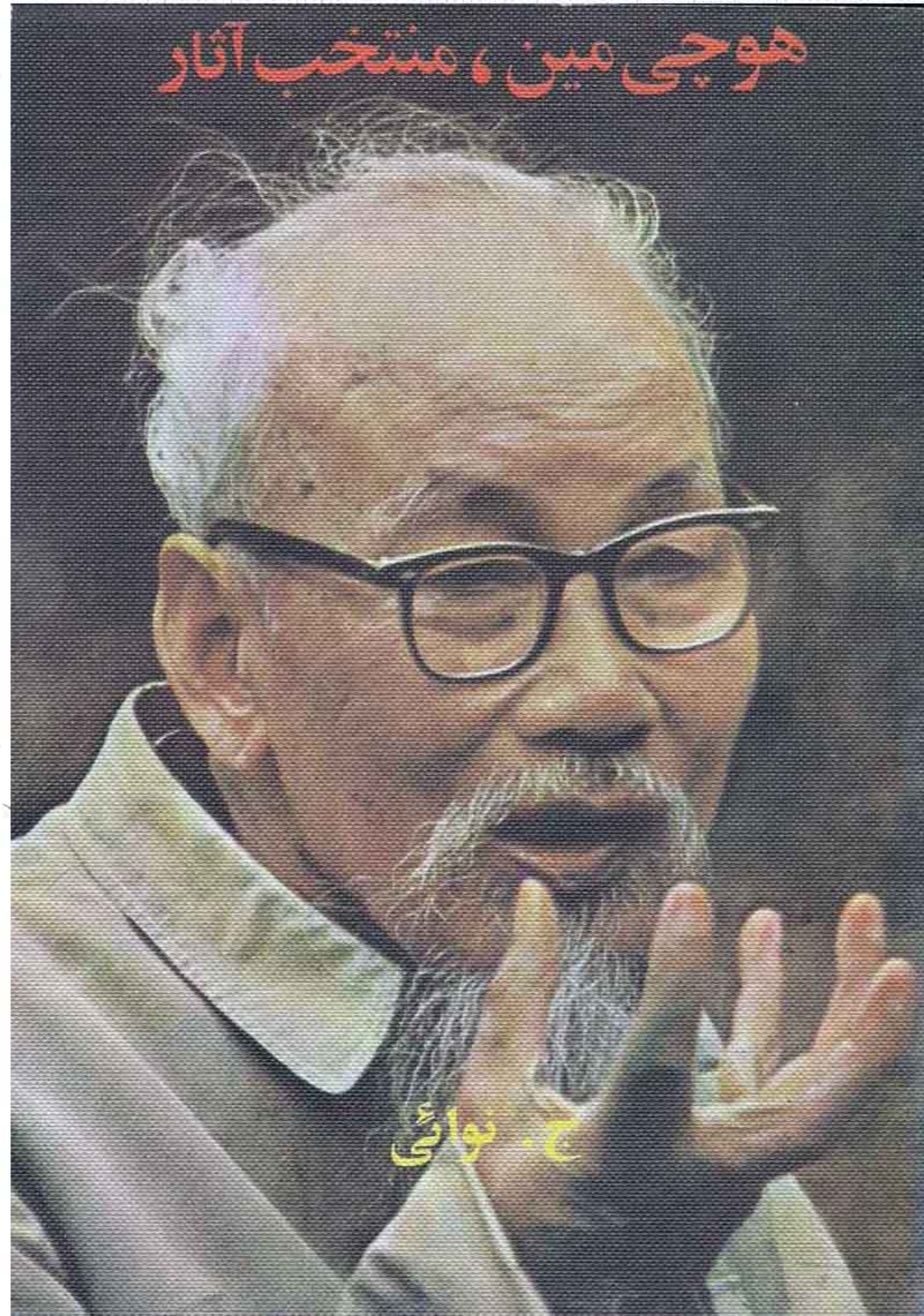

کارگران وزحمتکشان متحد شوید!

برگ سبز ترجمه را به‌تاریخ آفرینان،
میهنم،
کارگران و زحمتکشان
پیشکش می‌کنم.

ج. ن.

انتشارات نگاه

هو چی مین
گزیده آثار (۱۹۶۹ـ۱۹۲۵)
(متن کامل) هانوی، ۱۹۷۷
ترجمهٔ ج. نوائی
چاپ اول، زمستان ۵۹

حق چاپ محفوظ.
نقل، چاپ وافست کردن این اثر بدون اجازهٔ ناشر ومترجم ممنوع است.

طرح جلد از ح کسرائیان

قیمت ۲۸۰ ریال

سخنی از ناشران هانوی

درین مجموعه مهمترین سخنرانیها و نبشته‌های رئیس جمهور **هو چی مین** آمده است که دوره‌یی از سالهای ۱۹۶۹ تا ۱۹۲۰ را در بر می‌گیرد. فراهم ـ آورده‌های این‌کتاب سنگ مرزهای گرانپایه‌یی است که شناخت ودریافت انقلاب **ویت نام** را در تکامل تاریخی وبرهمین‌گونه منظرهای گونه‌گـون آن را ممکن می‌سازد.

اما، خواننده باید آگاه باشد که ترجمهٔ ماچیزی نیست مگر انتقالی بس ناپخته از سبك چالاك، مواج وگاه طنزگونه، ودریك کلام، تقلید ناپذیر رئیس جمهور هو چی مین، که او خود یکی از بلندترین شاخه‌های شجرهٔ نویسندگان وشاعران ویت نامی‌بوده است.

بگذار خواننده به‌یاری قوهٔ تخیل خود این مغاك را بیانبارد.

نشر کده زبانهای‌خارجی
هانوی ۱۹۷۳

رئیس جمهور هو چی مین
(۱۸۹۰ـ۱۹۶۹)

دوستان عزیز، با عرض پوزش لطفاً اغلاط زیر را پیش از خواندن کتاب تصحیح کنید!

	نادرست	درست
دریادداشت مترجم	دوسطر به‌آخر	حواشیها حواشی
ص ۱۲	سطر ۳	نیز زاید است
ص ۱۷	سطر ۱	مجلسی مجلس
ص ۳۱	زیرنویس سطر ۲	دلاور دلار
ص ۹۸	سطر ۱۱	۱ ۳
ص ۲۴۲	سطر ۶	و که
ص ۲۷۶	سطر ۴	جانوار جانور
ص ۲۹۵	سطر ۱۳	درسالهای درسهای
ص ۳۲۱	سطر ۱۲	توفوفیو توفو

ایضاً، در صفحهٔ پایانی کتاب، (اختلافات ما، ومجموعهٔ آثار پلخانف) زیر نظر پرویز بابائی ترجمه می‌شود و نه به‌قلم ایشان.

یادداشت مترجم

گزیدهٔ آثاری که دردست دارید از چاپ سال ۱۹۷۳، **انتشارات زبانهای خارجی، هانوی**، ترجمه شد و از نو با چاپ سال ۱۹۷۷ این اثر ازهمان انتشارات بدقت مقابله گردید تا اگر تغییر وتبدیلات تازه‌یی در کار بود ازقلم نیفتد وهرآنچه که هست نشر وانتقال یابد.

در خصوص ترجمه هیچ سخنی نداریم الا این‌که آنچه در توان وبضاعت معنوی داشتیم برسر حفظ‌بار امانت وبافت‌کار وترجمانی درست سبك و نثر رفیق **هو چی مین** نثارکردیم تا مبادا کژیها یا بیدقتیهای‌آشفته بازار نشر وترجمهٔ امروز، گریبان ما را نیز بگیرد و خجلت و شرمندگی ببار آورد.

پیداست‌که خوانندهٔ تیزبین ونکته‌سنج در نقد وعیار سنجی‌کار، ما را از الطاف و پندآموزیهای رفیقانهٔ خود بی‌نصیب نخواهد گذاشت و به سهم خود در بهبود این کار و ادای دین به‌جنبش انقلابی ایران عزیز دست ما را نیز خواهد گرفت.

درچاپ وپیرایش وغلط‌گیری این اثر، خود را ذمه‌دار محبتها و مساعدت‌ها و احساس مسئوولیت زحمتکشانهٔ سروران کارگر خود در چاپخانهٔ **نقش‌جهان**، خصوصاً **آقا** سید عزیز می‌دانم و بدینوسیله ازیشان صمیمانه سپاسگزارم. از رفیق مصحح، باقر ممقانی، تشکر مخصوص و رفیقانه دارم که در غلط‌گیری متن‌چاپی مرا رهین زحمات و همگامیهای خود ساخت.

لازم به‌یادآوری است که علامت **(و.)** به‌معنای «ویراستارویت‌نامی» است وحواشیها همه ازخامهٔ **ناشران هانوی** تراوش کرده وبقیه را با حرف م، مترجم مرتکب شده‌است!

با درود وسپاسهای مجدد،

ج.ن.

فهرست‌مطالب

بخش‌اول (۱۹۴۵ــ۱۹۲۰)

سخنرانی در کنگرهٔ تور (دسامبر ۱۹۲۰) ۱۵
هندوچین (۱۹۲۱) ۱۸
اعلامیهٔ «اتحادیهٔ بین مستعمرات» (۱۹۲۵ ــ ۱۹۲۱) ۲۵
جنبش مقاومت ضد فرانسه (۱۹۲۶ــ۱۹۲۱) ۲۲
گزارش دربارهٔ مسایل ملی و مستعمراتی،
به‌پنجمین کنگره بین‌الملل کمونیستی (ژوئن‌ــژوییه ۱۹۲۴) ۲۴
لنین و خلقهای مستعمرات (۱۹۲۵) ۳۷
فراخوان بمناسبت تأسیس حزب کمونیست هندوچین،
(۱۸فوریه، ۱۹۳۰) ۳۹
مشی حزب در دورهٔ جبههٔ دموکراتیک (۱۹۳۹ ــ ۱۹۳۶) ۴۲
نامه‌یی از خارج (۶ ژوئن، ۱۹۴۱) ۴۴
رهنمودهای برپایی بریگاد تبلیغ مسلحانه،
برای آزادی ویت‌نام (دسامبر ۱۹۴۴) ۴۷
فراخوان برای قیام عمومی (اوت ۱۹۴۵) ۴۹

بخش دوم (۱۹۵۴ــ۱۹۴۵)

اعلامیهٔ استقلال جمهوری دموکراتیک،
ویت‌نام (۲ سپتامبر، ۱۹۴۵) ۵۳
به‌هم‌میهنان در نام‌بو (۲۶ سپتامبر ۱۹۴۵) ۵۷

به‌کمیته‌های خلق در سراسرکشور (شمال،
جنوب، مرکز) و در تمام سطوح (استان،
بخش و روستا) (اکتبر ۱۹۴۵) ۵۹
فراخواندن مردم به‌مبارزه علیه قحطی (۱۹۴۵) ۶۲
فراخوان برای مبارزه با بیسوادی (اکتبر ۱۹۴۵) ۶۴
پیش از رفتن به‌فرانسه
برای مذاکرات
(۳۱ مه، ۱۹۴۶) ۶۶
فراخوان برای مقاومت سرتاسری (۲۵ دسامبر، ۱۹۴۶) ۶۸
به‌خلق ویت‌نام، مردم فرانسه و
خلقهای کشورهای متفق (۲۱ دسامبر، ۱۹۴۶) ۶۹
انتشار فراخوان شش ماه پس از،
مقاومت (۱۹ ژوئن، ۱۹۴۷) ۷۲
سالگرد تأسیس آرتش رهایی‌بخش،
ویت نام (۲۲ دسامبر، ۱۹۴۷) ۷۵
به‌کنگرهٔ ملی رزمندگان (آوریل، ۱۹۴۸) ۷۷
به‌اجلاس کمیتهٔ مرکزی ویت‌مینه (۲۵آوریل، ۱۹۴۸) ۷۹
فراخوان برای هم‌چشمی میهن‌پرستانه (۱۱ ژوئن، ۱۹۴۸) ۸۲
به‌ششمین کنگرهٔ کادرهای حزب (۱۸ ژانویه، ۱۹۴۹) ۸۴
به‌کادرهای دهقانی (نوامبر، ۱۹۴۹) ۸۷
به‌کنگرهٔ اتحادیهٔ کارگری (۲۳ فوریه، ۱۹۵۰) ۸۹
پاسخ به‌مطبوعات دربارهٔ مداخلهٔ،
ایالات متحد در هندوچین (۲۵ ژوییه، ۱۹۵۰) ۹۰
در پنجمین سالگشت انقلاب اوت،
و روز ملی (۲ دسامبر، ۱۹۵۰) ۹۲
گزارش سیاسی به‌دومین کنگرهٔ ملی،
حزب کارگران ویت نام (فوریه، ۱۹۵۱) ۹۶
درکنگره برای وحدت،
ویت مینه و لین ویت (۳ مارس، ۱۹۵۱) ۱۲۱
به‌هنرمندان بمناسبت،
نمایشگاه نقاشی سال ۱۹۵۱ (۱۵ دسامبر، ۱۹۵۱) ۱۲۴

صرفه‌جویی پیشه‌کنید و با اجتلاس، اتلاف،
و دیوان سالاری بستیزید (۱۹۵۲) ۱۲۵
رهنمودهای داده شده در،
کنفرانس جنگ چریکی (ژوییه ۱۹۵۲) ۱۳۵
پاسخ به‌خبرنگار سوئدی (نوامبر ۱۹۵۳) ۱۴۱
گزارش به‌سومین اجلاس،
اولین مجمع ملی (۱ دسامبر، ۱۹۵۳) ۱۴۳
نامهٔ درودآمیز به‌آرتش، کارگران غیر نظامی،
داوطلبان جوان و مردم در
شمال غربی بمناسبت پیروزی افتخارآفرین،
دین بین فو (۸ مه، ۱۹۵۴) ۱۵۷
گزارش به‌ششمین پله‌نوم کمیتهٔ،
مرکزی حزب کارگران ویت نام (۱۵ ژوییه، ۱۹۵۴) ۱۵۸

بخش سوم (۱۹۶۹ — ۱۹۵۴)

فراخوان بمناسبت هشتمین سالگشت،
درگرفتن جنبش مقاومت سرتاسری (۱۹ دسامبر، ۱۹۵۴) ۱۷۱
نطق پایانی در جبههٔ،
متحد ملی (۱۰ سپتامبر، ۱۹۵۵) ۱۷۲
به‌ملت (۶ ژوییه، ۱۹۵۶) ۱۷۵
در اخلاق انقلابی (۱۹۵۸) ۱۷۸
گزارش دربارهٔ پیش‌نویس،
اصلاحی قانون اساسی (۱۸ دسامبر، ۱۹۵۹) ۱۹۵
سی‌سال فعالیت حزب (۱۹۶۰) ۲۰۸
سخنرانی در نخستین جلسهٔ،
مبارزان فرهنگی (۱۱ فوریه، ۱۹۶۰) ۲۲۲
راهی که مرا به‌لنینیزم،
رهنمون شد (آوریل، ۱۹۶۰) ۲۲۴
سخنرانی افتتاحی در سومین،
کنگرهٔ ملی حزب کارگران،
ویت‌نام (سپتامبر، ۱۹۶۰) ۲۲۷
انقلاب چین و انقلاب،

ویت نام (۱ ژوییه، ۱۹۶۱) ۲۳۵
سخنرانی در پنجمین پله‌نوم،
کمیتهٔ مرکزی حزب کارگران،
ویت‌نام (ژوییه ۱۹۶۱) ۲۳۸
سخنرانی در هفتمین پله‌نوم،
کمیتهٔ مرکزی حزب (آوریل ۱۹۶۲) ۲۴۱
سخنرانی در ششمین اجلاس،
دومین مجمع ملی جمهوری،
دموکراتیک ویت نام (۸ مه، ۱۹۶۳) ۲۴۵
گزارش به
کنفرانس سیاسی ویژه (۲۷ مارس، ۱۹۶۴) ۲۴۸
سخنرانی بمناسبت بیستمین،
سالروز آرتش خلق
ویت‌نام (۲۲ دسامبر ، ۱۹۶۴) ۲۶۴
سخنرانی در دومین اجلاس سومین
مجمع ملی چ. د. و. ن. (۱۵ آوریل، ۱۹۶۵) ۲۶۶
فراخوان بمناسبت ۲۵ ژوییه،
۱۹۶۵ ۲۷۰
فراخواندن هم میهنان و جنگاوران،
سرتاسر کشور (۱۷ ژوییه، ۱۹۶۶) ۲۷۵
گفت و گو با کادرهای منطقه‌یی،
حاضر در کلاس کارآموزی (۱۸ ژانویه، ۱۹۶۷) ۲۷۹
نامه به‌نگویین‌هیوتو، وکیل مدافع (۶مارس، ۱۹۶۷) ۲۹۰
انقلاب کبیر اکتبر راه رهایی را،
به‌روی تمام خلقها گشود (اکتبر ۱۹۶۷) ۲۹۲
شادباشهای سال نو (بهار ۱۹۶۸) ۳۰۲
فراخوان بمناسبت ۲۵ ژوییه،
۱۹۶۸ ۳۰۳
بمناسبت سال تحصیلی جدید (اکتبر ۱۹۶۸) ۳۰۷
فراخواندن ملت (۳ نوامبر، ۱۹۶۸) ۱۳۱۰

تبریکات سال نو (بهار ۱۹۶۹) ۳۱۳
اخلاقیات انقلابی را اعتلاء
بخشید، فردگرایی را یکسر از خود نیز بزدایید
(۳ فوریه، ۱۹۶۹) ۳۱۵
فراخوان بمناسبت ۲۵ ژوییه،
۱۹۶۹ ۳۱۸
وصیتنامه ۳۲۱

بخش اول

(۱۹۲۰ ـ ۱۹۴۵)

سخنرانی در کنگرهٔ تور*[1]

(دسامبر ۱۹۲۵)

رئیس کنگره: «رفیق نمایندهٔ هندوچین، نوبت سخنرانی شماست.»
(کف زدن حضار.)

نمایندهٔ هندوچین:** «امروز من، بعنوان یك سوسیالیست، باغم وافر و اندوه جانکاه به‌اینجا آمدم تا بجای این‌که، بنا به‌میل خود، همراه با شما به‌انقلاب جهانی بپردازم، فریادم را علیه جنایات نفرت‌انگیزی که در زادگاهم صورت می‌گیرد بلندکنم. **(احسن!)**.

«همهٔ شما می‌دانید که سرمایه‌داری فرانسه نیم قرن پیش به‌هندوچین واردشد و بضرب سرنیزه و بنام سرمایه‌داری! میهن ما را تسخیر کرد. ازآن زمان تاکنون نه‌تنها برما بیشرمانه ستم روا شده واز ما بهره‌کشیده‌اند، بل‌که بیرحمانه تحت شکنجه نیز قرار گرفته و مسموم شده‌ایم. (برین واقعیت تأکید می‌ورزم که ما با تریاك، الکل و جز اینها مسموم شده‌ایم.) نمی‌توانم ظرف چند دقیقه ازتمام شرارتهایی که سرمایه‌داران غارتگر در هندوچین مرتکب می‌شوند پرده بردارم. تأدیب‌گاههای بیشمار همیشه از بازداشتیها پرمی‌شود. هر شهروندی که بداشتن عقاید سوسیالیستی مظنون

---

* گزیده‌یی ازمتن دستخط کنگره.(و.)

۱ــ **کنگرهٔ تور: کنگرهٔ ملی حزب سوسیالیست فرانسه** از ۳۰ تا ۲۵ دسامبر سال ۱۹۲۵ در **تور** (Tours) فرانسه برگزارشد. شکاف حزب سوسیالیست‌فرانسه: اکثریت **به‌بین‌الملل سوم** (حزب کمونیست فرانسه) واعضای‌باقی‌مانده **به‌بین‌الملل‌دوم** پیوستند (حزب سوسیالیست فرانسه). درین کنگره، **نگویین آی کیوك** به تأسیس **حزب کمونیست فرانسه** دلبستگی داشت، چه، از دید او «این تنها حزبی است که برای رهایی خلقهای مستعمرات قاطعانه مبارزه می‌کند». بدین‌سان، وی در تأسیس حزب کمونیست فرانسه شرکت جست. نیز نخستین کمونیست ویتنامی بود.

** **نگویین آی کیوك** (Nguyen Ai Quoc)، بعدها با نام رئیس جمهور هو چی مین بلند آوازه شد.

باشد بازداشت می‌گردد و گاه بدون محاکمه چنگال مرگ حنقومش را می‌چسبد. وبرین روال است امر عدالت، چه درآن سرزمین یك قانون برای **آنامی‌ها** (Annamese) * وقانونی دیگر برای حضرات اروپایی یا اشخاصی که تابعیت اروپایی دارند وجود دارد. آنان از همان تأمیناتی برخوردار نیستند که اینان. ما نه‌آزادی قلم، آزادی بیان، آزادی گردهمایی داریم و نه‌آزادی انجمن. ما حق نداریم مانند جهانگردان به‌خارج سفر کنیم یا مهاجرت نماییم. ما در جهل مرکب زندگی می‌کنیم زیرا حق مطالعه و دانش‌اندوزی نداریم. استعمارگران در هندوچین هرقدر که بتوانند ما را با تریاك مسموم و با الکل خرفت‌می‌کنند. هزاران تن **آنامی** به‌ورطهٔ مرگ تدریجی و هزاران تن دیگر به‌محاق کشتارعام کشیده شده‌اند تا از منافعی حراست کنند که از آن آنان نیست.

«رفقا، این‌است رفتاری که بر بیش از بیست میلیون تن **آنامی** اعمال می‌شود، بر نفوسی که نیمی بیش از جمعیت فرانسه است. و با این همه این بزرگواران می‌فرمایند که آنامی‌ها باید تحت‌الحمایهٔ فرانسویان باشند **(کف زدن حضار)**! حزب سوسیالیست باید بهواداری از مردم تحت ستم بطور موثر اقدام کند» **(هلهله.)**

ژان لانگو۲: «من بهواداری ازآنان صحبت کرده‌ام!»

نمایندهٔ هندوچین: «من از آغاز سخنرانیم دیکتاتوری سکوت را تحمیل نموده‌ام... **(خندهٔ حضار.)** حزب باید در تمام مستعمرات برای سوسیالیزم تبلیغ کند. ما در پیوستن حزب سوسیالیست به‌**بین‌الملل سوم** شاهد این قول خواهیم بود که حزب ازین پس به‌مسایل مستعمراتی آن اهمیتی را که شایستهٔ آن است خواهد داد. ما از شنیدن این خبر بسیار خوشنود شدیم که برای **شمال افریقا هیئت نمایندگی ثابتی** گزین شده‌است و بسیار دلشاد خواهیم شد اگر حزب در آیندهٔ نزدیك یکی از اعضایش را برای تحقیق بیدرنگ مسایل مربوطه واین‌که درخصوص آنها چکار باید کرد به‌هندوچین گسیل کند.

یکی ازنمایندگان: «با رفیق **انور پاشا؟**»

نمایندهٔ هندوچین: «سکوت، نمایندگان مجلس!» **(کف‌زدن حضار.)**

رئیس کنگره: «خب، تمام نمایندگان باید سکوت را رعایت کنند،

---

* مراد ویت‌نامیان است که قرنها خود و سرزمینشان بنام **آنام** شهره بود. م.

۲ــ Jean Longuet : یکی ازرهبران جناح راست حزب سوسیالیست فرانسه.

از جمله نمایندگان غیر مجلسی!»

نمایندهٔ هندوچین: «بنام تمام بشریت وبنام همهٔ سوسیالیست‌ها، از هردو جناح چپ وراست، ما به‌شما می‌گوییم: «رفقا، ما را نجات‌دهید!» **(کف‌زدن حضار.)**

رئیس کنگره: «ازابراز احساساتی که نسبت به‌نمایندهٔ هندوچین‌شد او خود می‌تواند دریابد که حزب سوسیالیست سراسر در اعتراض‌به‌جنایات بورژوازی جانب اورا می‌گیرد.»

هندوچین*

خطا است اگر بگوییم که این سرزمین، که در آن بیش از ۲۵ میلیون تن مردم استعمار شده زندگی می‌کنند، اکنون برای انقلاب پخته وبحد بلوغ رسیده است؛ اما حتی خطاآمیزتر این است که بنا به‌ادعای اربابان ما، بگوییم که این سرزمین طالب انقلاب نیست واز رژیم رضایت خاطر دارد. حقیقت این است که خلق هندوچین وسایل آموزش وعمل دراختیار ندارد. آنان نمی‌توانند مطبوعات، میتینگ وانجمن داشته باشند یا به‌سفر بروند. اگر نزد یکی از آنان روزنامه یا گاهنامه‌یی آکنده از عقاید پیشرفته، یا نشریه‌یی ازطبقهٔ کارگر فرانسه یافت شود، جنایتی محرز تلقی می‌شود. الکل وتریاك ونیز نشریاتی به‌هزینهٔ مستعمرات که درخدمت مقامات است، تعهدات تاریك‌اندیشی حکومت را تکمیل می‌کنند. گیوتین وزندانها مابقی کار را انجام می‌دهند.

شاید گمان رود که این گلهٔ انسانی، که از لحاظ روحی وجسمی مسموم شده و به‌اولگام زده‌اند و در آغل محصورش کرده‌اند، مقدراست که تا ابدالاباد در قربانگاه رب‌النوع سرمایه‌داری بسربرد واز زیستن و اندیشیدن دست شوید و در دگرگونی اجتماعی بهیچ‌کاری نیاید. ابداً چنین نیست! **خلق هندوچین نمرده، بل‌که هنوز زنده است وتا ابد زنده خواهدماند.** با وجود مسمومیت منظم توسط سرمایه‌داری مستعمرات، سرـ زندگی وحتی ذره‌یی ازشعور آنان فروکش نکرده است.

توفان طبقهٔ کارگرشوروی، چین انقلابی و هند رزمنده، مسمومیت آنان را برروییده است. حقیقت این است‌که آنان ازطـریق کتابهـا و سخنرانیها آموزش نمی‌بینند، بل‌که بشیوهٔ دگری تعلیم می‌گیرند. رنج

*موجزی ازمقالهٔ نگویین آی کیوك، که در نشریهٔ نقد ونظر شوروی بنام **کمونیست** چاپ شد، ش. ۱۴، سال ۱۹۲۱.

تنگدستی وستم ددمنشانه تنها آموزگاران آنان بشمار می‌رود وتا وقتی که سوسیالیست‌ها در آموزش آنان لاقیـدی نشان دهند، بـورژوازی استعمارگر و بومی(ماندرین)* بدین امر توجه پرکششی مبذول می‌دارد. مردم هندوچین سخت در تلاش پیشرفتند و اگر مجال یابند نشان خواهند داد که شایسته تر از اربابان خود هستند. آنان آنچه را که جوشان‌وغران است در پس نقاب انفعال پنهان می‌کنند وبوقتش بطور سهمناکی غلیان خواهند کرد. این امر برعهدهٔ برگزیدگان است تا فرارسیدن این لحظه‌را شتاب بخشند. استبداد سرمایه‌داری زمینهٔ کار را آماده کرده است: تنهـا کاری که سوسیالیزم باید انجام دهد افشاندن بذرهای رهایی است.

* (Mandarin) = در چین باستان به‌مقام عالـی‌رتبهٔ حکومت چین می‌گفتند. درینجا باید بورژوازی حاکم معنی دهد. م.

علامیهٔ «اتحادیهٔ بین مستعمرات»،
سازمان بومیان در سرتاسر مستعمرات*

برادران سرتاسر مستعمرات! بسال ۱۹۱۴، مقامات حاکمه، که با فاجعهٔ دهشتناکی روبرو شدند، بهشما روی‌آوردند وازهمه طلب کردند تا با ایثار جان وهستی خویش درنجات سرزمین اجدادیی حصه داشته باشید که گفتی از آن خود شما است هرچند که تا آن زمان این نکته تنها به وساطت سلطه‌گری خود را نمایانده بود.

آنان درترغیب شما برادران بهانجام این امر، ازآویختن هرگونه امتیازی در مقابل دیدگانتان غافل نماندند، همان امتیازاتی که مساعی‌شما می‌توانست همراه آورد. اینك، اما، توفان فرونشسته وشما همانگونه‌که بودید هستید، درلوای رژیمی زندگی می‌کنید که برای مردمش دادگاههای ویژه برپاداشته و او را از تمام حقوق که در مرتبه و شأن آدمی‌است نظیر آزادی انجمن و اجتماع، آزادی قلم و نهضت کردن حتی در درون سرزمین‌های خودتان محروم و بی‌نصیب می‌کند. اینها همه در زمینهٔ سیاسی است.

در زمینهٔ اقتصادی، مالیات سرشماری وبیگاری سنگین ونامردمی ومالیات نمك ومسموم شدن ازطریق مصرف اجباری الکل وتریاك در هندوچین ویا وظیفهٔ پاسداری شبانه در **الجزایر** بمنظور حراست ازاموال کوسه‌های مستعمرات جملگی شما را تحت انقیاد نگهداشته است.

برای کاربرابر بهشما کمتر ازهمکاران اروپایتان دستمزد پرداخت می‌شود. در یك کلام، بهشما رؤیت ماه و اختران را وعده کردند. اینك، اما آنچه را که پیش چشم دارید چیزی جز فریب‌واغفال نیست.

برای آزادی شما چه باید کرد؟

* گزیده‌یی ازمقالهٔ **استعمار فرانسه در دادگاه**، که نگویین آی کیوك در حوالی سالهای ۱۹۲۵ ــ ۱۹۲۱ نوشت. (و.)

با کاربرد آن قاعدهٔ **کارل مارکس**، ما بهشما می‌گوییم که رهایی و رستگاری شما تنها با تلاش خودتان حاصل شدنی است.

برای کمك بهشما درانجام این‌وظیفه، **اتحادیهٔ بین مستعمرات** بنیان یافته است.

اتحادیهٔ ما، باهمکاری رفقای فرانسوی که جانب آرمان مـا را می‌گیرند، برآن سراست که تمام بومیانی را که هم‌اینك در فرانسه زندگی می‌کنند گردهم‌آرد.

وسیلهٔ عمل: در تعقیب این اقدام برحق، **اتحادیهٔ بین مستعمرات** عزم کرده است که این مسأله را از طریق وسایل ارتباطی و بهصورت شفاهی (گفت‌وگوها، اجتماعها و با استفاده ازکرسیهای خطابهٔ مجامع‌شوربوساطت دوستان منتخب‌مان) و تمام دیگر وسایل در دسترس در پیشگاه افکـار عمومی مطرح کند.

برادران تحت ستم در کشور مادر (متروپول)! شمـا کـه تـوسط بورژوازی خودی فریب خورده‌اید، بدانید که در فتوحـات اینان در سرزمینهای ما آلت دست شده‌اید؛ و بورژوازی میهن شما که همان مشی ماکیاولی را اعمال می‌کند، **اکنون برآن سر است که از ما برای سرکوب تمام تلاشهای شما بمنظور رهایی خودتان استفاده کند.**

در مقابله با سرمایه‌داری وامپریالیزم منافع ما مشترك است. رفقا، فراخوان **کارل مارکس** را بیاد آورید:

«کارگران جهان، متحد شوید!»

اتحادیهٔ بین‌مستعمرات[۳]

۳ـ **اتحادیهٔ بین مستعمرات:** سازمانی که پیامبردی آی کیوك وانقلابیـون مستعمرات مختلف فرانسه وباکمك **حزت کمونیست فرانسه** بسال ۱۹۲۱ در **پاریس** تأسیس شد.

جنبش مقاومت ضدفرانسه*

وقتی **جنگ کبیر** پایان یافت خلق ویت‌نام بسان دیگر خلقها بابیانیهٔ «سخاوتمندانهٔ» **ویلسن** (Wilson) در خصوص حق خودمختاری خلقها فریب خورد.[۴] گروهی ازویتنامیان، ازجمله من، به**پارلمان فرانسه** و برای تمام هیأتهای نمایندگی در **کنفرانس ورسای** خواست‌هایی را بشرح زیر ارسال کردیم.

خواست‌های خلق ویتنام

از هنگام پیروزی **متفقین**، تمام خلقهای تحت انقیاد به‌دورهٔ حق و عدالت امیدهای والایی بسته‌اند، دوره‌یی که می‌بایست در پی قول و

* گزیده‌یی ازمقاله‌یی که نگویین آی کیوک در سالهای ۲۶ـ۱۹۲۱ نگاشت. (و.)

۴ـ **بیانیهٔ ویلسن**: در آوریل سال ۱۹۱۸، ویلسن رئیس جمهوری وقت **ایالات متحد** برنامهٔ چهارده ماده‌یی «صلح» را بمیان کشید که با استعمال واژگانی‌فریبنده، نظیر خودمختاری، برآن سربود که خلقها را بفریبد ومبارزهٔ انقلابی آنان را به‌کژراه کشد.

پس از **جنگ جهانگیر اول**، کشورهای فاتح: ایالات متحد، **بریتانیا**، فرانسه وشماری ازدیگر کشورها در **ورسای** (فرانسه) گردآمدند وگفتگو را از ۱۸ ژانویه سال ۱۹۱۹ آغاز کردند. چند هیأت نمایندگی ازجانب خلقهای تحت ستم به‌این کنفرانس آمدند تا باستناد اعلامیهٔ ویلسن دعاوی خود را مطرح کنند.

نگویین آی کیوک، ازجانب «گروهی ازمیهن‌پرستان ویتنامی»، که درفرانسه بسرمی‌بردند، فهرستی از **خواست‌های خلق ویتنام** را به‌پارلمان فرانسه و برای تمام هیأتهای نمایندگی در **کنفرانس ورسای** فرستاد.

قرارهای رسمی و صوری درمی‌رسید که قدرتهای مختلف **آنانت*** در مبارزهٔ تمدن علیه **توحش** در مقابل تمام جهان پیش کشیدند.

خلق **امپراتوری آنام** پیشین، که امروز **هندوچین فرانسه** نام گرفته، در حالی‌که تحقق اصل **ملیتها** از طریق بازشناسی موثر حق مقدس خلقها برای خودمختاری را انتظار می‌کشد، به‌حکومتهای **آنانت** بطور اعم و به‌حکومت فرانسه بطور اخص خواست‌های زیر را پیشنهاد می‌کند:

۱. عفو عمومی تمام بازداشتیهای سیاسی ویت‌نامی؛

۲. اصلاح دستگاه قضایی هندوچین با اعطای همان تأمینات قضایی به‌ویت‌نامیان که اروپاییان‌ازآن برخوردارند و توقف‌کامل ومطلق‌محاکمات ویژه‌یی که دستاویز ترور و اعمال ستم علیه صادق‌ترین بخش مردم‌ویت‌نام است؛

۳. آزادی قلم وآزادی عقیده؛

۴. آزادی انجمن و آزادی اجتماع؛

۵. آزادی مهاجرت وسفر به‌خارج؛

۶. آزادی آموزش وخلاقیت درتمام رشته‌های مدارس فنی‌وحرفه‌یی برای بومیان؛

۷. جایگزینی رژیم قوانین بجای رژیم فرامین؛

۸. حضور دایمی هیأت نمایندگی منتخب بومیان درپارلمان فرانسه تا مجلس را ازخواست‌های آنان مطلع‌کند!

برین خواست‌ها، احترام به‌خلقها و احساسات انسانی را می‌افزاییم.

با این‌همه، ما پس ازمدتی انتظار وتحقیق دریافتیم که «دکترین ویلسن» چیزی مگر دروغی بزرگ نبود. رهایی پرولتاریا شرط لازم آزادی ملی است و این‌دو رهایی تنها بوساطت کمونیزم و انقلاب جهانی قابل حصول هست.

* Entente = بلوکی از قدرتهای امپریالیستی که نام خود را از Entente Cordiale (روابط صمیمی) گرفت و در سال ۱۹۰۴ به بریتانیا و فرانسه اطلاق می‌شد. درسالهای جنگ اول امریکا، ژاپن وایتالیا به‌آنانت‌پیوستند.م.

گزارشی دربارهٔ مسایل ملی و مستعمراتی به‌پنجمین کنگرهٔ بین‌الملل کمونیستی*[5]

رفقا، من تنها برآنم که انتقاد رفیق **مانویلسکی**[6] ازسیاست ما درقبال مسألهٔ مستعمرات را کامل کنم. اما پیش ازپرداختن به‌این‌موضوع، گمان کردم تهیهٔ برخی ارقام لازم باشد که به‌ما کمك‌کند تا اهمیت این نکته را بازهم روشنتر مشاهده‌کنیم.

کشورها	کشورهای متروپول		مستعمرات	
	مساحت (به‌کیلو مترمربع)	جمعیت	مساحت (به‌کیلو مترمربع)	جمعیت
بریتانیا	۱۵۱۰۰۰	۴۵۵۰۰۰۰۰	۳۴۹۱۰۰۰۰	۴۰۳۶۰۰۰۰۰
فرانسه	۵۳۶۰۰۰	۳۹۰۰۰۰۰۰	۱۰۳۵۰۰۰۰	۵۵۶۰۰۰۰۰
ایالات متحد	۹۴۳۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۸۵۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰۰
اسپانیا	۵۰۴۵۰۰	۲۰۷۰۰۰۰۰	۳۷۱۶۰۰	۸۵۳۰۰۰
ایتالیا	۲۸۶۶۰۰	۳۸۵۰۰۰۰۰	۱۴۶۰۰۰۰	۱۶۲۳۰۰۰
ژاپن	۴۱۸۰۰۰	۵۷۰۷۰۰۰۰	۲۸۸۰۰۰	۲۱۲۴۹۰۰۰
بلژیك	۲۹۵۰۰	۷۶۴۲۰۰۰	۲۴۰۰۰۰۰	۸۵۰۰۰۰۰
پرتقال	۹۲۰۰۰	۵۵۴۵۰۰۰	۲۰۶۲۰۰۰	۸۷۳۸۰۰۰
هلند	۸۳۰۰۰	۶۷۰۰۰۰۰	۲۰۴۶۰۰۰	۴۸۰۳۰۰۰۰

*مجملی از متن دستخط کنگره (که از ۱۷ ژوئن تا ۸ ژوییه سال ۱۹۲۴ برگزار شد). (و.)

۵ــ **پنجمین کنگرهٔ بین‌الملل کمونیستی:** از ۱۷ ژوئن تا ۸ ژوییه سال ۱۹۲۴ در **مسکو** تشکیل شد. کنگره مبارزات طبقاتی سالهای ۱۹۲۳ تا ۱۹۱۸ را مورد بررسی قرارداد وبه‌بلشویکی کردن احزاب کمونیست جای مهمی اختصاص داد. نگویین آی کیوك درمقام نمایندهٔ **حزب کمونیست فرانسه** ومستعمرات این‌کشور درین کنگره حضور یافت ودرآن نطقی ایراد کرد.

۶ــ Manuilsky (۱۹۵۹ ــ ۱۸۸۳): عضو **دفتر سیاسی کمیتهٔ اجرایی بین‌الملل کمونیستی.** او در خصوص مسایل ملی و مستعمراتی‌به پنجمین کنگره‌گزارشی تقدیم کرد.

بدینسان، نه کشور با جمعیتی برابر بـا ۳۲۰۶۵۷۰۰۰تن و مجموع مناطقی به‌مساحت ۱۱۴۰۷۰۰۰ کیلومترمربع، ازمستعمراتی‌با۵۶۰۱۹۳۰۰۰۰ تن جمعیت ومساحتی که سربه ۵۵۶۳۷۰۰۰ کیلومتر مربع می‌زند بهره می‌کشند. مجموع مناطق مستعمرات پنج برابر مساحت کشورهای متروپول است و کل جمعیت اینان کمتر از سه پنجم جمعیت مستعمرات.

حال اگر بزرگترین کشورهای امپریالیستی را بطور جداگانه‌بحساب آوریم، ارقام پیش گفته چشمگیرتر از اینها می‌شود. مستعمرات بریتانیا در مجموع هشت ونیم برابر پرجمعیت‌تر وحدود ۲۵۲ برابر بزرگتر ازآن کشور است. فرانسه مناطقی را تحت اشغال دارد که ۱۹ برابر بزرگتر از سرزمین خود آن است. جمعیت مستعمرات فرانسه ۱۶۶۰۰۰۰۰ تن بیشتراز جمعیت این‌کشوراست.

بدینسان، جای اغراق نیست اگر بگوییم که تا وقتی‌احزاب‌کمونیست فرانسه و بریتانیا درقبال این مستعمرات سیاست فعال راستینی اتخاذنکنند وبا خلقهای مستعمرات تماس حاصل ننمایند برنامه‌های گستردهٔ آنان‌بی‌اثر باقی خواهد ماند وعلت این امر نیز درآن است که آنان راهی برخلاف لنینیزم اختیار کرده‌اند. رخصت دهید مرادم را شرح‌کنم. رفیق **استالین،** در سخنرانی خود در بارهٔ لنین ومسألهٔ ملی گفت که رفرمیست‌ها (اصلاح طلبان) ورهبران **بین‌الملل دوم** جرأت نکردند که مسألهٔ سفیدان‌ورنگین پوستان‌را درهمان زمینه‌یی مطرح کنند که لنین این نابرابری را رد کرده بود وآن سدی را درهم فروریخته بود که بردگان متمدن‌امپریالیزم را از بردگان نامتمدن جدا می‌کرد.

بنابرگفتهٔ لنین، پیروزی انقلاب در **اروپای غربی** برارتباط‌تنگاتنگ آن با جنبش رهایی‌بخش ملی علیه امپریالیزم در مستعمرات وکشورهای وابسته اتکاء دارد؛ و مسألهٔ ملی، آنسان که لنین به‌ما آموخت، بخشی از مسألهٔ کلی انقلاب پرولتری ودیکتاتوری پرولتاریا را شکل می‌بخشد.

بعدها، رفیق استالین این دیدگاه ضد انقلابی را محکوم کرد که برآن بود پرولتاریای اروپا بدون اتحادی مستقیم با جنبش رهایی‌بخش‌در مستعمرات می‌تواند ظفرنوز شود.

درهرحال، اگرما اساس ارزیابی تئوریکی خود را برواقعیتها قرار دهیم، حق خواهیم داشت که بگوییم احزاب عمدهٔ پرولتری، سوای حزب شوروی، همچنان ازدیدگاه پیش‌گفته پیروی می‌کنند زیرا درین زمینه هیچ‌کاری انجام نمی‌دهند.

بورژوازی در کشورهای استعمارگر از برای این‌که توده‌های مستعمرات را زیر حاکمیت ستمکار خویش نگهدارد چه‌کار انجام داده است؟ هیچ‌کار. بجای این‌که ازتمام وسایلی که ماشین دولتی آنان در اختیارشان گذاشته است بهره بجوید، تبلیغات گسترده‌یی راه انداخته است. اینان کله‌های مردم کشورهای متروپول را ازطریق نطقها، فیلمها، روزنامه‌ها ونمایشگاهها با افکار وعقاید استعماری انباشته‌اند ــ تا تنها مسایل مهم را بخورد آنها دهند ــ وبدینسان درمقابل دیدگان آنان تصاویری اززندگی راحت، شرافتمندانه وپرمایه‌یی را می‌آویزند که‌بشارت می‌دهد درمستعمرات انتظار آنان را می‌کشد.

درمورد احزاب کمونیستما در بریتانیا، هلند، بلژیك و دیگر کشورهایی که بورژوازی آنان بر مستعمرات تاخته است، چه اقدامی انجام داده‌اند؟ اینان از روزی که تزهای لنین را گردکردند تا به‌پرولتاریای کشورهای خویش برپایهٔ انترناسیونالیزم راستین پرولتری وتماس تنگاتنگ با توده‌های رنجبر در مستعمرات تعلیم دهند چه‌کار کرده‌اند؟ آنچه که احزاب ما درین زمینه انجام داده‌اند تقریباً هیچ وپوچ است. من که خود در مستعمرهٔ فرانسه زاده شدم وعضوی از حزب کمونیست فرانسه هستم، متأسفم ازین‌که می‌گویم حزب ما برای مستعمرات کارچندانی انجام نداده است.

این وظیفهٔ مطبوعات کمونیستی است که رزمندگان ما را با مسایل مستعمراتی آشنا کند وتوده‌های زحمتکش را در مستعمرات بیدار نماید و نظرآنان را نسبت به‌کمونیزم برانگیزد، اما، ما درین قلمرو چه‌کارکرده‌ایم؟ ابداً هیچ‌کار.

اگر ما جایی را که روزنامه‌های بورژوایی نظیر Le Temps, Le Figaro یا L' Oeuver یا نشریاتی با گرایش‌های دیگر مانند Le Populaire یا La Liberté به‌مسایل مستعمراتی اختصاص می‌دهند با مکانی که برای همین امر L' Humanite ارگان مرکزی حزب ما، به‌خود تخصیص می‌دهد مقایسه کنیم، باید بگوییم که این قیاس بنفع ما تمام نمی‌شود.

وزارت مستعمرات برای دگرگونی بسا مناطق افریقا به‌کشتزارهای خصوصی بزرگ و برده نمودن واقعی مردم این نواحی و وابسته‌کردن آنان به‌زمینداران تازه طرحی درانداخته است؛ وهنوز روزنامه‌های ما درسکوت مطلق باقی مانده‌اند. در مستعمرات **افریقای غربی** فرانسه اقدامات‌بیسابقه‌یی

انجام می‌شود که مردم را بزور وارد آرتش کنند وهنوز نشریات ما عکس‌العمل نشان نداده‌اند. مقامات استعمارگر درهندوچین مانندسوداگران برده عمل کرده‌اند واهالی **تونکین** (Tonkinese) را درکرانهٔ جزایر **اقیانوس آرام** به‌صاحبان کشتزارها می‌فروشند؛ ومدت خدمت نظامی بومیان را از دو به‌چهار سال افزایش داده‌اند؛ و بخش پهناوری از زمینهای مستعمره را به‌کوسه‌های سرمایه‌داری مالی واگذار می‌کنند؛ و سی درصد دیگر بر مالیاتهایی افزودند که پرداخت آنها از توان بومیان خارج بوده است. و تمام این اقدامات در حالی صورت می‌گیرد که مردم به‌ورطهٔ ورشکستگی فرو می‌غلتیدند و در اثر سیلها از گرسنگی‌قالب‌تهی می‌کنند. و باز هنوز، روزنامه‌های ما سکوت اختیار کرده‌اند. جای تعجب نیست که بومیان به‌سازمانهای لیبرال دموکراتی نظیر Ligue des droits de L'homme * و دیگر تشکیلات مشابهی روی می‌آورند که ازآنان مراقبت می‌کنند یا به‌این کار تظاهر می‌نمایند.

اگر قدری فراتر رویم، مسایل باور نکردنی را می‌بینیم که مبتنی است برین که حزب ما از کنار تمام مسایلی که مربوط به‌مستعمرات است بی‌توجه رد می‌شود. مثلاً، **اومانیته** (ارگان حزب کمونیست فرانسه. م) فراخوان **بین‌الملل دهقانان** از خلقهای مستعمرات را که‌**بین‌الملل کمونیستی** برای انتشار به‌آن روزنامه **فرستاد** چاپ نکرد.

پیش ازکنفرانس **لیون**[۷]، اومانیته تمام تزها، الا تزهای مربوط به‌مسألهٔ مستعمراتی را چاپ کرد. این روزنامه درباب پیروزیهایی که توسط **سیکی** Siki مشت‌زن **سنگالی** حاصل شده است چندین و چند مقاله درج کرده، اما وقتی که بارانداران، یعنی همکاران سیکی‌مشت‌زن، دربندر **داکار** درحین‌کار بازداشت ودرون کامیونها انداخته شدند وبه زندان وسپس به‌پادگانها برده شدند تا بزور لباس نظامی بتن‌کنند و «پاسداران تمدن» شوند، این روزنامه صدایش بلند نشد. ارگان حزب‌ما اخبارکارهای برجستهٔ خلبان **اوزی**، را، که از پاریس به هندوچین پرواز کرد هرروز به‌اطلاع خوانندگانش رساند. لیکن وقتی که دستگاه اداری مستعمرات، خلق «آنام اصیل» را غارت می‌کند و زمینهای آنان را بسود

* مجمع حقوق بشر.

۷ــ **کنگرهٔ لیون**: سومین کنگرهٔ ملی حزب کمونیست فرانسه که در ژانویهٔ سال ۱۹۲۴ در لیون برگزار شد. موضوع عمدهٔ دستورکار: مبارزه برای یك‌پارچه کردن حزب از لحاظ تشکیلاتی و ایده‌ئولوژیکی بود.

سفته بازان فرانسوی غصب می‌نماید وجنگنده‌ها را گسیل می‌دارد تابومیانی را که بیرحمانه چپاول شده‌اند ازمقاومت بی‌ثمر بازبدارد، ارگان ما لازم نمی‌بیند که‌این واقعیتها را به‌آگاهی خوانندگان خود برساند.

رفقا، بورژوازی فرانسه، ازطریق مطبوعاتش نیك واقف است که مسایل ملی و مستعمراتی نمی‌تواند ازیکدیگر جدا باشد. به‌اعتقاد من، اما، حزب ما این نکته را بتمام و کمال درك نکرده است. درس حادثهٔ **روهر** (Ruhr) ، کـه سربازان مستعمراتی برای «خاموش‌کـردن» کارگران گرسنهٔ آلمانی گسیل شده بودند وهنگهای مظنون فرانسوی را محاصره کرده بودند؛ شاهد مثال **آرتش اورین** که درآن به‌نیروهای مستعمراتی مسلسل داده شد تا «روحیهٔ» سربازان فرانسوی را که در اثر جنگ‌بی‌امان ودرازمدت رنگ باخته بود ازنو تقویت کنند؛ رخدادهای سال ۱۹۱۷ در نقاطی از فرانسه که سربازان روسی در آن مستقرشده بودند۸؛درس‌اعتصاب کارگران کشاورزی در **پیرینه** که طی آن سربازان فرانسوی مجبورشدند نقش شرم‌آور خائنان به‌اعتصاب را بازی کنند؛ وسرانجام حضور۲۰۷۰۰۰ تن سرباز مستعمراتی در فرانسه‌ـ تمام این واقعیتها حزب ما را به‌اندیشه و درك ضرورت این نکته وانداشته است‌که در خصوص مسایل مستعمرات سیاستی روشن واستوار پیش گیرد. حزب برای آوازه‌گری (پروپاگاند) بسا مجالهای بهجت‌اثر را ازدست داده است. ارگانهای عمدهٔ نوخاستهٔ‌حزب درین زمینه به‌حالت انفعالی آن اعتراف کرده‌اند. این نشانهٔ میمونـی است، زیرا وقتی رهبران حزب این نقطهٔ ضعف را در سیاست حزب درك کرده وبازشناخته باشند، این امید بوجود می‌آید که حزب هرآنچه راکه درتوان دارد انجام دهد تا این اشتباهات مرتفع گردد. من سخت برآنم که این کنگره نقطهٔ چرخشی خواهد بود وحزب را واخواهد داشت‌که کاستیهای گذشتهٔ خود را اصلاح کند. هرچند رفیق مانویلسکی در بیانات خود در خصوص انتخابات در الجزایر کاملا برحق بود، اما، برای این که

۸ـ **رخدادهای سال ۱۹۱۷ در پادگانهای روسی درفرانسه:** طی جنگ جهانگیر اول، حکومت تزاری برای جنگیدن باآلمانی‌ها سپاهیان روسی را به‌فرانسه اعزام کرد. درسال ۱۹۱۷، این سربازان ازجنگیدن برای منافع بورژوازی تن زدند و شوراها را برپا کردند وبازگشت به‌میهن خویش را خواستار شدند. حکومت فرانسه ازترس این‌که مبادا نگرشهای انقلابی درمیان سربازانش رواج یابد سربازان روسی را از مواضعشان عقب کشید و آنان را در اردوگاههای کاراجباری‌که باسیم‌خاردار محصور بود وسربازان مستعمراتی درآن پاس می‌دادند به‌بند وزندان کشید.

عینی‌تر داوری کنیم، بایدم گفت که حزب ما درواقع مجال درخوری را اینجا ازدست داد، بااین‌همه با تعیین نامزدهای مستعمراتی در انتخابات برای ادارهٔ **سن** خطای خود را جبران کرده است. این‌کار والایی نیست اما درآغاز راه موثر می‌افتد.

سخت دلشادم که می‌بینم حزب ما از نو از بهترین نیات و شور و حرارت الهام می‌گیرد ـ چیزی‌که برای ما تازه است ـ ودیگر این‌که حزب تنها به‌ترجمانی تمام این‌نکات در اقدامات عملی نیاز دارد تا درباب مسألهٔ مستعمرات به‌سیاست درستی نایل آید.

کدام اقدام عملی؟ آنچه که تاکنون انجام شده است کافی نیست، که مثلا تزهای درازی طرح‌ریزی گردد و قطعنامه‌های پرطنینی از دستور بگذرد که پس ازکنگره همه به‌موزه‌ها ارسال شود. آنچه ما لازم داریم اقدامات مشخص است. من اقدامات زیر را پیشنهاد می‌کنم:

۱. درج مقاله‌های منظم دربارهٔ مسایل مستعمراتی در **اومانیته** (دست کم دوستون درهرهفته)؛

۲. افزایش دامنهٔ تبلیغات و عضوگیری حزبی از میان بومیان سرزمین‌های مستعمره که **بین‌الملل کمونیستی** در آنها شاخه زده است؛

۳. اعزام‌رفقا ازکشورهای‌مستعمره برای مطالعه به‌**دانشگاه‌زحمتکشان شرقی*** در مسکو؛

۴. رسیدن به‌توافق با **کنفدراسیون عمومی متحد کارگری**۹ بمنظور سازماندهی زحمتکشان کشورهای مستعمره‌یی که درفرانسه کارمی‌کنند؛

۵. ایجاد وظیفه برای اعضای حزب که نسبت به‌مسایل مستعمراتی توجه بیشتری مبذول کنند.

به‌اعتقاد من این پیشنهادات، منطقی است و اگر **بین‌الملل کمونیستی** و نمایندگان حزب ما برآنها صحه گذارند، هیأت نمایندگی ما درکنگرهٔ آینده توان‌آن خواهد داشت‌که اذعان‌کند جبههٔ متحد خلق فرانسه‌وخلقهای مستعمرات صورت واقعیت به‌خود گرفته‌اند.

---

* Easter Toilers' University

۹ ـ Confederation generale des travailleurs Unitaire
فدراسیونی از اتحادیه‌های کارگری فرانسه که به‌همت اتحادیه‌های کارگری انقلابی تأسیس شد و از سال ۱۹۲۲ فعال بود. ك ع م ك (یا C. G. T. U) برای برقراری وحدت اتحادیهٔ کارگری و دفاع از منافع حیاتی پرولتاریا با تمام توان کارکرد و در مبارزه علیه فاشیزم و جنگ از حزب کمونیست فرانسه پشتیبانی نمود.

رفقا، ما بعنوان پیروان لنین باید تمام نیروها و انرژی‌های خود را برروی مسألهٔ مستعمرات ونیز تمام دیگر مسایل متمرکز کنیم تـا آموزشهای گرانقدر او اجرا شود.

رفیق داگلس (یکی از نمایندگان انگلیس)...

رفیق سمران...

رفیق نگویین آی کیوك:

مستعمرات فرانسه منطقه‌یی بوسعت ۱۰۲۴۱۵۱۰ کیلومترمربع‌راشغال می‌کند با ۵۵۵۷۱۰۰۰ تن سکنه وتمام این منطقهٔ پهناور در چهارقاره گسترده است. بررغم اختلافاتی در زمینهٔ نژادی، اقلیمی، عرف، سنت و تکامل اقتصادی واجتماعی، دونکته وجود دارد که می‌تواند به‌وحدت‌آنان در مبارزه بیانجامد:

۱. موقع اقتصادی: درتمام مستعمرات فرانسه، صنعت وتجارت‌پیشرفت چندانی نداشته و اکثریت جمعیت بکار کشاورزی مشغولند. نودونه درصد مردم دهقانند.

۲. درتمام مستعمرات، خلقهای بومی بطورپیوسته توسط سرمایـهٔ امپریالیستی فرانسه استعمار می‌شوند.

من وقت کافی ندارم که ازوضع وموقع دهقانان در هر مستعمره تحلیلی کامل بدست دهم. بنابرین، تنها از چند شاهد مثال بهره‌می‌جویم تا اززندگی دهقانان درمستعمرات زمینه‌یی ارایه کنم.

ازمیهنم، هندوچین آغاز می‌کنم که بطبع آن را بهتر می‌شناسم.

طی فتوحات فرانسویان، عملیات نظامی، دهقانان را از آبادیهایشان تاراند. وقتی آنان بازگشتند زمینهای خویش را دراشغال استعمارگرانی یافتند که از سرمشق سربازان اشغالگر پیروی کرده بودند وزمینهایی‌را که دهقانان بومی طی نسلها کشت و برداشت کرده بودند، میان خودتقسیم نموده بودند. برین روال، دهقانان ما، سرف شدند و مجبور گردیدند برای اربابان خارجی زمینهای خود را کشت کنند.

بسی ازین مردم بخت برگشته که نمی‌توانستند شرایط بی‌امانی را تحمل کنند که اشغالگران برآنان تحمیل می‌کردند، زمینهای خود را رها کردند وآوارهٔ کشور شدند. آنان را «راهزن»می‌خواندندوفرانسویان تعقیبشان می‌کردند.

زمینهایی که برین شیوه غصب شد به‌مستعمره‌نشینان تخصیص‌یافت و کافی بود که اینان کلمه‌یی برزبان مبارك آورند تا گاه امتیاز واگذاری

بیش از ۲۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ هکتار زمین را کسب کنند.

این مستعمره نشینان نه‌تنها بدون پرداخت یك پاپاسی زمینها رااشغال کردند بل هرآنچه را که برای بهره‌کشی آنان لازم بود، ازجمله نیروی انسانی را نیز بدست آوردند. دستگاه، زندانیان را بدون پرداخت‌دستمزدی گسیل می‌کرد تا برای آنان کارکنند یا به‌روستاییان امر می‌کرد که‌نیروی انسانی آنان را تأمین نمایند.

گذشته ازین دستگاه گرگ‌صفت، باید به‌نقش **کلیسا** نیز اشاره‌کرد. **هیأت کاتولیکی** تنها یك‌ربع از منطقهٔ **زیرکشت** را در **کـوچین‌چین (Cochin china)** تصـرف کـرد. کلیسا برای این کـه برین زمین‌ها چنگ اندازد ازشیوه‌های غیرقابل تصوری بهره می‌جست: رشوه، دغلبازی و اعمال زور. چند شاهد مثال می‌آورم. **هیأت مذهبی** بمنظور این که از کمبود محصول بهره‌برداری کند به‌دهقانان وام می‌داد ودرقبـال وام شالیزار آنان را بعنوان وثیقه گرو می‌گرفت. نرخ بهره‌ها بالا بود و دهقانان توان پرداخت دیون خود را نداشتند و زمینهای گرویی آنان به‌تصاحب **هیأت مذهبی** درمی‌آمد. کلیسا با بهره‌جویی ازانواع شیوه‌های زیر جلی موفق شد که براسناد مخفیی دست یابد که حیثیت مقامات را بباد می‌داد، آنگاه ازین اسناد درگرفتن حق سکوت بهره می‌برد و بدین وسیله آنچه را که مطالبه می‌کرد بدست می‌آورد.* از کرامات دیگراینان یکی هم این بود که دربهره‌برداری ازکشتزارهایی که برایگان نصیـب بازرگانان بزرگ شده بود وآن زمینهایی که از دهقانان بیغما رفته بود با آنان شریك و انباز می‌شدند. چاکران کاسه‌لیس **کلیسا** در حکـومت مستعمرات مقامات عالی داشتند. کلیسا در چیدن پشم گلهٔ**خود همانقدر بیرحمانه عمل می‌کرد که مستعمره‌نشینان چنین می‌نمودند. یکی دیگراز ترفندهای هیأت کذا این بود که تهی‌دستان را باحیای زمینهای بایر وامی‌داشت با این‌قول و قرارها که زمینها به‌آنان تخصیص خواهد یافت. اما بمحض این‌که محصولات برای درو آماده می‌گشت، هیأت‌مذکور مدعی مالکیت زمینها می‌شد و مردمی را که برای بارآوری زمینها زحمت‌کشیده بودند ازروی زمینها می‌راند. دهقانان ما، که توسط «حامیان» خـود

* درواقع اینان نیز بسان همهٔ همپالگیهای خود ازین «قاعدهٔ زرین» پیروی می‌کردند و می‌کنند: «دلاور در مغز و خدا در قلب.»م.

** اشاره به‌روایت مسیح در انجیل است که خلایق را گله وروح‌القدس را شبان می‌نامید. م.

(مذهبی یا غیره) غارت می‌شدند حتی بهنگام کار در قطعه‌های کوچك باقی ماندهٔ زمین خویش آسایش نداشتند. دفتر ثبت زمین درنتایج ممیزی نقشهٔ زمینها را تحریف می‌کرد تا ازین گذر دهقانان را به‌پرداخت مالیات افزونتری وا بدارد. میزان اینگونه مالیات هرسال سنگینتر می‌شد. اخیراً، پس ازین که هزاران هکتار زمین متعلق به‌کوه‌نشینان آنامی به سفته‌بازان واگذار شد، مقامات، جنگنده‌ها را در جهت پرواز برفراز این مناطق اعزام کردند تا غارت‌شدگان حتی جرأت نکنند سربشورش‌بردارند.

اگر دهقانان غارت شده وخانه‌خراب وارنده ازهرجا ازنوکمری راست می‌کردند وزمین بکری را احیا می‌نمودند، هروقت که زمین زیر کشت می‌رفت سروکلهٔ مأموران دستگاه پیدا می‌شد، زمین را غصب می‌کردند و دهقانان را مجبور می‌نمودند که آن را به‌قیمتی بخرند که مقامات تعیین می‌کردند. آنان که توان پرداخت قیمت زمین را نداشتند بیرحمانه رانده می‌شدند.

سال گذشته، کشور در اثر جاری شدن سیل ویران شد؛ با این حال مالیات برشالیزار ۳۰درصد افزایش یافت.

دهقانان ما، افزون‌برین‌گونه مالیاتهای نابحق که آنان را به‌روز سیاه نشانده است باز ناگزیرند بسی تحمیلات دیگرراتحمل کنند: بیگاری، مالیات سرشماری، مالیات نمك، اجبار در خریدن قرضه‌های حکومت و اجبار در پرداخت سهم درگردآوری اعانات و جز اینها.

سرمایه‌داران فرانسوی در الجزایر، **تونس** و **مراکش** همین سیاست چپاول و بهره‌کشی را پی می‌گیرند. تمام زمینهای خوب آبیاری شده در تصرف استعمارگران است. بومیان به‌مناطق کوه‌پایه یا نقاط لم‌یزرع تارانده می‌شوند. شرکتهای بازرگانی، سوداگران و مأموران عالیجاه زمینهای این مستعمرات را میان خود بخش می‌کنند.

در سال ۱۹۱۴، بانکها در الجزایر و تونس، از طریق عملیات مستقیم و غیر مستقیم از سرمایه‌یی برابر با ۲۵ میلیون فرانك، مبلغی معادل ۱۲٫۲۵۸٫۰۰۰ فرانك سود بجیب زدند.

بانك مراکش با سرمایهٔ ۱۵۴۰۰۰۰۰ فرانکی خود، در سال ۱۹۲۱، ۱۷۵۳۰۰۰ فرانك سود برد.

شرکت فرانسوی ــ مراکشی ۳۲۴۰۰۰ هکتار از بهترین زمینها را در مستعمره غصب کرده است.

شرکت الجزایری یك صد هزار هکتار زمین را تصرف نموده‌است.

به‌شرکتی خصوصی، ۵۰۰۰۰ هکتار از جنگلزار را اعطاء کرده‌اند و **شرکت کابزر فسفات و خط آهن** ۵۰۰۰۰ هکتار زمین با ذخایر غنی را غصب کرده است و بعلاوه حق تقدم آن برپیش‌از ۲۰۰۰۰ هکتار زمین‌های مجاور محل محفوظ بوده است.

یکی از نمایندگان سابق فرانسه ۱۱۲۵ هکتار زمین با ذخایر غنی کانی را تصرف کرده است‌که این زمین ۱۰ میلیون فرانك قیمت دارد و سالانه چهار میلیون فرانك عایدی تولید می‌کند. بومیان، یعنی صاحبان اصلی این معادن هر سال از هر هکتار یك سنتیم (۱٫۱۰۰ صدم فرانك) دریافت می‌کنند.

سیاست مستعمراتی فرانسه مالکیت خصوصی را جایگزین مالکیت جمعی کرده است. نیز ملکهای کوچك را بسود کشتزارهای بزرگ ملغی نموده است. این مشی نابکارانه از دهقانان مستعمرات بیش از ۵ میلیون هکتار از بهترین زمینهای آنان را غارت کرده است.

در راستای ۱۵ سال، ۱۹۲۰۹۰ هکتار زمین از دهقانان **کابای‌لیا** (Kabylia) سلب مالکیت شد.

از سال ۱۹۱۳ به‌این‌سوی، هر سال از دهقانان مراکشی۱۲۵۰۰ هکتار زمین زیر کشت خلع ید شده است. از وقتی فرانسه در جنگ‌پیروز شد. «جنگی که برای عدالت درگرفت» رقم یاد شده به۱۴۵۴۰هکتارزمین سرزده است.

هم‌اکنون، در مغرب، ۱۰۷۰ تن فرانسوی ۵۰۰۰۰۰ هکتار زمین در تصرف خود دارند.

دهقانان افریقایی، بسان برادران آنامی خود زندگی سخت طاقت‌سوزی رامی‌گذرانند و دستخوش بیگاری و پرداخت مالیاتهای سنگین هستند. سیه‌روزی و رنج و عذاب آنان در توصیف نمی‌گنجد. آنان در اثر خوردن گیاهان وحشی و دانه‌های آلوده طعمهٔ تب تیفوییید و سل می‌شوند. دیده شده است که دهقانان حتی در سالهای برداشت‌مناسب محصول، توده‌های زباله را می‌کاوند و بر سر خرده‌های خوراك باسگها درگیر می‌گردند. در سالهای خشکسالی مزارع و جاده‌ها با نعشها انباشته می‌شود.

زندگی دهقانان در افریقای غربی و **افریقای استوایی فرانسه** بسا دهشتبارتر ازینها است. این مستعمرات در دست ۴۰ شرکت قراردارد. اینان همه‌چیز را کنترل می‌کنند: زمین، منابع طبیعی و حتی زندگانی

بومیان؛ و بومیان حتی حق کارکردن برای خود را ندارند. آنان درتمام اوقات مجبور می‌گردند که تنها و تنها برای شرکتها کار کنند. شرکتها برای این که دهقانان را مجبور کنند که برای هیچ و پوچ کارنمایند از وسایل فشار تصورناپذیری بهره می‌جویند. تمام زمینها و مزارع مصادره می‌شود. تنها کسانی که با کشت و کار مورد نیاز شرکتها موافقت کنند اجازه می‌یابند که برخی قطعه‌های کوچك زمین را در اختیار گیرند. مردم در معرض انواع بیماریهای ناشی از سوء تغذیه قرار دارند و میزان مرگ و میر، بویژه در میان خردسالان بسا بالا است.

شیوهٔ دیگر اینان این است که اشخاص سالدار، زنان و خردسالان را گروگان می‌گیرند. آنان را در کلبه‌های شلوغ محبوس می‌کنند، باآنان بدرفتاری می‌نمایند، کتکشان می‌زنند و گرسنه نگهشان می‌دارند و گاه حتی آنان را بقتل می‌رسانند. در برخی محلات شمار گروگانها با کارگران برابری می‌کند و علت این امر آن است که کارگران را از فرار از محل خود نومید کنند و امیدشان را به‌یأس تبدیل نمایند. بومیان پیش از اتمام کار در کشتزارها حق ندارند زمینهای خویش را کشت کنند. از همین روی قحط و غلاها و بیماریهای مسری‌در مستعمرات سخت متداول و رایج است.

قبایلی‌چند که از شر بهره‌کشی مستعمره‌نشینان به‌جنگلزار گریخته‌اند، بسان حیوانات زندگی می‌کنند، از ریشه‌ها و برگها تغذیه می‌کنند و در اثر ابتلا به‌بیماری مالاریا و آب و هوای ناسالم قالب تهی می‌نمایند. در همین حال و روز اربابان سفیدپوست، مزارع و روستاهای آنان را بخرابی و ویرانی می‌کشند. اینجا گزیده‌یی از یادداشتهای روزانهٔافسری را نقل می‌کنم که از شیوه‌یی که دهقانان مستعمرات سرکوب می‌شوند توصیفی روشن، موجز و مخوف ارایه می‌کنند:

«یورش به‌روستای **کولووان** (Kolowan)

«**یورش به‌قبیلهٔ فان** در **کونو** (Cuno) آبادی‌ها و باغها ویران شد.

«حمله به **بکامیز** (Bekamis) . روستا در آتش سوخت؛ ۳۰۰۰ نهال درخت موز قطع شد.

«یورش به‌دهکدهٔ **کویا** (Kua) .دهکده ویران شد. کشتزارها با خاك یکسان شد.

«حمله به‌روستای **اسام‌فامی** (Esamfami) .روستا ویران شد. تمام

آبادیهای امتداد رود بوم به‌آتش کشیده شد.»

همین اسلوب غارت، انهدام و ویرانی در مناطق افریقایی تحت حاکمیت ایتالیائیها، اسپانیائیها، انگلیسیان و پرتقالیان رایج است.

در **کنگوی** بلژیك، شمار جمعیت از ۲۵ میلیون تن در سال ۱۸۹۱ به ۸ر۵ میلیون تن به‌سال ۱۹۱۱ نزول کرد. قبایل هررو (Herero) و **کامارد** (Camard) در مستعمرات پیشین آلمان در افریقا سربه‌سر از میان رفتند: ۸۰۰۰۰ تن تحت حاکمیت‌آلمانیان و ۱۵۰۰۰ تن طی اقدامات «آرام سازی» در سال ۱۹۱۴ کشته شدند. جمعیت کنگوی‌فرانسه در سال ۱۸۹۴، ۲۰۰۰۰ تن بود. امادر سال ۱۹۱۱ تنها ۹۷۰۰ تن ازین انسانها زنده بودند. در یك منطقه در سال ۱۹۱۰، ۱۰۰۰۰ تن‌سکنه‌زندگی می‌کرد. هشت سال بعد تنها ۱۰۸۰ تن باقی مانده بودند. در منطقهٔ دیگر با ۴۰۰۰۰ تن سکنهٔ سیاه‌پوست، ۲۰۰۰۰ تن از آنان طی دو سال کشته شدند و شش ماه پس از آن ۶۰۰۰ تن دیگر از آنان کشته یا زمین‌گیر گردیدند.

مناطق بسیار پرجمعیت و سخت پر رونق امتداد رودخانه‌ها تنها ظرف ۱۵ سال به‌بیابانهای متروکی تبدیل شد. واحه‌ها و مرغزارها و آبادیها با استخوانهای سفید انباشته شده بود.

وضع بازماندگان از بد بتر بود. قطعه زمین‌های کوچك دهقانان بیغما رفته بود، پیشه‌وران، صنعتگران و شبانان، گله‌های خود را از دست داده بودند. مردم قبیله **ماتابل** (Matable) پرورش دهندگان گاو بودند: آنان پیش از تشریف فرمایی انگلیسیان ۲۰۰۰۰۰ رأس گاو داشتند. دو سال بعد تنها ۴۰۹۰۰ رأس باقی مانده بود. افراد قبیله هررو صاحب ۹۰۰۰۰ رأس گاو بودند. استعمارگران آلمانی طی ۱۲ سال نیمی ازگاوهای آنان را بسرقت بردند. این‌گونه موارد در تمام کشورهای سیاه، که با تمدن سفیدان در ارتباط بوده‌اند، از شمار خارج است.

در خاتمه، رخصت دهید این عبارات را از رنه **ماران**(Rene Maran) نویسندهٔ افریقایی و خالق **باتولا** (Batuala) نقل کنم: «افریقای استوایی خطه‌یی بس پرسکنه بود، از کائوچو غنی و با باغستانها پوشیده بود و مزارع آن از مرغ و خروس و گله‌های بز مملو بود. طی هفت سال همه‌چیز نابود شد. همه‌چیز از فراخنای هستی به‌تنگنای نیستی گام نهاد. روستاها بویرانی نشسته بود، باغها و مزارع خشك و سترون‌افتاده بود، آن همه ماکیان و بز کشته شدند. مردم از بار سنگین کار پیوسته،

که مزد و اجری نداشت تحلیل رفتند. آنان نه نیرو و بنیه و نه وقتی داشتند تا مزارع خویش را کشت کنند. بیماری و قحطی بر میزان‌مرگ و میر افزود. و با این همه آنان هنوز فرزندان قبایل قوی و تندرستی هستند که همه از رزمندگی و طاقت سرشارند. اینجا تمدن ناپدید شده است.»

برای کامل کردن این تصویر تراژیك، اجازه دهید که بیفزایم سرمایه‌داری فرانسه هیچگاه در راندن تمام مناطق به‌ورطـهٔ سیه‌روزی و قحطی تردیدی بخود راه نداده است هرآینه این امر برایش سود و نفعی همراه می‌آورده است. در بسا سرزمینها، یعنی **جزایر ری‌یونیون** (Reunion - Island) ، الجزایر، **ماداگاسکار** و جـز اینها جای حبوبات را محصولات دیگری گرفته است که مورد نیاز صنعت فرانسه است. این محصولات سود بیشتری برای مستعمره نشینان ببار می‌آورد. ازینجا است که هزینهٔ زندگی رو بافزایش گذاشته و قحطی مزمن گشته است.

در تمام مستعمرات فرانسه خشم عمومی بتأسی از شوربختی وقحطی دامن گسترده است. دهقانان بومی برای قیام پخته و بحد بلوغ می‌رسند. در بسا مستعمرات، آنان در واقع کمر به‌قیام راست کرده‌اند لکن قیامهای آنان همه بخون کشیده شده است. علت حالت انفعالی کنونی آنان نبود سازماندهی و فقدان رهبران است. **بین‌الملل کمونیستی** باید در تجدید سازماندهی به‌آنان کمك کند و برای آنان کادرهای ورزیده تأمین نماید و به‌ایشان راه انقلاب و رهایی را نشان دهد.

لنین و خلقهای مستعمرات*

لنین برای دورانی نو و براستی انقلابی در مستعمرات، اساسی را پی‌افکند.

او نخستین شخصی بودکه تمام پیشداوریها را قاطعانه محکوم‌کرد، منظورم آن پیشداوریهایی است که هنوز در اذهان بسا انقلابیون اروپایی و امریکایی گرانجانی می‌ورزد. همه از تزهای بین‌الملل کمونیستی در خصوص مسألهٔ مستعمرات آگاهند.

مسألهٔ مستعمرات در تمام کنگره‌های **بین‌الملل کمونیستی** و**بین‌الملل اتحادیهٔ کارگری** و **بین‌الملل جوانان کمونیست** پیش کشیده شده است.

لنین اولین فردی بود که اهمیت کامل جذب خلقهای مستعمرات را درون جنبش انقلابی درك کرد و آن را مورد ارزیابی قرار داد. همو نخستین شخصی بود که تصریح کرد بدون شرکت خلقهای‌مستعمرات، انقلاب سوسیالیستی نمی‌تواند واقع شود.

او برای کار عملی در سرزمینهای مستعمرات، شیوه‌های لازمی یافت و برلزوم بهره‌جویی از جنبش انقلابی ملی درین کشورها تأکید ورزید.

نمایندگان مستعمرات در کنگره‌های مختلف بین‌الملل کمونیستی همیشه کششی را که لنین، رهبر و رفیق آنان، نسبت‌به‌کشورهای‌مستعمرات نشان می‌داد بخاطر خواهند سپرد. او حتی در خصوص پیچیده‌ترین و منحصرترین شرایط محلی کار دوراندیشی ژرفی را نمایاند.

هر فردی از ما تاکنون وقت آن داشته است که خود را از صحت داوریهای لنین و قدر و قیمت کار او قانع و مجاب سازد: شیوه‌های

* این نوشتار در نشریهٔ نقد و نظر شوروی بنام **کرازنوی** (Krasnui) ، ش. ۲ سال ۱۹۲۵ چاپ شد. (و.)

چکیدهٔ کار لنین او را قادر ساخت که ناآگاه‌ترین و عقب‌نگهداشته‌ترین خلقهای مستعمرات را به‌حرکت و پویش وابدارد. استراتژی لنین درباب این مسأله را احزاب کمونیست در سرتاسر جهان بکار بسته‌اند و این استراتژی نظر بهترین و فعال‌ترین عناصر در مستعمرات را بسوی جنبش کمونیستی انگیخته است.

راه حل لنین برای مسألهٔ بس پیچیدهٔ ملیتها در اتحاد شوروی سلاح تبلیغاتی کارآیی برای مستعمرات شمرده می‌شود.

در تاریخ خلقهای مستعمرات که زیر بار رنج و ادبار شکسته‌شدند و از حقوق حقهٔ خود محروم گشتند، لنین آفرینندهٔ زندگی نو و آن چراغ راهی است که به‌بشریت تحت ستم جادهٔ رهایی را نشان می‌دهد.

فراخوان بمناسبت تأسیس حزب کمونیست هندوچین

(۱۸ فوریه ۱۹۳۵)

کارگران، دهقانان، سربازان، جوانان و دانش‌آموزان!
هم میهنان ستمدیده و استعمار شده!
خواهران و برادران ! رفقا!

تضادهای امپریالیستی، جنگ جهانی سالهای ۱۹۱۸ـ۱۹۱۴ را باعث آمد. پس ازین کشتار دهشتناك، جهان به‌دو اردوگاه بخش شد: یکی اردوگاه انقلابی است که خلقهای تحت ستم مستعمرات و طبقهٔ کارگر استعمار شدهٔ سرتاسر جهان را دربر می‌گیرد. اتحاد شوروی پیشرو این اردوگاه است. دوی دیگر اردوگاه ضد انقلابی سرمایه‌داری بین‌المللی و امپریالیزم است که مجمع ملل ستاد کل آن بشمار می‌رود.

آن جنگ به‌تلفات جانی و مالی وصف‌ناپذیر خلقها انجامید. امپریالیزم فرانسه سخت‌ترین ضربه بود. بنابرین امپریالیست‌های فرانسوی بمنظور تقویت نیروهای سرمایه‌داری در فرانسه هر قسم توطئهٔ خیانت‌آمیز را برای تشدید بهره‌کشی سرمایه‌داری در هندوچین تجدید کرده‌اند. برای بهره‌کشی ازکارگران، با پرداخت دستمزدهای بخورونمیر کارخانه‌های جدید بنا کرده‌اند. زمین‌های دهقانان را بیغما برده‌اند تا کشتزارها را دایر کنند. فرانسویان دهقانان را به‌بینوایی کشیده‌اند. مالیاتهای سنگین تازه‌یی وضع کرده‌اند. خلق ما را بخرید قرضه‌های حکومتی‌مجبور نموده‌اند. در یك کلام، اینان خاق ما را به‌سراشیب سیه‌روزی مطلق فرو غلتانده‌اند. شمار نیروهای نظامی خویش را افزایش داده‌اند، اول برای سرکوب انقلاب ویتنام؛ دوم تدارك جنگ تازهٔ امپریالیستی در منطقهٔ اقیانوس آرام بمنظور تسخیر مستعمرات جدید؛ سوم از برای جلوگیری از انقلاب چین؛ و چهارم بمنظور حمله به‌اتحاد شوروی زیرا این کشور به‌ملل تحت ستم و طبقه کارگر استعمار شده یاری می‌کند

تا انقلاب را ساز کنند. **جنگ جهانگیر دوم** در خواهد گرفت. وقتی این جنگ واقع شد امپریالیست‌های فرانسوی بطور قطع خلق ما را به‌ورطهٔ کشتاری بس دهشتناک‌تر می‌اندازند. اگر ما به‌اینان اجازه دهیم که برای این جنگ آماده شوند و با انقلاب چین سر بمخالفت بردارند و به‌اتحاد شوروی حمله کنند و اگر ما به‌اینان رخصت دهیم کـه انقلاب ویتنام را سرکوبند این امر بمثابهٔ آن است که اجازه می‌دهیم آنان نسل نژاد ما را از سطح کرهٔ خاك براندازند و کشور ما را در اقیانوس آرام غرق کنند.

با این‌همه، ستم توحش‌آمیز امپریالیست‌های فرانسوی و بهره‌کشی بیرحمانهٔ آنان هم میهنان ما را بیدار کرده است و همهٔ آنان اکنون دریافته‌اند که انقلاب تنها ره بقا شمرده می‌شود و بدون آن، همه آنان در مرگی آرام و تدریجی قالب تهی خواهند کرد. از همین روی است که جنبش انقلابی با گذشت هر روز تواناتر وسترگ‌تر می‌شود: کارگران ازکار تن می‌زنند، دهقانان زمینها را مطالبه می‌نمایند، دانشجویان به اعتصاب می‌پردازند و تجار از داد و ستد خودداری می‌ورزند. همه‌جا توده‌ها در مخالفت با امپریالیست‌های فرانسوی قامت برافراشته‌اند.

انقلاب، امپریالیست‌های فرانسوی را از ترس بلرزه انداخته است. از یك سوی، اینان از فئودال‌ها و بورژوازی کمپرادور (وابسته) بهره می‌جویند تا بر خلق ما ستم روا دارند و از آنان‌بهره کشند. از دگر سوی، هم اینان شماری بزرگ از انقلابیون ویتنامی را ترور می‌کنند، آنان را بازداشت می‌نمایند و به‌کنج زندانها می‌افکنند و یا تبعید می‌کنند و بالاخره جانشان را می‌گیرند. اگر امپریالیست‌های فرانسوی بیانگارند کـه با وسایل ترور می‌توانند انقلاب ویت‌نام را سر بکوبند، سخت در اشتباهند. علت‌این‌امر نیز واضح است، انقلاب ویت‌نام منزوی و جدانیست، بل از همگامی و هماوازی پرولتاریای جهان بطور اعم و تشریك مساعی طبقه کارگر فرانسه بطور اخص بهره‌مند می‌باشد. ثانیاً، امپریالیست‌های فرانسوی دقیقاً هنگامی اقدامات تروریستی خود را بطور جنون‌آسااعمال می‌کنند که کمونیست‌های ویتنامی، که پیش ازین بطور جداگانه کار می‌کردند، اکنون درون حزبی واحد، **حزب کمونیست هندوچین** متحد شده‌اند تا مبارزهٔ انقلابی تمام خلق را رهبری کنند.

کارگران، دهقانان، سربازان، جوانان، دانش‌آموزان!

هم‌میهنان ستمدیده و استعمار شده!

حزب کمونیست هندوچین بنیان یافته است و دیگر حزب طبقهٔ کارگر شمرده می‌شود. حزب به‌پرولتاریا کومك می‌کند تا انقلاب رابرای تمام خلق تحت ستم و استعمار ساز کند. ازین پس ما باید به‌حزب‌بپیوندیم، به‌آن کمك کرده و از آن پیروی نماییم تا شعارهای زیر را اجـرا کنیم:

۱. سرنگونی امپریالیزم فرانسه و فئودالیزم ویتنام و بورژوازی ارتجاعی؛

۲. هندوچین را سراسر مستقل کند؛

۳. حکومت کارگران ــ دهقانان ــ سربازان را مستقر سازد؛

۴. بانك‌ها و دیگر بنگاههای متعلق به‌امپریالیست‌ها را مصادره نماید و آنها را زیر کنترل حکومت کارگران ــ دهقانان ــ سربازان درآورد؛

۵. مصادره تمام کشتزارها و مایملك متعلق به‌امپریالیست‌ها و بورژوازی ارتجاعی ویتنام و توزیع آنها به‌دهقانان تهی‌دست؛

۶. اجرای ۸ ساعت کار روزانه؛

۷. الغای خرید اجباری قرضه‌های حکومتی، مالیات سرشماری و تمام مالیاتهای نابرابری که بردوش تنگدستان سنگینی می‌کند؛

۸. استقرار آزادیهای دموکراتیك برای توده‌ها؛

۹. اجرای آموزش برای تمام خلق؛

۱۰. تحقق برابری میان مرد و زن.

مشی حزب در دورهٔ جبههٔ دموکراتیک

(۱۹۳۹ــ۱۹۳۶)*[۱۵]

۱. عجالة حزب نباید مطالبات سنگینی (از قبیل استقلال ملی، مجلس و غیره) را پیش کشد. طرح چنین مطالباتی ریختن آب‌درآسیاب فاشیست‌های ژاپنی است.

حزب تنها باید حقوق دموکراتیک، آزادی تشکیلات، آزادی اجتماع، آزادی قلم و بیان و عفو عمومی تمام بازداشت‌شدگان سیاسی و آزادی فعالیت علنی حزب را مطالبه کند.

۲. حزب از برای رسیدن به‌این هدف باید در سازماندهی **جبههٔ ملی دموکراتیک** گسترده‌یی تلاش ورزد.

این جبهه نه‌تنها هندوچینیان بل خلق ترقیخواه ساکن هندوچین و نه همان زحمتکشان بل‌که بورژوازی ملی را نیز باید دربرگیرد.

۳. حزب در مقابل بورژوازی ملی باید گرایشی ماهرانه و **انعطاف‌ــ**پذیر پیش گیرد و سعی ورزد آنان را درون **جبهه** جذب کند و در بستر

---

* این مقاله گزیده‌یی از گزارشی است که نگویین آی کیوک **بدبین‌الملل کمونیستی**، درژوییه سال ۱۹۳۹ ارایه کرد.(و.)

۱۵ــ **جبههٔ دموکراتیک:** احزاب کمونیست در مقابله با خطری که فاشیست‌های آلمانی، ایتالیایی وژاپنی پدید آوردند وآماده می‌شدند تا جنگ جهانی تازه‌یی راه اندازند وبه‌اتحاد شوروی یورش برند، برنامهٔ عملی خود را تغییر دادند وبه‌استقرار جبههٔ متحد گسترده‌یی علیه فاشیزم وجنگ کمر راست کردند. در ویت نام، **کمیته مرکزی حزب کمونیست هندوچین**، در ژوییه سال ۱۹۳۶، عزم کرد که موقتاًشعارهای حزبی: «امپریالیزم فرانسه را سرنگون کنید» و «املاک زمینداران را برای توزیع به‌دهقانان مصادره نمایید» را کنار گذارد و جبههٔ هندوچین علیه امپریالیزم را (که بعداً **جبههٔ دموکراتیک هندوچین** نام‌گرفت) برپاکند. رفیق نگویین آی کیوک درآن زمان درچین بسرمی‌برد. او اوضاع کشور را بدقت دنبال می‌کرد وبه‌کمیتهٔ مرکزی حزب در رهبری جنبش، پیوسته کمک می‌نمود.

آن نگهشان دارد واگر ممکن شد آنان را بعمل وابدارد و اگر لازم آمد اینان را از لحاظ سیاسی منزوی کند. در هرحال، ما نباید آنان راخارج از جبهه رها کنیم، گرنه در دستان ارتجاع قرار می‌گیرند و آن راتقویت می‌کنند.

۴. در رابطه با **تروتسکیست‌ها**، نه‌محالحه‌یی می‌تواند وجود داشته باشد و نه امتیازی. ما باید بهرکار ممکن اهتمام ورزیم تا نقاب ازچهرهٔ آنان بعنوان ایادی فاشیزم فروافتد و از لحاظ سیاسی از میانه‌برخیزند.

۵. جبههٔ دموکراتیک هندوچین، بمنظور افزایش و یک‌پارچگی نیروها و گستردن نفوذ و کارکرد عملی و موثر خود باید با **جبهه‌خلق فرانسه**، که آن نیز برای آزادی و دموکراسی مبارزه می‌کند و می‌تواند کومک بزرگی به‌ما اعطا کند، تماس تنگاتنگی را حفظ نماید.

۶. حزب نمی‌تواند طالب آن باشد که جبهه رهبریش را برسمیت بشناسد. بجای این امر، حزب باید نشان دهد که وفادارترین، فعالترین و صمیمی‌ترین عنصر جبهه است. تنها بوساطت مبارزه و کار روزانه است که توده‌های مردم سیاستهای درست و استعداد عمدهٔ حزب را درمی‌یابند و آنگاه حزب می‌تواند دست بالا را بگیرد.

۷. حزب برای انجام این وظیفه باید با فرقه‌گرایی بنحوی قاطع مبارزه کند و مطالعهٔ منظم (سیستماتیک) مارکسیزم ــ لنینیزم را سازمان دهد تا بدینوسیله سطح فرهنگی و سیاسی اعضای حزب اعتلاء یابد. حزب باید به‌کادرهای غیرحزبی یاری کند تا معیار کارشان ارتقاء یابد. حزب باید با حزب کمونیست فرانسه تماس نزدیک را حفظ کند.

۸. **کمیتهٔ اجرایی مرکزی** بمنظور پرهیز از اشتباهات فنی و سیاسی باید برمطبوعات حزبی نظارت کند (بروجه مثال، نشریهٔ **کار** ضمن چاپ زندگینامهٔ رفیق ر. فاش می‌کند که او کجا بود و چگونه بازگشته بود و جز اینها. نیز نشریه بدون تفسیر نامهٔ او، که می‌نویسد تروتسکیزم محصول بطالت فردی است و الخ آن را درج می‌کند).

نامه‌یی از خارج

(۶ ژوئن، ۱۹۴۱)

بزرگان محترم!
شخصیت‌های میهن‌پرست!
روشنفکران، دهقانان، کارگران، بازرگانان و سربازان!
هم میهنان عزیز!

از وقتی که فرانسه از آلمان هزیمت دید، قدرتش یکسره فروریخته است. با این‌همه، حاکمان فرانسوی، در حق خلق‌ما، با اعمال سیاست‌بهره‌کشی، سرکوب و کشتار عام بیرحم‌تر از پیش شده‌اند. اینان خون ما را بر زمین می‌ریزند و مشی توحش‌آمیز تروریزم و قتل عام را با تمام قدرت اجرا می‌کنند. اینان در زمینهٔ خارجی، کرنش‌کنان و زانوزنان خود را کنار می‌کشند و بخشی از اراضی مارا به**سیام** (تایلند امزوز. م) وامی‌گذارند و سرزمین مارا بیشرمانه به**ژاپن** تسلیم می‌کنند. در نتیجهٔ این امر، خلق ما زیر یوغ دوگانه‌یی دست و پا می‌زند. مردم ما نه‌تنها بسان حیوانات باربر در اختیار راهزنان فرانسوی بل که همچون بردگان در خدمت غارتگران ژاپنی قرار می‌گیرند. دردا! مگر خلق ما مرتکب چه‌گناهی شده است که باید به‌چنین سرنوشت محتومی محکوم شود؟ ما غرق در چنین رنج و عذاب الیم، آیا باید دست به‌سینه مرگ را انتظار کشیم؟

خیر! البته که خیر! بیست و اندی میلیون تن از فرزندان **لاك‌ها** (Lac) و**هونگ‌ها** (Hong)عزم کرده‌اند که اجازه ندهند در بندگی و رقیت بسر برند. ما نزدیك به‌هشتاد سال است که برای استقلال وآزادی زیر پاشنه‌های آهنین دزدان دریایی فرانسوی پیوسته و بفداکاری‌مبارزه کرده‌ایم. قهرمانیهای نیاگان ما، نظیر **فان‌دینه‌فونگ، هوانگ هوا تام** و **لوئونگ نگوك کویین** و کارهای شگرف قیام کنندگان استانهای **تایی**

نگویین، ین بای، نگه آن و **ها تین** تا جاوید در خاطر ما زنده می‌ماند. قیامهای اخیر در جنوب و در **دو لیونگ** و **باك بیون** از ارادهٔ هم‌میهنان ما در پیروی از سرمشق شکوهمند پیشینیان آنان و از میان برداشتن خصم شهادت می‌دهد. اگر ما توفیق نیافتیم، علت آن نبود که فرانسویان قوی بودند، سبب تنها آن بود که شرایط هنوز بحد بلوغ نرسیده بود و خلق ما در سرتاسر میهن یکدل و یك‌زبان نبودند.

اکنون، مجال رهایی ما در رسیده است. فرانسه خود قادر نیست که به‌حاکمیت مستعمره‌نشینان فرانسوی بر سرزمین ما کومك کند. ازلحاظ ژاپونیان، اینان از یك سوی در باتلاق چین گرفتار آمده‌اند، از سوی دیگر، نیروهای انگلیسی و امریکایی از حرکتشان جلوگرفته‌اند، بنابرین هم اینان نمی‌توانند بطور قطع از تمام قدرت خویش علیه ما بهره بجویند. اگر تمام خلق ما باستواری متحد شود ما می‌توانیم بطور مسلم برسپاهیان بهتر تعلیم یافتهٔ فرانسوی و ژاپنی چیره آییم.

هم‌میهنان! بپا خیزید! بیایید از روحیهٔدلاورانه خلق چین سرمشق بگیریم! بی‌وقفه کمر راست کنید! بیایید **انجمن رهایی ملی** را برپاداریم و با فرانسویان و ژاپونیان مبارزه کنیم!

هم‌میهنان عزیز! چند صد سال پیش، در دورهٔ سلطنت **تران** (Tran) آنگاه که میهن ما آماجگه خطر عظیم هجوم سپاهیان **یوان** (Yuan) بود، پیران قوم پسران و دختران خود را با شور و حرارت از سرتاسر کشور فراخواندند تا دست در دست یکدیگر بپاخیزند و خصم را از پای درآورند. در فرجام کار، هم آنان مردم را رهاندند و خاطرهٔشکوهمندشان برای همیشه درگنجینهٔ یادها زنده ماند. بگذار بزرگـان و شخصیت‌های میهن دوست، سرمشق درخشانی را که بپایمردیهای اجداد ما برجای‌مانده نصب عین خود کنند.

مشایخ، سربازان، کارگران، دهقانان، بازرگانان، کـارمندان، جوانان و زنانی که به‌گرمی به‌میهن خویش عشق می‌ورزید! اکنون امر رهایی، فوق هرچیز دیگری قراردارد! بگذار متحد شویم و ژاپونیان و فرانسویان و باباشمل‌های آنان را بمنظور رهایی خلق‌مان ازتنگنای ظلمت آشوب‌کنونی، ازاریکهٔ قدرت بزیر کشیم.

هم‌میهنان عزیز!

رهایی ما، آرمان مشترك تمام خلق‌مان است. هرفردی ویتنامی باید

درآن شرکت بجوید. فردی که پول دارد با نقدینه‌اش کومك کند، آن که توانایی دارد، توش و توانش را نثار نماید، شخصی که استعداد دارد، استعدادش را بکار گیرد. من نیز بنوبهٔ خود عهد می‌کنم به‌شما تأسی‌جویم وتمام توانایی ناچیز خود را در خدمت به‌میهن ایثار نمایم وآماده‌ام جانم را درطبق اخلاص گذارم.

رزمندگان انقلابی!

زمان بحران در رسیده است! پرچمهای قیام را افراشته‌تر کنید وبرای سرنگونی ژاپونیان وفرانسویان درسرتاسر میهن خلق را رهبری نمایید!ندای مقدس **سرزمین اجدادی** درگوشمان طنین‌انداز است! خون گرم اجداد قهرمان‌مادر قلوب‌مان جوشان است! روحیهٔ رزمندگی خلق در برابر چشمان‌مان اعتلاء می‌یابد! بگذار متحد شویم و در سرنگونی ژاپونیان وفرانسویان عمل خویش را وحدت بخشیم.

انقلاب ویتنام مسلماً پیروز می‌شود!

انقلاب جهان بطور قطع مظفر می‌گردد!

رهنمودهایی برای برپایی بریگاد تبلیغ مسلحانه برای رهایی ویت نام*[11]

(دسامبر ۱۹۴۴)

۱. نام **بریگاد تبلیغ مسلحانه برای رهایی ویت‌نام** نشان می‌دهد که برای عمل سیاسی آن اهمیتی بمراتب عظیمتر از اقدام نظامی بریگاد در نظر گرفته شده است. بریگاد یك واحد آوازه‌گری (پروپاگاند) شمرده نمی‌شود. درزمینهٔ نظامی، اصل عمده برای عمل ظفرنمون، تمرکزنیروها است. بنابرین موافق با رهنمودهای تازهٔ سازمان ما، مصممترین و پر توانترین کادرها وافراد ازصفوف واحدهای چریکی در استانهای **باك کان، لانگ سون و کائو بانگ** گزین می‌شوند وبخش مهمی ازسازوبرگهای قابل دسترس، متمرکز می‌گردد تا بریگاد نیروی اصلی ما برپا شود.

ازآنجا که جنبش ما، مقاومت ملی بپایمردی تمام مردم است، پس باید تمام خلق را بسیج و مسلح کنیم. در حالی که نیروهای خود را برای برپایی بریگاد متمرکز می‌نماییم، باید نیروهای مسلح محلی را حفظ‌کنیم واین نیروها باید عملیات خویش را هماهنگ‌کنندودرتمام‌جهات باهمدیگر همکاری و همگامی نمایند. بریگاد نیروی اصلی، بنوبهٔ خود وظیفه دارد کادرهای واحدهای مسلح محلی را راهنمایی کند،درتعلیمات به‌آنان یاری رساند واگر ممکن شد سازوبرگ در اختیارشان گذارد وبرین روال به تکامل وپیشرفت بی‌وقفهٔ این واحد کومك کند.

---

* این‌بریگاد در ۲۲ دسامبر سال ۱۹۴۴ برپا شد. (و.)

۱۱ــ **بریگاد تبلیغ آرتش رهایی‌بخش:** در ۲۲ دسامبر سال ۱۹۴۴ بنابر تصمیم رفیق هو چی مین ازگروههای کوچك چریکی بنیان یافت. کــه در مناطق **کائو بانگ، باك کان ولانگ سون** فعالیت می‌کردند. بریگاد یاد شده در آغاز کار، تنها از ۳۴ تن ترکیب می‌شد که به‌سلاحهای ابتدایی مجهز بودند. بریگاد در بـا نقاط جنبش مبارزهٔ مسلحانه را انگیخت که در قیام عمومی ماه اوت سال ۱۹۴۵ به‌نقطهٔ اوج رسید. بریگاد تبلیغ آرتش رهایی بخش، نطفهٔ **آرتش خلق** کنونی ویت نام بود.

۲. با توجه به‌واحدهای مسلح محلی، ما باید کادرهای آنان را برای آموزش گرد کنیم و کادرهای تعلیم یافته را به‌نقاط مختلف گسیل نماییم وتجارب را مبادله کنیم ورابطه را حفظ نماییم وعملیات نظامی راهماهنگ سازیم.

۳. در ارتباط با تاکتیک‌ها، ما باید جنگ چریکی را بکار بندیم؛ پنهان‌کاری، سرعت عمل وابتکار را حفظ نماییم (گاه در شرق، گه در غرب، ورود نامنتظره وبازگشت سریع بی‌آن که ردپایی ازخود باقی گذاریم).

بریگاد تبلیغ مسلحانه برای رهایی ویت‌نام واحدی ارشد است. امید می‌رود که دیگر واحدها بزودی پای به‌فراخنای هستی گذارند.

جثهٔ نوزاد نوپای ما نحیف و نزار است، اما در ناصیه چشم‌اندازهای تابناکی فراروی دارد. بریگاد ما نطفهٔ **آرتش رهایی‌بخش** است کـه ظفرها رقم خواهد زد ومی‌تواند در **شمال وجنوب**، درکران تا کران ویت‌نام عرض‌اندام کند.

فراخوان برای قیام عمومی

(اوت ۱۹۴۵)

هم‌میهنان عزیز!

چهارسال پیش، ازشما خواستم متحد شوید، چه، وحدت تنها وتنها قدرتی است که ما را قادرمی‌سازد تا **استقلال وآزادی** را بدست آوریم.

هم‌اینك، آرتش ژاپن ازهم فروپاشیده است. **جنبش رهایی ملـی** در سراسر میهن دامن گسترده است. **مجمع استقلال ویت‌نام** (ویت مینه) ازتمام قشرهای اجتماعی: روشنفکران، دهقانان، کارگران، بازرگانان، سربازان و از همهٔ ملیتهای میهن: **تو، نیونگ، میونگ، مان** و دیگران میلیونها تن عضو دارد. در صفوف آن میهن‌پرستان ما پهلو بپهلو یکدیگر قطع‌نظر از سن، جنس، مذهب و دست‌مایه به‌رزم گام برمی‌دارند.

اخیراً، **ویت مینه، کنگرهٔ ملی خلق ویت نام**[۱۲] را به‌گردهمایی فرا خواند و **کمیتهٔ آزادیبخش ملی** را برای رهبری تمام خلق در مبارزهٔ‌قاطع برای استقلال ملی برگزید.

این‌اقدام،در تاریخ مبارزاتی که طی نزدیك به‌یك قرن بپایمردی خلق ما برای آزادی آنان ساز شده است پیشرفتی عظیم شمرده می‌شود.

این گام، منبع تشویق نیروبخش وپرتوان هم‌میهنان ما ومایهٔ‌دلشادی عظیم خود من می‌باشد.

۱۲ـ **کنگرهٔ ملی:** به‌همت **کمیتهٔ ملی ویت مینه** در ۱۶ اوت سال ۱۹۴۵ در **تران ترائو** (بخش **سون ویونگ**، استان **توین کوانگ**) انجمن کرد و ۶۰ تن‌نماینده ازاحزاب سیاسی وسازمانهای توده‌یی وملیت‌ها را گردنمود.

کنگره برنامهٔ سیاسی ده‌ماده‌یی ویت مینه و **فرمان** آن را برای **قیام عمومی** تصویب کرد. کنگره **کمیتهٔ آزادیبخش ملی** را انتخاب کرد واین کمیته می‌بایست **حکومت موقت جمهوری دموکراتیك ویت نام** شود همراه با رفیق **هو چی مین** در رأس آن.

با این همه، اما، ما نمی‌توانیم خود را بدین اقدام راضی کنیم. مبارزه ما، کشاکشی درازمدت ودشوار است. هزیمت ژاپونیان بدین معنی نیست که ما یك شبه رهایی می‌یابیم. تازه ما باید تلاش گسترده‌یی بعمل آوریم و مبارزه را دنبال گیریم. تنها وحدت ومبارزه، استقلال را برای ما همراه می‌آورد.

ویت مینه، هم‌اکنون، پایگاه وحدت ومبارزهٔ خلق ما بشمار می‌رود. به ویت‌مینه بپیوندید، از آن حمایت کنید، آن‌را ستر گتر و ستبرترسازید!

هم‌اینك، **کمیتهٔ آزادیبخش ملی** همسنگ حکومت‌موقت بشمارمی‌آید. بگذار بر محور آن گردآییم و مراقبت کنیم که سیاستها و فرمانهایش در سراسر میهن بااجرا درآید!

برین شیوه، مسلم است که استقلال بزودی از آن خلق ما می‌شود.

هم‌میهنان عزیز!

لحظهٔ تعیین کنندهٔ سرنوشت مردم ما فرا رسیده است. بیایید بپاخیزیم وبرای آزادی خویش بقدرت خود اتکا کنیم.

بسا خلقهای ستمکش در سراسر جهان برای بازپس گرفتن استقلال با یکدیگر هم‌چشمی می‌کنند. ما نباید واپس بمانیم.

پیش! پیش! زیر پرچم **ویت مینه**، بگذار دلیرانه پیش‌رویم!*

* برای اطلاع بیشتر ازقیام عمومی اوت سال ۱۹۴۵ **ویت نام** ر. ك. به: **تاریخ انقلاب اوت**، پژوهشی در حزب کارگران ویت نام، ترجمهٔ ج. **نوائی**، زمستان ۵۸، **انتشارات نگاه**.

بخش دوم

(۱۹۴۵ ـ ۱۹۵۴)

اعلامیهٔ استقلال جمهوری دموکراتیک ویت نام*

«تمام انسانها برابر خلق می‌شوند، آنان توسط **خالق** خود دارای حقوق انکارناپذیر معینی هستند؛ از زمرهٔ این حقوق، حق زندگی،آزادی وخواست سعادت است.»

این عبارت جاوید در **اعلامیهٔ استقلال ایالات متحد امریکا** در سال ۱۷۷۶ نمودار گشت. به‌بیانی ژرفتر، سخن این است: تمام آدمیان روی زمین از لحظهٔ تولد برابرند، تمام خلقها از حق زندگی و سعادت و آزاد بودن برخوردارند.

نیز **اعلامیهٔ حقوق بشر و شهروندان** که به‌هنگام **انقلاب فرانسه** در سال ۱۷۹۱ تدوین شد بیان می‌کند: «تمام انسانها با حقوق برابر وآزاد زاده می‌شوند وباید همیشه آزاد باقی بمانند وحقوق برابر داشته باشند.»

این حقوق حقایق غیرقابل انکارند.

با این‌همه، امپریالیست‌های فرانسوی بیش ازهشتاد سال است که با تخطی ازمعیار **آزادی، برابری و برادری** حریم میهن ما را زیر پـای گذاشته‌اند و بر شهروندان ما ستم روا داشته‌اند. اینان برخلاف آرمانهای بشریت وعدالت عمل کرده‌اند.

ازلحاظ سیاسی ، اینان خلق ما را ازهرگونه حقوق دموکراتیک محروم نموده‌اند.

قوانین غیر انسانی را تحمیل کرده‌اند؛ بمنظور این که یگانگی میهن ما را درهم فروریزند وازیك پارچگی ووحدت ما جلوگیرند سه رژیم سیاسی مختلف درشمال، مرکز وجنوب ویت نام برپا داشته‌اند.

بیش ازمدارس، زندانها بنا کرده‌اند. میهن‌پرستان ما را بیرحمانه

*این اعلامیه را رئیس جمهور هو چو مین در ۲ سپتامبر سال ۱۹۴۵ در میتینگی با شرکت نیم‌میلیون تن در میدان بادین (هانوی) قرائت کرد.

قتل‌عام نموده‌اند. و قیامهای ما را در دریاهایی از خون غرق کرده‌اند.
عقیدهٔ عمومی را به‌زنجیر کشیده‌اند و تاریك‌اندیشی‌راحقنه‌کرده‌اند.
نژاد ما را با تریاك والکل دچار فتوری نموده‌اند.
در زمینهٔ اقتصادیات، خون ما را مکیده‌اند وخلق‌مان را به‌بینوایی کشیده‌اند وسرزمین ما را بایر وسترون کرده‌اند.
شالیزارها، معدنها، جنگلها ومنابع طبیعی ما را غارت نموده‌اند.
اینان نشر اسکناس وصادرات وواردات ما را در انحصار گرفته‌اند.
انبوه مالیاتهای بناحق بیشماری قالب کرده‌اند وخلق ما خاصه طبقهٔ دهقان ما را به‌تنگدستی امان‌ناپذیری درغلتانده‌اند.
رونق گرفتن بورژوازی ملی را ناممکن کرده‌اند؛ وازکارگران ما بیرحمانه بهره‌کشیده‌اند.
در پائیز سال ۱۹۴۰، هنگامی که فاشیست‌های ژاپنی به‌هندوچین تاخت آوردند تا پایگاههای تازه‌یی علیه متفقین برپا کنند، مستعمره‌نشینان فرانسوی چاکر منشانه زانو خم کردند وبرای استقبال از ژاپـونیان دروازه‌های میهن ما را به‌روی آنان گشودند.
برین سیاق، خلق ما ازآن زمان درچنبر یوغ دوگانهٔ فرانسویان و ژاپونیان گرفتار آمد وبررنجها وادبار آنان افزوده شد. نتیجه این‌بود که در پایان سال پیش وآغاز سال جاری در اثر گرسنگی بیش از دو میلیون تن ازهم‌میهنان ما، ازاستان **کوانگ تری** تا شمال جان باختند.
سربازان فرانسوی، در نهم‌ماه مارس امسال بدست ژاپونیان خلع سلاح شدند. مستعمره نشینان یا گریختند یا تسلیم شدند ونشان دادند که نه‌تنها لیاقت «حمایت» ازما را نداشتند، بل دوبار طی پنج‌سال سرزمین ما را به‌ژاپونیان فروختند.
پیش از نهم مارس، چندبار ویت مینه به‌فرانسویان اصرار کردکه علیه ژاپونیان با آنان متحد شوند! لکن مستعمره‌نشینان فرانسوی بجای موافقت با این‌پیشنهاد، تنها بردامنهٔ فعالیتهای تروریستی خود علیه ویت‌ـ مینه افزودند. اینان پس از هزیمت وپیش ازگریختن، زندانیان سیاسی را، که در **ین بای** و **کائو بانگ** دربندبودند، قتل عام کردند.
شهروندان ما، بررغم تمام این اشکلکها، همیشه نسبت به‌فرانسویان نظری مداراجوی و انسانی داشته‌اند. ویت مینه پس از شورش ناگهانی ژاپونیان در نهم ماه مارس ۱۹۴۵، به‌پا از فرانسویان کمك کرد که از مرز بگذرند و دیگران را از زندانهای ژاپنی‌ها رهاند و از جان و مال

فرانسویان حراست کرد. درواقع، میهن ما از پاییز سال ۱۹۴۵ دیگر مستعمرهٔ فرانسه نبود وملك طلق ژاپن شده بود.
وقتی ژاپونیان به **متفقین** تسلیم شدند، تمام مردم ما برای کسب قدرت بپا خاست و**جمهوری دموکراتیك ویت نام** را بنیان گذاشت.
حقیقت این است که ما استقلال خود را از چنگ ژاپنی‌ها کسب کرده‌ایم ونه ازچنگال فرانسویان.
فرانسوی‌ها گریخته‌اند، ژاپونیان برپیمان تسلیم گردن نهاده‌اند و امپراتور **بائو دای (Bao Dai)** از سلطنت استعفاء کرده است. خلق ما زنجیرهایی را گسسته است که طی نزدیك به‌یك قرن برپیکرش حلقه‌بسته بود وبرای ویت نام استقلال را کسب کرده است. درعین حال هم‌آنان رژیم سلطنتی‌چندین قرنی‌را سرنگون نموده‌اند ورژیم‌جمهوری‌دموکراتیك را مستقر ساخته‌اند.

ما، **حکومت موقت ویت‌نام** نوخاسته، که نمایندگی تمام خلق ویت‌ـ نام را برعهده داریم، بدینوسیله اعلام می‌کنیم که ازین پس تمام روابط مستعمره‌گونه با فرانسه را قطع می‌نماییم؛ وتمام پیمانهایی را، که فرانسه درخصوص ویت نام امضاء کرده است، باطل می‌کنیم وتمام امتیازهایی‌را که فرانسه در سرزمین ما دراختیار داشته است ملغی می‌نماییم.
خلق ویت نام بتمامه در تصمیم‌به‌مخالفت با تمام‌تمهیدات‌استعمارگران فرانسوی یکدل ویك زبان است.
ما برآنیم که **متفقین**، که در**کنفرانس‌های تهران**[۱۳] و **سن‌فرن‌سیسکو**[۱۴] اصل برابری در میان ملتها را تأییدو کردند، شناسایی حق خلق ویت نام را برای استقلال نمی‌توانند نادیده بگیرند.
مردمی که با اقدامات اسارت آمیز فرانسویان بیش از هشتاد سال

۱۳ـ **کنفرانس تهران:** کنفرانسی که نمایندگان شوروی، امریکا وانگلیس‌از ۲۸ نوامبر تا ۱ دسامبر سال ۱۹۴۳ درتهران برگزار کردند. کنفرانس طرحی برای درهم‌کوفتن نیروهای مسلح **نازی** و قطعنامه‌یی بمنظور گشودن جبههٔ دوم در اروپا قبل از اول‌ماه مه ۱۹۴۴ و قطعنامهٔ دیگری برای تأمین صلح پایدار پس ازجنگ جهانی دوم وغیره را تصویب کرد. بااین‌همه، محافل حاکمه در ایالات متحد و انگلیس بجای این‌که این اصول را باجرا درآورند از مسئوولیتهای خود تن‌زدند.
۱۴ـ **کنفرانس سن‌فرن‌سیسکو:** بنا به‌دعوت اتحاد شوروی،ایالات متحده انگلیس و **چین چیانگ کای ـ شیك**، ۵۰ کشور از ۲۵ آوریل تا ۲۶ ژوئن سال ۱۹۴۵ در سن‌فرن‌سیسکو دیدار کردند. کنفرانس **سازمان ملل متحد** را دایر کرد.

است که دلاورانه مبارزه کرده است، خلقی که طی‌سالهای اخیر درمقابله با فاشیست‌ها قاطعانه جانب متفقین را گرفته است، آری این مردم باید مستقل باشند.

بنابرین علل، ما، حکومت موقت جمهوری دموکراتیك ویت نام این اعلامیه را رسماً به‌اطلاع جهان می‌رسانیم:

ویت نام حق برخورداری ازاستقلال وآزادی را دارد و در واقع کشوری آزاد ومستقل شده است. همهٔ مردم ویت‌نام برآن سرند تمام قدرت جسمی وفکری خود را بسیج کنند وجان ومال خویش را ایثار نمایند تا از آزادی واستقلال خود پاسداری کنند.

به‌هم‌میهنان‌مان در نام بو*

(۲۶ سپتامبر، ۱۹۴۵)

هم‌میهنان عزیز در نام بو!

استقلال ملی تازه کسب شدهٔ ما ازطریق تهاجم خارجی تهدید می‌شود. مستعمره نشینان فرانسوی درجنگ علیه ژاپونیان یا تسلیم شدند یا فرار کردند؛ واکنون که جنگ خاتمه یافته است، هم‌آنان بطورپنهان یا آشکار باز می‌گردند. اینان طی چهارسال دوبار سرزمین ما را فروختند. اکنون باز برآن‌سرند که حاکمیت خود را برخلق ما ازنو تحمیل کنند.

من و نیز خلق ما در سرتاسر میهن به‌میهن‌پرستی استوار شما اعتقاد داریم. بگذار این کلمات غرورانگیز را ازیك انقلابی بزرگ فرانسوی بیاد سپاریم، «ترجیح می‌دهم همچون آزاد مردی بمیرم اما بسان برده نزیم.»

من نیز چون شما مطمئنم که حکومت وتمام کشور در حمایت از رزمندگان ومردمی که در دفاع ازاستقلال ملی خویش فداکارانه می‌رزمند منتهای تلاش خود را مبذول می‌دارند.

من ونیز تمام خلق‌مان مطمئنیم که افراد وملتهای سراسر جهان که اصل برابری وآزادی را گرامی می‌دارند همه باما هماوازند.

ما موظفیم که پیروز شویم زیرا از تمام خلق خود نیروی متحدی در اختیار داریم. ما موظفیم که مظفر شویم زیرا مبارزهٔ ما بر حق است.

اکنون میل دارم به‌شما توصیه‌یی کنم: درخصوص فرانسویانی که درجنگ اسیر می‌شوند، ما ازآنان باید بدقت مراقبت کنیم، اما همچنین باید بملایمت با آنان رفتار نماییم. ما باید به‌جهان، وبه‌خلق فرانسه بویژه، نشان دهیم که آرمان ما پاك وبرحق است وماتنها استقلال وآزادی را

---

* Nam Bo

مطالبه می‌کنیم و با نفرت و عداوت انگیخته نمی‌گردیم.

ما باید به‌جهانیان نشان دهیم که خلقی متمدن هستیم، متمدن‌تر از آدمکشان وتجاوزکاران.

پایدار باد وّیت نام مستقل!

زنده باد هم‌میهنان ما در نام بوا

به‌کمیته‌های خلق در سراسر کشور (شمال، جنوب، مرکز) و در تمام سطوح (استان، بخش و روستا)

(اکتبر ۱۹۴۵)

دوستان عزیز،

میهن ما بیش از ۸۰ سال توسط فرانسویان ونزدیك به ۵سال بوسیلهٔ ژاپونیان زیرستم واقع شد. سیه‌روزی که ما تحمل کردیم خارج ازتوصیف است. امروز نیز حتی بخاطر آوردن این موضوع امری رقت‌انگیز است. وحدت خلق ورهنشانی بخردانهٔ حکومت، به‌ما رخصت داده است تا غل‌و زنجیرهای بردگی را بگسلیم و استقلال و آزادی را کسب کنیم.

بدون خلق، ما قدرتی نداریم؛ وبدون حکومت، رهنمایی. بنابرین، حکومت وخلق‌باید ستون سنگی یك پارچه‌یی را شکل بخشند. مااکنون جمهوری دموکراتیك ویت نام را بنیان گزارده‌ایم. اما بدون سعادت و آزادی برای خلق، استقلال پوچ وبی‌معنی می‌شود. بنای میهن ما وسرو سامان دادن بکارها باید به‌تدریج صورت پذیرد وطی یك ماه یا یك‌سال نمی‌تواند تمام شود. بااین همه ما باید آغاز درستی داشته باشیم. بایـد بخاطر بسپاریم که تمام ارگان‌های حکومتی، از سطح مرکز تاروستا، خدمتگزاران خلقند، به‌سخن دیگر آنها باید بنفع عموم کارکنند نه این‌که بسان ارگان‌های حکومتی تحت حکمرانی فرانسویان و ژاپونیان برمردم ستم روا دارند.

سود خلق کدام است که ما درجهت آن باید کوشا باشیم.

ضرر مردم کدام است‌که ما در پرهیز از آن باید تلاش ورزیم.

ما باید مردم را دوست بداریم: آنان ما را دوست خواهند داشت وبه‌ما احترام خواهند گذاشت.

من واقفم که بسا ازشما سیاستهای حکومت را بدرستی انجام داده‌اید و در دل مردم جای گرفته‌اید. اما اشخاصی در میان شما اشتباهات بس جدیی مرتکب شده‌اند که عمدهٔ آنها عبارت است از:

۱. **نقض قانون** ــ خائنانی که اتهامشان بروشنی اثبات شده است البته باید کیفر ببینند وجای هیچگونه شکوه وشکایتی نیست. اما گاه در اثر عداوت شخصی بازداشتها صورت می‌گیرد واموال مصادره می‌گردد وهمین امر درمیان مردم ایجاد نارضایی می‌نماید.

۲. **سوء استفاده ازقدرت** ــ بعضی اشخاص که در مقام اعضای این یاآن کمیته ازقدرت سوء استفاده می‌کنند هرکاری را که خوشایندشان باشد در مخالفت با عقیدهٔ عمومی انجام می‌دهند وحال مردم را رعایت نمی‌کنند وازیاد می‌برند که ازجانب مردم برای خدمتگزاری به‌آنان‌انتخاب شده‌اند ونه برای توپ وتشرزدن به‌ایشان.

۳. **ارتشاء** ــ خوراك گوارا، لباس آراسته، هزینهٔ گزاف، تفریحات پوچ وحقیر ــ پول‌تمام اینها ازکجا می‌آید؟

بعضی‌تاآنجا پیش می‌روند که ممکن است اموال عمومی را برای مصارف خویش حیف ومیل کنند وبیخ وبن راستی وصداقت را پاك بروبند. آقای کمیسر دراتومبیل‌های دولتی، وبعد همسرش وسپس حتی فرزندانش به‌این سوی وآن‌سوی جولان می‌دهند. هزینهٔ اینگونه کارها را چه کسی می‌پردازد؟

۴. **هوادار جویی** ــ بعضی، گروه هواداران خاص خویش را گرد می‌کنند ودوستان واقوامشان را به‌مقامهایی منصوب می‌نمایند که استعداد ولیاقت آن را ندارند واشخاصی را کنار می‌گذارند که صالح وصادقند اما خوشایند اینان نیستند. اینان ازیاد می‌برند که این مهم مبحثی عمومی است ونه‌امری خصوصی.

۵. **نفاق افکنی** ــ بعضی با بخشی از اشخاص در مقابل بخش دیگر مخالفت می‌ورزند بجای این‌که برسازگاری وهماهنگی متقابل پای فشارند. در برخی نقاط، مزارع بایر می‌افتد ودهقانان ازین وضع شاکیند. تنی چند ازکادرها فراموش می‌کنند که دراوضاع کنونی آنان باید، قطع‌نظر ازسن وثروت ، برای وحدت تمام مردم کارکنند تا بدینوسیله از استقلال خویش‌حراست کنیم وبا خصم مشترك پیکار نماییم.

۶. **فیس و افاده** ــ بعضی مقامات می‌انگارند حرمتشان واجب است وخلق را خوار می‌شمرند. هراداواطوار اینان نشان می‌دهد که این آقایان از «انقلابیون رسمی» هستند. در نمی‌یابند که فیس وافادهٔ آنان اعتماد خلق را سلب می‌کند وبر حیثیت حکومت لطمه می‌زند.

ازاشتباهات نباید بیم داشت بل‌که وقتی خطایی کشف شد باید

تصحیح گردد. فردی که به‌سراشیب خطاهای پیش گفته در غلتیده است باید تلاش ورزد که ازآنها اجتناب کند وبیشتر ترقی نماید: و شخصی‌که مرتکب اینگونه اشتباهات شده است باید در جهت تصحیح آنها جدوجهد کند. اگر درین کار دربماند، حکومت ازاشتباهات او در نخواهدگذاشت،

این مسایل را من بخاطر سعادت خلق ومنافع ملی بیان داشته‌ام. ما باید برصحیفهٔ خاطر خود این کلمات را حك کنیم: «عدالت» و«راستی».

امیدوارم پیشرفت کنید.

فراخواندن مردم به‌مبارزه با قحطی

(۱۹۴۵)

بواسطهٔ سیاستهای توحش‌آمیز استعمارگران فرانسوی، که شلتوك مردم را مصادره می‌کردند و دهقانان را مجبور می‌نمودند که بجای برنج، کنف بکارند، بیش از دومیلیون تن در نیمهٔ اول سال جاری در اثـر گرسنگی در **باك بو** جـان سپردند. بعـد سیلها و قحطی از راه رسید. افزون‌برین، جنگی که توسط استعمارگران در نام بو آغاز شد از ارسال برنج از جنوب بشمال جلوگرفت.

قحطی بسا خطرناکتر از جنگ است. برین روال، طی شش سال جنگ، فرانسه یك میلیون تن وآلمان نزدیك بسه میلیون تن از دست دادند در حالی که تنها درنیمه سال جاری قحطی درشمال میهن ما بیش ازدومیلیون تن از میهن پرستان ما را کشت. ما نمی‌توانیم بگذاریم که شمار بیشتری ازآنان گرسنگی کشند.

درجنگ، تمام نیروهای کشور باید بسیج شوند وجنگ با دشمن را سازمان دهند. نیز ما در مبارزهٔ خود علیه قحطی باید تمام مردم را بسیج کنیم وآنان را سازمان دهیم.

اکنون قحطی خود می‌نمایاند. اگر ما برآن نباشیم که بهروسیله با آن مقابله کنیم، طی چند ماه قحطی بر ما غلبه خواهد کرد.

راههای مبارزه با قحط وغلا چندگانه است: مانند تحریم عرق‌کشی ازبرنج یا ذرت وممانعت ازدرست‌کردن هرگونه کلوچه وکماج و غیره تا بدین‌گونه بتوانیم حبوبات را ذخیره کنیم؛ جلوگیری ازانتقال مـواد خوراکی از یك منطقه به منطقهٔ دیگر. بدین‌سان اقدام نخستین بعنوان «پشتیبان» اقدام اخیر عمل می‌کند؛ بالابردن کشت سبزیجات از همه‌قسم وغیره. به‌بیان دگر، ما باید هرکاری که می‌توانیم انجام دهیم تا به‌فرو نشاندن گرسنگی مردم در زمان کنونی و جلوگیری از قحطی در موسم

آینده کمك کند.

مبارزه با قحطی، مثل وظایف مهم دیگر به‌اقدامات مصممانه و مصرانه و آمادگی در جهت فداکاری و یگانگی اندیشهٔ تمام مردم نیاز مبرم دارد.

بروجه مثال، تحریم عرق‌کشی وکلوچه‌پزی طی چند ماه برکار اشخاصی که در اینگونه معاملات شرکت دارند بطور قطع تأثیر می‌گذارد، اما من مطمئنم آنان برای کمك به‌نجات دیگران ازگرسنگی موقتاً ازمنافع شخصی خود برمی‌گذرند. هیچ کس دل آن ندارد که درحالی که‌هم‌میهنانش درگرسنگی بسر می‌برند اوبه‌رفاه شخصی خود بچسبد.

مبارزهٔ ما علیه قحطی همچون جنگ‌مان علیه تاخت وتاز خارجی بی‌گفتگو ظفرنمون می‌گردد، زیرا تمام خلق ما یکدل ویك‌زبان درآن شرکت دارند. **کمیته‌های محلی باید کار تبلیغی وتنویری را بنحو احسن** انجام دهند تا همه این معنی را بتمامه درك کنند و رهنمودهای آن را اجرا نمایند. آنان برای انجام وظایف خود باید شیوه‌های موثری تدبیر کنند، بدون آن‌که مردم را ازخود بیگانه نمایند. اعضای کمیته‌ها باید درعملی ساختن این شعار حزبی سرمشق باشند: «**کوشش، صرفه‌جویی، ایثار فارغ ازخود، عدالت.**»

فراخوان برای مبارزه با بیسوادی

(اکتبر ۱۹۴۵)

شهروندان ویت نام!

در گذشته، وقتی استعمارگران فرانسوی برمیهن ما حکم می‌راندند سیاست تاریك اندیشی را پی‌گرفتند. اینان شمار مدارس را محدودکردند؛ و برآن سر نبودند که ما آموزش بگیریم تابرین سیاق آنان بتوانند بآسانی ما را فریب دهند وازما بهره‌کشند.

نود ونه‌درصد کل جمعیت کشور آموزش نگرفتند، یعنی تقریباً تمام ویت نامیان بیسواد بودند. درچنان شرایطی ما چگونه می‌توانستیم ترقی کنیم؟

اکنون که استقلال را بدست آورده‌ایم، یکی ازفوری‌ترین وظایف کنونی ما ارتقاء سطح فرهنگی مردم است.

حکومت تصمیم گرفته است‌که پیش ازپایان یك‌سال، هرفرد ویت‌نامی **کیوك نگو** (Quoc ngu) ، خط لاتینی شدهٔ ملی را فرا گیرد. برای این منظور **ادارهٔ آموزش عمومی** دایر شده است.

مردم ویت نام!

اگر میل دارید که ازاستقلال ملی حراست کنید،

اگر طالب آنید که ملت ما قوی وکشورمان سعادتمند شود، هریك از شما باید نسبت به‌حقوق ووظایف خود شناسا وآگاه باشد. هر فرد باید از دانش بهره‌مند گردد تا به‌اتکای آن بتواند دربنای میهن شرکت جوید. پیش از همه باید خواند ونوشت **کیوك نگو** را فراگیرد.

بگذار باسوادان، بیسوادان را تعلیم دهند؛ وبگذار آنان درآموزش توده شرکت کنند.

بگذار بیسوادان با ممارست مطالعه کنند. شوی، همسرش را تعلیم دهد، برادر بزرگتر به‌برادر کوچکتروفرزندان به‌والدینشان و ارباب

بخدمتکارانش سواد بیاموزد؛ وثروتمندان برای بیسوادان در خانه‌های خود کلاس تشکیل دهند.

زنان باید حتی سختر ازدیگران مطالعه کنند، چرا که تاکنون در راه آنان بسا موانع وجود داشته است. اکنون برای زنان زمان مناسبی است که بیدرنگ با مردان برابری کنند وبا حق رأی کامل شایستهٔ مقام شهروندی خویش باشند.

امید من این است که جوانان ، دختر وپسر، درین کار مهم از سرشوق شرکت کنند.

به‌هم‌میهنان‌مان در نام بو
پیش از رفتن به فرانسه[15]
برای مذاکرات

(۳۱ مه، ۱۹۴۶)

هم‌میهنان عزیز در نام بو،

اخبار سفر من به‌فرانسه همراه با هیئتی برای مذاکرهٔ رسمی درمیان مردم علی‌الخصوص در نام بو نگرانی بوجود آورده است. آینده برای‌نام‌بو چه در آستین دارد؟

خواهش دارم نگران نباشید. قول می‌دهم که هو چی مین هیچگاه میهنش را نفروشد.

شما درنام بو چندین ماه است که برای تمامیت ارضی ویت نام با ایثار فارغ ازخود رزمیده‌اید؛ وبرای این‌کار، تمام خلق ما ازشماسپاسگزار است.

شما در نام بو شهروندان ویت نام شمرده می‌شوید. رودها ممکن‌است خشك شوند وکوهها فرسوده گردند؛ این‌حقیقت، اما، هرگـز تغییر نمی‌یابد.

من توصیه می‌کنم که تنگاتنگ وهرچه بیشتر متحد شوید. پنج انگشت، درازای نابرابری دارند اما هرپنج دردست وحدت می‌یابند.

میلیون‌ها تن هم‌میهنان ما همه یك شکل نیستند؛ لکن از نیاگان همانندی زاده می‌شوند.

۱۵ــ **به‌هم‌میهنان‌مان درنام بو پیش ازرفتن به‌فرانسه برای مذاکرات:** رئیس جمهور هو چی مین در ۳۱ مه سال ۱۹۴۶ بعنوان میهمان افتخاری به‌فرانسه رفت. نیز هیأتی ازجمهوری دموکراتیك ویت نام بریاست رفیق **فام وان دونگ**، (نخست‌وزیر کنونی ویت‌نام. م.) برای‌مذاکره با حکومت فرانسه به **فونتن‌بلو** عزیمت‌کرد. ازآنجا که این مذاکرات بواسطهٔ سوء نیت طرف فرانسوی شکست خورد، رفیق هو چی مین قبل از بازگشت به ویت نام (۱۴ سپتامبر ۱۹۴۶) با حکومت فرانسه قرارداد موقتی امضاءکرد وبدینسان درجهت تدارك مقاومت شرایط دلخواهی بوجود آورد.

بنابرین ما باید بخشنده و بلندنظر باشیم و این واقعیت را بپذیریم که اولاد لاك‌ها و هونگ‌ها بیش وکم میهن پرستند. در خصوص کسانی که به‌کژراه رفته‌اند، ما باید ترغیب دوستانه را پی‌گیریم، تنها برین‌شیوه است که می‌توانیم وحدت بیابیم ووحدت دامن گستر، آیندهٔ پرتوگستر را برای ما همراه می‌آورد.

از طریق این پیام کوتاه که پیش از عزیمتم نگاشته شد، میل دارم درودهای صمیمانه‌ام را به‌همهٔ شما هم میهنان عزیز درنام بو ابلاغ‌کنم.

فراخوان برای مقاومت سرتاسری

(۲۵ دسامبر، ۱۹۴۶)

هم‌میهنان سراسر کشور!

ازآن روی که ما صلح را خواستاریم برای آن امتیازاتی قایل شده‌ایم. اما هرقدر ما امتیازات بیشتری درنظر می‌گیریم، استعمارگران فرانسوی شدیدتر فشار وارد می‌آورند، زیرا به‌تسخیر مجدد سرزمین ما کمر بسته‌اند.

خیر! ما ترجیح می‌دهیم جان ببازیم لکن میهن‌مان را نبازیم. تا مباد هرگز برده شویم!

هم‌میهنان! بپاخیزید!

زنان ومردان، سالداران وجوانان، صرف‌نظر ازکیش، وابستگی سیاسی وملیت، همهٔ ویت نامیان، برای جنگیدن با استعمارگران فرانسوی ونجات سرزمین اجدادی باید بپاخیزند. آنان که تفنگ دارند، تفنگهایشان را برمی‌دارند؛ کسانی که شمشیر دارند، شمشیرهایشان را از نیام برمی‌کشند؛ افرادی که شمشیر در اختیار ندارند، از نیزه‌ها، کج‌بیلها و چوب‌دستیها استفاده می‌کنند. همه باید در مقابله با استعمارگران جهد ورزند ومیهن خود را! برهانند.

اعضای آرتش، فوجهای دفاع ازخود ورزمندگان!*

زمان رهایی ملی فرا رسیده است! ما برای پاسداری از میهن‌خویش باید آخرین قطرهٔ خون خود را نثارکنیم.

حتی اگر ناگزیر از تحمل سخت‌ترین مشقات در جنگ مقاومت خود باشیم، با ارادهٔ مواجهه باتمام ایثارها، موظفیم پیروز وسرافراز گردیم.

پایدار باد ویت نام مستقل ویك‌پارچه!

زنده باد مقاومت ظفرنمون!

* واژهٔ رزمندگان را بجای میلی‌شیا انتخاب کردیم وازین پس هرجارزمندگان آمدهمان مفهوم را القاء می‌کند. م.

به‌خلق ویت‌نام، مردم فرانسه، و خلقهای کشورهای متفق

(۲۱ دسامبر، ۱۹۴۶)

ما، حکومت وخلق ویت نام، مصمم هستیم برای استقلال و تجدید وحدت سرزمین خود مبارزه کنیم، نیز برای همکاری دوستانه با خلق فرانسه آماده‌ایم. به‌همین علت بود که **موافقت‌نامهٔ مقدماتی ۶ مارس، ۱۹۴۶** و **قرارداد موقتی ۱۴ سپتامبر سال ۱۹۴۶** را امضاء کردیم.

لکن استعمارگران ارتجاعی فرانسه از صمیمیت رنگ وبویی‌نبرده‌اند واین موافقت نامه‌ها را ورق پاره‌هایی بیش نمی‌شناسند.

اینان در نام بو میهن پرستان ویت‌نامی را بازداشت و قتل عام می‌کنند وبه‌کار تحریکات سرگرمند. فرانسویان صادقی که جانب‌صمیمیت را می‌گیرند تهدید می‌نمایند وبرای انشقاق خلق ما حکومت پوشالی بر سرکار می‌آورند.

در نواحی جنوبی **ترونگ بو** به‌عملیات ترور هم‌میهنان ما ادامه‌دادند وبه‌آرتش ویت نام حمله کردند وقلمروما را تصرف نمود.

در نام بو، برای اشغال **باك نینه، باك جیانگ، ارنگ سون** و بسا نقاط دیگر برخوردهایی را انگیختند. بندر **های‌فونگ** را مسدود کردند تا برین شیوه کار داد وستد ویت‌نامیان، چینیان ودیگرخارجیان و نیز ساکنان فرانسوی منطقه را غیرممکن کنند. سعی ورزیدند خلق ویت نام را سربکوبند و حاکمیت ملی ما را درهم فروریزند. ازتانکها، جنگنده‌ها، توپخانهٔ سنگین وکشتیهای جنگی برای کشتار عام هم‌میهنان‌ما بهره‌گرفتند و بندرهای فونگ و دیگر شهرکهای امتداد رودخانه‌ها را تصرف نمودند.

اینگونه اعمال همهٔ ماجرا نیست. اینان‌نیروهای دریایی، زمینی‌وهوایی خود را به‌حال آماده‌باش درآوردند و اتمام‌حجت پشت اتمام‌حجت برای ما فرستادند. پیران، زنان و کودکان را در مرکز، **هانوی** قتل‌عام **کردند.**

در ۱۹ دسامبر، ۱۹۴۶، ساعت ۸ شب، به‌هانوی، مرکز ویت‌نام حمله کردند.

هدف استعمارگران فرانسوی در تسخیر مجدد سرزمین ما امری آشکار وانکارناپذیر است.

خلق ویت نام اکنون با دوشق انتخابی روبرو است: یا باید اسلحه خود را برزمین گذارد وسرفرود آورد وبه‌سراشیب بردگی فرو غلتد، یا برای آزادی و استقلال خود تا آخر به‌مبارزه کمر راست کند.

خیر! مردم ویت نام دیگر هیچگاه ازنو برسلطهٔ خارجی گـــردن نمی‌نهد.

خیر! خلق ویت‌نام دیگر هرگز برده نخواهد شد. آنان جان‌می‌بازند اما استقلال وآزادی خویش را نمی‌بازند.

مردم فرانسه!

ما دوستان شما هستیم و همکاری صمیمی با شما را در چهارچوب **اتحادیهٔ فرانسه** خواستاریم زیرا ازآرمان مشترکی نصیب می‌بریم: آزادی، برابری واستقلال.

این استعمارگران‌مرتجع فرانسویند که آبروی فرانسه را لکه‌دار کرده‌اند وبرآن سرند که با انگیختن **جنگ** ما را دوبخش کنند. دردمی که فرانسه خواست های ما را برای استقلال وتجدید وحدت بروشنی‌درك کند واستعمارگران جنگ‌طلب فرانسوی را بازخواند، روابط دوستانـــه وهمکاری میان خلقهای ویت نام وفرانسه بیدرنگ برقرار خواهد شد.

سربازان‌فرانسوی!

ما هیچگونه خصومتی نسبت به‌یکدیگر نداریم. تنها منافع خودخواهانه، استعمارگران ارتجاعی را برآن داشته است که برخوردها را دامن زنند. سودها ازآن آنان است، مرگ ازآن شما ونشانهای افتخار ازآن نظامی‌گرایان (میلی تاریست). برای شما واعضای خانواده‌تان‌تنها رنج و عذاب و نابودی باقی می‌ماند. درین مورد اندیشه کنید. آیا قصد دارید بخاطر ارتجاعیان خون خویش را فروریزید وجانتان را برباد دهید؟ به‌ما بپیوندید، با شما همچون دوستان رفتار خواهد شد.

خلقهای کشورهای متفق!

در زمانی که کشورهای دموکراتیك در پی پایان **جنگ جهانگیر**

درتلاش سازماندهی صلح برآمده‌اند، ارتجاعیان فرانسوی **منشورهـــای آتلان‌تیك و سن فرن سیسکو** را زیرپای لگد مال می‌کنند. جنگ‌تجاوزکارانه‌یی را پی می‌گیرند که باید تمام مسئوولیت آن را برگردن گیرند. خلق ویت نام از شما طلب می‌کند که مداخله کنید.

هم‌میهنان!

جنگ مقاومت، درازمدت ودشوار خواهد بود. هرگونه فداکاری را تحمل می‌کنیم وهراندازه که جنگ مقاومت بدرازا کشد، ما عزم کرده‌ایم تا آخر بجنگیم، تاآن لحظه که ویت نام سربه‌سر مستقل شود واز نو وحدت یابد. ما ۲۰ میلیون تنیم در برابر ۱۰۰۰۰۰ تن استعمارگر. ما موظفیم پیروز شویم.

من ازجانب حکومت جمهوری دموکراتیك ویت نام، دستورات‌زیر را به‌آرتش، فوجهای دفاع ازخود، رزمندگان و مردم در هرسه بخش ویت‌نام صادر می‌کنم:

۱. اگر سربازان فرانسوی به‌ما حمله کردند، با تمام سلاحهای در دسترس باید بی‌امان پاسخ دهیم. بگذار مردم سربه‌سر در دفاع ازسرزمین اجدادی قامت برافرازند!

۲. باید ازجان ومال ساکنان خارجی حراست کنیم وبا اسیران جنگی خوش‌رفتاری نماییم.

۳. آنان که باخصم از در همکاری درآیند کیفر می‌شوند.

آنان که به‌نهضت مقاومت یاری کنند ودردفاع از میهن خویش شرکت جویند پاداش می‌گیرند.

هم‌میهنان!

سرزمین اجدادی درآستانهٔ خطر است، بگذار همه بپاخیزیم!

پایدار باد ویت نام مستقل ووحدت یافته!

پاینده باد جنگ مقاومت ظفرنمون!

انتشار فراخوان شش‌ماه بعد از مقاومت

(۱۹ ژوئن، ۱۹۴۷)

شهروندان!

جنگجویان آرتش، رزمندگان و فوجهای دفاع از خود؛

استعمارگران ارتجاعی فرانسه هزاران تن را در نیروهای‌زمینی، دریایی و هوایی خود بسیج کرده‌اند و هر روز میلیون‌ها **پیاستر** برای هزینه‌هـای نظامی خویش صرف می‌کنند. اینان با استفاده از نیروهای دم‌افزون خود در حملات برق‌آسا بدین امر دل خوش‌کرده‌اند که طی چند ماه میهن ما را در قبضهٔ اشغال خود درآورند. نیز دسته‌یی ازاوباش را بدین نیت اجیر کرده‌اند که نهضت مقاومت ما را تحلیل برند ودرمیان خلق ما نفاق افکنند. توطئه‌های آنان، اما، از لحاظ سیاسی و نظامـی یکسر بی‌اثر مانده است. امروز دوسال است که جنگ مقاومت در نام‌ـ بوو شش ماه است که در سراسر کشور ادامه یافته است. نیروهای ما قویتر و ظفرهای ما عیانتر می‌شود. چرا؟

الف) **زیرا ما جنگی برحق را پی‌می‌گیریم**

ما تنها از میهن خود دفاع می‌کنیم و تنها برای وحدت و استقلال سرزمین اجدادی خود می‌رزمیم.

در خصوص استعمارگران ارتجاعی فرانسه، اینان طالب آنند کـه سرزمین ما را اشغال کنند و خلق‌مان را به‌بند اسارت کشند. بنابرین، ما برحقیم: عدالت چیره می‌شود.

ب) **زیرا هم میهنان ما تنگاتنگ متحد می‌شوند**

مردم ما از عزمی مشترك حصه دارند: هیچگاه به‌ورطهٔ بردگی در نغلتند؛ و خواستی مشترك: هرگز سرزمین خویش را نبازند؛ و هدفی مشترك: کسب وحدت و استقلال برای سرزمین اجدادی.

یگانگی اندیشهٔ ما بسان دیوار برنزی بالابلند است و از سرزمین اجدادی ما مدافعه می‌کند. خصم هرقدر ستمگر و غدار باشد، وقتی به‌این دیوار درمی‌رسد، فرومی‌شکند.

پ) **زیرا جنگجویان ما دلاورند**

ما چیزی نداریم الا سلاحهای ابتدایی و تجربهٔ اندك، اما اراده و روحیهٔ ایثار جنگجویان ما، نیروی ددمنش خصم را درهم شکسته‌است و همین دلاورانند که کارهای برجستهٔ باشکوه و طنین‌افکنی رقم‌زده‌اند.

ت) **زیرا استراتژی ما درست است**

دشمن برآن است‌که پیروزی سریع فراچنگ آورد. اگر جنگ بدرازا کشد، او تلفات دم‌ریزی را متحمل خواهد شد و هزیمت خواهد دید.

از اینجا است که ما استراتژی جنگ مقاومت دراز مدت را بکار می‌بندیم تا بدینسان نیروهای خویش را گسترش دهیم و تجارب افزونتری کسب کنیم. از تاکتیك‌های چریکی بهره می‌جوییم تا نیروهای خصم را بفرساییم تا آنگاه که تهاجمی عمومی، آنان همه را از عرصه بروبد.

خصم بسان آتش است وما همچون آب. بی‌شك آب، برآتش سرمی‌آید.

افزون‌برین، در جنگ مقاومت دراز مـدت، هـر شهروند، یك جنگاور است و هر قصبه، یك دژ. بر بیست میلیون تن ویت‌نامی است که کار چندین فوج هزاران تنی از استعمارگران ارتجاعی را یکسره سازند.

ث) **زیرا ما دوستان بیشماری داریم**

جنگ تجاوزکارانهٔ استعمارگران ارتجاعی، جنگی نابحق است و نفرت همگان را برمی‌انگیزد. مقاومت ما برای رهایی ملی آرمانی بر حق است و هم ازین روی حمایت بسا مردم را جلب می‌کند. اکثریت خلق فرانسه میل دارد که با ما درصلح و دوستی زندگی نماید.

خلقهای مستعمرات با ما همدردی و همآوازی می‌کنند.

خلقهای آسیا از ما حمایت می‌نمایند. افکار جهانی جانب ما را

می‌گیرد.

از منظر اخلاقی، دشمن بتمامه منهزم شده است و ما پیروزی کامل کسب کرده‌ایم.

شهروندان!

جنگاوران!

جنگ مقاومت دراز مدت ما از خلال بسا دوره‌های دشوارتری خواهد گذشت.

باید فداکاریها و مشقتها را تحمل کنیم و سخت تلاش ورزیم. اما حاضریم که با فداکاری و عذابها روبرو شویم و برای گسستن زنجیرهایی که ما را طی هشتاد سال گذشته دربردگی‌نگهداشته است برای پنج یا ده‌سال دیگر برخود فشار وارد آوریم و برای همیشه وحدت و استقلال خویش را از نو بدست آوریم. از جانب حکومت، که بی‌امانتر از پیش برزمند و در تاختن بردشمن با یکدیگر هم‌چشمی کنند؛ بتمام جنگاوران دستور می‌دهم، تمام مردم را فرا می‌خوانم که در افزایش تولید، بنای ذخایرغذا در نقاط امن، مواظبت از آب بندها و کومك به‌سربازان اهتمام‌ورزند؛

از تمام پرسنل سیاسی، اداری و فنی طلب می‌کنم که برای غلبه برمشکلات و اصلاح کمبودها کوششهای خود را دوچندان‌کنند و کادرهای نمونه‌یی شوند.

ما یکدل و یك زبانیم. موظفیم پیروز شویم.

پیش!

استعمارگران ارتجاعی فرانسه را درهم بکوبید!

خلقهای ویت‌نام وفرانسه دوست یکدیگرند!

جنگ دراز مدت مقاومت بی‌تردید با پیروزی خاتمه می‌یابد!

پایدار باد ویت‌نام مستقل و وحدت یافته!

سالگرد تأسیس آرتش رهایی‌بخش ویت‌نام

(۲۲ دسامبر، ۱۹۴۷)

از آرتش رهایی‌بخش به‌آرتش دفاع ملی.

نخستین رسد آرتش رهایی‌بخش بذری خرد بود که به‌جنگلزاری عظیم رشدکرده است: آرتش کنونی دفاع ملی. ناظری کم مایه ضمن مشاهدهٔ اولین گامهای این آرتش ممکن بود آن را قسمی تفریح‌کودکانه یا کار بعضی «ناکجا آبادیها» (یوتوپیایی‌ها) بینانگارد و بطعنه از آن بگوید: «چگونه این یك مشت جوان و دانشجو و دهقان، این جماعت مختلط تائوها، نیونگ‌ها، **تراى‌ها** و **کینه‌ها** که به‌چند قبضه تفنگ‌فکسنی و یك دوجین شمشیر مسلحند می‌توانند خود را یك «آرتش بحساب آورند و برای رهاندن‌کشورمسئوولیتی بر عهده گیرند؟»

اما حزب ما، که در مورد بنای آرتشی آزادیبخش تصمیم گرفته بود، این وظیفه را به‌رفیق **وونگوین جیاپ** (Vo Nguyen Giap) واگذاشته بود.

نتیجه نشان می‌دهد که سیاست حزب ما درست است. درست است زیرا این سیاست برپایهٔ این حقیقت ساده و عملی استوار است: خلق ویت‌نام‌باید و می‌تواند آزاد شود. برای آزادی کشور، باید با فاشیست‌های ژاپنی و فرانسوی پیکار کنیم. برای پیکار با آنان، به‌نیروهای نظامی نیاز داریم. برای داشتن این نیروها، باید آنان را سازمان دهیم و برای این منظور، باید طرحهایی دراندازیم و آنها را قاطعانه اجرا کنیم.

در آغاز کار ، هیچ چیز در دسترس نبود: غذا، ساز و برگ، پوشاك، مواد دارویی. گاه جنگجویان ما بدون خوراك عازم آوردگاه شدند اما روحیهٔ عالی خود را حفظ کردند.

دیری نپایید که شمار آنان از چند ده تن به‌چندصدتن افزایش یافت. جوانان توده‌وار برای خدمت سربازی نام‌نویسی کردند. خلق ویت‌

باك به‌واحدهای رهایی‌بخش همه‌گونه کومك ارایه کرد؛ بعضی حتی گاومیشها و شالیزارهای خود را فروختند تا برای آرتش پول تهیه کنند. نیز مردم نقاط دیگر کمك کردند. به‌یمن اینگونه حمایتها و توفیقهای پیکار خود آنان، واحدهای ما از لحاظ شمار و قدرت افزایش یافتند. نه‌تنها مناطق آزاد شده دایرشد بل‌که پایگاههای انقلابی در همه‌جا برپا گردید.

دلاوری و انضباط دقیق، دلبستگی عمیق مردم را نسبت به‌جنگاوران رهایی بخش همراه آورده است.

وظیفهٔ آرتش رهایی‌بخش در مرحلهٔ نخست کمك به‌برپایی **انقلاب اوت** و استقرار جمهوری دموکراتیك بود. در مرحلهٔ بعدی، کادرهای ورزیده و سنتهای افتخارآفرین را در اختیار آرتش دفاع ملی‌گذاشت.

ما ضمن جشن یادبود تاسیس آرتش رهایی‌بخش در میانهٔ جنگ مقاومت خود، باید نکات زیر را بخاطر بسپاریم:

۱. آرتش دفاع ملی و چریکها باید انضباط و روحیهٔ آهنین و ارادهٔ کسب پیروزی و دیگر فضایل خویش را حفظ کنند: هشیاری، شجاعت، یگانگی و وفاداری.

۲. پیش ازین، از همان آغازکار و ضمن رویارویی با دو دشمن ــ ژاپونیان و فرانسویان ــ بهرجهت در سازماندهی نیرویی قدرتمند و آرتش رهایی‌بخش و سرنگونی دو دشمن خود توفیق یافتیم. اکنون تنها بایك خصم در مبارزه‌ایم، استعمارگران ارتجاعی فرانسوی، در عین حال حزب، **مجمع ملی، حکومت، جبهه**، نیروهای عظیم آرتش دفاع ملی و چریکها همراه با حمایت بیست میلیون تن هم میهن و پشتیبانی افکار عمومی جهان را در پشت خود داریم: برین روال جنگ مقاومت ما بطور قطع با پیروزی خاتمه خواهد یافت.

ازین مجال بهره می‌جویم تا سپاسهای خود را به‌هم‌میهنان خود در ویت باك ابلاغ کنم که پیش ازین از دل و جان به‌آرتش رهایی‌بخش یاری کردند و اکنون در حمایت از جنگ مقاومت منتهای تلاش خویش را بعمل می‌آورند. نیز درودهای قلبی و اعتماد خود رابرای کهنه‌سربازان ظفر عزم آرتش رهایی‌بخش‌مان ارسال می‌کنم که هم‌اکنون در صفوف آرتش دفاع ملی سرگرم پیکارند.

به‌کنگرهٔ ملی رزمندگان

(آوریل، ۱۹۴۸)

درین فرصت برای شما از صمیم قلب آرزوی سلامتی می‌کنم و درخواست می‌نمایم که شادباشهای مرا بتمام رزمندگان و چریك‌های‌مان ابلاغ کنید. درخصوص کارتان چند پیشنهاد مطرح می‌شود.

در برداشت کلی، رزمندگان و چریك‌ها در قبال جنبش مقاومت خدمات شایانی انجام داده‌اند. در بسا نقاط، آنان یا در هماهنگی نزدیك با آرتش دفاع ملی و یا بسهم خویش با خصم رزمیده‌اند؛ و انرژی‌شگرفی را نمایانده‌اند و در نبرد با جاسوسان و راهزنان پیروزیهای درخوری درویدند، آری، ارگان‌های حکومتی را ازمیان برمی‌دارند، خطـوط مواصلاتی خصم را منهدم می‌کنند، خط و رسم ملی را فرا می‌گیرند و تولید را افزایش می‌دهند.

دهکده‌هایی نظیر **دینه‌بانگ** و بسی‌آبادیهای دیگربه‌سبب فعالیت‌های چریك‌های خود به‌قهرمانی اشتهار یافته‌اند. سیمای بسا مبارزان متمایز شده است: **فام وان تراك، لی بینه، نگوین وان ی، دو وان تین، دانگ وان جینگ، فام وان مان...**، و دیگران. نیز ما باید به‌آن واحدهای چریکی که از مردان سالدار و زنانی ترکیب یافته که دلیرانه به‌دشمن یورش برده‌اند صمیمانه تبریك بگوییم.

اینها **نکات نکویی** است که ما باید آنها را بیش ازین گسترش‌دهیم.

اما رزمندگان وچریك‌های ما کاستیهایی نیز دارند که باید بی‌ـ وقفه‌اصلاح شود. در برخی نقاط مفهوم جنگ چریکی هنوز بروشنی و سر به سر درك نشده است، از همین روی گرایش خطاآمیز این است که پیکارهای بزرگ باید ساز گردد وبه‌مواضع مستحکم برج و باروـ دار حمله شود. ازین گذشته، شعار حزبی خود تأمینی و خودبسندگی در عمل مرعی نشده است و برافزایش و تشدید روند تولید بدرستی پای

فشرده نشده است. هنوز در هماهنگی تنگاتنگ با آرتش دفاع ملی کمبود وجود دارد و نیز ابتکار عمل در حمله به‌خصم رخ باخته است. در ارتباط با سازماندهی و آموزش ،توجه وافر به‌موارد صوری و دقت اندك بـه اقدامات عملی مبذول می‌شود. اینگونه کاستیها باید قاطعانه و بسرعت مرتفع گردد. ما باید:

۱. **در هر روستا**، رزمندگان و چریك‌ها را بطور موثر سازمان‌داده، تربیت کنیم؛ **رزمندگان و چریك‌ها را بعنوان پایه در نظر گیرید** و واحدهای چریکی را که از وظیفهٔ تولید فراغت می‌یابند یك پارچه سازید؛

۲. به‌هر رزمنده عمیقاً تفهیم کنیم که قدرت ما در کجا نهفته است و ایمان به‌این قدرت و سلاحهای ابتدایی را به‌او فرا آموزیم؛

۳. عمل چریکی را با عملیات آرتش دفاع ملی سخت پیوند زنیم؛

۴. هر رزمنده را از وظیفهٔ افتخارآفرینش بتمامه آگاه سازیم؛

۵. از تاکتیك‌های چریکی درك روشنی به‌آنان ارایه کنیم: ابتکار عمل را حفظ کنند، دشمن را بیابند و به‌او حمله کنند، او را بستوه آورند و خرابکاری را پی‌گیرند؛ و به‌کسب پیروزیهای کوچك ادامه دهند که اینها به‌پیروزی بزرگ می‌انجامد.

۶. خود تأمینی و خودکفایی را باتکای افزایش موثر تولید درك کنیم؛

۷. موارد فوق را از طریق رقابت اجرا کنیم. بگذار روستا باروستا، بخش با بخش، استان با استان و منطقه با منطقه هم‌چشمی کنند.

من عهد می‌کنم که حکومت به‌سرآمدترین رزمندگان و واحدها درین حرکت **رقابت‌آمیز** پاداش دهد و از آنان تجلیل کند.

یقین دارم که رزمندگان و چریك‌های ما، با نقشهٔ روشن و **عملی** که **کنگره** طرح می‌کند وبه‌اتکای شوروحمیت خود آنان وهمراه باکمك هم‌میهنان‌مان، وظیفهٔ افتخار آفرین خویش را بتمام و کمال انجام‌خواهند داد: کشتن هرچه بیشتر از نیروهای دشمن، بدست‌آوردن ساز و برگهای بیشتر و دست‌یافتن به‌ظفرهای نمایان تا پیروزی جنگ دراز مدت مقاومت و تحقق تجدید وحدت ملی و استقلال سرعت گیرد.

بادرودهای قلبی. ما پیروز می‌شویم!

به‌اجلاس کمیتهٔ مرکزی ویت‌مینه

(۲۵ آوریل، ۱۹۴۸)

رفقای عزیز،

بواسطهٔ مشغلات فراوان، متاسفم که نمی‌توانم درین اجلاس کمیتهٔ مرکزی ویت مینه که امروز گشایش می‌یابد شرکت‌جویم.برای نمایندگان تندرستی و برای اجلاس توفیقهای شایان آرزومی‌کنم. میل دارم درزیر برخی تجارب‌مان را به‌نمایندگان یادآور شوم.

پیروزیهایی که به‌پایمردی ویت‌مینه حاصل آمد از سیاستهای‌درست آن نشاة می‌گیرد:

الف) سیاست داخلی ویت‌مینه از آغاز کار وحدت بخشیدن تمام مردم و کسب استقلال برای سرزمین اجدادی بوده است. برای رسیدن به‌این هدف، ویت مینه عزم کرد با فرانسویان و ژاپونیان پنجه در پنجه درافکند. از آن جهت که در آن زمان ما اندك شمار بودیم و سلاح چندانی در دست نداشتیم و ژاپنی‌ها و فرانسویها نیروهای مشترکی‌بودند که به‌سرکوب جنبش میهن‌پرستی ما کمربسته بودند، این عزم به‌رزم در نظر بعضی اشخاص تصمیمی ابلهانه بود. لکن نتایج نشان داد که سیاست ویت مینه درست بود.

ب) سیاست خارجی ویت مینه قرار گرفتن در کنار اردوگاه دموکراتیك بود.

از آن سبب که فاشیست‌های آلمانی، **ایتالیایی** و ژاپنی بر خرمراد سوار بودند و پیروزی پشت پیروزی بدست می‌آوردند و بدان علت که کشورهای دموکراتیك عقب‌گشتهای سختی را متحمل می‌شدند، اینگونه سیاست نیز از نگاه پاره‌یی افراد، جنون‌آسا بود. اما در همان زمان ویت‌مینه ظفرمندی مسلمی را برای **متحدان** دموکرات پیش بینی کرد. نتایج باز نشان داد که سیاست ویت‌مینه درست است.

پ) هنگامی که فرانسویان و ژاپونیان از در همکاری تنگاتنگ درآمدند، ویت مینه پیش‌بینی کرد که اینان به‌یکدیگر خیانت خواهند ورزید و ژاپونیان اولین گام خیانت پیشگی را بر خواهند داشت. باتکای این عاقبت‌اندیشی، ویت مینه طرحی در انداخت که ازین فرصت بهره جوید. باز نتایج نشان داد که سیاست ویت مینه صحیح بود.

ت) به‌وقتی که **انقلاب اوت** ظفرتوز شد و قدرت فراچنگ آمد، ویت مینه برآن سر شد که حکومت فراگیری مرکب ازتمام اشخاص مستعد در کشور برپا کند تا امور دولت را در دست گیرند. اشخاصی در آن هنگام می‌انگاشتند که مسلم نیست که شخصیتهای بلند آوازه از سر شوق با ویت مینه همکاری نمایند. اما از آن روی که ویت مینه منافع سرزمین اجدادی و خلق را بالاتر از هرچیز قرار داد و بر آرمان مشترك و خودایثاری کامل عیار یکسره همت گماشت، همان شخصیتها از سر میل ورغبت به‌حکومت پیوستند.

ث) زمانی که گسترش هرچه بیشتر وحدت تمام مردم ضرور شد، ویت مینه بسیاقی بموقع سازماندهی **لین ویت** (Lien Viet) ۱۶راپیشنهاد کرد و بسرعت و بطور گسترده به‌پیشرفت آن یاری نمود تا بدینوسیله پیشرفت و یاك پارچگی خود را جامه عمل پوشد.

ج) سیاست ویت مینه حراست از صلح بود، اما آنگاه که جنگ مقاومت لهیب برکشید، ویت مینه از سیاست مقاومت دراز مدت حکومت بطور همه‌جانبه حمایت کرد. ویت مینه درین جنگ مقاومت، پیروزی، آری، پیروزی مسلم و حتمی را پیش‌بینی می‌کند. گذشته، آینده را تضمین می‌نماید.

در یك کلام، از هنگام بنیان یافتن ویت مینه، تجربه نشان داده است که تمام سیاستهای آن درست بوده است؛ برین توفیقها بایـد پای فشرد و آنها را گسترش داد.

با این همه، ویت مینه یك کاستی دارد: پیشرفت سریع آن مجال این را نداده است که به‌کادرهای خود در همه جا تعالیم دقیقی ارایه‌کند؛ پس بی‌سبب نیست که کادرها در بسا نقاط با مشی کلی بدرستی انطباق

---

۱۶ ــ **لین ویت: (مجمع ملی ویت‌نام)**: بنا بـر تصمیم حـزب و رفیق هو چی مین، بمنظور گستردن وحدت تمام خلق وگرد شدن میهن‌پرستانی‌که اعضای ویت مینه نبودند، این مجمع در ۲۹ مه سال ۱۹۴۶ تأسیس شد. درسال ۱۹۵۱، مجمع همراه با ویت مینه در **جبههٔ لین ویت** ادغام شد.

نیافته‌اند. بعض عناصر حتی فاسد شده‌اند.

هم‌اکنون، از یك‌سوی ،آموزش کادرها از سطح روستا به بالا باید محل توجه ویت مینه واقع گردد. از سوی دگر، کادرهای ویت مینه باید از برای ایجاد برابری در وظیفهٔ دشوار و افتخار آفرین خویش انتقاد از خود را معمول و مرعی دارند. اعضای ویت‌مینه در اجرای هر وظیفه درونی جنبش مقاومت و بنای میهن باید سرمشق باشند.

امیدوارم این اجلاس برای گسترش و پیوست ویت‌مینه دریـن اقدام هم چشمی میهن‌پرستانه طرحهای عملی دراندازد.

با درودهای‌صمیمانه.

فراخوان برای هم‌چشمی میهن‌پرستانه

(۱۱ ژوئن، ۱۹۴۸)

هدف از هم چشمی میهن پرستانه چیست؟
هدف مبارزه با قحطی و تنگدستی است،
مبارزه با نادانی، و پیکار با
مهاجمان خارجی.
شیوهٔ این کار متکی است بر
نیروهای خلق، و
روحیهٔ مردم،
تا ازین راه، سعادت
مردم تامین گردد.
برین سیاق، وظیفهٔ تمام ویت‌نامیان، در هر کسب و کار ــ روشنفکران، دهقانان، کارگران، کاسبان، سربازان ــ هم‌چشمی بایکدیگر است، چندان که،

سریعتر، بهتر و بیشتر کار کنند.

هر ویت‌نامی، سالمند یا جوان، مرد یا زن، غنی یا فقیر، گیرم هرمقام اجتماعی که آن مرد یا این زن داشته باشد، باید برای مبارزه در جبههٔ نظامی، اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی بمنظور اجرای کامل این شعار حزبی لباس رزم پوشد و رزمنده شود:
مقاومت به‌همت تمام خلق و در هر زمینه.
ما در رقابت میهن‌پرستانهٔ خود با تجاوز خارجی مقابله می‌کنیم ودر عین حال سرزمین‌مان را از نو بنا می‌نماییم.
نخستین نتایج هم‌چشمی میهن‌پرستانه نکاتی به‌شرح زیر خواهدبود:
تمام مردم خوراك و پوشاك بقدر کافی خواهند داشت،

همهٔ خلق خواند و نوشت فرا خواهندگرفت،
تمام‌آرتش خوراك و مهمات تکافوکننده برای پاك کردن مهاجمان از عرصهٔنبرد خواهند داشت، و سراسر کشور بتمامه از نو وحدت‌می‌یابد و مستقل می‌گردد.
برای رسیدن به‌این هدفهای درخور، من از همه طلب می‌کنم که در امر هم‌چشمی شرکت کنند:
بگذار سالداران، فرزندان خرد و کلان خود را جرأت بخشند که با شور و غیرت در هر تلاشی شرکت جویند؛
بگذار پیشتازان جوان سخت مطالعه کنند و به‌بزرگسالان یاری نمایند؛
بگذار صنعتگران و بازرگانان کسب خویش را گسترش دهند؛
بگذار کارگران و دهقانان تولید را افزایش دهند؛
رخصت ده روشنفکران و کارشناسان، خلق و ابداع نمایند؛
رخصت ده کارکنان کشوری با فداکاری بخدمت خلق همت‌گمارند؛
بگذار آرتش و رزمندگان بسا سربازان خصم را بروبند و مقادیری گران، ساز و برگ بغنیمت گیرند.
بسخن کوتاه، بگذار تمام خلق با یکدیگر رقابت کنند؛ بگذار همه در جنگ مقاومت و بازسازی میهن شرکت جویند. درین حرکت‌جوشان، هم‌چشمی میهن‌پرستانه ریشه‌های عمقی می‌گسترد و در هرزمینه و هر قشر از مردم دامن می‌گیرد و به‌ما کومك می‌کند که برای تأمین پیروزی نهایی برتمام دشواریهای صعب چیره آییم و تمام توطئه‌های دشمن را بی‌اثر کنیم.
ما، همراه با روحیه بی‌پروا و نیروی خستگی‌ناپذیر خلق خویش و بانکای میهن‌پرستی و ارادهٔ مردم و آرتش‌مان می‌توانیم و باید در حرکت هم‌چشمی میهن‌پرستانهٔ خود بطور قطع پیروزیهای‌عظیمی فراچنگ آوریم.
هم‌میهنان!
افراد نیروهای مسلح!
به‌پیش!

به‌ششمین کنگرهٔ کادرهای حزب

(۱۸ ژانویه، ۱۹۴۹)

درین کنگره نمایندگان شمال، مرکز، جنوب و کادرهای بلندپایهٔ حزب در حکومت، آرتش، اقتصاد و دارایی، دستگاه حزب، سازمانهای توده‌یی، ارگان‌های کنترل و غیره حضور دارند و این کاری است بس پسندیده.

مسایلی که برای گفتگو مطرح شده بیشمار است لکن همه به‌یك هدف ناظرند: پیروزی جنبش مقاومت، بنای دموکراسی نو در مسیر تدارك برای پیشرفت به‌سوسیالیزم.

مسیر طرح ریزی شده است، حال رخصت دهید آن را پی‌گیریم. ما بی‌تردید به‌مقصد خود خواهیم رسید.

۱. بالابردن اقدامات نظامی خود؛ قراردادن جنگ مقاومت ومبارزهٔ مسلحانه بالاتر از هر چیز دیگر. تمام فعالیتها باید کسب پیروزی جنبش مقاومت را آماج کند.

۲. سامان بخشیدن به‌ماشین حکومتی در تمام سطوح، از روستا به بالا. اگر آرایش مجدد از پایه به‌بالا و برعکس آن صورت پذیرد، ما بطبع توفیق می‌یابیم.

۳. تولید زیاد و مصرف اندك. هیچ قسم مخارج غیر ضروری. چنین است مضمون تمام سیاستهای اقتصادی و مالی ما.

۴. سازماندهی مجدد سازمانهای توده‌یی. موفقیتهای ما مرهون کار خلق است. با این‌همه هم اینك بسا سازمانهای توده‌یی همچنان سخت نااستوارند.

۵. برای اجرای وظایف فوق، باید پیش از همه تشکیلات حزب خود را کمال بخشیم. وظایف اصلی را باید پیش‌کشیم و کار را روی آنها متمرکز نماییم.

می‌توانیم حزب را به‌نیروی ژنراتور و وظایف گفته شده را به روشنایی برق تشبیه کنیم. هرقدر ژنراتور نیرومندتر باشد، روشنایی درخشنده‌تر می‌شود.

اینجا چند وظیفهٔ مبرم را برای حزب‌مان برمی‌شمرم:

الف) ما کادرهای بیشماری در اختیار نداریم. باید بتدریج شماری تکافو کننده از آنان را تربیت کنیم. برای نیل به‌این هدف، حزب باید به‌مطالعهٔ اعضای خود و آموختن از خلال کوششهای خود آنان کمك کند. کادرها بنوبهٔ خود باید سخت پژوهش کنند.

بسا رفقای ما تجارب عملی شایانی دارند اما تنها از آموزش‌ابتدایی برخوردارند. رفقای روشنفکر بطور گسترده مطالعه کرده‌اند لکن تجربهٔ عملی آنان ناچیز است و بشیوه‌های کار حزبی خوی نگرفته‌اند.

بنابرین، لازم است که سطح تئوریکی کادرهای کهنه‌کار ارتقاء یابد و در توازی آن به‌کادرهای روشنفکر تعلیم داده شود که کار توده‌یی انجام دهند.

ب) در سبك کنونی کار در حزب دو نقصان وجود دارد:

ــ کادرهای قدیمی به‌شیوهٔ «صنایع دستی» کار می‌کنند؛

ــ کادرهای نوخاسته بسیاق علمی دست بکارند اما بلندپروازی می‌کنند و در انطباق خویش با شرایط جنگ مقاومت وا می‌مانند.

روشهای کار خود را باید اصلاح کنیم، آنها را بخردانه‌تر و با اوضاع و مقتضیات کنونی منطبق نماییم و از قالب‌گرایی (فرمالیزم) و خاصیت ماشینی پرهیز کنیم.

پ) دور از توده‌ها، نمی‌توانیم عشق و احترام آنان را بصرف نقش واژهٔ «کمونیست» برپیشانی خویش نسبت به‌خود برانگیزیم.

مردم تنها برای اشخاصی عشق و احترام ایثار می‌کنند که رفتار و اخلاقی پسندیده داشته باشند. آنان که میل دارند توده‌ها را راهنمایی کنند باید برای ایشان سرمشق خوبی باشند. بسا رفقا ازین راه رفته‌اند، اما دیگران ره را گم کرده‌اند. حزب ما باید به‌اصلاح آنان یاری کند.

وقتی از مردم طلب می‌کنید که صرفه‌جوی باشند، شما خود باید راه قناعت پیش‌گیرید. رفقای ما باید چهار فضیلت انقلابی را فراروی داشته باشند: کوشش، صرفه‌جویی، راستی وحق‌طلبی.

برای سازکردن انقلاب، آدمی باید پیش از هرچیز خمیرهٔ خود را از نو بپالاید.

ت) گرچه ممکن است ما از ملیتها و طبقات مختلفی برخاسته‌باشیم، رسالت و اجابت همسانی را پیرویم و در حیات و ممات به یکدیگر وابسته‌ایم و در شادی و حرمان شریکیم. رسیدن به‌مقصد و سازمان‌دادن

خویش کافی نیست: سوای اینها باید دردل و جان خود صمیمی و پاك‌اندیش باشیم.

دوراه برای رسیدن به‌وحدت ایدئولوژیکی و انسجام درونی وجود دارد:

انتقاد و انتقاد از خود.

همه، از بالا به‌پایین، برای نیل به‌وحدت تنگتر و ترقی‌گسترده‌تر باید ازین دو بهره جویند.

ث) حفظ انضباط:

حزب ما، گرچه شماری کلان از مردم را دربر می‌گیرد، برای پیگیری پیکار بسان یك تن متحد است. این وحدت از انضباط مایه می‌گیرد. انضباط ما، انضباطی آهنین شمرده می‌شود ــ بسخن دیگر، انضباطی است فشرده و آگاهانه.

برای حفظ این انضباط آهنین حزب خود، باید اهتمام ورزیم.

این کنفرانس در زمانی برگزار می‌شود که جنبش انقلابی جهان شتابان ترقی می‌کند. این امر خود بویژه شاهد مثالی است از پیروزی خلق و حزب **چین**.

حزب ما، حزب کمونیست هندوچین است اما در رهایی منطقهٔ **آسیای جنوب شرقی** نیز باید سهم داشته باشیم. این حزب از لحاظ قدرت بعد از **حزب کمونیست چین** قرار دارد و اولین حزبی است که درمنطقهٔ آسیای جنوب شرقی بقدرت رسید. این سخن بخاطر تفاخر و خودبینی گفته نمی‌شود بل‌که بدآن معنی است که برای اتمام مسئوولیت خویش باید تلاش ورزیم.

شمار جمعیت امروز جهان به۲۰۰۰ میلیون تن سرمی‌زند؛ احزاب کمونیست ۲۰ میلیون تن عضوٌ دارند؛ و بنابرین برای هر یکصد تن یا چیزی درین حدود یك‌تن کمونیست حی و حاضر است. در هندوچین، مطابق آمار کنونی، این میزان یك به‌یکصد و دوازده تن است. این امر واقعیتی دلگرم کننده بشمار می‌آید. اگر هر فرد بتمام و کمال وظایف خود را انجام دهد، جنگ مقاومت ما بطور حتم پیروزی سریعی کسب می‌کند و بنای ملی بسرعت قرین موفقیت می‌گردد.

پایدار باد حزب کمونیست هندوچین!

پاینده باد ظفرمندی انقلاب جهانی!

به‌کادرهای دهقانی

(نوامبر، ۱۹۴۹)

سرزمین ما کشاورزی است.

بیش از نه دهم مردم ما دهقانند.

بیش از نه‌دهم دهقانان ما میانه‌حال، فقیر و بی‌زمینند.

آرتش دفاع ملی، نیروهای منطقه‌یی، واحدهای رزمندگان‌وچریکی اکثراً از دهقانان ترکیب یافته است.

عملیات خرابکاری از برای مقابله با خصم، مرمت جاده‌ها، تأمین ارتباطات و حمل و نقل، بیشتر بهمت دهقانان انجام می‌گیرد.

محض کوتاه سخنی، دهقانان نیروی گران کشور و وفادارترین متحد طبقهٔ کارگر شمرده می‌شوند.

از برای این‌که جنگ مقاومت و بنای ملی با موفقیت قرین گردد و استقلال راستین و تجدید وحدت بدست آید، باید بر نیروهای دهقانی اتکا کرد.

دهقانان ما نیرویی کلان را شکل می‌بخشند و ازمیهن‌پرستی پر شور و ارادهٔ مبارزه و آمادگی برای فداکاریها الهام می‌گیرند.

کار سیاسی در میان دهقانان مشتمل است بر:

ــ سازماندهی فشردهٔ آنان.

ــ متحدکردن تنگاتنگ ایشان.

ــ بیداری کامل وجدان سیاسی آنان.

ــ راهبری آنان در مبارزهٔ بی‌امان برای منافع خود آنان ومصالح سرزمین اجدادی.

انجام کار **تبلیغی ــ تنویری سیاسی** در میان دهقانان مبتنی است بر انگیختن آنان؛ یعنی، آگاه کردن دقیق ایشان از منافع کشور و **طبقهٔ** خویش و پیوستن آنان به**انجمن رهایی ملی دهقانان** بشمار عظیم بمنظور

مبارزه برای هدفهای خود آنان و شرکت فعال در جنگ مقاومت وبنای ملی.

برای نیل به‌این هدف، کادرهای دهقانی باید از ذهن‌گرایی، قالب‌گرایی و کاغذبازی پرهیز کنند.

کادرهای استانی باید به‌بخشها و روستا ها آمد و شد کنند.

کادرهای بخشها باید به‌روستاها و دهکده‌ها رفت و آمد نمایند.

کادرها باید به‌پایگاهها بروند و خود از نزدیك ببینند و بشنوند، با مردم به‌گفت‌گو بنشینند، مسایل را چاره‌اندیشی کنند و بفراخور عمل نمایند.

به‌تحقیقات عملی باید اهتمام ورزند، مساعدت کنند، کنترل نمایند، درسها بگیرند و تجربه‌ها را مبادله کنند، با این نظرگاه که به‌دهقانان کمك نمایند و از آنان یاد بگیرند.

دهقانان تهی‌دست وبی‌زمین، در ارگان‌های قدرت ودرهیأتهای‌اصلی **انجمن دهقانان** باید سهم موثری داشته باشند.

اگر کادرهای ما (کادرهای دهقانی وحکومتی) ازین اصول دقیقاً متابعت کنند واین اصول را بهرقیمت انجام دهند بطور قطع ما درتمام این زمینه‌ها نتایج دلخواهی حاصل می‌کنیم:

ــ هم‌چشمی درتولید بمنظور امحای قحطی؛

ــ هم‌چشمی در فراگیری **کیوك نگو** (خط ملی لاتین. م) از برای محو بیسوادی؛

ــ رقابت در همکاری با آرتش وتقویت بنیهٔ نیروهای‌رزمندگان‌و چریك‌ها در جهت ازمیان بردن تجاوزکاران خارجی.

به‌کنگرهٔ اتحادیهٔ کارگری

(۲۳ فوریه، ۱۹۵۵)

بمناسبت برگزاری کنگرهٔ شما ازته دل برای همهٔ شما عزیزان‌تندرستی وتوفیقهای شایان وعملی آرزو می‌کنم. طبقهٔ‌کارگرما در جنگ مقاومت ملی سهم بس مهمی داشته است ودستاوردهای افتخارآفرینی را رقم زده است؛ بطبع ازین پس طبقه کارگر باید تلاش خود را دوچندان کنـد. بگمان من، کنگره وظایف عمدهٔ زیر را باید در نظر گیرد:

ــ تمام کارگران را در مناطق آزاد شده و در مناطقی که هنوز دراشغال دشمن قراردارد سازمان وآموزش دهد؛

ــ کارگـران را برای شرکت در حرکت هم‌چشمی میهن‌پرستانه رهبری نماید وآنان را برای ضد تهاجم عمومی‌آماده کند؛

ــ روشنفکران وکارگران یدی را سازمان دهد؛

دهقانان را در هرموردی یاری وراهنمایی کند؛

ــ باطبقهٔ کارگر سراسر جهان، پیش ازهمه کارگران چینی و فرانسوی تماس نزدیکی را حفظ کند؛

طبقهٔ کارگر ما باید در جنگ مقاومت، بنای ملی و در ساختـن دموکراسی نو سمت رهبری داشته باشد. بنابرین، تمام کارگران، مردان وزنان باید در تعلیم وترقی خود همت گمارند ودر هرزمینه سرمشق خوبی باشند تا ازین راه رسالت غرورانگیز طبقهٔ آنان بتمام و کمـال تحقق یابد.

با درودهای صمیمانه! ما پیروز می‌شویم!

پاسخ به‌مطبوعات در بارهٔ
مداخلهٔ ایالات متحد امریکا در هندوچین*

(۲۵ ژوییه، ۱۹۵۰)

سئوال: آقای رئیس جمهور، سیاست مداخله جویانهٔ امپریالیست‌های ایالات متحد در هندوچین چیست؟

جواب: امپریالیست‌های ایالات متحد مدتها است که آشکارا در هندوچین مداخله کرده‌اند. با پول وسازوبرگهای ورهنمودهای اینان است که‌استعمارگران فرانسوی در ویت‌نام، **کامبوچیا و لائوس** جنگ راه‌انداخته‌اند.

بااین همه، امپریالیست‌های ینگه دنیایی قصد دارند که بیش ازپیش استعمارگران فرانسوی را طرد کنند وبرهندوچین کنترل کامل را اعمال نمایند. در هرزمینه ــ نظامی، سیاسی و اقتصادی بطور مستقیم و فعال بیش ازگذشته مداخله می‌کنند. بهمین دلیل تضادهای میان ایــنان و استعمارگران فرانسوی دامن گسترده است.

سئوال: آقای رئیس جمهور، این مداخله برخلق هندوچین چگونه تأثیراتی دارد؟

جواب: امپریالیست‌های ایالات متحد برای قداره‌بندی‌های خود اسلحه تأمین می‌کنند تا خلق هندوچین را قتل‌عام کنند.

کالاهای‌خود را به‌هندوچین سرازیر می‌کنند تا ازپیشرفت صنایع کوچك محلی جلوگیرند. فرهنگ فاسد خود را اشاعه می‌کنند تاجوانان را درنواحی تحت اشغال موقت خود مسموم وبدکردار نمایند،امپریالیست‌ها مشی‌ارتشاء، چاپلوسی و تفرقه افکنی را اعمال می‌کنند. بله، عناصر شریر

* در نشریهٔ **کیو کیوك** (Cuu Quac) ، ارگان ویت مینه، ۲۵ ژوییه، ۱۹۵۰ چاپ شد. (و.)

را بخدمت خود می‌گیرند وتوطئه‌های مشترکی می‌چینند که میهن مارا تسخیر کنند.

سئوال: ما باید درمقابل آنان چکار کنیم؟

جواب: استقلال را کسب کنیم، خلقهای هندوچین باید استعمارگران فرانسوی این دشمن شمارهٔ یك خود را سربه‌سر شکست دهند. در عین‌حال، با مداخله‌جویان ایالات متحد باید مقابله کنیم. مداخلهٔ‌آنان‌هرقدر عمقی‌تر شود، همبستگی ما تنگتر ومبارزهٔ ما بی‌امانتر می‌گردد.

توطئه‌های اینان را در برابر تمام مردم خویش، خاصه آنان که هم‌اکنون درنواحی تحت اشغال موقت امپریالیست‌ها بسر می‌برند یکسره باید افشاء کنیم.

نقاب تمام افرادی را که در نقش سگهای دست‌پروردهٔ‌امپریالیست‌های ایالات متحد کمرخدمت بسته‌اند باید پس بزنیم واقدامات اینان را در استهزاء، اغفال و انشقاق خلق خویش برملا کنیم.

همبستگی فشرده میان مردمان ویت نام ، کامبوچیا ولائوس درجهت هزیمت استعمارگران فرانسوی ومداخله‌جویان ینگه دنیایی نیروی‌عظیمی را شکل می‌بخشد.

امپریالیست‌های ایالات متحد درچین هزیمت دیدند، در هندوچین نیز درهم کوبیده می‌شوند.

ما بابسی دشواریها روبرویم، اما موظفیم پیروز شویم.

در پنجمین سالگشت
انقلاب اوت و روز ملی

(۲سپتامبر، ۱۹۵۰)

هم‌میهنان در داخل وخارج،

افراد آرتش دفاع‌ملی، نیروهای منطقه‌یی، رزمندگان و واحدهای چریکی، کادرهای حکومتی وسازمانهای توده‌یی،

جوانان و خردسالان!

امروز ما پنجمین سالگشت **انقلاب اوت** وروز **استقلال ملی** را جشن می‌گیریم. نیز جنبش مقاومت ما پنج سال بدرازا انجامیده است.

بگذار وضع این دورهٔ پنج‌ساله را باجمال بررسی کنیم تا بدینسان از وظایف آینده تعریفی بدست آید.

پیش از انقلاب اوت ما با دو **دشمن مستقیم**، امپریالیزم ژاپن و استعمار فرانسه ویك خصم‌غیرمستقیم، حزب **کومین تانگ** (Kuomintang) ارتجاعی چین مواجه بودیم. این بدان معنی است که دشمنان ما نیروهای کلانی در اختیار داشتند.

قبل از انقلاب اوت، قـدرت در دست مـا نبود و ما آرتش منظمی نداشتیم؛ جبههٔ ملی هنوز کوچك بود وزیرزمینی کار می‌کرد. این سخن بدین معنی است که نیروهای ما سخت در مضیقه بودند.

با این‌همه، به‌یمن مهارت خود در سنجش وضع بین‌المللی واستعداد خویش در **متحدکردن وبسیج خلق**، توانستیم ضعف خود را بقدرت تبدیل کنیم وسه دشمن یاد شده را منکوب نماییم وانقلاب را ظفرمند سازیم و استقلال ملی را فراچنگ‌آوریم.

اندك زمانی از باز پس‌گرفتن استقلال کشور ما نگذشته بود که استعمارگران فرانسه برما تاخت آوردند.

آنان، باتکای‌آرتش‌قدرتمند و افسران کارآزموده و مسلح‌به‌سلاح‌های

مـدرن سر آن داشتند کـه **جنگی سبك** را سازکنند و **پیروزیی سریع** بجنگ آورند.

ما تنها با سربازان تازه سازمان یافته وسازوبرگهای ابتدایی، برآن بودیم که **جنگ درازمدت مقاومت را پی‌گیریم.**

واقعیتها نشان داده است که **استراتژی ما براستراتژی خصم چیره آمده است.**

ازآغاز دامنگیری خصومت‌ورزیها در ویت‌نام، شیرازهٔ حکومت فرانسه -چندین‌بار ازهم پاشیده است؛ فرماندهان کل فرانسوی پنج یا شش‌بار ازکاربرکنار شده‌اند، سربازان فرانسوی تاب وتوان باخته‌اند؛ امورمالی فرانسه با گذشت هرروز به‌سراشیب آشفتگی کشیده شده است. جنبش ضد جنگ خلق‌فرانسه با قوت هرچه تمامتر دامن‌گسترده است. خلق ما بیش ازپیش متحدتر وقاطعتر گشته است.

اکنون استعمارگران فرانسوی آشکارا پذیرفته‌اند **کـه از پـای در می‌افتند ودیگر نمی‌توانند جنگ را ادامه دهند مگر این‌که ایالات متحد امریکا به‌اینان یاری‌کند.**

درحالی که دستگیری ایالات متحد را گدایی می‌کنند بیم آن دارند که مبادا امریکاییان آنان را از هندوچین طرد کنند، آنسان که چندسال پیش ژاپونیان این چنین کردند.

از هنگامی که جنگ آغاز شد، **امریکاییان در کومك به‌فرانسویان از هیچکاری دریغ نورزیده‌اند.** لکن امروز هم اینان با **مداخلهٔ مستقیم در ویت‌نام** گامی فراتر برمی‌دارند.

برین‌روال، قطع نظر از خصم اصلی خویش، استعمارگران فرانسوی، **دشمنی دیگر، مداخله‌جویان امریکایی** را پیدا کرده‌ایم.

تا آنجا که موضوع به‌ما مرتبط می‌شود، جنگ مقاومتی که طی این پنج سال درگرفته **بزرگترین پیروزی را در تاریخ ویت‌نام برای سرزمین ما به‌ارمغان آورده است:** دوکشور پهناور درجهان **اتحاد شوروی** و **چین خلق** و دموکراسی‌های نوین، جمهوری دموکراتیك ویت‌نام را بعنـوان عضو برابری در خاندان بزرگ کشورهای دموکراتیك جهان برسمیت شناخته‌اند. این سخن بدان معنی است که ما بطور قطـع به‌اردوگـاه دموکراتیك و به‌جمع هشتصد میلیون تن مردمی پیوسته‌ایم کـه علیـه امپریالیزم قد برافراشته‌اند.

به‌یقین اینگونه **پیروزیهای سیاسی** راه را برای **ظفرهای آیندهٔ نظامی**

هموار خواهد کرد.

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وکشورهای دموکراتیک‌نوخاسته قدرتمندتر ازپیش می‌شوند.

چین، مداخله‌جویان ایالات متحد و دارودستهٔ ارتجاعی کومین‌تانگ را منهزم‌کرده است وراه دموکراسی نورا در می‌نوردد.

خلق **کره** دربرابر مداخله‌جویان ایالات متحد وتمام اقمار آنان قد برافراشته است. آنان درحمایت ازجنبش مقاومت ما برای رهایی ملی وبویژه ازمبارزهٔ ما علیه مداخله جویان ایالات متحد نیروی متحد سترگی را شکل می‌بخشند.

مرتجعان ایالات متحد در برابر وحدت مبارزهٔ خلق‌چین **درمانده‌اند.** اینان درمواجهه با وحدت مبارزاتی خلقهای ویت نام، کره وجهان ناکام خواهند ماند.

واقعیتهای سالیان گذشته اثبات کرده است که **جنگ مقاومت دراز مدت ما بطور قطع با پیروزی پایان خواهد گرفت.**

این نکته جای هیچگونه گفتگویی را باقی نمی‌گذارد.

اما پیروزی ومقاومت دراز مدت باید پهلو به‌پهلوی یکدیگر طی طریق کند:

«آن که درطلب چیدن میوهٔ‌برآوراست باید درختان بارآوربکارد»؛ این ضرب‌المثل حقیقتی ابدی را بیان می‌کند.

بنابرین، وظایف مبرم ما عبارتند از:

ــ تقویت هرچه بیشتر **وحدت** خویش؛

ــ متحد **ساختن تمام مردم در جنبش هم‌چشمی میهن‌پرستانه برای بسیج‌همگانی** بمنظوراین‌که به**موضع ضد تهاجمی عمومی** بسرعت عنان پیچیم؛ وپیش از همه باید تأمین نیروی انسانی ومواد خوراکی راترغیب وتشویق کنیم؛

ــ از آرتش دفاع ملی، نیروهای منطقه‌یی، واحدهای رزمندگان‌و چریک‌ها باید مطالبه کرد که در **امحای نیروهای خصم ودستیابی به‌ظفرهای تابناك** با یکدیگر هم‌چشمی ورقابت کنند؛

ــ از کارگران ودهقانان باید خواستار شد که درامر **تولید از یکدیگر سبقت جویند؛**

ــ ازجوانان باید طلب کرد که **درتمام زمینه‌ها با یکدیگر رقابت**

کنند: نام‌نویسی درآرتش، تولید، ترابری ، مطالعه وجزاینها؛

ــ تمام کادرهای اداری وسازمانهای توده‌یی را باید تشجیع کرد که شعار: **کوشش، صرفه‌جویی، راستی و حق‌طلبی** را به‌مرحلهٔ اجرا درآورند؛

ــ از هم‌میهنان‌مان که در مناطق تحت کنترل دشمن بسر می‌برند باید مطالبه کنیم که برای نبرد با دشمن وحمایت ازسربازان ما آمادهٔ کارزار شوند.

هم‌میهنان عزیز!
سربازان گرامی!

انقلاب اوت، وحدت واستقلال را برای ما بارمغان آورد. درآن زمان، گذشته از روحیهٔ همبستگی ما تنها نیروهای کوچکی در اختیار داشتیم؛ ولیکن فیروز شدیم.

اکنون ازبرای دفاع از وحدت واستقلال خویش جنگ مقاومت درازمدتی را سازمی‌کنیم؛ نیروهای گرانی داریم واز اوضاع دلخواه ملی وبین‌المللی برخورداریم: موظفیم که پیروزشویم.

بااین وصف، باید ازنکات زیرآگاه باشیم:

ــ خصم بیرحمتر ودشمنکامتر خواهد شد وپیش ازتاروما‌ر شدن یحتمل بردامنهٔ تاخت وتازخود بیش ازپیش خواهد افزود.

ــ قبل ازظفرمندی نهایی با دشواریها ومشقتهای بی‌امانتری روبرو می‌شویم.

بنابرین باید هشیار و باعزم‌باشیم؛ نه از واگشتهای موقتی باید دلسرد گردیم ونه ازظفرهای بزرگ باد در غبغب اندازیم؛ نه دچار خودبینی شویم ونه‌به‌دشمن کم بها دهیم.

به‌یمن یگانگی اندیشهٔ حکومت وخلق، سربازان ورزمندگان ما ودر سایهٔ وحدت وبی‌پروایی مردم ما ودرنتیجهٔ پشتیبانی خلقهای کشورهای دموکراتیك و همهٔ شخصیت‌های عدالت‌طلب درجهان،

جنگ مقاومت درازمدت ما به‌تاکید مسلم با پیروزی بفرجام‌می‌رسد!

وحدت مجدد ملی واستقلال بطور قطع حاصل می‌آید!

گزارش سیاسی به دومین کنگرهٔ ملی حزب کارگران ویت‌نام

(فوریه، ۱۹۵۱)

۱. اوضاع بین‌المللی در پنجاه سال گذشته

سال ۱۹۵۱ نقطهٔ پایان نیمهٔ اول وآغاز نیمه دوم سدهٔ بیستم را رقم می‌زند. ما در لحظهٔ بس بااهمیتی در تاریخ بشر بسر می‌بریم.

طی پنجاه سال اخیر، درقیاس با چندین قرن پیش برروی هم دگرگونیهای سریعتر ومهمتری رخ نموده است.

سینما، رادیو، تله‌ویزیون وانرژی اتمی در راستای همین پنجاه‌سال اختراع یا کشف شده است. آدمی، برین روال در مهار نیروهای طبیعت گامی بلند برداشته است. درین دوره، سرمایه‌داری ازسبقت جویی آزاد به‌انحصار وبه‌امپریالیزم گذرکرده است.

درین پنجاه سال، امپریالیست‌ها **دوجنگ جهانگیر** را دامن‌زده‌اند که دهشتبارترین جنگها درتاریخ بوده‌است. درنتیجهٔاین‌جنگها، امپریالیست‌های روسی، آلمانی، ایتالیایی و ژاپنی از میانه برخاسته‌اند؛ و امپریالیست‌های انگلیسی وفرانسوی به‌سراشیب زوال در افتاده‌اند ودرهمین‌حال سرمایه‌داران **ایالت متحد**، امپریالیست‌ها و ارتجاعیون اصلی عرصهٔ جهان شده‌اند.

از همهٔ اینها مهمتر پیروزی **انقلاب اکتبر شوروی** بود. اتحاد شوروی، کشوری سوسیالیستی، که یك ششم مساحت گیتی را در بر می‌گیرد، پای بعرصه گذاشت. نزدیك به‌نیمی ازنژاد انسانی راه **دموکراسی نو** را اختیار کرده‌اند. خلقهای تحت ستم یکی در پس دیگری برای استقلال و آزادی علیه امپریالیزم قامت به‌مقاومت برافراشته‌اند. **انقلاب چین** ظفرنمون شد. جنبش کارگران در کشورهای امپریالیستی بیش‌از پیش قویتر گشته است.

درهمین دوره، در ویت نام، **حزب ما** بوجود آمد واکنون بیست‌و یك سال از عمر او می‌گذرد. میهن ما شش سال قبل **استقلال** خود را باز یافت. **جنگ مقاومت دراز مدت** ما بی‌امان پیش رفته است واکنون در پنجمین سال خود در ستیزوآویز است.

دریك کلام، درنیمهٔ اول سدهٔ بیستم بسا رویدادههای درخوراهمیت رخ داده است، اما می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که به‌یمن تلاشهای انقلابیون، دگرگونیهای بس عظیمتر وافتخارآفرین‌تری در نیمهٔ دوم این قرن‌چهره خواهد کرد.

۲. تولد حزب ما

پس از **جنگ جهانگیر اول** (۱۹۱۸ـ۱۹۱۴)، استعمارگران‌فرانسوی برای جبران لطمات سنگین خود در سرزمین ما سرمایهٔ کلان‌تری را بکار انداختند تا ازین راه بردامنهٔ بهره‌کشی خویش از نیروی انسانی وثروت ما بیفزایند. ازسوی‌دگر، ظفرمندی انقلاب شوروی و غلیان انقلابی درچین تأثیر ژرف ودامن‌گستری برجای می‌نهاد. در نتیجه، **طبقه کارگر ویت نام** بحد بلوغ رسید، ازلحاظ شعور سیاسی رشد یافت، در مبارزه پای باز کرد وبه‌پیشبرو وستاد کلی نیازمند گشت که اورا رهبری کند.

در ۶ ژانویهٔ سال ۱۹۳۰* **حزب ما پای به عرصهٔ وجود گذاشت.**

پس از پیروزی انقلاب اکتبر شوروی، **بین‌الملل کمونیستی** تحت رهبری **لنین** برپا شد. از آن پس، پرولتاریای بین‌المللی و انقلاب‌جهانی خانواده‌یی بزرگ شده است و حزب ما یکی از جوانترین اعضای آن شمرده می‌شود.

بواسطهٔ سیاست پیگردی ددمنشانهٔ استعمارگران فرانسوی، حزب ما در اوضاع بس‌دشواری تولد یافت. با این وصف، بیدرنگ پس از تأسیس، مبارزهٔ سرسختانه علیه استعمارگران فرانسوی را رهبری کرد و این مبارزه درایام **شوراهای نگه آن** (Nghe An Soviets) به‌اوجگاه خود سرسایید.

این اول‌بار بود که خلق ما حاکمیت محلی را درید قدرت داشت و اجرای سیاستهای دموکراتیك را، گرچه در ناحیه‌یی کوچك پی

* **سومین کنگرهٔ ملی حزب کارگران ویت نام** قطعنامه‌یی را از دستور گذراند وتاریخ تأسیس حزب کمونیست هندوچین را تصحیح کرد وآن‌را در ۳ فوریه‌سال ۱۹۳۰ ثابت نمود.

می‌نهاد.

شوراهای نگه آن از کار بازماند، لکن تأثیر گسترده‌یی داشت. روحیهٔ قهرمانی آنها در قلوب توده‌ها زنده و پاینده ماند و راه را برای ظفرهای بعدی هموار کرد. از سالهای ۱۹۳۱ تا ۱۹۴۵، جنبش انقلابی همیشه تحت رهبری حزب ما در ویت نام فراز ها و فرودها داشت، گاه برمی‌جوشید و گه فرو می‌کشید و باز غلیان می‌کرد. این پانزده سال را می‌توان بسه دوره بخش کرد:

۱. دورهٔ ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۵؛

۲. دورهٔ ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹؛ و

۳. دورهٔ ۱۹۳۹ ــ ۱۹۴۵.

۳. دورهٔ ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۵

از سالهای ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۳، استعمارگران فرانسوی مشی تـرور سبعانه‌یی را پی‌گرفتند. بسا کادرها و هواداران حزب بازداشت وکشته شدند. تقریباً تمام حزب و سازمانهای توده‌یی از هم پاشید. در نتیجه، موج انقلابی موقتاً فروکشید.

به‌یمن وفاداری و ایثار رفقای باقی‌مانده و ارادهٔ **کمیتهٔ مرکزی** و مساعدت احزاب دوست، جنبش انقلابی از سال ۱۹۳۳ به‌بعد ازنو به‌تدریج برجوشید.

در آن زمان، حزب از یك سوی کوشید تشکیلات زیرزمینی خود را یك‌پارچه کند و از سوی دیگر، کار زیرزمینی را با فعالیت علنی و تبلیغات و کار تنویری ــ تهییجی در مطبوعات و در شوراهای شهری و شوراهای ناحیه‌یی‌و جز اینها تلفیق کرد.

بسال ۱۹۳۵، **حزب نخستین کنگرهٔ خود را در ماکائو** برگزار کرد. کنگره اوضاع را در میهن‌مان و در سایر نقاط جهان ارزیابی کرد و کارهایی را که انجام شد ه‌بود بررسی نمود و برای دورهٔ آینده برنامه‌یی ترمیم کرد.

اما سیاستهایی که در **کنگرهٔ ماکائو** تدبیر شد با جنبش انقلابی در جهان و در میهن ما در آن دوره وفاق نداشت. (این سیاستها از توزیع زمین به‌کارگران کشاورزی حمایت کرد و از درك وظیفهٔ ضد فاشیستی و آگاهی از خطر جنگ فاشیستی و الخ فروماند.)

۴. دورهٔ ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹

در سال ۱۹۳۶، در **نخستین کنفرانس ملی حزب**، رفقا **لی هونگ فونگ** (Le Hong Phong) و**ها هوی تاپ** (Ha Huy Tap) خطاهای‌یاد شده را تصحیح کردند و در انطباق با قطعنامه‌های **هفتمین کنگره بین‌الملل کمونیستی** سیاستهای جدیدی را طرح‌ریزی نمـودند (برپایی **جبههٔ دموکراتیك**؛ و فعالیتهای نیمه‌علنی حزب را تصویب‌کردند).

در آن دوره، **جبهه خلق** در فرانسه قدرت را دردست داشت. حزب ما جنبشی را برای دموکراسی پی‌نهاد وجبههٔ **دموکراتیك هندوچین** را برپا داشت.

جنبش جبههٔ دموکراتیك توانایی کافی داشت و در اندك زمان دامن گسترد. مردم آشکارا به‌مبارزه برخاستند و این امری بشارت‌دهنده بود. اما نقصانهایی وجود داشت: رهبری حزب بقدر کافی تنگاتنگ نبود؛ بنابرین در بسا نقاط کادرهای ما از تنگ‌نظری و علنی‌گرایی متأثر بودند و از پیروزیهای جزیی چندان سرمست می‌شدند که از استحکام تشکیلات زیرزمینی حزب غافل می‌ماندند. حزب در روشن‌ساختن پایگاه خود در باب مسألهٔ استقلال ملی درماند. شماری از رفقا در همکاری غیراصولی با تروتسکیست‌ها درگیر شدند. آنگاه که **جبههٔ خلق** در فرانسه از هم فرو پاشید و آتش جنگ **جهانگیر دوم** زبانه کشید، جنبش جبههٔ دموکراتیك در میهن ما بدست استعمارگران سرکوب شد و حزب ما چند صباحی به‌ورطهٔ آشفتگی کشیده شد.

با این همه، این جنبش برای حزب ما و **جبههٔ ملی** کنونی تجارب گرانقدری را برجای گذاشت. جنبش به‌ما آموخت که هرآنچه بـا خواست‌های خلق سازگار باشد حمایت توده‌ها را جذب می‌کند، توده‌هایی که از قعر وجود خود برای آن می‌رزمند و چنین جنبشی، جنبش‌توده‌یی راستین است. نیز به‌ما فرا آموخت که بهر قیمت از ذهن‌گرایی و تنگ نظری و جز اینها حذر کنیم.

۵. دورهٔ ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵

دگرگونیهایی که درین دوره در دیار ما و در سایر سرزمینهای جهان روی داد تنها به‌ده سال پیش بازمی‌گردد. بسا از ما شاهـد این دگرگونیها بودیم، بسی هنوز آنها را بیاد می‌آورند. من تنها چند تغییر

المللی را ذکر می‌کنم:

الف. **درجهان:**

بسال ۱۹۳۹، **جنگ جهانگیر دوم** درگرفت.

نخست، این جنگی امپریالیستی‌میان‌امپریالیست‌های فاشیست‌آلمانی، ایتالیایی و فرانسوی از یك طرف و امپریالیست‌های بریتانیایی، فرانسوی و امریکایی از طرف دیگر بود.

در ماه ژوئن سال ۱۹۴۱، فاشیست‌های آلمانی به‌اتحاد شوروی، این دژ انقلاب جهانی، تاخت آوردند و اتحاد شوروی ناگزیر از رزم شد و با انگلیسیان و امریکاییان علیه اردوگاه فاشیستی وحدت کرد. از آن پس، جنگ به‌رزمی هردم‌گستر میان اردوگاه دموکراتیك واردوگاه فاشیست تغییر شکل داد.

در ماه مه سال ۱۹۴۵، به‌پایمردی نیروهای گران **آرتش سرخ‌و خلق شوروی** و استراتژی درست رفیق **استالین**، آلمان سرکوب شد و در اوت سال ۱۹۴۵ ژاپن به‌تسلیم‌کرنش کرد. **اردوگاه دموکراتیك پیروزی کامل عیاری بچنگ آورده بود.**

درین پیروزی، **بزرگترین ظفرمندی** در زمینهٔ نظامی و نیز در پهنهٔ سیاسی و اخلاقی از آن **اتحاد شوروی** بود.

کشورهای **اروپای شرقی**، که پیش از آن پایگاهها یا بخشهایی از آلمان فاشیستی بودند، در سایهٔ توفیقی که اتحاد شوروی حاصل کرد، دموکراسی های نوین شده‌اند.

کشورهای نیمه مستعمره نظیر چین و سرزمینهای مستعمره مانند کره و ویت‌نام، در نتیجهٔ پیروزیی کـه اتحاد شوروی کسب کـرد، امپریالیست‌های تجاوزکار را برای بازپس گرفتن آزادی و استقلال تارانده‌اند یا هم‌اکنون می‌تارانند.

ببرکت پیروزی حاصله توسط اتحاد شوروی، جنبش‌های آزادیبخش ملی در دیگر مستعمرات بپامی خیزند.

ایالات متحد در زمینهٔ بازرگانی کامیاب بود. در حالی که کشورهای دیگر نیروهای خود را بکام جنگ فرو می‌ریختند و در چنگال این عفریت مضمحل می‌شدند، ایالات متحد سودهای گزافی بجیب‌می‌زد.

پس از جنگ، کار فاشیست‌های آلمانی، ایتالیایی و ژاپنی یکسره شد. امپریالیست‌های انگلیسی و فرانسوی به‌سراشیب زوال درافتادند.

اتحاد شوروی بسرعتی بس شتابان از خاکستر جنگ کمر راست کرد و کار بنای سوسیالیستی خود را گسترش داد. ایالات متحد با پای‌گذاشتن بر سمچالهای آلمان، ایتالیا و ژاپن هم‌اینك سرسلسله‌جنبان امپریالیست‌های فاشیست شده‌است.

ب. **در سرزمین ما:**

پس از لهیب آتش جنگ جهانگیر دوم، **کمیتهٔ مرکزی حزب** در نوامبر سال ۱۹۳۹ دیدار نمود و این خط مشی‌ها را مطرح‌کرد: برپایی **جبههٔ متحد** علیه استعمارگران فرانسوی و جنگ امپریالیستی و تدارك برای قیام؛ طرح نکردن شعار «مصادرهٔ زمینهای زمینداران برای توزیع به‌رنجبران» تا بدینوسیله طبقهٔ زمینداران را به‌جبههٔ ملی جذب کند.

پس از تسلیم فرانسه به‌آلمان فاشیستی، ژاپن بر قدرت فرانسه در هندوچین دست انداخت واز استعمارگران فرانسوی بعنوان عواملـی برای سرکوب انقلاب درمیهن ما استفاده کرد.

در آن دوره، خلق ما سه قیام را ساز کرد: در **باك سون، نام کی ودو لیونگ.**

در مه سال ۱۹۴۱، **کمیتهٔ مرکزی حزب، هشتمین پله‌نوم** خود را برگزار کرد. مسألهٔ عمده این بود که انقلاب کنونی در ویت‌نام را به‌عنوان انقلابی برای رهایی ملی محل توجه قرار دهد؛ و **مجمع استقلال (ویت مینه)** را با شعار زیر برپا کند: متحدکردن تمام مردم، مقابله با ژاپونیان و فرانسویان و باز پس‌گیری استقلال؛ بتأخیر انداختن انقلاب ارضی.

نام **ویت‌نام دوك لاپ دونگ مینه*** (مجمع استقلال ویت‌نام) مفهومی روشن و عملی داشت و با خواستهای تمام مردم منطبق بود. ازین نکته گذشته، برنامه‌یی ساده و عملی و در برگیرنده در ده ماده را پیش کشید، بگونه‌یی که‌درین ترانهٔ تبلیغاتی واگو می‌شد:

برنامه، ده ماده است:
به‌نفع میهن و خلق است.

این ده ماده، موادی را در بر می‌گیرد که برای تمام کشورعمومیت

---

* Viet Nam Doc Dong Minh .

دارد و مواد دیگر به‌مبارزه برای منافع کارگران، دهقانان و دیگر قشرهای مردم می‌پردازد.

در نتیجه، مردم از ویت مینه بگرمی استقبال کردند و ویت مینه به‌یمن تلاشهای کادرها در حفظ تماس فشرده با مردم بسرعت و بقوت گسترش یافت. برین سیاق حزب نیز بسط وتوسعه یافت. نیز حزب به روشنفکران ترقیخواه کمك کرد تا **حزب دموکراتیك ویت نام** را بنیان گزارند وازین راه روشنفکران جوان و کارکنان کشوری را جذب کنند و روند فروپاشی و نایگانگی **دای ویت** (Dai Viet) هوادار ژاپن را شتاب بخشند.

در جهان، اتحاد شوروی و **متفقین** پیروزیهای مکرری را رقم زدند. در سرزمین ما، میان ژاپونیان و فرانسویان ستیز افتاد. ویت مینه تحت رهبری حزب ما تاب و طاقتی سترگ یافته بود. درین داروگیر، **هیأت ثابت کمینه مرکزی** در مارس سال ۱۹۴۵ **جلسهٔ وسیع** برگـزار کرد. قطعنامهٔ اصلی مبتنی بود بر **پیشبرد جنبش ضد ژاپنی و تدارك‌برای قیام عمومی**. در آن زمان، قدرت از دست استعمارگران فرانسوی بدست فاشیست‌های ژاپنی افتاده بود.

در ماه مه سال ۱۹۴۵، آلمان تسلیم شد. درماه اوت، ژاپن عهدنامهٔ تسلیم را امضاء کرد. اتحاد شوروی و **متفقین** پیروزی کامل عیاری کسب کرده‌بودند.

در اوایل ماه اوت، حزب **دومین کنگرهٔ ملی** خود را در **تان‌ترائو** برگزار کرد تاروی طرح عمل و شرکت در **کنگرهٔ ملی خلق** تصمیم بگیرند، این کنگره را ویت مینه بنشست فرا خواندکه درهمان ماه در تان ترائو برپا شد.

کنگرهٔ ملی خلق طرحی را که ویت‌مینه پیش کشیده بود تصویب کرد و نیز برفرمان قیام عمومی صحه گذاشت و **کمیتهٔ مرکزی رهایی بخ ش‌ملی** را برگزید که این کمیته می‌بایست **حکومت موقت** میهن ما شود.

قیام عمومی اوت بسبب سیاست درست حزب و اجرای آن بشیوه‌یی بموقع و قابل انعطاف با پیروزی قرین شد.

۶. از انقلاب اوت تا به‌امروز

ظفرمندی انقلاب اوت، بواسطهٔ رهبری روشن بینانه و قاطع‌حزب

ما و وحدت و غیرت و حمیت تمام مردم‌مان، در داخل و خارج از ویت نام بود.

رفقا،

نه‌تنها طبقات زحمتکش و مردم ما بل همچنین طبقات زحمتکش و خلقهای ستمدیده دیگر کشورها می‌توانند به‌این واقعیت افتخار کنند: برای نخستین‌بار در تاریخ انقلابی مردمان مستعمره و نیمه‌مستعمره، **حزبی که جخت پانزده سال از عمرش می‌گذشت انقلاب را به پیروزی رهبری کرد و قدرت را در سراسر کشور بدست آورده است.**

ما بسهم‌خود باید بیاد بسپاریم که توفیق ما بواسطهٔ ظفرمندی عظیم **آرتش سرخ شوروی** برفاشیست‌های ژاپنی و مساعی دوستانهٔ همبستگی بین‌المللی و جانبازیهای قهرمانانهٔ پیشینیان ما بوده است.

رفقای ما، نظیر **تران فو، نگو جیا تو، لی هونگ فونگ، نگوین تی مینه خای، ها هوی تاپ، نگوین وان کیو، هوانگ وان تیو** و هزاران تن دیگر، منافع حزب، انقلاب، طبقه و کشور را بالاتر و پیش از هر چیز دیگری قرار دادند. ایشان نسبت به‌نیروهای کلان و آیندهٔ افتخار آفرین طبقه و ملت اعتماد عمیقی داشتند. این بزرگواران همه چیز، حتی جانهای خویش را بخاطر حزب، طبقه و کشور از سر میل نثار کردند. آری ، هم ایشان درخت انقلاب را با خون خویش آبیاری کردند، همین درخت تناور سر به‌آسمان ساییده‌یی را که هم اینك شکوفه زده و ثمر آورده است.

برای این‌که ما انقلابیون شایستهٔ راستینی شویم همـه باید ازین سرمشقهای قهرمانی وفداکاری تام تمام در قبال منافع عمومی وخودایثاری کامل عیار پیروی کنیم.

انقلاب اوت شیرازهٔ چند صد قرنی سلطنت را درهم پیچید، حلقهٔ زنجیرهای نزدیك به‌یکصد سال حکمرانی مستعمراتی را ازهم گسست و قدرت را به‌مردم بازگرداند وبرای **جمهوری دموکراتیك ویت نام** مستقل، آزاد وکامکار، اساسی را درانداخت.

این تغییری بس عظیم درتاریخ سرزمین ما محسوب می‌شود.

پیروزی انقلاب اوت ما را عضوی ازخانوادهٔ بزرگ دموکراتیك در جهان کرد.

انقلاب اوت بر دوملت دوست: کامبوجیا و لائوس نفوذی مستقیم و بس‌عظیم برجای گذاشته است. پس ازفیروزی انقلاب اوت، خـلقهای

کامبوجیا و لائوس نیز علیه امپریالیست‌ها قامت به‌مبارزه برافراشتند و در طلب استقلال بپا خاستند.

در ۲سپتامبر سال ۱۹۴۵، **حکومت جمهوری دموکراتیک ویت‌نام** استقلال ویت‌نام را به‌آگاهی جهانیان رساند وآزادیهای دموکراتیک را در کشور اجرا کرد. اینجا باید بریك واقعیت تاکید کرد: در زمان‌برپایی حکومت موقت بعضی رفقا، اعضای کمیتهٔ مرکزی که بوسیلهٔ کنگرهٔ ملی خلق گزین شدند می‌بایست در حکومت شرکت می‌جستند؛ معهذا، ایشان بنابرخواست خود بنفع شخصیتهای میهن‌پرستی که عضو ویت مینه نبودند کنار رفتند. این حرکت فارغ ازخود ومشحون از استغنای طبع ازجانب انسانهایی بود که به‌پست ومقام ذره‌یی توجه نداشتند و منافع کشور و وحدت ملی را فوق مصالح فردی قراردادند. این امر همانا حرکتی‌شایستهٔ ستایش وسزاوار احترام است، حرکتی که باید سرمشق ما قرار گیرد.

۷. دشواریهایی که حزب وحکومت با آنها روبرو شد.

ازآن‌دمی که حاکمیت خلق بوجود آمد، با دشواریهای عظیمی‌روبرو شد. بواسطهٔ سیاست بهره‌کشی بیرحمانه ژاپونیان وفرانسویان، طی تنها شش ماه (پایان سال ۱۹۴۴ وآغاز ۱۹۴۵) بیش ازدومیلیون تن دراثر گرسنگی در شمال قالب تهی کرده بودند.

جحت یك‌ماه پس از اعلام استقلال‌ما، سربازان انگلیسی به‌جنوب وارد شدند. اینان به‌بهانهٔ خلع سلاح آرتش ژاپن، بعنوان سپاه اعزامی به‌استعمارگران فرانسوی کومك کردند تا ازنومیهن ما را اشغال کنند.

سربازان کومین تانگ نیز بر حسب ظاهر برای خلع سلاح‌ژاپنی‌ها به‌شمال لشگر کشیدند، اما در واقع سه هدف تبه‌کارانه را تعقیب‌می‌کردند:

ــ ازمیان برداشتن حزب ما،

ــ درهم‌کوفتن ویت مینه،

ــ کمك به‌ارتجاعیون ویت نامی تا حاکمیت خلق را سرنگون کنند وحکومتی ارتجاعی وآلت‌دست خود را علم نمایند.

حزب ما درین وضع وخیم وتهدید کننده ناگزیر بودکه برای حفظ موجودیت خود هرکاری را که لازم بود انجام دهد، کار کند وپیشرفت نماید وبرپیکر رهبری بصیرت وکارآیی بیشتری بدمد وبمنظور یك پارچگی تدریجی نیروهای‌حاکمیت خلق وتقویت **جبههٔ متحد ملی** وقت را دفع کند.

درآن زمان حزب نمی‌توانست تردید کند: **تردید ودرنگ‌ورزی** به‌مثابهٔ شکست بود. حزب می‌بایست تصمیمات‌سریع اتخاذ کند واقداماتی‌ــ ولو دردناك ــ بعمل آورد تا از بزنگاه جان بدربرد.

بررغم بسا دشواریهای عظیم، حزب وحکومت کشور ما ازتنگنای شیبهای مخاطره‌آمیز رهنمون‌شد و بسیاری از مواد برنامهٔ ویت مینه را اجرا کرد:

ــ برگزاری انتخابات عمومی برای گزینش **مجمع ملی** و تدوین **قانون اساسی**؛

ــ بنا واستحکام حاکمیت خلق؛

ــ امحای ارتجاعیون ویت نامی؛

ــ ساختن ویك پارچگی آرتش خلق وتسلیح مردم؛

ــ اعلام قانون کار؛

ــ کاهش اجاره‌بها ونرخ بهره؛

ــ بنای‌فرهنگ‌مردمی؛

ــ گسترش ویك‌پارچگی **جبههٔ متحد ملی** (که از **لین ویت** برمی‌خاست).

همین‌جا به‌**موافقت‌نامهٔ مقدماتی ۶ مارس، ۱۹۴۶ وقرارداد موقتی**[۱۴] **سپتامبر، ۱۹۴۶** باید اشاره شود زیرا بعضی اشخاص این دوقرارداد را در حکم تجلیات **مشی راست‌گرایی** تلقی کردند و ازسوی هم‌اینان شکوه‌ها انگیخت. اما این مشی ازنگاه رفقا وهم‌میهنان ما در جنوب درست بود، ودرست بود زیرا رفقا وهم‌میهنان جنوبی ما این مجال را برای آراستن و گستردن نیروهای خود غنیمت شمردند.

لنین گوید که بایدحتی با راهزنان به‌نوعی مصالحه‌کرد، اگر این مصالحه برای انقلاب ثمربخش باشد.

ما به‌صلح نیازداشتیم تا کشور خویش را بنا کنیم وبنابراین خود را ناگزیر دیدیم امتیازاتی اعطا کنیم تا ازین راه صلح را حفظ وحراست نماییم. هرچند استعمارگران فرانسوی پیمان خویش شکستند و **لگام‌جنگ** را گستند، بیش وکم یك سال صلح موقتی به‌ما مجال داده بود که نیروهای اساسی خویش را برپا داریم وهستی خویش را ازعرض وجود خارجی بپالاییم.

هنگامی که فرانسویان دانسته جنگ انگیختند وما دیگر نمی‌توانستیم باآنان کنار آییم، لاجرم جنگ سراسری مقاومت برخرمن میهن ماپرتو

افکند.

۸. جنگ مقاومت دراز مدت

خصم توطئه **جنگی سبك** را چید. آنان برآن سربودند که بسرعت تاخت‌آورند و بشتاب پیروزی درو کنند. حزب و حکومت ما، به‌سهم خود شعار: **جنگ درازمدت مقاومت** را پیش کشید. دشمن دسیسهٔ نفاق‌افکنی درمیان ماچید، بنابرین شعار حزبی ما: **وحدت تمام خلق** بود.

برین سیاق، اشتراتژی ما از همان بدوکار براستراتژی خصم غالب بود.

برای سازکردن جنگ درازمدت مقاومت باید سیوروسات واسلحه ومهمات کافی برای آرتش وخوراك وپوشاك برای سربازان و مـردم وجود داشته باشد. سرزمین ما فقیر وسطح تکنیك ما پایین است. شهرها وشهرکها با برخی صنایع، یکسره در اشغال دشمن دست وپا می‌زند. ماباید درطلب آن باشیم که کاستیهای مادی خود را باتکای شور وغیرت تمام خلق جبران کنیم. ازهمین روی‌حزب و حکومت **رقابت میهن‌پرستانـه** را ارتقاء داده است که تمام زمینه‌ها را در برمی‌گیرد اما در اصل سه هدف عمده را آماج می‌کند: خلاصی از شر قحطی، ازمیان بردن بیسوادی وامحای مهاجمان خارجی.

کارگران ما در ساختن ساز وبرگ برای سربازان میهن با یکدیگر هم‌چشمی کرده‌اند، وسربازان نیك تعلیم گرفته‌اند ونتایج شایانی کسب کرده‌اند. ظفرهای اخیر ما در نبرد این نکته را باثبات می‌رساند. مردم ما با شور و حرارت با یکدیگر رقابت نموده‌اند و نتایج رضایت‌بخشی را رقم زده‌اند. گرچه میهن ما از لحاظ اقتصادی عقب مانده است، نزدیك به‌پنج سال است که جنگ مقاومت درازمدت را سازکرده‌ایم وبدون تحمل بسا محرومیتهای دیگر می‌توانیم رزم را ادامه دهیم. این یك واقعیت است. اکثریت جمعیت ما از قید بیسوادی رها گشته‌اند. این امر دستآورد تابناکی است که ستایش جهان را برانگیخت . پیشنهاد می‌کنم که کنگرهٔ ماسپاسها وتمجیدهای قلبی را به‌سربازان وهم‌میهنان ما ابلاغ کند.

بااین همه، درارتباط با کار تشکیلاتی ونظارت وتبادل وجمع‌بندی تجارب، هنوز سستی وکاهلی داریم. اینها نقصانهای ما بشمار می‌روند. ازین پس باید برای چیرگی برآنها تلاش ورزیم؛ وبعد جنبش رقابت‌آمیز بی‌تردید ثمرات بیشتر وبهتری ببار می‌آورد.

فعالیت‌نظامی سنگ پایهٔ جنگ مقاومت شمرده می‌شود.

هنگامی که جنگ مقاومت آغاز گشت **آرتش ما** هنوز در دورهٔ صباوت خود بود. گرچه ازقهرمانی مشحون، لکن اسلحه، تجربه، افسرو هرچیز دیگری را فاقد بود.

آرتش‌دشمن در جهان استشهار داشت. این آرتش نیروهای‌زمینی، دریایی وهوایی در اختیار داشت. افزون برین امپریالیست‌های انگلیسی وامریکایی، علی‌الخصوص این یکی، ازآن حمایت می‌کردند.

اختلاف میان نیروهای ما ودشمن چندان عظیم بود که درآن زمان بعضی اشخاص جنگ مقاومت ما را به‌کشاکش میان «ملخی وفیلی»تشبیه کردند.

واین جنگ، کشاکشی اینسان می‌توانست بود اگرمسایل با تنگ‌نظری وتنها از زاویهٔ قدرت مادی ودرحال‌وروز کنونی آن مطمح نظر قرار می‌گرفت. راستش را بخواهید دربرابر هواپیماهای جنگنده و توپخانهٔ خصم ما تنها چوبهای خیزران دردست داشتیم. حزب ما، اما، حـزب مارکسیست ــ لنینیستی است. نه‌تنها به‌اکنون بل‌به‌آینده نیز می‌نگریم و نسبت به‌روحیه وتوانایی توده‌ها وملت اعتمادی راسخ داریم. پس به‌آن دسته ازاشخاص متزلزل وبدبین ازروی عزمی قاطع گفتیم:

آری، اکنون ملخ در برابر فیل تقلا می‌کند،
فردا، اما، فیل‌کندهش کشیده می‌شود.

واقعیتها نشان داده است که «فیل» استعمارگر از نفس افتاده است وسپاه ما پلنگی شرزه شده است.

هرچند در آغاز کارزار، دشمن بس قوی وما هنوز بسی نزاربودیم، بااین‌همه با صرف عظیمترین انرژی بسا پیروزیها کسب کردیم ونسبت به‌پیروزی نهایی خود اعتماد راسخ داشتیم. سبب این است که آرمان ما برحق، سربازان ما دلیر وخلق‌ما متحد وبی‌پروا است وباز ازآن جهت که خلق فرانسه واردوگاه دموکراتیك جهان از ما حمایت می‌کنند. این نیز به‌علت آن است که استراتژی ما درست بوده است.

حزب وحکومت ما برآورد کرده‌اند که جنگ مقاومت ما سه‌مرحله را در برمی‌گیرد:

ــ **در مرحلهٔ نخست**، که از ۲۳ سپتامبر سال ۱۹۴۵ پای باز کرد وبه‌مبارزهٔ **ویت باك** در خزان سال ۱۹۴۷ انجامید، تلاش ما ناظر بود برحفظ وافزایش نیروهای عمدهٔ خویش.

ـ **در مرحلهٔ دوم**، ازپایان مبارزهٔ ویت باك درسال ۱۹۴۷ تابه‌امروز فعالانه با خصم پنجه درپنجه افکنده‌ایم وبرای ضد تهاجم عمومی آماده شدیم.

ـ **مرحلهٔ سوم** مرحلهٔ ضد تهاجم عمومی است.

درمورد اخیر، ازآنجا که شماری از رفقا سیاست حزب و حکومت را در نیافتند. نگرشهای خطاآمیزی حاصل نمودند بعضی انگاشتند که شعار «تدارك برای ضد تهاجم عمومی» پیشرس است. دیگران میل داشتند روز وساعت ضد تهاجم عمومی را بدانند. باز اشخاصی گمان می‌کردند که ضد تهاجم بطور قطع در سال ۱۹۵۰ آغاز می‌شود والخ.

اینگونه برداشتهای برخطا برای کارما زیان آور بود. بیش ازهمه باید بخاطر داشته باشیم‌که **جنگ مقاومت ، درازمدت ودشوار خواهدبود، اما بی‌تردید با ظفرمندی خاتمه می‌یابد.**

جنگ مقاومت باید درازمدت باشد زیرا جمعیت و قلمرو ماکوچك ومیهن‌مان فقیراست. تدارکات درازمدت وهمه‌جانبه باید توسط تمام خلق ما مهیا شود. همیشه باید بخاطر بسپاریم که مهاجمان فرانسوی نسبت به‌ما بتمامه قویند وبعلاوه از همکاری انگلیسیان وامریکاییان‌برخوردارند.

اینان بسان «نارنجی هستند که پوستی ضخیم دارد» و بنابرین ما باید وقت آن داشته باشیم که «ناخنهای خویش را تیز کنیم» تا بتوانیم پوست آن را بکنیم.

نیز باید درك کنیم که هر مرحله با مراحل دیگر درپیوند هست: یك مرحله جای مرحله‌یی را می‌گیرد که سپری می‌شود و برای مرحله‌یی که در پی می‌آید بذرافشانی می‌کند.

در راستای گذار ازیك مرحله به‌مرحلهٔ دیگر بسا تغییرات رخ می‌نماید. نیز هرمرحله دگرگونیهای خاص خود را محتوی است.

تعیین مراحل اصلی برپایهٔ وضع کلی میسور هست لکن غیرممکن‌است که یك مرحله سربه‌سر از مرحلهٔ دیگر ــ بسان بریدن یك کیك ــ مجزا شود. درازای هر مرحله به‌اوضاع در داخل ودرجهان وبه‌تغییرات در نیروهای خصم وسپاهیان ما اتکا دارد.

باید دریابیم که مقاومت درازمدت با تدارکات برای ضد تهاجم عمومی پیوند تنگاتنگی دارد. ازآنجا که جنگ مقاومت، رزمی دراز آهنگ است، به‌تدارکات طولانی نیز برای ضد تهاجم عمومی نیازمی‌افتد. گیریم ضد تهاجم عمومی دیر یا زود دررسد همهٔ اینها به‌تغییرات در

نیروهای ما و دشمن و نیز به‌دگرگونیها در اوضاع بین‌المللی اتکاء دارد.

در هر اوضاعی تدارکات هرقدر جمع وجور وکامل باشد، ضد تهاجم عمومی پیگیرتر ومطلوبتر پیش می‌رود.

شعار «**تدارك برای چرخش بی‌امان به‌ضد تهاجم عمومی**» در اوایل سال ۱۹۵۰ پیش کشیده شد.

در راستای این سال، آیا ما تدارکاتی گرد کردیم؟

آری، گردکردیم. حکومت فرمان بسیج عمومی صادرکرد وجنبش هم‌چشمی میهن‌پرستانه را برپا داشت. پوشیده نیست که سربازان وخلق ما تدارکات موثری مهیا ساخته‌اند ونتایج مطلوبی بدست آورده‌اند.

بسال ۱۹۵۰ حرکت را ما آغاز کردیم؟

بلی، آغاز کردیم وهمچنان آن را ادامه می‌دهیم. موفقیتهای عظیم دیپلماتیکی در اوایل سال ۱۹۵۰ حاصل آمد وظفرهای چشمگیر نظامی که در اواخر همین سال کسب شد همه شاهدی برین مدعا است.

ضد تهاجم همگانی را آیا پی‌گرفته‌ایم؟

برای چرخش بی‌امان بسوی ضد تهاجم همگانی تدارك دیده‌ایم، اما هنوز درواقع امر آن را ساز نکرده‌ایم. ازمفهوم عبارت، «تدارك برای چرخشی بی‌امان بسوی...» باید درکی‌کامل داشته باشیم.

هرگاه **تدارکات سربه‌سر تکمیل شود**، ضد تهاجم عمومی را آغاز می‌نهیم. تدارکات، هرقدرکاملتر وهراندازه تمامیت گسترده‌تری یابد، ضد تهاجم عمومی زودتر واوضاع برای توفیق آن مساعدتر می‌گردد.

از شتابزدگی، بی‌ملاحظگی وناشکیبایی باید پرهیز کنیم.

سربازان، مردم، کادرها، هرشخصی و هرشاخه‌یی باید **برای‌پدیداری تدارکات بتمامه کامل اهتمام بورزند.** آنگاه که تدارکات ما بی‌عیب ونقص شود، ضد تهاجم عمومی را پی می‌نهیم وسپس این چرخش بطور قطع با توفیق قرین می‌گردد.

۹. اصلاح کاستیها و خطاها

حزب ما بسا دستآوردها رقم زده است، همچنین، اما، **خطاهایی چند** مرتکب شده است. بمنظور تصحیح اشتباهات باید از سر صمیمیت ویکدلی به‌انتقاد از خویش بپردازیم. برای اصلاح خطاهای خود باید جد و جهد ورزیم تا ازین راه ترقی‌کنیم.

پیش از پرداختن به‌نقصانها باید واقف باشیم که حزب ما کادرهایی

دراختیار دارد ــ علی‌الخصوص در مناطقی که هنوز بطور موقت زیر کنترل خصم قراردارد ــ که بسیار قهرمان وفداکارند وبررغم تمام‌مصایب ومخاطرات همیشه پیوند نزدیکی با مردم دارند وبدون بیم وشکایتی بکار خویش می‌چسبند وحاضرند حتی جانشان را نثار کنند.

ایشان جنگاوران نمونهٔ ملت وپسران ودختران ستوده وشایستهٔ حزبند. حاجت به‌بیان نیست که اززمان تأسیس حزب، **مشی‌های آن در مجموع درست بوده است.** اگردرست نبود، چگونه می‌توانستیم چنان دستآوردهای هستی‌بخشی را فراچنگ‌آوریم؟ اما کاستیها و ضعفهای عمده نیز نشان داده‌ایم.

مطالعات مرامی هنوز نابسنده است، بساکادرها واعضای حزب‌هنوز ازلحاظ ایده‌ئولوژیکی پخته نیستند و سطح تئوریکی آنان همچنان نازل است. در نتیجه، دراجرای سیاستهای حزب وحکومت گرایشهای‌خطاآمیزی رخ نموده است، گیرم «چپ‌روی»، یا راست‌گرایی (در مسایل مربوط به زمین، **جبهه**، اقلیتهای ملی، مذهب، دستگاه اداری والخ).

نیز کارتشکیلاتی ما هنوز فتوری دارد وگاه نمی‌تواند اجرای درست سیاستهای حزب وحکومت را تأمین کند.

بنابرین، **مطالعهٔ آیین، صیقل‌دادن ایده‌ئولوژی، اعتلای سطح تئوریکی وکمال بخشیدن تشکیلات ما**، وظایف مبرم حزب بشمار می‌رود.

قطع نظر ازین، در راهبری ارگان‌ها در تمام سطوح هنوز خطاهای بس شایع ورادع در زمینهٔ سبك کار، اقدامات متخذه وشیوهٔ رهنمودی وجود دارد. این‌خطاها درپهنهٔ **ذهن‌گرایی، دیوان سالاری** (بوروکراسی)، **امرونهی‌گرایی، تنگ‌نظری** و **فیس‌وافاده** وسعت وشمولی دارد.

ذهن‌گرایی درین اعتقاد متظاهر می‌شود که جنگ مقاومت دراز مدت می‌تواند به‌جنگی کوتاه مدت تبدیل شود.

دیوان‌سالاری درکاغذبازی، جدایی ازتوده‌ها وفتوری در انجام پژوهشها و ارزیابیها و درپرداختن‌به‌امرکنترل ونظارت و آموختن‌ازتجارب توده‌ها خود می‌نمایاند.

امرونهی‌گرایی دراتکا به‌اجبار حکومت درانجام کارها و در کاهلی ازپیشبرد کار تبلیغی وتوضیحی ازبرای آشنایی مردم با وظایف خویش چهره می‌کند.

تنگ‌نظری در داوری از اشخاص غیر حزبی باتکای سختگیری‌باطل یا خوارشماری آنان وتن زدن ازگفتگو با ایشان یا جویا شدن عقاید آنان

ظاهر می‌شود.

فیس وافاده، درنکاتی به‌شرح زیر عیان می‌گردد:

ــ بالیدن به‌دستاوردهای گذشتهٔ خود، ستودن وتلقی کردن خود بعنوان «ناجی» خلق و «خدمتگزار شایستهٔ» حزب. خواستاری مقام و افتخار. ناتوانی در انجام وظایف اصلی، اکراه ازپذیرفتن وظایف فرعی. تفاخر وتبختر، برای همبستگی درونی و برونی حزب سخت‌لطمه‌آوراست.

ــ اتکاء برمقام فردی بعنوان عضو حزب، تا ازین طریق انضباطو سلسله مراتب در سازمانهای توده‌یی یا ارگان‌های حکومتی بی‌قدروقیمت شود.

رفقایی که ازین بیماری اثر می‌گیرند در نمی‌یابند که هر عضو حزب باید الگوی انضباط باشد، نه‌تنها الگوی انضباط حزبی، بل‌که نمونهٔ انضباط سازمانهای توده‌یی وارگان‌های حاکمیت انقلابی.

کمیتهٔ مرکزی در خصوص این بیماری وناخوشیهای دماغی‌دیگری که گریبان اعضای حزب را می‌گیرد تا اندازه‌یی مسئوول است، زیرا نسبت به**کنترل کار** توجه وافی‌مبذول نمی‌کند. آموزشهای ایده‌ئولوژیکی به‌همه وبقدرکافی ارایه نمی‌شود. دموکراسی درونی حزب بنحوگسترده اجرا نشده است. انتقاد ازخود وانتقاد هنوز عادتی منظم نگشته است.

بااین‌همه، این نقصها تا اندازه‌یی راه اصلاح می‌پوید. بررسیهای نقدآمیز اخیر و جنبش انتقاد ازخود وانتقاد، بررغم انحرافهایی چند، نتایج مطلوبی ببار آورده است.

استالین گوید که یك حزب انقلابی هم بدانگونه به‌انتقاد از خود وانتقاد نیاز دارد که آدمی به‌هوا. نیز می‌گفت که کنترل تنگاتنگ‌می‌تواند به‌اجتناب ازبسی خطاهای بزرگ کمك کند.

ازین پس حزب باید سعی ورزد آموزش مرامی را پیش برد تا ازین طریق معیارهای سیاسی اعضایش اعتلاء یابد. **سبك جمعی کار** باید ارتقاء یابد. **مناسبات میان حزب وتوده‌ها** باید تقویت شود. **رعایت انضباط و احترام به‌اصول و روح‌حزبی** باید در هرعضو حزب کمال‌یابد. حزب باید جنبش انتقاد ازخود وانتقاد را درون حزب وارگان‌های دولتی،سازمانهای توده‌یی و در مطبوعات ودرمیان مردم بگسترد. انتقاد ازخود وانتقادباید بطور منظم وبشیوه‌یی عملی ودموکراتیك وازبالا به‌پایین وازپایین به‌بالا راهبری شود. دربازپسین تحلیل کنترل فشرده‌یی باید توسط حزب‌صورت پذیرد.

با انجام آنچه گفته آمد، خطاهای ما اندك‌تر وترقی‌مان سریعتر می‌شود.

۱۰. وضع ووظایف تازه

الف. وضع تازه:

پیداست که جهان هم‌اینك به‌دواردگاه مجزا بخش می‌شود:

ــ **اردوگاه دموکراتیك** که **اتحاد شوروی** در رأس آن قراردارد وکشورهای سوسیالیستی ودموکراسی‌های نوخاسته در اروپا وآسیا را در برمی‌گیرد. نیز این اردوگاه کشورهای تحت ستمی را که علیه امپریالیزم تجاوزکار می‌رزمند وسازمانها و شخصیتهای دموکراتیك در کشورهای سرمایه‌داری را مشتمل می‌شود.

اردوگاه دموکراتیك، اردوگاه پرتوانی است‌که ازلحاظ قدرت‌رشد می‌یابد. چند نکتهٔ زیر شاهد گویایی برین مدعا است:

رخصت دهید به‌نقشهٔ جهان نگاه کنیم: از **اروپای شرقی** به **آسیای شرقی**، ا. ج. ش. س. ودموکراسی‌های نوخاستهٔ بلوك عظیمی از ۸۵۰ میلیون تن را شکل می‌بخشند. درین بلوك کشورها متحدند و هدف یکسانی را پی می‌گیرند وبا هیچگونه تعارضی تفرق نمی‌یابند. این اردوگاه مظهر ترقی و آیندهٔ تابناك بشریت شمرده می‌شود و نیروی بغایت قدرتمندی است.

در **دومین کنگرهٔ جبههٔ صلح** که درنوامبر سال ۱۹۵۰ درپایتخت **لهستان** برگزار شد، نمایندگان ۵۰۰ میلیون تن مبارز صلح در ۸۱ کشور براراده وخواست خود برای پاسداری ازصلح جهان ومخالفت باجنگهای امپریالیستی میثاق بستند. این است **جبههٔ متحد** جهان صلح جوی و دموکراتیك. این جبهه نیروی بس‌سترگی است که توانایی و قدرتش‌با گذشت هرروز افزون می‌شود.

ــ **اردوگاه ضد دموکراتیك** که **ایالات متحد** سرکردگی آن را برعهده دارد، **ایالات متحد** بیدرنگ پس ازجنگ **جهانگیر دوم** به‌سرسلسله جنبان امپریالیزم وارتجاع جهان تبدیل شد. **انگلیس** و**فرانسه** وردستان راست و چپ وحکومتهای ارتجاعی در **خاور** و **باختر** باباشملهای آن‌کشور شمرده می‌شوند.

ایالات متحد، در اشتیاق کسب سیادت (هژمونی) جهان در یك‌دست دلارها را می‌گیرد تا خلق‌را بفریبد ودردست دیگر بمب اتمی‌را تاب‌می‌دهد

تا ازجهان زهرچشم بگیرد. **دکترین ترومن**[۱۷]، **طرح مارشال**[۱۸]، **پیمان‌ناتو (NATO)**[۱۹] و **برنامهٔ برای آسیای جنوب شرقی** همه مانوورهای ایالات متحد است‌که تدارك جنگ جهانگیر سوم را آماج می‌کند.

ولیکن جاه‌طلبی‌های ایالات متحد با **مانع** بزرگی روبرو شد: نیروی کلان **اتحاد شوروی** ونهضت دموکراسی و صلح و جنبش آزادیبخش ملی درسرتاسر جهان غلیان می‌کرد.

هم‌اکنون، سیاست ایالات متحد به‌شرح زیر است:

ــ **درآسیا**، تشریك مساعی با ارتجاعیونی نظیر **چیانگ کای ــ شیك**، **سینگمان ری** (Syngman Rhee)، **بائو دای** (Bao Dai پادشاه ویت نام. م) وجزایتان با کمك به‌امپریالیست‌های انگلیسی در سرکوب نیروهای مقاومت در **مالایا** ویاری به‌استعمارگران فرانسوی در تارومار کردن جنبش مقاومت ویت‌نام، در عین حال ایالات متحد خود جنگی تجاوزکارانه را علیه **کره** پی‌می‌گیرد وازتلاش برای تضعیف‌انقلاب چین جزیرهٔ **تای‌وان** را اشغال می‌کند.

ــ در اروپا، ایالات متحد ازطریق **طرح مارشال** و **ناتو**، درزمینه‌های

۱۷ــ **دکترین ترومن**: برنیل به‌سیادت ایالات متحد در جهان ناظر بود. **اصل چهار** برنامهٔ آن «کمك» به‌کشورهای کم پیشرفت را وعده می‌کرد اما در واقع مداخلهٔ اقتصادی و سیاسی درامور داخلی این کشورها را در خود مستتر داشت وبرآن سر بود که این‌کشور ها را به‌مستعمرات ایالات متحد تبدیل کند. دکترین ترومن در ۳ ژوئن سال ۱۹۵۰ از تصویب **کنگرهٔ** ایالات متحد گذاشت.

۱۸ــ **طرح مارشال**: طرحی برای تهاجم اقتصادی که توسط **مارشال** وزیرامور خارجهٔ ایالات‌متحد در ۵ ژوئن، ۱۹۴۷ مطرح‌شد و شکل «کمك»اقتصادی‌به‌کشورهای اروپایی پس از جنگ جهانی دوم زا گرفت. شماری ازکشورهای **اروپای غربی** این طرح را پذیرفتند. طرح مذکور این‌کشورها را مجبور می‌کرد که برای ایالات متحد امریکا حق امتیاز اقتصادی قایل شوند وتمام **روابط** تجاری با **اتحاد شوروی** ودموکراسی‌های خلقی را قطع کنند. ایالات متحد ازطرح مارشال درجهت مداخله در امور داخلی کشورهای اروپای غربی استفاده کرد.

۱۹ــ **پیمان آتلان‌تیك**: یا سازمان پیمان آتلان‌تیك شمالی (مستفرنگ آن **NATO**). در ۴ آوریل سال ۱۹۴۹ میان ایالات متحد امریکا، بلژیك، کانادا، دان‌مارك، فرانسه، انگلیس، ایسلند، ایتالیا، نروژ، لوگزامبورگ، هلند و پرتقال در واشنگتن امضاء شد. بسال ۱۹۵۲، یونان و ترکیه نیز بدآن پیوستند. این پیمان اتحادی نظامی برهبری ایالات متحد امریکا است و برحسب ظاهر از کشورهای هم‌پیمان دفاع می‌کند، اما در واقع سابقهٔ تسلیحاتی، برافروختن جنگ جهانگیر تازه، محاصره و حمله به‌اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی را **مطمح‌نظر** دارد.

نظامی، سیاسی واقتصادی کنترل کشورهای اروپایی را بجنگ گرفته است ودرعین حال درجهت تسلیح آنان ومجبور کردن این کشورها به‌تأمین سیوروسات موافق طرح یاد شده برای برپایی ۷۰ لشگر در اروپای غربی زیر نظر فرمانده کل امریکایی تلاش ورزیده است.

با این‌همه، اردوگاه ایالات متحد چندین وچند نقطهٔ ضعف دارد:

گذشته از قدرت اردوگاه دموکراتیك، اردوگاه ایالات متحد با تهدید دیگری روبرو است: بحران اقتصادی.

در اردوگاه ایالات متحد تضادهایی چند وجود دارد. محض نمونه: ایالات متحد میل دارد که **آلمان غربی** آرتشی متشکل از ۱۵ **لشگر برپا** کند لکن این نظرمورد مخالفت خلق فرانسه قرار گرفته است. بریتانیا درنهان با ایالات متحد در تقابل است زیرا این دو برسر نفت در **خاور نزدیك** و در زمینهٔ نفوذ در **خاوردور** با یکدیگر رقابت می‌کنند.

مردم، بویژه بخشهای زحمتکشان در کشورهایی که ایالات متحد به‌آنها «کمك» می‌کند، بواسطهٔ چنگ‌اندازی آن کشور به‌منافع اقتصادی آنان واستقلال سرزمینهای ایشان نسبت به‌آن احساس تنفر می‌کنند.

ایالات متحد سخت حریص ودندان‌گرد است. این کشور برآن سراست که در سراسر جهان پایگاههایی برپا کند. امریکا به‌گروه‌وحکومت ارتجاعی کومك می‌کند. جبههٔ این‌کشور در فرادستها دامن می‌گسترد،در نتیجه نیروهایش بضعف می‌گرود. دلیل روشن این امر در **کره** پدیدار می‌گردد. که در پهنهٔ آن ایالات متحد برروی هم با ۴۵ فروند ازسفینه‌های خود بدست باکفایت خلق سرزمینی که برآن تاخت برده است شکستهایی را متحمل می‌شود. ایالات متحد به **کومین تانگ**، این دارودستهٔ ارتجاعی به‌سرکردگی **چیانگ کای ــ شیك** کمك می‌کند، لکن چیانگ هزیمت دید. ایالات متحد به‌استعمارگران فرانسویان در ویت‌نام مساعدت‌می‌نماید، با این‌همه جنبش مقاومت ویت‌نام در راه کسب پیروزی‌گام برمی‌دارد.

محض کوتاه سخنی، می‌توان پیش‌بینی کرد که اردوگاه ارتجاعی امپریالیستی بی‌چون وچند شکست می‌خورد واردوگاه صلح ودموکراسی بطور قطع مظفر می‌گردد.

ویت نام بخشی از اردوگاه دموکراتیك جهان شمرده می‌شود. این دیار هم‌اکنون سنگری است در کشاکش علیه امپریالیزم، علیه اردوگاه ضد دموکراتیك به‌سرکردگی ایالات متحد.

از آغاز جنگ مقاومت ما، انگلیس وایالات متحد به‌استعمارگران

فرانسوی کمك نموده‌اند. وازسال ۱۹۵۰، ایالات متحد آشکارا در میهن ما مداخله کرده است.

در پایان سال ۱۹۵۰، بریتانیا وفرانسه برای برپایی یك جبههٔ «متحد» تدارك دیدند تا برین سیاق به‌نیروهای ضد جنبش مقاومت در **مالایا** و **ویت نام** بپیوندند.

بدینسان، اوضاع بین‌المللی ازنزدیك به‌وضع سرزمین ما مرتبط می‌شود. هرگونه ظفرمندی ازجانب اردوگاه دموکراتیك ازآن ما نیز هست وهرپیروزیی که بپایمردی ما حاصل آید پیروزی اردوگاه دموکراتیك نیز بشمار می‌رود. بنابرین، هم‌اینك شعار عمدهٔ ما این‌است: **«درهم کوبیدن استعمارگران فرانسوی و فروکوفتن مداخله جویان‌ایالات متحد تا ازین‌راه وحدت واستقلال کامل عیار ازنو بدست آید و صلح جهانی حراست شود.»**

ب: وظایف تازه:

رفقای **کمیتهٔ مرکزی** در خصوص مسایل مهمی نظیر برنامهٔ سیاسی حزب و اساسنامه، مسألهٔ نظامی، دستگاه اداری، **جبههٔ متحد ملی**، اقتصاد وغیره گزارش خواهند داد. این‌گزارش تنها بربرخی وظایف عمده در میان وظایف تازهٔ ما تاکید می‌ورزد:

۱. **جنگ مقاومت را با پیروزی کامل قرین سازیم.**

۲. **حزب کارگران ویت نام را سازمان دهیم.**

۱. ازبرای کسب پیروزیهای پیاپی وپیشرفت بسوی ضدتهاجم‌همگانی باید در جهت بسط قدرت سربازان ومردم اهتمام ورزید.

• این وظیفه برنکات عمدهٔ زیر ناظر است:

ــ **دربنا وگسترش آرتش**، تلاشهای همه‌جانبه باید درزمینهٔ‌سازماندهی ویك‌پارچگی **کار سیاسی و نظامی** در میان سربازان ما صورت پذیرد. شعور سیاسی، تاکتیك‌ها وشگردهای آنان و **انضباط خود فرض** باید اعتلا یابد. آرتش ما باید به‌آرتش راستین **خلق** تبدیل شود.

همزمان با آن، **واحدهای رزمندگان وچریك‌ها** در سازماندهی، تعلیمات، رهبری و قدرت رزم باید گسترش ویك‌پارچگی یابند. آنان باید تورپولادین پهناور واستواری را شکل بخشند که در سراسر **میهن** می‌گسترد چندان که هرجا خصم پای گذارد در تارهای گریزناپذیر آن گرفتار آید.

ــ **ارتقاء عرق میهن پرستی**ــ مردم ما از میهن‌پرستی پرشوری‌ملهم

می‌شوند. این مقولهٔ از سنتهای گرانسنگ ما نشانه دارد. درتمام دوران، هرگاه‌که سرزمین اجدادی تاختگاه سم ستوران شد، همین عرق میهن پرستی، موج جوشان گردن فرازی را شکل بخشید که تمام مخاطرات و دشواریها را برشست وخائنان وتجاوزکاران همه را بررفت.

بسی جنگهای بزرگ مقاومت در تاریخ ما از میهن‌پرستی خلق‌مان حجتها دارد. در بستر این گهوارهٔ مردی و مردمی است که می‌توانیم از برگهای افتخارآفرین تاریخ که‌به‌همت و پایمردی خلق ما در ایام خواهران ترونگ، بانوتریو، تران هونگ دائو، لی لوی، کوانگ ترونگ و جز ایشان رقم خورد بر خود ببالیم. آری، دستآوردهای قهرمانان ملی خویش را باید برصحیفهٔ خاطر مخزون همی داریم زیرا هم ایشان مظهرهای ملتی قهرمانند.

هم‌میهنان ما امروز شایستهٔ نام نیاگان خویشند. سالداران سپیدموی، خردسالان، اشخاصی که در خارج بسر می‌برند، مردمی که در نواحی تحت کنترل دشمنی می‌زیند، در دشتها، در کوهساران، در جنگلزارها، در فراخنای جلگه‌ها، برگسترهٔ رودخانه‌ها، در پهنهٔ بیشه‌زاران ــ همه وهمه ازعشق وجدآرنده نسبت به‌سرزمین خویش ونفرت ازتجاوزکاران‌مالامالند. جنگاوران در جبهه روزها را تا به‌آخر با گرسنگی سپری می‌کنند تا در کمین خصم باقی بمانند واورا ازمیانه بردارند. کارمندان دولت در پشت جبهه بخاطر سربازان بارگرسنگی رابرخود هموار می‌کنند. زنان از شوهران خود طلب می‌نمایند که در آرتش نام‌نویسی کنند وخود به‌حمل ونقل سیوروسات کمك می‌کنند. مادران رزمندگان از سربازان بسان فرزندان خویش مراقبت می‌نمایند. کارگران ودهقانان اززن ومرد در افزایش تولید با یکدیگر هم‌چشمی می‌کنند و از بارسختیها خم به‌ابرو نمی‌آورند تا ازین گذر سهم خویش را به‌جنبش مقاومت ادا کنند. زمینداران زمینهای خود را به‌حکومت پیشکش می‌کنند. اینگونه حرکات بلندنظرانه همه باهم توفیردارند؛ و با این‌همه میان آنها قرابت وجود دارد چرا که از میهن‌پرستی پرشور همسانی ریشه‌می‌گیرند. میهن‌پرستی بسان اشیاء گرانبها است. گاه آنها در ظرفی شیشه‌یی یا بلورین بازنموده‌می‌شوند وبنابرین بروشنی قابل رویتند. لکن درمواقع دیگر ممکن است بااحتیاط درسراچه یا جامه‌دانی نهان شوند. برما است که تمام این نفایس را در معرض دید کامل قرار دهیم. بسخنی، در راستای کار توضیحی، تبلیغی، سازماندهی ورهبری باید بهرتلاشی پرداخت چندان که میهن‌پرستی‌همگان

بتواند در کارهای سودبخش به‌حال میهن وجنبش مقاومت عرض‌وجود کند.

میهن‌پرستی‌راستین برروی‌هم باخاك‌پرستی (شوونیزم) امپریالیست‌های ارتجاعی توفیر دارد. میهن‌پرستی جز مکمل انترناسیونالیزم است. در سایهٔ میهن‌پرستی آرتش وخلق اتحاد شوروی بودکه فاشیست‌های آلمانی وژاپنی منهزم شدند وهم آنان توانستند از سرزمین سوسیالیستی خود حراست کنند وازین راه به‌طبقهٔ کارگر وخلقهای تحت ستم جهان یاری دهند. به‌یمن میهن‌پرستی آرتش رهایی‌بخش چین وخلق این کشور بود که توانستند دارودستهٔ خیانت‌پیشهٔ چیانگ‌کای ــ شیك را نابود کنند وامپریالیست‌های امریکایی را بتارانند. باز درنتیجهٔ میهن‌پرستی سربازان وخلق کره است، همراه با داوطلبان چینی، که امپریالیست‌های امریکایی وغلامان آنان ازآن آب وخاك برکنده می‌شوند. نیز در پرتو میهن‌پرستی سربازان و مردم ما است که همگنان لطمات و مشقات توصیف‌ناپذیرسالیان دراز را تحمل کرده‌اند وعزم نموده‌اند که تجاوزکاران استعمارگر و خائنان ویت‌نامی را سربکوبند و ویت‌نامی مستقل، وحدت‌یافته، دموکراتیك، آزاد و کامکار، آری ویت‌نام دموکراتیك نوخاسته را بنا کنند.

ــ **ارتقاء هم‌چشمی میهن‌پرستانه.** نخست، بگذار سربازان از برای امحای دشمن و کسب‌ظفرهای نمایان بایکدیگر رقابت‌کنند؛ دوم، رخصت‌ده مردم در افزایش تولید با یکدیگر هم‌چشمی نمایند. از دل وجان باید تمام هم خود را به‌این دووظیفه اختصاص دهیم.

ــ در کار عظیم استمرار جنگ مقاومت وشرکت دربنای ملی،جبههٔ لین ویت ــ ویت مینه، اتحادیه‌های کارگری، انجمنهای دهقانی و دیگر سازمانهای توده‌یی تأثیر ژرفی برجای می‌گذارند. در پیشرفت، استحکام وکار پیگیر به‌آنان باید کمك‌کنیم.

ــ در خصوص سیاست ارضی، درمناطق آزاد، باید اجرای کاهش اجاره‌بهای زمین ونرخ بهره را بدقت معمول داریم، اراضی متعلق‌به‌خائنان فرانسوی و ویت‌نامی را مصادره نماییم و آنها را بمنظور بهبود معیشت دهقانان واعتلای روحیهٔ آنان وپروردن نیروهایشان برای جنبش مقاومت بطور موقت دراختیار دهقانان تنگدست وخانواده‌های آرتشیان قراردهیم.

ــ در باب مسایل اقتصادی ومالی، از پایگاههای اقتصادی خود باید حراست کنیم وآنها را گسترش دهیم وبا دشمن در زمینهٔ اقتصادی‌مبارزه

کنیم. سیستم مالیاتی منصفانه ومعقول باید وجود داشته باشد. برای تأمین سیوروسات آرتش ومایحتاج مردم باید در مداخل ومخارج به‌تعادلی‌دست یافت.

ــ **کارفرهنگی**، بمنظور شکل دادن انسان نو وتربیت کادرهای تازه برای جنبش مقاومت وبنای ملی باید شتاب گیرد. تمام اثرهای نظام استعماری و نفوذ بردگی فرهنگ امپریالیستی باید بطور منتظم ریشه‌کن شود. همزمان باآن، برای بنای فرهنگی ویت نامی با خصلت ملی وعلمی و مردمی، باید سنتهای پسندیدهٔ فرهنگ ملی خویش را گسترش دهیم و سنتهای نوخاستهٔ در فرهنگ مترقی جهان را گردآوریم.

در پی پیروزیهای ما، **مناطقی که هنوز تحت کنترل موقت دشمن است** یکی در پی‌دیگری آزاد خواهد شد. بنابرین، از برای یك پارچگی مناطق تازه آزاده شده درتمام زمینه‌ها باید تدارکاتی تأمین گردد.

ــ زندگی و مایملك **ساکنان خارجی** که برقوانین ویت‌نام گردن می‌نهند حفظ وحراست خواهد شد. **ساکنان چینی** برای شرکت درجنبش مقاومت باید تشویق شوند. اگرآنان درانجام این مهم داوطلب شونداز هرگونه حقی بهره‌مند می‌گردند وهرنوع وظیفهٔ شهروند ویت نامی برآنان فرض خواهد بود.

ما جنگ مقاومت خود را پی می‌گیریم وملتهای برادر **کامبوجیا** و **لائو** نیز به جنگ خود کمربسته‌اند. استعمارگران فرانسوی ومداخله‌جویان امریکایی دشمن مشترك سه ملت ما هستند، درنتیجه، کمك به‌برادران کامبوجیایی و لائویی و جنگ مقاومت آنان را باید وجههٔ همت خود قرار دهیم وبرای برپایی جبههٔ ویت نام ــ کامبوجیا ــ لائو همت گماریم.

ــ **بخشی** از ظفرهای ما در جنبش مقاومت بواسطهٔ همآوازی **کشورهای دوست** ومردم جهان است. بنابرین، دوستی میان میهن خود وسرزمینهای دوست ورفاقت مابین خلق خویش وخلق دیگر کشورهای جهان را باید استحکام بخشیم.

۲. ازبرای اجرای این نکات، حزبی علنی باید داشته باشیم واین حزب باید بشیوه‌یی سازمان یابد که با اوضاع در جهان ودرمیهن‌ما منطبق شود تا ازین‌گذر مبارزهٔ خلق ما را بسوی پیروزی راهبر گردد. این حزب، **حزب کارگران ویت نام** نامیده می‌شود.

از بابت **ترکیب بندی** آن، حزب کارگران ویت نام پرشورترین ودانات‌رین کارگران، دهقانان وروشنفکران را می‌پذیرد.

در خصوص **آیین** (دکترین) آن، از مارکسیزم ــ لنینیزم پیروی می‌کند.

درمورد **تشکیلات**، نظم سانترالیزم دموکراتیك را اختیار می‌نماید.

در باب **انضباط**، انضباطی آهنین دارد که در عین‌حال انضباطی‌خود فرض شمرده می‌شود.

از منظر قانون **تکامل**، ازانتقاد وانتقاد ازخود بهره می‌جوید تا اعضای خود وتوده‌ها را آموزش دهد.

از حیث **هدف‌فوری** آن، حزب کارگران ویت نام تمام مردم را متحد می‌کند وآنان را برای پیگیری جنگ مقاومت رهبری می‌نماید وتاپیروزی کامل عیار پیش می‌برد ووحدت ملی واستقلال کامل را کسب می‌کند؛ حزب تمام مردم را در تحقق دموکراسی نو وایجاد مقتضیات پیشرفت بسوی سوسیالیزم راهبر می‌شود.

حزب کارگران ویت نام حزبی بزرگ ــ پرتوان، استوار ویکدست وسربه‌سر انقلابی باید باشد.

حزب کارگران ویت نام باید روشن‌بین، مصمم ورهبر وفادارطبقهٔ کارگر وزحمتکشان ورهبر خلق ویت نام باشد، رهبری که هدفش این است‌که مردم را متحد کند وآنان را در جنبش مقاومت تا پیروزی‌کامل وتحقق دموکراسی نورهبری نماید.

در مرحلهٔ کنونی، منافع طبقهٔ کارگر وزحمتکشان ومصالح کشور یکی است. این دقیقاً بدین علت است که حزب ازآن طبقهٔ کارگر و زحمتکشان است، آری حزب کارگران ویت نام باید حزب خلق ویت نام باشد.

نخستین وظیفه ومبرم‌ترین وظیفهٔ حزب ما امروز این است که **جنگ مقاومت را تا ظفرمندی رهبری کند.** وظایف دیگر باید فرع آن باشد.

وظیفهٔ ما سترگ وآینده ما افتخارآفرین است. با این‌همه‌ناگزیریم بسا دشواریها را تجربه کنیم. جنگ سختیهای خود وپیروزی، مشکلات خاص خود را دارد، محض نمونه:

ــ ازنگاه ایده‌ئولوژیکی، کادرها، اعضای حزب ومردم ما برای انطباق با تمام تحولات در داخل وخارج بقدرکافی پخته نیستند.

ــ محتمل است که امپریالیست‌های امریکایی کمك افزونتری در اختیار تجاوزکاران فرانسوی قرار دهند وباعث آیند که اینان با سرعت

تندتری دست بکار شوند.

ــ **ما با کوهی ازکار** روبرو می‌شویم، اما کادر بقدرکافی دراختیار نداریم و کادرهایی که اکنون داریم فاقد توانایی و تجربه‌اند.

ــ مسایل اقتصادی ومالی را باید بمعقولانه‌ترین شیوه حل کنیم. شیوه‌یی که برای مردم پرسودتر باشد والخ.

از دشواریها باکی نداریم. اما باید آنها را پیش‌بینی کرده،بروشنی بشناسیم وبرای چیرگی برآنها آماده باشیم.

باتکای همبستگی واتحاد نظر وروحیهٔ مصمم وبی‌پروای حزب، حکومت وتمام خلق، بی‌تردید برتمام دشواریها چیره می‌آییم وپیروزی کامل عیار را بدست می‌آوریم.

انقلاب اکتبر ظفرتوز شد. بنای سوسیالیزم در اتحاد شوروی‌موفقیت آمیز بوده است. **انقلاب چین** مظفر شد. این پیروزیهای عظیم راه‌توفیق برای انقلاب در سرزمین ما و بسا دیگرکشورهای جهان را گشوده است.

ما حزب بزرگ وقدرتمندی داریم. آب وخشت این عظمت وقدرت را مارکسیزم ــ لنینیزم و کوششهای پیوستهٔ همهٔ اعضای حزب و قوت‌قلب وحمایت تمام آرتش وخلق ما می‌نوازد.

بی‌سببی نیست که من یقین دارم که وظایف سنگین اما افتخارآفرین خود را انجام خواهیم داد، وظایفی که عبارتند از

ــ بنای حزب کارگران ویت نام به‌حزبی بس پرتوش وتوان؛

ــ رساندن جنبش مقاومت به‌پیروزی کامل؛

ــ بنای ویت نام دموکراتیك نو؛ و

ــ سهیم بودن در دفاع ازدموکراسی در جهان واز صلحی پایدار.

درکنگره برای وحدت ویت مینه و لین ویت

(۳ مارس، ۱۹۵۱)

بزرگان، نمایندگان و دوستان،

بسی خرسندم که افتخار آغاز مراسم گشایش **کنگـرهٔ ملی وحدت ویت مینه و لین ویت** نصیب من شده است.

نخست، ازجانب **هیأت رئیسه** (پرزیدیـوم) درودهـایم را بـه جنگاوران و کادرهای ویت مینه و لین ویت ابلاغ می‌کنم و همآوازی خود را باهم‌میهنان خود که در مناطق تحت اشغال موقت دشمن بسر می‌برند و به‌ویت نامیان ساکن خارج ابراز می‌نمایم. **(ابراز احساسات).**

امروز، تمام خلق ما و این کنگره در شادمانی سهیم و شریکند، اما درك دلشادی من در عین حال آسان و بیانش دشوار است.

این نشاط را مردی احساس می‌کند که همراه با شما سالیان دراز برای بنای وحدت تمام خلق مبارزه کرده است و امروز مشاهده می‌کند که نهالستان وحدت شگفته و ثمر ببار آورده است. ریشه‌های این‌نهالان‌در عمق وجود توده‌ها رخنه کرده است و دیگر «بهار ابدی را می‌شناسد و هرگز به‌پیری نمی‌گرود.» **(خندهٔ حضار.)**

آنچه مرا دلشادتر می‌نماید این نکته است‌که نه‌تنها تمام خلق ویت‌ــ نام وحدت می‌یابند، بل‌که مردمان دو کشور برادر، کامبوجیا و لائوس نیز سراسر به وحدت گسترده نایل آمده‌اند. **(ابراز احساسات طولانی).** اخبار خوش این وحدت توسط نمایندگان کامبوجیا و لائو شخصاً برای ما آورده شده است.

بدین‌سان خلق ویت‌نام به‌اتحاد گسترده‌یی دست یافته است؛ و بر همین‌سان خلق کامبوجیا و نیز مردم لائو. یقیناً ما به‌اتحاد فراگیر ویت نام ــ کامبوجیا ــ لائو گرایش خواهیم کرد. **(ابراز احساسات طولانی.)**

به‌دلیل این که سه ملت برادر ما یکدل و یك زبانند، بر تمام

دشواریها و سختیها، فایق می‌آییم و تجاوزکاران استعمارگر فرانسوی و مداخله‌جویان امریکایی و دیگر تاخت‌آوران را سر می‌کوبیم. (**کف زن حضار.**)

درین کنگره، شما در خصوص برنامه و اساسنامهٔ **جبههٔ متحد ملی** سراسر به‌بحث خواهید پرداخت و به‌تصمیمات روشنی نایل خواهید آمد. من تنها برچند نکته تاکید می‌ورزم تا بل‌که به‌کنگره در مباحثاتش کمك کند.

۱. **جبهه** باید در جادهٔ دموکراسی بسی فراتر پیش رود.

۲. **جبهه** نباید یکدفعه تعداد زیادی آهن را در آتشگاه بگذارد و باید کارش بروظیفه‌یی اساسی متمرکز شود. این وظیفهٔ اساسی همانا هم‌چشمی میهن‌پرستانه است.

۳. حزبها، سازمانها و شخصیتهای درون **جبهه** باید تنگاتنگ متحد شوند و صمیمانه به‌یکدیگر کمك کنند و صادقانه از لیاقتهای یکدیگر درس بگیرند و برای ترقی خویش از نقصانهای یکدیگر انتقاد کنند.

این کنگره از نمایندگان تمام قشرها، اعتقادات مذهبی، ملیتها، پیران و جوانان، زنان و مردان ترکیب می‌یابد و همه بسان خانوادهٔ متحد بزرگی شمرده می‌شوند. پس از کنگره، این وحدت و همدلی بی تردید در میان تمام مردم گسترده و یك پارچه خواهد گشت. این وحدت بزرگ در جهت دربرگیری خلق کشورهای دوست، فرانسه وهواداران صلح و دموکراسی در سراسر جهان گسترش می‌یابد.

این نیروی گران به‌ما یاری خواهد کرد که نه‌تنها جنبش‌مقاومت را به‌مرز ظفرمندی رسانیم و بنای ملی را بتوفیق تحقق بخشیم بل سهم ما را در دفاع از صلح و دموکراسی جهان ادا خواهد نمود.

بزرگان، نمایندگان، دوستان،

در اوایل سال پیش ما پیروزی بزرگ سیاسی بدست آوردیم: شناسایی حکومت ما از جانب اتحاد شوروی و.چین و دموکراسی‌های خلقی که همه به‌ظفرمندی عظیم ما در امتداد سرحدات و نقاط مرکزی انجامید.

در سرآغاز سال جاری، ما پیروزی بزرگ سیاسی دیگری فراچنگ آوردیم، بنیانگزاری **حزب کارگران ویت نام** و وحدت ویت مینه ــ لین ویت: این امر یقیناً به‌فیروزیهای نظامی عظیمتری می‌انجامد.

پایدار باد وحدت تمام خلق!

پاینده باد **جبههٔ لین ویت!**

برقرار باد وحدت بزرگ ویت‌نام ــ کامبوجیا ــ لائو!

مقاومت بی‌تردید ظفرنمون می‌گردد!

اردوگاه صلح و دموکراسی بطور قطع پیروز می‌شود!

به‌هنرمندان بمناسبت
نمایشگاه نقاشی سال ۱۹۵۱

(۱۵ دسامبر، ۱۹۵۱)

دوستان عزیز،

با اطلاع از برگزاری نمایشگاه شما، متأسفم که در اثر فشار کارها نمی‌توانم ازآن دیدار کنم. شادباشهای قلبی خود را بشما ابلاغ می‌کنم و ازین مجال بهره می‌گیرم تا برخی نظرات خود را درباب هنر بنظرتان برسانم.

ادبیات و هنر نیز جبههٔ پیکار شمرده می‌شوند. شما **رزمندگان** این جبهه‌اید. بسان‌دیگر رزمندگان، شما جنگاوران جبههٔ‌هنری، مسئولیت‌های معینی دارید: خدمت به‌جنبش مقاومت و سرزمین اجدادی و مردم و و بیش از همه به‌کارگران، دهقانان و سربازان.

شما، بمنظور انجام وظایف خـود باید **پایگاه استوار سیاسی و ایده‌ئولوژی بی‌نقصی** داشته باشید؛ و باختصار، باید **منافع جنبش مقاومت**، سرزمین اجدادی و مردم را بالاتر از همه جای دهید.

شما، با توجه به **کار خلاقه‌تان** باید زندگی مردم را دریابید، باآنان تماس نزدیکی داشته باشید و درون زندگانی ایشان بژرفی غوطه خورید. تنها از طریق انجام این مهم خواهید توانست قهرمانی و ارادهٔ سربازان و خلق مارا نقش نمایید و در بالندگی و کمال یابندگی اینگونه خصال ادای دین کنید. جنبش مقاومت ما ترقی عظیمی کرده است؛ و سپاهیان و مردم ما گامهای بلند وپیوسته‌یی به‌پیش برداشته‌اند؛ و شما، هنرمندان، باید باتکای انتقاد و انتقاد از خود چنین کنید.

بعضی از شما ممکن است بیانگارند: رئیس جمهور **هو** برآن است که هنر راباسیاست مرتبط کند.

راست است. فرهنگ و هنر، همچون تمام دیگر فعالیتها نمی‌تواند از اقتصادیات و سیاست برکنار باشد بل‌که باید آنها را مشتمل شود.

آیندهٔ مردم ما بسا افتخارآفرین و آیندهٔ هنر ما بسی تابناك است.

برای شما تندرستی و ترقی و در کارتان توفیق آرزو می‌کنم.

بادرودهای قلبی. ما پیروز می‌شویم.

صرفه‌جویی پیشه‌کنید
وبا اختلاس، اتلاف ودیوان‌سالاری
بستیزید

(۱۹۵۲)

رفقا،

برنامهٔ کار حکومت و حزب ما در سال جاری هنوز درین عبارت خلاصه می‌شود: «جنگ دراز مدت مقاومت و اتکاء به‌خود.»

برای اجرای درست این برنامه، حکومت و حزب برنکات عمده‌یی بشرح زیر تاکید کرده است:

هم چشمی بایکدیگر در پاك‌سازی نیروهای خصم، افزایش تولید و پیش‌گرفتن صرفه جویی، و

ــ مبارزه با اختلاس؛

ــ مبارزه با اتلاف؛

ــ مبارزه با دیوان‌سالاری (بوروکراسی).

در خصوص **جنبش هم‌چشمی برای پاك سازی نیروهای دشمن و کسب ظفرهای نمایان، فرماندهی عالی** برنامهٔ دربرگیرنده‌یی‌طرح کرده‌است و آن را برای تمام شاخه‌های حزب و همهٔ افراد **آرتش دفاع ملی**، نیروهای ناحیه‌یی، واحدهای رزمندگان و چریك‌ها ارسال نموده است تا آن‌را مطالعه کنند و مرکوز ذهن خود سازند و باجرا درآورند.

حکومت در خصوص **جنبش هم‌چشمی برای افزایش تولید**، طرح کنی جامعی در انداخته است. براساس این‌طرح، شاخه‌ها، محلـها و خانواده‌های مختلف برنامه مخصوص خود را طرح می‌کنند که همانا برنامه‌یی باید باشد واقع‌بینانه و متناسب و در اجرای آن بهر قیمت باید کوشا باشند.

رفقایی که مسؤولند گزارش روشنی ازین دو مورد ارایه خواهند کرد. اینجا من تنها از **جنبش هم‌چشمی در اجرای صرفه‌جویی ومبارزه با اختلاس، اتلاف و دیوان‌سالاری** صحبت می‌کنم.

۱. صرفه‌جویی

نخست، رخصت دهید چند سؤال مطرح کنیم:

ــ صرفه‌جویی چیست؟

ــ چرا باید ما صرفه‌جویی را معمول داریم؟

ــ چه نوع صرفه‌جویی را باید پیش گرفت؟

ــ کدام فرد باید صرفه‌جویی را مرعی دارد؟

۱. صرفه‌جویی بدین معنی نیست که خست بخرج دهیم، «سکه‌یی را بسان طبلی بزرگ تلقی کنیم»، کاری را که انجام دادنش ارزش دارد انجام ندهیم. پولی را که ارزش صرف کردن دارد صرف نکنیم؛ صرفه‌جویی این نیست که برسپاهیان، کادرها و مردم تنگدستیهایی‌تحمیل نماییم. برعکس، اجرای امر صرفه‌جویی لزوماً ناظر است برکمك بـه افزایش تولید و در نتیجه ارتقاء سطح زندگی آنان. از دیدگاه علمی، صرفه‌جویی امری مثبت است ونه‌منفی.

۲. سرزمین ما ۳۰ سال توسط فرانسویان و سپس بوسیلهٔ امپریالیستـ های ژاپنی غارت شد، ازین روی است‌که اقتصاد ما فقیر وعقب‌ماندهـ است. اکنون، اما، ما باید اقتصادی مستحکم داشته باشیم تا بتوانیم جنگ مقاومت و بازسازی میهن را پی‌گیریم.

برای این که اقتصاد خویش را بنا کنیم باید هزینه داشته باشیم، برای کسب هزینه، کشورهای سرمایه‌داری از سه وسیله بهره می‌جویند: از خارج وام دریافت می‌کنند؛ مستعمرات خود را چپاول می‌نمایند؛ و از دهقانان و کارگران خود بهره می‌کشند. ما نمی‌توانیم به‌اینگونه وسایل متوسل شویم. تنها بوساطت افزایش تولید و صرفه‌جویی می‌توانیم برای بنا و پیشرفت اقتصادی هزینه‌های بیشتری تأمین کنیم.

۳. باید **وقت را غنیمت شمریم.** بروجه مثال: باتکای‌بهبودسازماندهی و اعتلای کارآمدی می‌توانیم کاری را که طی دو روز انجام می‌گیرد در یك روز تمام کنیم.

باید در **کار صرفه‌جویی کنیم.** برای نمونه: با سازماندهی بهتر و کارآمدی والاتر، کاری که برحسب معمول به‌ده تن نیاز دارد می‌توان با پنج‌تن انجام داد.

باید **پس‌انداز کنیم.** مثلا: بوسیلهٔ کاهش نیروی انسانی، زمان و

مواد خام هم اینك جخت ۱۰۰۰۰ **دونگ*** صرف می‌نماییم در حالی‌که پیشتر بر روی همان کار ۲۰۰۰۰ دونگ خرج می‌کردیم.

مخلص کلام، باید سازماندهی را چندان به‌چرخش درآوریم که یك تن بتواند کار دوتن را انجام دهد، یك روز برای اتمام کار دو روزه کافی باشد و یك دونگ بجای دو دونگ کارساز گردد.

۴. همه باید **صرفه‌جویی کنند.** پیش از همه، در خدمات عمومی، آرتش و در بنگاههای تجاری. بعضی ممکن است بپرسند: آرتش‌چگونه می‌تواند صرفه‌جویی کند در حالی که کارش تنها پیکار با دشمن و کسب ظفرها است و بخش تولیدی شمرده نمی‌شود؟

در آرتش، بخشهایی نظیر **تدارکات خوارو بار، تدارکات‌نظامی، ادارهٔ ترابری** و جزاینها باید صرفه‌جویی را معمول دارند. برای مثال:

درگذشته، گیریم هر رزمنده بطور متوسط برای کشتن هر سرباز دشمن از ۶۰ تیر فشنگ استفاده می‌کرد، اکنون در نتیجهٔ تعلیمات موثرتر و نشانه‌گیری بهتر تنها از ۱۰ تیرفشنگ بهره‌می‌جوید. برین سیاق، او از بابت تیر فشنگ ۸۰ درصد صرفه‌جویی می‌کند و باصرفه جویی در مواد خام و نیروی انسانی در تولید سازوبرگهای دیگرمی‌توان استفاده‌کرد. پیش ازین، ادارهٔ ترابری از ۱۰۰ کامیون برای حمل‌مهمات بهره می‌گرفت، اکنون تنها به۲۵ کامیون نیاز دارد، برین شیوه در کاربرد خودروها، مواد سوختی و روغنی قناعت می‌شود؛ و اگر شمار کامیونها در خدمت اندکتر باشد، به‌نیروی انسانی کمتری در مرمت جاده‌ها نیاز می‌افتد.

در عملیات مختلف نظامی ما غنایم فراوانی (مهمات، غذا و اسلحه) بدست آورده‌ایم. سپاهیان ما ازین غنایم بخوبی مواظبت می‌کنند و علیه دشمن از آنها بهره می‌گیرند؛ و برین روال آنان نیز بر **تولیدمی‌افزایند.**

بعضی ممکن است سؤال کنند: خدمات عمومی گذشته از کشت محصولات و پرورش دام برای مصارف خود چگونه می‌تواند (مثلا بخش قضایی) صرفه جویی کند؟

هربخش عمومی می‌تواند و باید صرفه‌جویی پیشه‌کند. محض‌نمونه، تمام بخشهای عمومی از پاکت استفاده می‌کنند؛ اگر از هر پاکتی دو یا سه‌بار استفاده شود، حکومت هرسال دهها تن کاغذ می‌تواند صرفه‌جویی

---

* واحد پول ویت نام م.

نماید. اگر کادرهای قضایی کارآمدی خویش را اعتلا بخشند، به‌اشخاصی که با بخش قضایی سروکار دارند کمك خواهند کرد تا برای افزایش تولید در وقت صرفه‌جویی کنند.

۵. نتایج صرفه‌جویی:

مثالهای پیش‌گفته نشان می‌دهد که **اگر راه صرفه‌جویی نیروی انسانی**، منابع و وقت را بدانیم، تولید و نیز نیروهای ما با آنچه که‌اکنون در اختیار داریم در هر زمینه می‌تواند چندین برابر افزایش یابد.

در **اتحاد شوروی**، بواسطهٔ صرفه‌جویی، بودجه‌یی که برای **برنامهٔ پنج ساله** (۱۹۵۰ـ۱۹۴۶) سرمایه‌گذاری شد به ۲۶۰۰۰ میلیون روبل، یعنی به‌یك سوم افزایش یافت.

بروجه مثال، در سال ۱۹۴۸، یك فروشگاه پارچه در **مسکو** زیاده از ۳۴۰۰۰ متر پارچه صرفه‌جویی کرد که برای ۲۰۰۰۰ عدد پیراهن بیشتر کافی بود.

در وقت آنگاه صرفه‌جویی می‌شود که کارآمدی اعتلا یابد. پیش ازین برای ساختن یك هواپیما ۲۰۰۰۰ ساعت وقت صرف می‌شد، اکنون تنها به ۱۲۷۰۰ ساعت نیاز هست؛ پیشتر برای ساختن یك تانك بزرگ ۸۰۰۰ ساعت وقت لازم بود، اینك ۳۷۰۰ ساعت کافی است.

در چین، بسال ۱۹۵۱، در اثر افزایش بازده و صرفه‌جویی، مردم منطقهٔ **شمال شرقی** ۱۴ میلیون تن مواد خوراکی بیشتری تولید کردند. امسال، کارگران و جمعیت این منطقه به **صدر مائو تسه دون** قول‌داده‌اند که ۲۲ میلیون تن صرفه‌جویی کنند.

منطقهٔ شمال غربی، به‌یمن صرفه‌جویی یك میلیون تن مواد خوراکی و ۶۰۰۰۰۰ قنطارمتری پارچهٔ نخی و ۳۵۰۰۰۰ رأس گاومیش و گـاو و غیره افزایش داشته است؛ و مناطق دیگر نیز به‌نتایج مشابهی دست یافته‌اند.

صرفه‌جویی در وقت و تولید بخشی عالیتر، پهلو به‌پهلو یکدیگر حرکت می‌کند. پیش ازین یك نساج می‌بایست ظرف دوساعت زیاده از ۵۲۰۰ فـوت می‌بافت. اکنـون، پس از تعمیم شیوهٔ **زیچ کین تـو** (Xich Kien Tu) تنها ۲۳۰۰ فوت مورد نیاز است. از بار زحمت زیاد کاسته می‌شود و بازده کار بالامی‌رود. **زیچ کین تو**، بانی این‌شیوهٔ‌تحققی، دختر بافندهٔ ۱۷ ساله‌یی است.

درسایهٔ هم‌چشمی در تولید و **صرفه‌جویی**، تنها پنج سال پس از **جنگ جهانگیر دوم** اقتصاد اتحاد شوروی جهشهای شگفتی کرده است. در حالی که در کشورهای سرمایه‌داری، سطح زندگی بالا می‌رود و مردم لامحاله کمبودهای فزاینده‌تری را تحمل می‌کنند، در اتحادشوروی قیمتها چهار برابر کاهش یافته است و مردم کامیابتر می‌گردند.

ظفرمندی انقلاب **چین** تنها به‌چند سال پیش باز می‌گردد **لکن** در نتیجهٔ افزایش تولید و صرفه‌جویی، اقتصاد پیشرفت کرده است ومسایل مالی یك پارچه گشته و قیمتها ثابت شده و سطح زندگی خلق بسرعت بهبود یافته است.

ما جنگ مقاومت را پی‌می‌گیریم، وضع و حال ما بسی دشوار است. اما اگر ما برآن شویم که تولید را افزایش دهیم و صرفه‌جویی پیشه کنیم بی‌تردید درانجام‌این مهم توفیق یارمان خواهد شد.

۳. اختلاس، اتلاف و دیوان‌سالاری را از میان برداریم

برای این که محصولی خوب داشته باشیم باید کشتزار را وجین کنیم، در غیر این صورت بر رغم شخم‌زدن مکفی و کودافشانی وافی، برنج پربار نمی‌شود. بمنظور این که در امر افزایش تولید و اجرای صرفه‌جویی توفیق یابیم، باید علفهای هرز را وجین کنیم، یعنی،اختلاس، اتلاف و دیوان سالاری را ریشه‌کن نماییم. گرنه اینها برکار ما لطمه می‌زنند.

الف. اختلاس چیست؟

ــ در مورد کادرها، اختلاس یعنی:

حیف و میل اموال عمومی، اخاذی از مردم، برداشت و دزدی از هزینهٔ آرتش و تقلب در سیاهه‌های مخارج، سوء استفاده از اموال عمومی و هزینه‌های دولتی و واریزکردن آنها بنفع محل یا واحدخود نیز اختلاس محسوب می‌شود.

ــ در مورد اشخاص، اختلاس یعنی:

حیف و میل اموال عمومی؛ و ارایهٔ گزارشهای خدعه‌آمیز جمعی.

ب. اتلاف کدام است؟

اتلاف اشکال بیشماری دارد:

اتلاف کار: بعلت فقدان حس مسؤولیت یا سازماندهی ناخوشایند، شماری بزرگ از مردم بکاری می‌پردازند که این کار توسط تنی چند انجام شدنی است.

این کاستی در آرتش، خدمات عمومی و بنگاه‌ها وجود دارد، محض نمونه: بواسطهٔ سازماندهی ناقص، در استفاده از نیروی انسانی غیر نظامی برای مرمت جاده‌ها و پلها وخدمت در عملیات نظامی اتلاف کاری زیادی‌بچشم می‌خورد.

اتلاف وقت: چندین روز، صرف کاری می‌شود که طی یك یا حتی نیمروز صورت پذیر است. مثلا: جلسه‌ها بجای تنها یك روز، ممکن است سه یا پنج روز بدرازا کشد، علت این است که کادرهای مسؤول برنامهٔ کار را بدقت آماده نکرده‌اند و افراد حاضر در جلسه بموضوع مورد بحث نیاندیشیده‌اند.

اتلاف اموال عمومی: این قضیه شکلهای بیشماری بخود می‌گیرد، اینجا، اما، بچند نمونه اشاره می‌شود:

ـ اتلاف مواد و مصالح بوسیلهٔ خدمات عمومی.

ـ کاربرد نامطلوب ماشینها و مواد خام در بنگاهها.

ـ **ادارهٔ ترابری** از خودروهای خود بخوبی مراقبت نمی‌کند و در بنزین و روغن بقدر کافی صرفه‌جویی نمی‌نماید.

ـ انبارهای تحت نظارت **اداره انبارها** بدقت بنا نمی‌گردد؛ انبارداران از حس مسؤولیت چندان بهره‌مند نیستند و برین سیاق شلتوك نمسار می‌شود و لطمه می‌بیند.

ـ **ادارهٔ تجارت دولتی** در تنظیم کار و حسابرسیها دقیق نیست، از همین روی خسارات و نقصانهایی متحمل می‌گردد.

ـ سپاهیان از ساز و برگها، تجهیزات و غنایم حاصله بدرستی مراقبت نمی‌کنند.

ـ پول بسیاقی نادرست بوسیلهٔ **بانك** بچرخش می‌افتد و بافزایش تولید کمك نمی‌کند.

ـ طرحهایی که توسط ارگان‌های اقتصادی ریخته می‌شود عملی نیست و با اوضاع هماهنگی ندارد. بهمین دلیل زیانهایی بانقلاب وارد می‌آورد.

ـ مردم زمینهای خود را بایر می‌گذارند، برای ارواح هدایای نذری می‌سوزانند، گاومیشهای خود را گرو می‌گذارند و برای مراسم

پرخرج عروسی و ترحیم و جز اینها کشتزارهای خویش را می‌فروشند.

ـ اختلاس، چیزی‌نیست مگر غارتگری و چپاول. اتلاف چنین نیست اما برآیندهای آن در هر حال برای مردم و حکومت خانمان‌برانداز است، گاه حتی بیش از اختلاس ویرانگر است.

اختلاس و اتلاف از دیوان‌سالاری منشا می‌گیرد و ازین واقعیت سر برمی‌آورد که افراد وارگان‌های بلندپایه درتمام سطوح ازواقعیتهای ضروری، از نظارت و تربیت کادرها و تماس فشرده با توده‌ها درمی‌مانند. آنان نسبت بموضوع شکل توجه غیر ضروریی مبذول می‌کنند و از چسبیدن به‌کادرها در جزواز عمق غافل می‌مانند. تنها میل دارند جلساتی برپا کنند، رهنمودهایی بنویسند و گزارشاتی قرائت نمایند، لکن **هیچ‌چیز را سربه‌سر کنترل نمی‌کنند.**

محض کوتاه سخنی، افراد ارگان‌های عمده‌یی که رنگ‌تعلق‌دیوان‌سالاری می‌گیرند چشم دارند، اما نمی‌بینند، گوش دارند، لکن بوضوح نمی‌شنوند؛ مقررات و انضباط رعایت نمی‌شود و در نتیجه عناصر نامطلوب و کادرهای نامسؤول بامان خود رها می‌شوند تا در عرصهٔ اختلاس واتلاف‌کاری جولان دهند.

ازین قرار دیوان‌سالاری، اختلاس و اسراف را می‌پرورد، با آنها مدارا می‌کند وآنها را تحت مراقبت خود می‌گیرد. از همین روی برای پاك کردن اختلاس و اتلاف باید پیش از هرکاری برامحای دیوان‌سالاری همت گماشت.

۳. اختلاس و اتلاف دشمنان خلقند

الف. اختلاس، اتلاف و بوروکراسی دشمنان خلق، آرتش و حکومتند.

اینها خصمان خطرناکیند زیرا شمشیر و تفنگی در کارشان نیست، بل در سازمانهای ما لانه می‌کنند تا کار ما را تباه نمایند.

خواه اختلاس، اتلاف و دیوان‌سالاری بعمد یا بسهو دست بکار باشد، هرسه با نظام استعماری و فئودالیزم متحدند چرا که از پویش جنگ مقاومت وبازسازی ملی ما جلو می‌گیرند. یگانگی کادرهای ما و ارادهٔ آنان را در چیرگی بر مشکلات تبهگن می‌کنند. فضایل انقلابی ما: جد و جهد، صرفه‌جویی، یگانگی و درستی را تحلیل می‌برند.

در ادای دین برای ظفرمندی جنگ مقاومت و بازسازی ملی،

رزمندگان ما خون خود را نثار کرده‌اند و هم میهنان ما عرق جبین ریخته‌اند. اما کسانی که به‌اختلاس، اتلاف و دیوان‌سالاری دست‌می‌یازند شیرهٔ جانها را می‌مکند، توانایی راهدر و هبا می‌کنند و ثروت حکومت و ملت را برباد می‌دهند؛ و این همانا جنایتی است به‌مخافت جنایتی که خائنان و جاسوسان مرتکب می‌شوند.

بنابرین علل، مبارزه علیه اختلاس، اتلاف و دیوان‌سالاری همان قدر در خور اهمیت و مبرم هست که جنگیدن در جبهه! چه، این امر جبههٔ ایده‌ئولوژی و سیاسی شمرده می‌شود.

بسان دیگر جبهه‌ها، از برای پیروزی درین جبهه ما باید نقشه، سازماندهی، رهبری و خیل مبارزان را در اختیار داشته باشیم.

ب. مبارزه با اختلاس، اتلاف ودیوان‌سالاری اقدامات انقلابی‌است.

پی‌گیری انقلاب یعنی نابودی بدی و بنای نیکی. انقلاب ما برآن سراست که رژیم استعماری و فئودالی را براندازد و دموکراسی نو را برآورد.

اگر پس از آن که استعمارگران و فئودال‌ها از میانه برخاستند، کژیهای آنان (اختلاس، اتلاف‌کاری، دیوان‌سالاری) همچنان پایا باقی بماند، کار انقلابی ما هنوز فرجام نمی‌یابد، چه، اینگونه پلشتیها همچنان کار سازندهٔ انقلاب را تحلیل می‌برد و در آن خرابکاری می‌کند.

افرادی هستند که نسبت به‌مبارزه پرشور و وفادارند؛ آنان نه از خطرات و سختیها بیمی بدل راه‌می‌دهند و نه پروای‌دشمن‌دارند، بنابرین **به‌انقلاب نیك خدمت کرده‌اند؛** اما بمحضی که هم ایشان قدرتی بچنگ می‌آورند، تفاخر و تفنن گریبانشان را می‌چسبد و به‌اختلاس، اتلاف و دیوان‌سالاری نامعقول روی می‌آورند، پس، **از نگاه انقلاب تقصیرکار می‌شوند.** ما باید آنان را نجات دهیم و به‌ایشان کمك کنیم که فضایل انقلابی را بازیابند و باز نمایانند، دیگران، در حالی که در خدمت به‌سرزمین اجدادی و مردم تظاهر می‌کنند، به‌اختلاس‌واتلاف پناه می‌برند و بر سرزمین اجدادی و خلق خسران می‌زنند. ما باید اینان را تربیت کنیم و به‌راه انقلابی رهنمون شویم.

حیف و میل، اتلاف و دیوان سالاری مضراتی شمرده می‌شوند که از جامعهٔ دیرین برجای می‌مانند. آنها از نفع‌فردی‌وخودبینی‌برمی‌جوشند. این سه از رژیم «استثمار فرد ازفرد» بظهور می‌آید.

ما در طلب بنای جامعهٔ نو هستیم. جامعه‌یی آزاد که در آن همه

آدمیان برابرند، جامعه‌یی که تلاش، صرفه‌جویی، یگانگی ودرستی بر ارکانش غالب است، ازهمین روی باید تمام خوبیهای ناخوشایند جامعه کهن را برشوییم.

پ. مبارزه با اختلاس و اتلاف عین دموکراسی است.

لشگریان ما خون خود و هم میهنان ما عرق زحمت خویش را برای نجات میهن بیدریغ نثار می‌کنند. جنگاوران ما جان خود و هم‌میهنان‌مان کار و ثروت خویش را به‌حکومت و حزب می‌سپارند تا جنگ مقاومت را پی‌گیرد و میهن را بازسازی کند. این شکلی از **سانترالیزم‌دموکراتیك** شمرده می‌شود.

حکومت و حزب به‌کادرها قدرت می‌دهد تا آرتش را فرماندهی کنند و در جنگ مقاومت و بازسازی ملی از پول و منابع بهره‌جویند. وظیفهٔ کادرها این است که هر رزمنده را دوست بدارند و از او مواظبت کنند و برای هر صنار، هر ظرف برنج و هر ساعت کار هم میهنان‌خویش ارزش قایل شوند و صرفه‌جویی کنند. رزمندگان و هم‌میهنان ما این حق دارند که انجام این وظیفه را از کادرها مطالبه کنند و از آنان که وظیفه شناس نیستند **انتقاد نمایند.**

دموکراسی یعنی اتکا به‌توده‌ها و خط توده را بدرستی دنبال کردن. بنابرین، برای این که توفیق یار ما باشد، جنبش مبارزه با اختلاس، اتلاف و دیوان سالاری **باید بر توده‌ها اتکا کند.**

مراد ما از توده‌ها تمام سپاهیان، همهٔ کارگران در کارخانه‌ها، تمام کارکنان دولت در خدمات عمومی و جزاینها و تمام مردمند. بسان هر کار دیگر، تنها بوساطت **بسیج توده‌ها، اجرای دموکراسی** و تفهیم‌به توده‌ها و شرکت پرشور آنان درین جنبش، می‌توان از پیروزی یقین حاصل کرد. هرقدر شرکت توده‌ها گسترده‌تر باشد، دستآوردها کاملتر و سریعتر خواهد بود.

وظیفهٔ توده‌ها این‌است که با شور و حرارت در جنبش مبارزه‌علیه اختلاس، اتلاف و دیوان‌سالاری شرکت جویند. در پیکار با دشمن و رهایی میهن، رزمندگان، فتوحات خویش و مردم، ثروت خود را عرضه می‌کنند. اختلاس، اتلاف و دیوان سالاری نوعی «دشمن داخلی» است. اگر جنگاوران و مردم ما در حالی که به‌نبرد **بادشمن‌خارجی** اهتمام کرده‌اند، از پیکار با دشمن داخلی غافل بمانند، وظیفهٔ خویش را بتمام انجام نداده‌اند. بنابرین، آنان باید از سر غیرت درین جنبش شرکت

کنند.

در تمام ستونها ما باید همچون یك تن عمل کنیم و درین مبارزه به‌نیروها بپیوندیم. پیروزی به‌تحکیم همبستگی ما کمك می‌کند وبارآوری را دوچندان می‌نماید. این امر به‌کادرهای ما یاری می‌دهد که از منظر ایده‌ئولوژی از نو خود را بسازند و شعور سیاسی خویش را اعتلا بخشند و از فضایل انقلابی مشحون گردند و از جان و دل برای آرتش و خلق کمر خدمت ببندند. این مهم به‌پالایش دستگاه اداری ما کمك می‌کند و آن را شایستهٔ اعتماد و ایثار مبارزان و هم‌میهنان ما می‌سازد و به‌ما مساعدت می‌نماید تا برنامهٔ حکومت و حزب را در جهت افزایش تولید و صرفه‌جویی بانجام رسانیم و تدارکات خود را برای صد تهاجم عمومی کامل کنیم.

رهنمودهای داده شده
در کنفرانس جنگ چریکی

(ژوییه۱۹۵۲)

۱. همه شما که در اینجا حاضرید بدرجات مختلف همت کردید و دستآوردهایی بدست آوردید و مشقاتی را متحمل شدید. بهمین مناسبت سزاوار ستایشید. با این‌همه باید بیاد داشته باشید که **این دستیافتها نه به‌فرد خاصی بل‌به‌تمام آرتش و هم میهنان ما تعلق دارد.** بدون مساعدت آنان استعدادهای شما راه بجایی نمی‌برده است.

۲. از آنجا که جنگ چریکی هوا بین (Hoa Binh) در پشت جبههٔ خصم در مقایسه با سال گذشته بگستردگی پیشرفت کرده است، علی‌الخصوص، **هم‌میهنان و کادرهای ما، مطمئن گشته‌اند که آنان خود می‌توانند دشمن را براندازند.** این ارزیابی درست و تغییری بس پسندیده است.

شما باید بدانید که **جنگ مقاومت ما درازمدت وصعب، اما یقیناً ظفرتوز است.** دراز مدت است زیرا تا وقتی که دشمن منکوب گردد ادامه می‌یابد و تا وقتی که «رانده شود» بدازا می‌کشد. ۸۰ سال ستمگری دراز مدت امپریالیست‌های فرانسوی بسان بیماری مزمنی است که طی یك روز یا یك سال مداوا شدنی نیست. شتاب نکنید، در طلب پیروزی بیدرنگ نباشید که این همانا ذهن‌گرایی است. مقاومت درازمدت سختیها دارد لکن با پیروزی فرجام می‌یابد.

این جنگ مقاومت دراز و سخت، **اتکا به‌خود را مطالبه می‌کند.** این نکته بویژه وقتی راست می‌آید که شما در پشت جبههٔ خصم عمل می‌کنید. تشریك مساعی کشورهای دوست البته در خور اهمیت است، اما ما نباید برآن اتکا کنیم و تن‌آسانی پیشه‌نماییم. **ملتی که برتوانایی** خود متکی نباشد بل صرفاً کمك دیگر مردم را انتظار کشد **سزاوار** استقلال نیست.

درین مقاومت طولانی، چریکها در پشت خط دشمن چکار باید انجام دهند؟ وظیفهٔ آنان کدام است؟ **جنگ چریکی نیز جنگ دراز مدت است. وظیفهٔ کنونی این است که توطئهٔ دشمن در جهت «تغذیه جنگ با جنگ و استفاده از ویت نامی علیه ویت نامی» را خنثی کنیم.** خصم که در مناطق آزاد نمی‌تواند نیروی انسانی و منابع مادی بچنگ‌آورد، سعی می‌ورزد که بدین کار در مناطق پشت جبههٔ خود دست یازد. این توطئه را باید بی‌اثر کنیم و با انجام این کار، سهم خود را در تدارك برا ی‌ضد تهاجم عمومی بطور موثر ادا نماییم. بدینسان خصم بتدریج بضعف می‌گرود و سرانجام با شکست روبرو می‌شود.

۳. شما در عملیات پشت جبههٔ دشمن بسا شایستگیهای نظرگیر نشان داده‌اید: استقامت، شجاعت و همبستگی. من میل ندارم در باب نقاط قوی شما زیاده گویی کنم. بگذارید تنها بر چند کاستی انگشت گذارم که همه باید مرتفع گردد:

۱. **کادرهای آرتشی، سازمان‌های توده‌یی و حکومت و حزب دستورها و رهنمودهای کمیتهٔ مرکزی حزب و حکومت را با دقت کافی و بتفصیل وافی و در عمق مکفی مطالعه نکرده‌اند.** کاستی جدی همین است. کمیتهٔ مرکزی و حکومت مسایل را دور و گسترده می‌نگرند. رهنمودهای آنان نتایج مطالعهٔ دقیق اوضاع و تجارب سرتاسر کشوراست. کادرهای آرتشی، سازمانهای توده‌یی، حکومت و حزب باید این رهنمودها ها را بدقت مطالعه کنند چندان که بتوانند آنها را در وضع مشخص هر ناحیه بکار بندند. مناطق منفرد تنها یك برد محدود دید دارد؛ اینها درختان را می‌توانند ببینند اما نه‌تمام جنگلزار را و برهمین روال تنها می‌توانند بخشی از اوضاع را مشاهده کنند و نه‌تمام آن‌را و بنابرین کاری که برای منطقه‌یی مفروض قرین توفیق انگاشته می‌شود ممکن است وقتی که در متن کلی وجههٔ نظر قرار گیرد به‌یك شکست‌ونقصان تبدیل گردد. سبب این امر درین است که رهنمودهای حکومت و کمیتهٔ مرکزی حزب بقدر کافی مورد پژوهش و مطالعه واقع نمی‌شود.

۲. **نیروهای منظم، ناحیه‌یی و چریکی نباید خود را با جنگ علیه دشمن راضی کنند و بس.** پیکار با خصم کار خوبی است؛ لکن رضایت خاطر فرد در جنگیدن با دشمن بدون بذل توجه کافی به سیاست، اقتصادیات و کار تبلیغی و آموزش مردم تنها دیدن یك سوی مسایل است، چه، جنگیدن نمی‌تواند از سیاست و اقتصادیات پیوند بگسلد. اگر

ما تنها در اندیشهٔ جنگ باشیم بدون این که اقتصادیات را در نظر گیریم، توان آن نخواهیم داشت که وقتی برنج در بساط نداریم جنگ را پی‌گیریم. بنابرین، درین حرفی نیست که باید جنگید، اما پیکار به‌تنهایی راه بجایی نمی‌برد، به‌مسایل دیگر نیز باید اندیشید.

۳. نقصان دیگر درین واقعیت نهفته است کـه **نیروهای منظم، ناحیه‌یی و چریکی همه شایقند نبردهای بزرگی ساز کنند و پیروزیهای عظیمی بدست آورند** در حالی که در راهبرد مطالعهٔدقیق وضع و از ارزیابی مفصل امکانات خاص ما و نیز امکانات خصم غافل می‌مانند و نمی‌توانند هدفها و شیوه‌های رزمی مناسب را تعیین کنند. در نتیجه، در عمل شکست و بستهایی دامن گسترده است. در هر کجا که هستید، تنها وقتی بر خصم یورش برید که از کسب پیروزی یقین دارید؛ ووقتی یقین ندارید با دشمن درگیر نشوید، خاصه وقتی که در حلقهٔ محاصرهٔ دشمن گرفتار می‌آیید.

۴. **کادرهای آرتشی تنها به‌امور نظامی و کادرهای حکومتی‌به مشاغل اداری و کادرهای حزب نیز به‌کارهای حزبی سرگرم می‌شوند.** آنان بسان افرادیند که روی یك پا می‌ایستند. برای یك کادر بر خطا است که تنها بایك زمینهٔ کارآشنایی داشته باشد. او براستی خبره و کارآمد از کار درنمی‌آید زیرا کار آرتش، توده، حکومت و حزب آن مجموعی را شکل می‌بخشند که اگر یکی از اجزای آن از دست رود قوت و کمال خود را می‌بازد. کادرهای حزب و حکومت که برای پیکار با دشمن بتمامه برآرتش اتکاء می‌کنند ازین نکته غافل می‌مانند که حزب باید رهبری همه‌جانبه‌یی اعمال کند و درنبرد، پیروزی تنها وقتی حاصل می‌شود که هماهنگی تنگاتنگ میان تمام عناصر وجود داشته باشد.

۵. در خصوص کادرهای حزب بطور اخص، بخشی بعلت اوضاع نامساعد اما اکثر آنان، پیوند اصلی، یعنی اساس تشکیلات حزب را درنمی‌یابند که پایگاههای آن در نقاطی که هنوز تحت کنترل موقت دشمن است هنوز چندان مستحکم نیست. باید دانست که اگر حزب توانا باشد همه‌چیز بدرستی پیش خواهد رفت.

۶. اقدامات امنیتی هنوز بطور رضایت بخشی پیگیری نمی‌شود و از اسرار کشوری بخوبی محافظت نمی‌گردد.

۷. **کار تبلیغی ـ تهییجی درمیان سربازان دست نشانده** ثمراتی چند ببار آورده است لکن نتایج استواری بدست نداده است. کار خوب در

نقاطی صورت می‌گیرد که کادرها تدبیر و کاردانی نشان می‌دهند؛ ولیکن اینگونه امور در مناطقی سستی می‌گیرد که کادرها از ابتکار عمل بی‌بهره‌اند. خصم واحدهای پاسدار روستایی و نیروهای امنیتی برپا کرده است. از اینگونه خاران راه باید خلاص شد. شما باید تجارب را مبادله کنید و این نوع کار سیاسی را درمیان سربازان آلت دست ارتقا دهید.

۸. درباب کار **تبلیغی ــ تنویری در پشت جبههٔ دشمن**، بگذار بیاد آوریم که پیش از **انقلاب اوت**، بررغم حضور ژاپونیان و فرانسویان و خائنان ویت نامی، ما در اجرای کار تبلیغی ــ تنویری درمیان مردم توفیق یافتیم. این امر بواسطهٔ کاردانی ما بود؛ و گذشته از تبلیغ ــ تنویر شفاهی، از نشریات چاپی نیز بهره جستیم. هم‌اینك، کمیتهٔ مرکزی و حکومت برآن سراست که روزنامه‌هایی نظیر **کویوکیوك** (Cuu Quoc = **رهـایـی‌ملـی**) و **نهـان‌دان** (Nhan Dan =مردم)* را به‌مناطق تحت اشغال دشمن ارسال کند. اما این کافی نیست و ما با دشواریهایی روبرو شده‌ایم. در پشت جبههٔ دشمن باید نشریاتی پخش کنیم که با چاپ سنگی یا گلی چاپ می‌شود و لزومی ندارد که در قطع بزرگ یا بطور روزانه نشر یابد؛ و هدف عمده باید این باشد که خط و سیاستهای‌حکومت را توده‌گیرکنیم و دربارهٔ توفیقهای خود و جنایات و شکستهای دشمن در میان مردم تبلیغ عملی را پیش‌بریم. درین امر کار آموزشی حزب وجهه نظر است.

۴. اکنون دربارهٔ کارهایی که باید انجام شود:

۱. پیش از همه، باید وحدت داخلی فشرده‌یی وجود داشته باشد، بسخن دیگر، آرتش، مردم، حکومت و حزب باید تنگاتنگ وحدت‌یابند. بهرکاری که همت می‌کنیم، مطالعه و مباحثه، وحدت‌نظر و عمل، کمك متقابل و انتقاد و انتقاد از خود صمیمانهٔ متکی برترقی مشترك باید وجود داشته باشند.

۲. دستورها و رهنمودهای کمیتهٔ مرکزی و حکومت باید بدقت مطالعه و بدرستی بکار برده شود و سراسر عملی گردد.

۳. آنچه بیش از همه اهمیت دارد این است که نیروهای مسلح ما، گیرم نیروهای منظم، ناحیه‌یی یا چریکی بایـد بسرعت در کنار

* **نهان دان، ارگان** حزب کارگران ویت نام است. م.

مردم قـرار گیرند؛ جدایی از آنان بی‌تردید به‌شکست می‌انجامد. در کنار مردم قرار گرفتن یعنی نظر آنان را جلب کردن و اعتماد ومحبت ایشان را بدست‌آوردن. این امر به‌ما رخصت می‌دهد که برهرگونه دشواری چیره‌آییم وبه‌پیروزی حتمی نایل شویم. برای نیل به‌این هدف، باید از مردم حمایت کنیم، به‌آنان کمك نماییم و درجهت آموزش آنان بکوشیم. آموزش‌مردم بدین معنی نیست که کتابهایی چندی دردست آنان قراردهیم و ایشان را به‌فراگیری ناگزیر کنیم؛ و اگر برین شیوه عمل نماییم در جهت عکس منافع آنان و انقلاب ره‌می‌سپریم. این شیوهٔ کار، از امر ونهی‌ــ گرایی بوروکراتیك مایه دارد. باید مردم را چندان ترغیب کنیم که آنان بطیب خاطر کارها را انجام دهند؛ اجبار تنها نتایج زودگذر ببارمی‌آورد ونه اثرات دیرپای.

۴. نیروهای منظمی که در پشت جبههٔ خصم عمل می‌کنند باید در سازماندهی وتعلیمات به‌نیروهای ناحیه‌یی وچریکی مدد کنند؛ وآنان باید به‌اینان یاری دهند نه درین جهت که کارهای آنان را انجام دهند، بل‌که باید به‌خلق کمك کنند؛ برخی واحدها درین راه گام برداشته‌اند، امـا دیگران چنین نکرده‌اند. موافق آن ضربه‌المثل خودمان: «وقتی درون گردوئه‌یی، حلقه بزن وآنگاه که درون مجرایی، درازبکش.» وقتی در منطقهٔ تحت اشغال دشمن می‌رزمیم باید از تاکتیك‌های چریکی بهره‌بجوییم ونباید بسان مناطق آزاد به‌جنگ منظم روی‌آوریم. نباید بی‌هیچ روی در نبردهای کامل عیار وکسب پیروزیهای بزرگ درگیر شویم، مگر این‌که صددرصد ازظفرمندی مطمئن باشیم.

۵: هدف جنگ چریکی این نیست که جنگهای تمام عیاروپیروزیهای بزرگ را پی‌گیریم، بل‌که برعکس این است که نیشی به‌دشمن زنیم و او را چنان بستوه آوریم که نه‌بتواند قوتی خورد و نه در آرامش سر برزمین گذارد ونه باید به‌او مهلت داد، باید اورا ازلحاظ جسمی وروحی‌فرسود وسرآخر ازمیانش برداشت. بهرکجا که می‌رود باید در چنبر یورش چریکها گرفتار آید وبرزمینهای پوشیده ازمین سکندری خورد وباآتش تیراندازی در خفا فروغلتد. این‌است آنچه که سربازان فرانسوی در نامه‌های خود بدان معترفند: «در ویت نام، مرگ در هرغار، هربوته‌زار و در هر برکه درکمین ما می‌نشیند...»

اگر برآنید که کاستیهای خود را جبران کنید و آنچه را من گفتم انجام دهید، بی‌تردید پیروزیها بدست خواهید آورد. بااین‌همه، باید این

نکته را بخاطر بسپارید که تا وقتی یك سرباز خصم درخاك ما باقی بماند، پیروزی ما کامل نمی‌شود. شکستهای نیروهای دشمن، برغم تجهیزات بهتر و تجارب عظیمتر، بواسطهٔ ذهنیت آنان بوده است. بنابرین، اگر شما علیه ذهنیت جبهه بگیرید ودرکم‌بها دادن به‌خصم دقیق ومحتاط باشید، پیروز خواهیدشد.

درمناطق خود باید ازمردم‌مطالبه کنید که درتمام زمینه‌ها هم‌چشمی کنند: با دشمن مبارزه نمایند وکارها را انجام دهند، کارتبلیغی ــ تهیجی را درمیان سربازان دشمن ودست‌نشاندگان آنان سازمان دهید، برتولید بیفزایید و صرفه‌جویی پیشه‌کنید. ضربه‌المثلی گوید: «خوراك کافی، آرتش قوی.» برای جنگ مقاومت خودخوراك کافی نخواهیم داشت اگر تولید را بالا نبریم وامر اقتصاد را پیش نگیریم. آیا می‌توانید عهد کنید که آنچه را گفتم انجام می‌دهید؟ **(همه با صدای بلند آری گفتند.)** شما عهد بستید وباید بهرقیمت سرعهدتان باشید.

نکتهٔ دیگر: باید دستیافتهای سربازان وهم‌میهنان ما را برای‌حق‌شناسی ازآنان به‌کمیتهٔ مرکزی وحکومت گزارش کنید واین امر نیز همانا وسیلهٔ آموزش و تشویق شمرده می‌شود. آنان که تمجید می‌شوند بیشتر دلگرم می‌گردند ودرعین‌حال دیگران‌فعالانه‌باآنان به‌رقابت‌وهم‌چشمی‌برمی‌خیزند. تاکنون مقامات محلی گزارشاتی چند ارسال کرده‌اند؛ ازین‌پس شما باید جبران مافات کنید.

درآخر، ازشما درخواست می‌کنم بهترین آرزوهای من و کمیتهٔ مرکزی وحکومت را به‌هم‌میهنان، کادرها و رزمندگان، علی‌الخصـــوص چریك‌های قدیمی، زنان چریك وفرزندان جنبش مقاومت ابلاغ کنید. من وکمیتهٔ مرکزی وحکومت خرسند ومطمئنیم که آرتش وهم‌میهنان ما در پشت جبههٔ خصم خط وسیاستهای جنبش مقاومت را بدرستی انجام‌خواهند داد تا ازین گذر به‌پیروزی‌سریع‌نایل آییم.

پاسخ به‌خبرنگار سوئدی

(نوامبر، ۱۹۵۳)

سئوال: مباحث مجمع ملی فرانسه نشان داده است که شماری بزرگ ازسیاستمداران فرانسوی خواهان راه‌حل مسالمت‌آمیز کشاکش درویت نام ازطریق مذاکرات مستقیم با حکومت ویت نام هستند. این‌خواست درمیان خلق فرانسه دامن می‌گیرد.شما خود وحکومتتان ازین امر استقبال‌می‌کنید؟

جواب: جنگ ویت نام را حکومت فرانسه آغاز کرد. خلق ویت‌نام ناگزیر شد سلاح برگیرد واکنون نزدیك به‌هشت سال است که قهرمانانه علیه تجاوزکاران مبارزه کرده است تا از استقلال وحق خود برای‌زیستن در پرتو آزادی و صلح پاسداری و حراست‌کند. اگر استعمارگران فرانسوی جنگ تجاوزکارانهٔ خویش را ادامه دهند، مردم‌ویت نام‌مصممندکه مقاومت میهن‌پرستانهٔ خود را تاپیروزی نهایی پی‌گیرند. بااین‌همه، اگر حکومت فرانسه از جنگی که طی این چند سال اخیر دامن زده درسی فراخور گرفته است وبرآن سراست که دربارهٔ گونه‌یی ترك مخاصمه در ویت نام به‌مذاکره نشیند و مسألهٔ ویت‌نام را از طریق مسالمت‌آمیز حل‌کند، خلق و حکومت **جمهوری دموکراتیك ویت‌نام** حاضر به‌اجابت این خواست هستند.

سئوال: نوعی آتش‌بس یا ترك مخاصمه امکان پذیر هست؟

جواب: نوعی ترك مخاصمه می‌تواند در ویت نام باجرا درآیـد مشروط برین که حکومت فرانسه به‌جنگ تجاوزکارانهٔ خود در ویت‌نام پایان بخشد. پایهٔ چنین ترك مخاصمه‌یی این است که حکومت فرانسه باید درمورد استقلال راستین ویت نام توجه صمیمانه نشان دهد.

سئوال: شما با میانجیگری یك کشور بیطرف برای دیداری میان شما ونمایندگان فرماندهی عالی طرف دیگر موافقید؟ ممکن است سوئد پیشنهاد میانجیگری کند؟

جواب: اگر برخی کشورهای بیطرف سعی ورزند که از طریق مذاکرات بر خصومت‌ورزیها در ویت نام نقطهٔ پایانی سریع گذارند، از چنین تلاشی استقبال می‌شود. بااین‌همه، مذاکره برای ترك مخاصمه لزوماً به‌حکومت جمهوری دموکراتیك ویت نام وحکومت فرانسه مربوطاست.

سئوال: ازنظر شما، راه دیگری برای پایان بخشیدن به‌خصومتها وجود دارد؟

جواب: جنگ در ویت نام برای خلق این کشور خرابی ببار آورده و درعین‌حال لطمات زیادی برمردم فرانسه وارد کرده است. به‌همین‌علت است‌که مردم فرانسه برای پایان بخشیدن به‌این جنگ مبارزه نموده‌اند.

من همواره علاقه واحترامم را نسبت به‌خلق فرانسه ورزمندگان صلح‌جوی این کشور نشان داده‌ام . هم‌اینك نه‌تنها براستقلال ویت نام بطور جدی دست درازی شده بل استقلال فرانسه نیز بسختی مورد تهدید قرار گرفته است. ازیك سوی، امپریالیست‌های ایالات‌متحد براستعمارگران فرانسوی فشار وارد می‌آورند که جنگ تجاوزکارانه در ویت نام را ادامه وگسترش دهند وبدینسان اینان دل به‌این امرخوش کرده‌اند که فرانسه را بیش‌ازپیش تضعیف کنند و سرانجام جای آن‌را در **هندوچین** بگیرند؛ وازسوی دگر ازفرانسه باصرار مطالبه می‌کنند که پیمان دفاع اروپا را امضاء کند، پیمانی که احیای میلی‌تاریزم آلمان را دربردارد.

بنابرین مبارزهٔ خلق فرانسه برای استقلال، دموکراسی و صلح و پایان بخشیدن به‌جنگ در ویت‌نام، یکی ازمهمترین عوامل راه حل مسالمت‌آمیز مسألهٔ ویت نام را در برمی‌گیرد.

گزارش به‌سومین اجلاس اولین مجمع ملی

(۱ دسامبر، ۱۹۵۳)

نمایندگان مجمع ملی،

ازطرف حکومت خرسندم که به‌شما درین اجلاس ویژهٔ مجمع ملی خوش‌آمد بگویم.

به‌نمایندگانی که بعلت کارهای خویش در جنبش مقاومت نتوانستند درین‌اجلاس شرکت جویند شادباشهای قلبی خود را ابلاغ می‌کنم.

ازطرف حکومت یادآن دسته از اعضای مجمع ملی را که‌قهرمانانه برای جنبش و سرزمین اجدادی جان باختند گرامی می‌داریم.

نیز از جانب حکومت به‌نمایندگان جبهه که برای عرض تهنیت به مجمع ملی آمده‌اند خیرمقدم می‌گویم.

نمایندگان،

طی هشت سال گذشته تمام خلق ما عظیمترین همهٔ وظایف، یعنی امر مقاومت را پی‌گرفته است.

ازین پس، وظیفهٔ اصلی دیگری داریم: اصلاحات ارضی.

ما باید جنگ‌مقاومت را پیش‌بریم تا بتوانیم در عرصهٔ اصلاحات ارضی موفقیت بدست آوریم.

باید در اجرای اصلاحات ارضی اهتمام ورزیم تا ازین گذر برای جنگ مقاومت پیروزی کامل تأمین کنیم.

درین اجلاس ویژه، مجمع ملی در باب مقاومت طی چند سال گذشته گزارشی خواهد شنید ودربارهٔ سیاست اصلاحات ارضی بحث خواهدکرد وبرقانون اصلاحات ارضی صحه خواهد گذاشت.

سرزمین ما بخشی ازجهان بیکران است. وضع میهن ما بر جهان اثر می‌گذارد واوضاع در جهان نیز برسرزمین ما تأثیراتی القاء می‌کند.

به‌همین سبب پیش از ارایه گزارش در خصوص جنبش مقاومت و سیاست اصلاحات ارضی، باجمال چگونگی اوضاع جهان و سرزمین‌مان را بر می‌شمرم.

وضع جهان

می‌توانم گفت که هم‌اینك اردوگاه ما با گذشت هرروزقویترمی‌گردد ودرهمین‌حال اردوگاه خصم هرچه بیشتر بضعف می‌گرود.

اتحاد شوروی، این سنگر صلح ودموکراسی در جهان، باستواری‌از سوسیالیزم به‌کمونیزم پیش می‌رود. رویای سعادت آدمی طی قرنهای متمادی دریك ششم گیتی صورت تحقق می‌گیرد.

نیز اتحاد شوروی برای پاسداری ازصلح جهان بمب‌های اتمی و هیدروژنی در اختیار دارد ولیکن بارها وبارها پیشنهاد تحریم این‌گونه سلاحها را مطرح کرده است.

دموکراسی‌های توده‌یی اروپای خاوری با تشریك مساعی صمیمانهٔ اتحاد شوروی تمام همت خویش را بربنای سوسیالیزم می‌گمارند.

چین درکومك به‌**کره** بمنظور مبارزه علیه امپریالیست‌های‌ایالات متحد توفیقهای عظیمی حاصل کرده است و در اولین سال **برنامهٔ پنج‌ساله** و درتمام کارهای ساختمانی بکرات دستآوردهای چشمگیری رقم زده است.

پیروزیهای بزرگ انتخاباتی **احزاب کمونیست ایتالیا وفرانسه**، اعتصابهای عظیم (ماه‌های اوت وسپتامبر سال ۱۹۵۳) درین دو کشور ومبارزه‌یی که بپایمردی طبقهٔ زحمتکش در کشورهای مختلف پای‌گرفت وجنبش رهایی‌بخش ملی در **مالایا، مجمع‌الجزایر فیلی‌پین، افریقای‌شمالی، افریقای مرکزی، گینه** و جزاینها اثبات کرده‌است که مبارزه به‌همت‌مردمان سرتاسر جهان گسترش می‌یابد.

کنفرانس صلح در **آسیا** ومنطقهٔ **اقیانوس آرام** (دراکتبر سال۱۹۵۲) و **گردهمایی جهانی** برای **دفاع ازصلح** (در نوامبر سال ۱۹۵۲) توانایی سترگ اردوگاه جهانی صلح ودموکراسی را نشان داده است.

طی دورهٔ اخیر، عظیمترین فیروزیی که اردوگاه صلح ودموکراسی جهان حاصل کرد پایان مخاصمه‌ها در **کره** بود. آرتش وخلق کره، در قهرمانانه‌ترین مبارزهٔ خود، شانه بشانهٔ داوطلبان چینی زیاده از یك میلیون تن سرباز **ایالات متحد امریکا** واردوگاه آن را از میانه‌برداشته‌اند. نیروهای دموکراسی وصلح درجهان، بغایت پرتوان می‌شوند. این دونیرو

بسان گذازنده‌ی ایالات متحد امریکا واردوگاه وابسته به‌آن را ناگزیر کرده‌اند که ترك مخاصمه درکره را بپذیرد.

دراکتبر گذشته، **سومین کنگرهٔ جهانی اتحادیه‌های کارگری**، از جانب بیش از ۸۸ میلیون تن کارگر در ۷۹ کشور برپای قطعنامه‌یی صحه گذاشت‌که نوزدهم دسامبر سال جاری بعنوان «**روزهمبستگی باخلق قهرمان ویت‌نام و مبارزه برای متارکهٔ جنگ تجاوزکارانه در ویت‌نام**» شمرده می‌شود. این امرگویای انترناسیونالیزم شورانگیز وبیانگراحساسات مثبت طبقاتی است؛ و افزون برین به‌خلق ما شور و حمیت بیشتری الهام می‌بخشد تا جنگ مقاومت را ادامه دهند و نسبت به‌پیروزی نهایی اعتماد بیشتری داشته باشند.

آنچه گفته آمد مجملی ازاوضاع در اردوگاه ما بود.

در بارهٔ اردوگاه امپریالیستی بسرکردگی ایالات متحد چه‌می‌توان گفت؟

ایالات متحد و شانزده کشور اردوگاه آن (از جمله **بریتانیای‌کبیر وفرانسه**) در کره شکست رسوا کننده‌یی را متحمل شده‌اند. ایالات متحد امریکا ازاواخر سدهٔ نوزدهم بکرات به‌جنگ روی آورده است تا خود را غنی کند وسالار سالاران شود. این اولین‌بار است (اما آخرین‌بار نخواهد بود) که آن کشور مزهٔ شکست عظیم را نوش‌کرده است ونه‌تنها افراد (زیاده از ۳۹۰۵۰۰ تن سرباز امریکایی مردند یا زخمی شدند) وپول (بیش از ۲۰۰۰۰ میلیون دلار) ازدست داد بل در مقابل دیگر کشورها نیز آبرو باخت. موضع ایالات متحد امریکا در **ملل متحد**ضعیفتر می‌شود واردوگاه وابسته به‌آن بیش ازپیش انشقاق می‌یابد واقتصادش به ورطهٔ بحرانی حادتر فرو می‌غلتد.

کشورهای سرمایه‌داری وابسته به‌ایالات متحد امریکا، نظیربریتانیای کبیر وفرانسه بواسطهٔ سیاست مسابقهٔ تسلیحاتی خود وجنبش توده‌یی در داخل وجنبش رهایی ملی در مستعمرات آنان، با مشکلات اقتصادی و سیاسی عظیمتری مواجه می‌شوند.

توطئهٔ کنونی ایالات متحد امریکا این است که آتش جنگ برافروزد به‌این‌امید که سیادت (هژمونی) جهانی بدست آورد.

در آسیا، در کار برگزاری گردهمایی سیاسی اخلال می‌کند، در کره راه جنگ‌افروزی مجددی را جست وجو می‌نماید؛ **ژاپن** را از نو مسلح می‌کند؛ ازپیوستن چین به‌**ملل متحد** جلو می‌گیرد؛ و در **جنگ**

ویت‌نام وکامبوجیا ولائوس فعالانه‌تر مداخله می‌کند.

در اروپا، وحدت **آلمان** را بی‌اثر می‌نماید و بدین قصد آلمان غربی را ازنو مسلح می‌کند که خاك آن کشور را به‌پایگاه اصلی استقرار «**آرتش اروپا**» تبدیل کند.

اردوگاه ما در جبههٔ دموکراسی وصلح برهبری اتحاد شوروی قویتر ومتحدتر می‌شود.

هدف اصلی کنونی ما این‌است که کشاکشهای بین‌المللی را فرو نشانیم؛ ما برآنیم که تمام کشمکشهای بین‌المللی ازطریق مذاکرات باید حل وفصل شود.

وظیفهٔ کنونی مردم جهان این است که دستآوردهای خویش را پایا کنند، هشیار باشند ودربرابر توطئه‌های ایالات متحد موضع بگیرندوجنبش صلح را باستواری پیش‌برند.

وضع جهان برای ما مساعد است. از جنبش جهانی صلح‌هواداری می‌کنیم. اما نباید به‌این خیال باطل بسنده کنیم که صلح بآسانی تحقق پذیراست. صلح راتنها از طریق مبارزهٔ پیگیر می‌توان بدست آورد. از آنجا که استعمارگران فرانسوی و مداخله‌جویان امریکایی بر جنگ تجاوزکارانه خود در میهن ما پای می‌فشرند، ما باید برتمام مشکلات چیره آییم ولزوماً بر نیروهای خود اتکاء کنیم وجنگ مقاومت را باپیگیری پیش بریم تا آنجا که پیروزی کامل عیار حاصل آید.

وضع داخلی

الف. در جناح خصم:

در زمینهٔ نظامی: دشمن تلفات سنگینی متحمل شده است (تانوامبر سال ۱۹۵۳ حدود ۳۲۰۰۰۰ تن). نیروی انسانی اروپایی وافریقایی روی به‌کمبود می‌نهند. در پهنهٔ آوردگاه‌های اصلی، وضع انفعالی خصم بدتر شده است. بتازگی، سعی ورزیده است به‌ناحیهٔ آزاد **منطقهٔ میانی سوم** حمله رخنه‌یی صورت دهد وچند تاخت نیز به‌نواحی ساحلی **منطقهٔ میانی‌چهارم** برده، اما اساساً منفعل بوده است.

بااین‌همه، هم‌اکنون خصم هنوز نیروهای قدرتمندی در اختیاردارد. ما نباید اورا دست‌کم بگیریم.

موقع سیاسی: تضادها میان امریکاییان و فرانسویان، میان فرانسوی‌ها

و دست‌نشاندگان و میان گماشتگان هوادار. فرانسویان و گماشتگان هوا-خواه امریکا بیش ازپیش حادتر می‌شود.

در نواحی که هنوز تحت اشغال موقتی دشمن است، سیاستهای اغفال وبهره‌کشی او با مخالفت قاطع خلق ما روبرو می‌گردد.

در فرانسه جنبش ضد جنگ دامن می‌گسترد.

اقتصاد و بازرگانی. دشمن هزینه‌های گزافتری متحمل شده است (ازسال ۱۹۴۶ تاکنون، بیش از ۳۰۰۰ میلیارد فرانك صرف کرده‌است).

اما هنوز کائوچو وذغال سنگ بدست می‌آورد، مقداری معین برنج صادر می‌کند، مالیات جمع می‌نماید ودرنواحی که هنوز در کنترل موقت اواست مایملك مردم را غارت می‌کند. بعلاوه امریکاییان به او «مساعدت» می‌نمایند.

ازسوی دگر، سخت تقلا می‌کند که تولید وارتباطات ما درنواحی آزاد و پایگاه‌ها و مناطق چریکی را منهدم کند.

در زمینهٔ **فرهنگی واجتماعی.** درنواحی که هنوز در اشغال موقت دشمن قراردارد، تلاش می‌کند که فرهنگ و رذالت تبهگن را نشر و القاء کند و ازبین گذر مردم و علی‌الخصوص جوانان ما را مسموم نماید. برآن سراست که درجهت انشقاق خلق ما، از مذاهب استفاده کند.

دسیسهٔ اصلی اواین است‌که **«ویت نامی را به‌جان ویت نامی‌بیندازد وجنگ را با جنگ تغذیه کند.»**

خصم هم اکنون سرگرم کدام کار است و نیات او برچه‌پایه است؟

امریکاییان درجنگ در ویت‌نام، کامبوجیا و لائوس بیش از پیش مداخله می‌کنند و بافرانسویان و دست‌نشاندگان پول و ساز و برگ بیشتری می‌دهند. اینان خودفروشان ویت‌نامی، کامبوجیایی و لائویی را می‌خرند و سازماندهی نیروهای مسلح آلت دست را شتاب می‌بخشند. فرانسویان را مجبور می‌کنند که به‌دست‌نشاندگان، یعنی بهمان حضرات، امتیاز بدهند. نقشه‌یی دارند که گام به‌گام جای فرانسویان را بگیرند، اما استفاده از اینان را بعنوان وردست برای اجرای سیاست جنگی خود ادامه می‌دهند.

گذشته از بهره‌کشی اقتصادی و چپاول آنان، امپریالیست‌های فرانسوی و امریکایی در زمینهٔ سیاسی سیاستهای خدعه‌آمیزی بکار می‌بندند نظیر:

ــ «استقلال» و «دموکراسی» دروغین اعلام می‌کنند، انتخابات ساختگی برگزار می‌نمایند.

ــ باجرای «اصلاحات ارضی» تظاهر می‌کنند تا ازین راه دهقانان نواحی تحت اشغال موقت خویش را بفریبند.

ــ برای گمراهی کارگران، اتحادیه‌های کارگری «فرمایشی» برپا می‌کنند.

ــ صلحی کاذب را پیشنهاد می‌نمایند تا بدینوسیله حقایق از خلق فرانسه و جهان پنهان بماند و مردم ما را اغفال کنند.

درین داروگیر، **ژنرال ناوار** (Navarre) در جهت حمله بهما، ایجاد اغتشاش در نواحی پشت جبههٔ ما، گسترش دامنهٔ فعالیتهای کماندویی و تشدید فعالیتهای اطلاعاتی، نیروهای سبك خود را باآسیمه سری گرد می‌کند.

باجمال، فرانسویان و امریکاییان برآنند که توطئه خویش را اجرا کنند که همانا گسترش جنگی است که در آن «ویت نامی بهجان ویت نامی بیفتد و جنگ با جنگ تغذیه شود.»

ما نباید ذهن‌گرایی کنیم و خصم را کم بها دهیم. باید همیشه‌گوش بزنگ و آماده باشیم که دسیسه‌های او را بی‌اثر کنیم. اما می‌توان گفت که فعالیتهای او روی بضعف دارد و نه بقوت. دشمن از سیاست مقاومت دراز مدت ما بیم دارد. از جنبش جهانی صلح می‌هراسد.

برای بی‌اثری توطئه‌های خصم باید با جنگ مقاومت خود پیش رویم. برای نیل بهاین هدف باید اصلاحات ارضی را اجرا کنیم.

ب. **در جناح ما.**

در زمینهٔ نظامی .از پائیز ــ بهار سال ۱۹۵۰ تاکنون، ما در هفت عملیات نظامی پیروزیهای عظیمی بدست آورده‌ایم و در جبهه‌های اصلی ابتکار عمل را حفظ کرده‌ایم. بخش عظیمی از ناحیهٔ پهناور **شمال غربی** را آزاد کرده‌ایم. جنبش چریکی در همه‌جا بقوت دامن گرفته است.

گرایشهای نوآموزی ایده‌ئولوژیی و آموزش فنی درآرتش برآیندهای مطلوبی ببار آورده است. آرتش ما از لحاظ شمار و کیفیت بسرعت رشد یافته است.

بسا واحدهای منظم، ناحیه‌یی و چریکی کارهای نظامی قهرمانانه و افتخارانگیزی رقم زده‌اند.

موقع سیاسی. دوره‌های نوآموزی ایده‌ئولوژیی برای کادرهای درونی و برونی حزب نتایج نکویی داشته است (تقریباً ۱۵۸۰۰ تن کادر از سطحهای مرکزی تا روستایی درین دوره‌ها حضور یافته‌اند).

لین ویت (جبههٔ متحد ملی) یك پارچه و گسترده شده است.

اتحاد میان ویت نام، کامبوجیا و لائوس فشرده‌تر گشته است. فعالیتهای دیپلماتیك حکومت و خلق ما فزونی گرفته است و همآوازی و حمایت مردم جهان ،خاصه خلقهای کشورهای دوست و مردم فرانسه را انگیخته است.

اقتصاد و بازرگانی. خلق ما برمشکلات بیشماری غلبه کرده است، در تولید بایکدیگر هم‌چشمی نموده وازلحاظ نیروی انسانی و ثروت در جنگ مقاومت سهم عظیمی داشته است. بازرگانی ما بتدریج ثبات یافته است. با چین، که بحال خلق ما بسا مفید است روابط تجاری برقرار کرده‌ایم.

در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی. شمار بزرگتری از زحمتکشان اکنون بهمطالعه و تحصیل دانش روی می‌آورند. شمار مدارس آموزش عمومی و دانش‌آموزان چندین برابر افزایش یافته است. آموزش کارشناسان بتدریج از نو سازمان و گسترش یافته است.

بر روی هم، موضع خصم با گذشت هر روز بستر می‌شود درحالی که موضع ما استوار تر می‌گردد.

آنچه آمد مجملی است از دستآوردهای عمدهٔ خلق، حکومت و حزب‌ما، اما کار ما کاستیهایی نیز نشان داده است: در مرحلهٔ پیشین سیاست ارضی خویش، در خصوص نیل بهاتحاد بازمینداران بخاطر جنبش مقاومت بسا که اشتغال ذهن داشتیم و چنان که باید بهمسألهٔ دهقانی و ارضی وزن واهمیتی ننهادیم.

بتازگی، حکومت و حزب ما این نقصان را جبران کرده وپیشرفت فراوانی صورت پذیرفته است. با این همه در برخی نقاط سیاست کمیتهٔ مرکزی دقیقاً اجرا نشده است. شماری از کادرها عکس سیاست حکومت و حزب می‌اندیشند و عمل می‌کنند؛ آنان از حس سازماندهی و انضباط تهی هستند. کادرهای دیگر تنها بهنبرد با فئودالیزم وزن می‌نهند و از مبارزه علیه امپریالیزم غافل می‌مانند.

ما باید اینگونه کاستیها را برطرف کنیم و از انحرافات «چپ گرایی» و راست گرایی جلوگیریم.

اصلاحات ارضی

در خصوص این مسأله، تنها میل دارم بر نکاتی به‌شرح زیر تاکید کنم:

اهمیت اصلاحات ارضی:

انقلاب‌ما، انقلاب دموکراتیک توده‌یی ملی است علیه امپریالیزم تجاوز کار و تکیه‌گاه آن فئودالیزم.

شعار ما بهنگام مقاومت چنین است «همه برای جبهه، همه برای پیروزی!» هر اندازه مقاومت گسترش یابد، به‌نیروی انسانی و ثروت بیشتری نیاز می‌افتد. دهقانان ما درین نیروی انسانی و ثروت مقاومت بزرگترین سهم را داشته‌اند. ما باید آنان را از یوغ فئودالی برهانیم و توانایی ایشان را بپرورانیم تا بدینسان این نیروی کلان برای مقاومت وکسب پیروزی یکسره بسیج شود.

کلید ظفرمندی برای مقاومت در یك پارچگی و گستردگی **جبههٔ متحد ملی** و یك‌پارچگی اتحاد کارگر ــ دهقان و حاکمیت خلق وتقویت و گسترش آرتش و در استحکام حزب و تقویت رهبری آن از هر نظر نهفته است. تنها باتکا بسیج توده‌ها برای اصلاحات ارضی است که‌می‌توانیم این وظایف را در اوضاع دلخواه اجرا کنیم.

خصم فعالانه درطلب آن است که ازویت‌نامی علیه ویت‌نامی استفاده کند و جنگ را بـا جنگ تغذیه نماید. اینان در جهت فـریب، انشقاق و بهره‌کشی از خلق ما بغایت تلاش می‌ورزند. اصلاحات ارضی برهم‌میهنان دهقان ما در نواحی پشت جبههٔ خصم تأثیر می‌نهد و آنان را تشویق می‌کند که برای رهایی خویش و حمایت هرچه پرشورتر از حکومت دموکراتیك جنبش بسا بی‌امانتر علیه او مبارزه کنند؛ در عین حال برارکان نیروهای مسلح دست نشانده خلل‌وارد می‌کند و نایگانگی آنان را سبب می‌شود زیرا اکثریت مطلق سربازان آلت دست، دهقانان ساکن نواحی اشغال شدهٔ دشمن هستند.

اکثریت قاطع خلق ما دهقانند.

در چندین سال اخیر در سایهٔ نیروهای آنان بوده است که جنگ مقاومت بتوفیق استمرار یافته‌است. نیز به‌یمن نیروهای دهقانی است که پیروزی کامل حاصل می‌آید و سرزمین مابکامیابی از نو بنا می‌شود.

دهقانان ما بتقریب ۹۵ درصد جمعیت را دربر می‌گیرند اما تنها

۳۵ درصد زمینهای قابل کشت را صاحبند، و ناگزیر سراسر سال بسختی کار می‌کنند و در سرتاسر زندگی خویش با تنگدستی دست‌بگریبانند.

طبقهٔ فئودال صاحب زمین کمتر از ۵ درصد جمعیت را شکل می‌بخشد اما اینان و استعمارگران ۷۵ درصد از زمینهای قابل کشت را غصب کرده‌اند و در آسایش می‌زیند. این وضع کاملا ناعادلانه است. بهمین علت است که میهن ما عرصهٔ تهاجم گشته و خلق‌ما عقب‌مانده و فقیر است. طی سالهای مقاومت، حکومت درباب کاهش اجارهٔ زمین و باز گرداندن اجارهٔ اضافی زمین و توزیع موقت اراضی‌متعلق به‌فرانسویان و خائنان ویت‌نامی وزمینهای عمومی به‌دهقانان در نواحی آزاد دستور صادرکرده‌است. اما مسألهٔ اصلی‌همچنان لاینحل باقی مانده است: توده‌های دهقانی زمینی ندارند یـا فاقد زمینند. این امر بر نیروهای مقاومت و کار تولیدی دهقانان اثر می‌گذارد.

تنها با اجرای اصلاحات ارضی، دادن زمین به‌کشاورزان، رهاندن نیروهای تولید در روستا از یوغ طبقهٔ فئودال زمیندار می‌توانیم تنگدستی و عقب‌ماندگی را از میانه برداریم و برای گسترش تولید و پیشبرد جنگ مقاومت بسرمنزل پیروزی کامل، نیروهای کلان دهقانان را بسیج کنیم.

هدف مورد نظر اصلاحات ارضی این است که نظام فئودالی مالکیت زمین را از میان برداریم، به‌کشاورزان زمین دهیم، نیروهای تولید را آزاد کنیم و جنگ مقاومت را بسوی پیروزی کامل عیار پیش‌بریم.

خط و مشی کلی برین روال است که بردهقانان بی‌زمین و فقیـر اتکا کنیم، با دهقانان میانه‌حال بفشردگی وحدت یابیم، بادهقانان ثروتمند اتحاد کنیم، استثمار فئودالی را گام به‌گام و با قوهٔ تمیز محو نماییم، تولید را گسترش دهیم و جنگ مقاومت را جلو بریم.

در اجابت‌نیازمندیهای مقاومت و **جبههٔ متحد ملی**، که مبتنی است‌بر انجام خواست‌های ارضی دهقانان و یك‌پارچگی و گسترش جبههٔ متحد ملی در راستای جنبش مقاومت و تولید، باید ضمن اصلاحات ارضی، در قبال زمینداران مطابق گرایشهای سیاسی فردی آنان طرز رفتار مختلفی پیش‌گیریم. یعنی در موارد فردی باید به‌ضبط یا مصادره همراه یا بدون غرامت حکم کنیم، اما نه ضبط یا مصادرهٔ کلی بدون پرداخت غرامت.

اصل راهنمای اصلاحات ارضی این است که بی‌پروا دهقانان را

بسیج کنیم. برتوده‌ها اتکا ورزیم، خط توده را بدرستی پی‌گیریم و دهقانان را برای مبارزه موافق با نقشه، گام به‌گام، همراه با انضباط مطلوب و تحت رهبری فشرده سازمان و آموزش داده، رهبری کنیم.

پراکندگی زمینها توسط زمینداران پس از صدور فرمان کاهش اجازه زمین (ژوییه، ۱۹۴۹) غیر قانونی است (الا در موارد خاص که در بخشنامهٔ **دفتر نخست وزیر** به‌تاریخ ۱ ژوئن، ۱۹۵۴ ذکرشد).

اراضی ضبطی یا مصادره‌یی همراه یا بدون غرامت بطور قطع باید به‌دهقانانی که زمینی ندارند یا زمین بقدر کافی در اختیارشان نیست تخصیص یابد. این دسته دهقانان، بر اراضی که بدینگونه توزیع شده حق مالکیت دارند.

اصل راهنمای توزیع زمین ازین قرار است که روستا را بعنوان واحد در نظر گیریم، مقدم بر همه به‌اشخاصی زمین توزیع گردد که‌در آن کشت کرده‌اند، ناحیه، کیفیت و محل زمین را مطمح نظر قرار دهیم تا بدینسان بهرفرد سهم عادلانه‌یی داده شود؛ نسبت به‌دهقانانی که از قبل روی زمینی کشت کرده‌اند که قرار است توزیع گردد توجه خاص باید مبذول شود. در خصوص عناصر سرسختی که به‌ایجاد اخلال درکار اصلاحات ارضی کمر می‌بندند، خائنان، ارتجاعیان و خودکامگان محلی واشخاصی که درمیان اینان به‌پنج‌سال زندان وبیشتر محکوم‌می‌شونددیگر زمینی داده نخواهد شد.

بسیج توده‌یی که در سال جاری صورت گرفت، در تدارك وحرکت اصلاحات ارضی که بنا است سال آینده صورت گیرد تجاربی‌بدست‌می‌دهد. ازین‌که سیاستهای حکومت و حزب بدقت درك‌شده و خط توده‌یی بدرستی دنبال گشته است (بر رغم اشتباهات و انحرافات بعضی کادرها در برخی نواحی)، نتایج رضایت‌بخشی بدست آمده است.

اما فتوریها آنجا رخ داده است که کادرهای شتابکار محلی پیش ازین‌که مقامات مرکزی اتخاذ تصمیم کنند جنبش را به‌شتاب‌واداشته‌اند.

اصلاحات ارضی سیاستی است که باید در سرتاسرکشور پی‌گرفته شود، اما باید درانطباق با اوضاع محل گام به‌گام اجرا گردد.

پس از آن که قانون اصلاحات ارضی بوسیلهٔ **مجمع ملی** تصویب شود، حکومت از سال آینده، برای اجرای اصلاحات ارضی در مناطق آزاد

زمان و مکان تعیین می‌کند.

حکومت بعدها در خصوص مناطق مسکونی اقلیتهای ملی، **منطقهٔ میانی پنجم**، **نام بو** و پایگاههای چریکی تصمیماتی اتخاذ خواهد کرد. در مناطق چریکی و تحت اشغال خصم، اصلاحات ارضی پس از آزادی آنها صورت می‌پذیرد.

در مناطقی که بسیج توده‌یی برای کاهش ریشه‌یی اجارهٔ زمین هنوز آغاز نگشته است، کار کاهش اجاره زمین باید قبل از اجرای اصلاحات ارضی کامل شود. این‌امر بواسطهٔ آن است که دهقانان سازمان یابند، شعور سیاسی آنان اعتلا یابد، برتری سیاسی ایشان در روستاها شکل گیرد و در عین حال‌کادرهاتربیت‌شوندوبا کار تشکیلاتی انطباق یابند و اوضاع سیاسی برای اصلاحات ارضی آماده گردد.

هیچ محلی مجاز نیست که بدون کسب اجازه از حکومت برای اصلاحات ارضی بسیج توده‌یی را آغازکند.

اصلاحات ارضی همانا انقلاب دهقانی و مبارزهٔ طبقاتی در روستا است؛ اصلاحات ارضی مبارزه‌یی فراگیر، دشوار و پیچیده است که به تدارکات دقیق، نقشه‌های طرح شدهٔ روشن، رهبری فشرده، انتخاب درست نقاط، جدول زمانی دقیق و اجرای صحیح کار نیاز دارد. این نکات، شرایط توفیق کار محسوب می‌شوند.

تجاربی که دردیگرکشورها حاصل شده است نشان می‌دهد که اصلاحات ارضی موفقیت‌آمیز، به‌غلبه بر بسا مشکلات و حل بسی مسایل کمك می‌کند.

در **زمینهٔ نظامی**، هم‌میهنان دهقان ما هرچه پرشورتر به‌جنبش مقاومت خواهند پیوست، پس بی‌سببی نیست که این امر بنای آرتش و سربازگیری از نیروی انسانی غیر نظامی داوطلب را سهلتر خواهد کرد. سربازان ما، با آسودگی خاطر درخصوص خانواده‌های خویش هرچه قاطعتر پیکار خواهند کرد.

در زمینهٔ سیاسی، حاکمیت سیاسی و اقتصادی درّ روستا در دست دهقانان قرار خواهد گرفت، دیکتاتوری دموکراتیك توده‌یی بدرستی اجرا خواهد شد، اتحاد کارگر ــ دهقان یك پارچه خواهد گشت، **جبههٔ متحد ملی** زیاده از ۹۵ درصد مردم را دربر خواهد گرفت وبغایت سترگ وستبر خواهد گشت.

در **زمینهٔ اقتصادی**، دهقانان آزاد شده از قید زمینداری فئودالی

با شور و حرارت تولید را ادامه خواهند داد و صرفه‌جویی پیشه خواهند کرد، قدرت خرید آنان افزایش خواهد یافت، صنعت و تجارت گسترش خواهد یافت‌واقتصاد ملی بر روی هم پیشرفت خواهد کرد.

در سایهٔ پیشرفت تولید، معیشت دهقانان، کارگران، سربازان و کادرها بسرعت بیشتری بهبودی خواهد یافت.

در زمینهٔ **فرهنگی و اجتماعی**، اکثریت عظیم مردم، که‌اکنون خوراك و پوشاك بحد کفایت دارند، پیگیرتر مطالعه خواهند کرد، مطابق این ضرب‌المثل: «پیش ازین که بتوان رسالت پسندیده‌یی را پی‌گرفت باید قوت کافی برای خوردن داشت.» رسوم و عادات نکوگسترش خواهد یافت. تجارب حاصله ازنقاطی که بسیج توده‌یی در آنها اجراشده‌است نشان می‌دهد که هم‌میهنان ما نسبت به‌مطالعه کشش فراوانی دارند و برای روشنفکران بمنظور خدمت به‌خلق مجالهای مناسبی وجود دارد.

همانگونه که پیش ازین گفته شد، اصلاحات ارضی مبارزهٔ طبقاتی عظیم، پیچیده ودشوار است. مبارزه‌یی است بسا پیچیده و سخت زیرا ما جنگ مقاومت را پیش می‌بریم. اما این امر دقیقا بدان علت است که ما طالب آنیم که مقاومت را تا پیروزی پی‌گیریم چندان که باید عزم کنیم تا اصلاحات ارضی کامیاب ازکار درآید.

مبارزه از آن جهت پیچیده و دشوار است که ممکن است شماری از کادرها، گیرم عضو حزب باشند یا نباشند، در پندار و کردار خود بهنگام اجرای اصلاحات ارضی اشتباهات و انحرافاتی مرتکب شوند. برای جلوگیری از کاستیها و اشتباهات و راهبرد درست آنها باید سیاستهای حزب و حکومت را باستواری دریابیم، بر توده‌ها بتمامه اتکا کنیم و خط توده را بدرستی دنبال گیریم.

حکومت و حزب، تمام کادرها و اعضای حزب را فرامی‌خواند تا برسیاستهای حکومت و حزب پای فشارند، انضباط را رعایت کنند، جانب دهقانان را یکسر بگیرند و آنان را در مبارزه رهبری کنند. هر آینه منافع خصوصی آنان یا خانواده‌شان با منافع جنبش و توده‌های دهقان تلاقی کرد باید آن یکی را فدای این یکی کنند.

تمام حزب و آرتش و همهٔ مردم را باید بسیج کرد تا ازین راه اجرای اصلاحات ارضی و انجام این وظیفهٔ بزرگ تضمین و تامین گردد.

این مهم برای اعضای حزب و کادرها، حزبهای دموکراتیك و

شخصیتهای میهن‌پرست آزمونی سهمناك است. همه باید ازین آزمون سرفراز درآییم، همانگونه که در آزمون شگرف دیگری سرافرازخواهیم شد: جنگ مقاومت علیه امپریالیزم تجاوزکار.

برین شیوه دو وظیفهٔ اساسی ما، در سال آینده چنین خواهدبود: نبرد با خصم و اجرای اصلاحات ارضی.

با دشمن در تمام جبهه‌ها باید پیکار کنیم، تا جایی که میسر است نیروهای او را هرچه پرشمارتر از عرصه کارزار پاك کنیم و دسیسه‌های تازهٔ نظامیش را درهم فرو پاشیم.

توده‌ها را بایدبسیج کنیم تا اصلاحات ارضی را در مناطقی که حکومت تعیین کرده‌است اجرا کنند.

اجرای اصلاحات ارضی ناظر است بر تأمین پیروزی برای جنگ مقاومت.

نبرد با خصم و امحای نیروهای او مبتنی است بر تأمین موفقیت برای اصلاحات ارضی.

تمام دیگر تعهدات باید روی دو وظیفه اساسی متمرکز شود و خدمت به‌آنها را وجههٔ همت قرار دهد. در سال ۱۹۵۴، باید به‌سه‌وظیفهٔ بزرگ توجه ویژه مبذول کنیم و آنها را با اصلاحا ت‌ارضی درآمیزیم:

تقویت نیروهای مسلح (آرتش منظم، نیروهای ناحیه‌یی، واحدهای رزمندگان و چریك‌ها) درتمام جهات: تشکیلات، تعلیمات، اعتلای شعور سیاسی، سطح فنی و توانایی رزمندگی آنان.

تعلیم کادرها و اعتلای سطح ایدئولوژیی، ارتقاء آنان به‌مقامهای فراخور، تجدید سازمان‌پایگاههای حزب در روستاها.

گسترش تولید کشاورزی؛ برآوردن نیازمندیهای جنبش و تهیهٔ خوراك برای مردم، پیشبرد اقتصاد ملی.

اجرای کامل آن دو وظیفهٔ اساسی و این سه وظیفهٔ بزرگ برای تداوم وظایف دیگر، اوضاع بس دلخواهی بوجود می‌آورد: حفظ و گسترش استوار مبارزه در مناطق پشت جبههٔ خصم، یك‌پارچگی حاکمیت خلق در روستاها، تجدید سازمان خدمات امنیتی، گسترش و یك‌پارچگی **جبههٔ متحد ملی**، گرد کردن مالیات کشاورزی، توسعهٔ اقتصاد وبازرگانی خود، فزونی دامنه تبلیغات و آموزش و ارتقا کار در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی.

قدرت ما در وجود ده‌ها میلیون تن از هم میهنان دهقان‌مان نهفته است که آماده‌اند خود را تحت رهبری حکومت و حزب سازمان دهند و یوغ فئودالی‌و استعماری را گسسته، درهم فرو ریزند. این نیروها با سازماندهی و رهبری متبحرانه آسمان و زمین را بهم خواهند دوخت و تمام استعمارگران و فئودال‌ها را از میانه برخواهند داشت. می‌توان نتیجه گرفت که تحت رهبری استوار و درست حکومت و حزب و با تشریك مساعی صمیمانهٔ مجمع ملی و جبهه، انجام موفقیت آمیزاصلاحات ارضی تا راهی دراز مارا بسوی ظفرمندی جنبش مقاومت و توفیق بنای ملی خواهد برد.

نامهٔ درودآمیز به‌آرتش، کارگران غیرنظامی، داوطلبان جوان و مردم در شمال غربی بمناسبت پیروزی افتخارآفرین دین بین فو

(۸ مه، ۱۹۵۴)

آرتش ما دین بین‌فو* را آزاد کرده است. من و حکومت درود-های صمیمانهٔ خویش را به‌شما، کادرها، جنگاوران، کارگران غیرنظامی، داوطلبان جوان و مردم محل، که بدرخشانی وظایف خود را انجام داده‌اید ابلاغ می‌کنم.

این پیروزی طنین گستری است، اما تنها سرآغاز کار است. نباید خودستایی و ذهن‌گرایی کنیم و بر دشمن قدر و وزنی ننهیم. ما جنگ مقاومت قاطعی را ساز کرده‌ایم تا در سایهٔ آن استقلال، وحدت ملی، دموکراسی و صلح کسب کنیم. خواه مبارزهٔ ما در تراز نظامی یا دیپلماتیك باشد، ناگزیر از آنیم تا هنگامی که پیروزی کامل‌عیار در رسد سخت و دراز پیکار کنیم.

من و حکومت از کادرها، سربازان، کارگران غیرنظامی، داوطلبان جوان و مردم محل که بویژه اقدامات تابناکی از خود نشان داده‌اند قدرشناسی می‌کنیم.

با شادباشهای قلبی. ما پیروز می‌شویم!

---

* Dien Bien Phu

گزارش به‌ششمین پله‌نوم
کمیتهٔ مرکزی حزب کارگران ویت‌نام

(۱۵ ژوییه، ۱۹۵۴)

ششمین پله‌نوم **کمیتهٔ مرکزی** وسعت یافته است تا شماری ازکادرهای بلند پایه را دربر گیرد و برآنست وضع و وظایف تازه را مورد بحث قرار دهد.

از جانب کمیتهٔ مرکزی احترامات قلبی خود را به‌رزمندگان و کادرها در تمام جبهه‌ها و تشویقهایم را به‌هم‌میهنان‌مان در مناطق آزاد و نواحی تازه آزاد شده و نیز هم‌آوازی خود را با اشخاصی که هنوز در مناطق تحت کنترل خصم بسرمی‌برند ابلاغ می‌کنم.

از طرف کمیتهٔ مرکزی از حزبهای برادر و خلقهای کشورهای دوست بپاس این‌که در جنگ مقاومت و مبارزه برای صلح به‌ما کمك کرده‌اند و از هواداران صلح در سرتاسر جهان بواسطهٔ حمایت آنان از آرمان ما سپاسگزارم.

اکنون در خصوص وضع ووظایف تازه گزارش خود را تقدیم می‌کنم.

۱. وضع تازه

۱. وضع جهان

در اثر تکامل همه‌جانبه و استحکام و پیشرفت اتحاد شوروی، چین و **دموکراسی‌های توده‌یی**، جنبش جهانی صلح و دموکراسی تواناتر می‌شود. درسایهٔ دیپلماسی ماهرانه و بخردانهٔ اتحادشوروی، امپریالیست‌ها و سرسلسله آنان امپریالیست‌های امریکایی، مجبور شده‌اند در **کنفرانس‌های برلین** و **ژنو** حضور یابند. تنها برگزاری این دو کنفرانس به‌خـــودی خود پیروزیی برای ما و هزیمتی برای امپریالیست ها بشمار می‌آید.

تضادهایی درونی اردوگاه امپریالیستی بسرکردگی **ایالات متحد**

به‌داومت، ژرفتر و گسترده‌تر می‌گردد. محض نمونه:

تضادهای میان بریتانیا و ایالات متحد: تضاد منافع در **حوزهٔ‌مدیترانه و خاورمیانه و خاور نزدیك.** ایالات متحد، **پاکستان، زلاند نو و استرالیا** را از چنگ انگلیسیان بدرآورده و در جناح خود قرار داده است. در **خاور دور**، سیاست انگلیسیان در قبال چین و ژاپن جهتی عکس سیاست ایالات متحد را در می‌نوردد و جز اینها.

تضادهای میان ایالات متحد و فرانسه: برحسب ظاهر ایالات متحد به‌فرانسه کمك می‌کند، اما این عمل بدین قصد صورت می‌گیرد که بر آن کشور فشار وارد آورد. ایالات متحد منتهای تلاش خود را بعمل آورده است که فرانسه را به‌امضای پیمان **فرانسه ــ آلمان** و سازمانی از آرتش اروپایی ناگزیر کند. اما انجام این امر از جانب فرانسه کم از خودکشی نیست. در **هندوچین**، این دوکشور بظاهر در ستیزه با جنبش مقاومت ما متحدند، لکن بواقع ایالات متحد میل دارد دست نشاندگان را یکسره در دست خود داشته باشد تا ازین گذر فرانسویان را از آن خطه براند و مدتی است **نگو دین دیم** ــ این غلام حلقه بگوش ــ را در رأس حکومت آلت دست قرار داده است.

سیاست امریکا درباب پیمان «**آرتش اروپایی**» در میان و درون کشورهای اروپای باختری بذر نفاق افشانده است. مردم این کشورها با حکومتهای هوادار امریکایی خویش از در مخالفت درمی‌آیند وتضادها میان سرمایه‌داران هواخواه امریکا ودیگران ناگهان چهره می‌کند. در **آسیا**، ایالات متحد برآن سراست‌که سیتو (S.E.H.T.O = سازمان پیمان آسیای جنوب شرقی. م) را برپا کند بااین نیت که آسیایی را به‌جان آسیایی بیندازد. بااین‌همه، این سیاست بغایت ارتجاعی با شکستهای‌مکرری‌روبرو شده است. امریکاییان «سیاست زور» را بکار می‌بندند وبمب‌های اتمی وهیدروژنی خویش را تاب می‌دهند تا دیگر کشورها را بترسانند. اما مخالفت جنبش جهانی صلح با سیاست خشونت وبمب‌های اتمی وهیدروژنی آنان روزبروز استوارتر می‌شود. حتی **پاپ** مجبور شده است با کاربرد اینگونه سلاحها مخالفت ورزد. بدینسان جنبش صلح حمایت اکثریت‌عظیم مردم جهان را انگیخته است، ازبسا اعضای طبقهٔ بورژوازی در کشورهای مختلف تا شخص **پاپ**.

ایالات متحد در مواجهه با **کنفرانس ژنو** و پیروزی ما در **دین‌بین‌ــ فو** دسیسه چید تا «**اعلامیهٔ مشترکی**» همراه با فرانسه، بریتانیا وشماری

دیگر ازکشورها در تهدید چین نشر کند واین‌کشور را به‌مداخلهٔ درجنگ هندوچین متهم نماید. لکن بواسطهٔ مخالفت بریتانیا واکراه دیگرکشورها این حرکت ناکام ماند. پس آنگاه امریکاییان «اقدام مشترك» برای نجات فرانسه در **دین بین فو** را پیشنهاد کردند لکن باز بریتانیا و دیگر کشورها برآن گردن ننهادند واین توطئه نیز نقش برآب شد.امریکاییان از هروسیلهٔیی در جهت اخلال در کارکنفرانس ژنو استفاده کرده‌اند. وزیر امور خارجهٔ ایالات متحد تنها چند روز در کنفرانس حضور یافت وسپس آن را ترك کرد، اما کنفرانس، با این‌همه بکار ادامه داده وبه نتایجی چند انجامیده است.

امریکاییان باوجود تمام شکستهای خویش هنوز سرسختی‌می‌ورزند و کار شکل‌بندی **سیتو** را شتاب بخشیده‌اند. هزیمت‌های این هزیمتیان، توفیقی ازبرای اردوگاه ما است. **امپریالیزم ایالات متحد دشمن اصلی صلح جهانی است**، درنتیجه باید نیروهای خویش را علیه آنان متمرکز کنیم.

۲. وضع داخلی

خلقهای ویت نام، لائوس و کامبوجیا متحدند و مقاومت آنان هرچه بی‌امانتر دامن می‌گیرد. نیروهای چریکی ما درجنوب، مرکز وشمال‌ویت‌نام، نه‌تنها باستواری ایستاده‌اند بل بسا تواناتر گشته‌اند. از **عملیات مرزی تا هوا بینه، تای باك** و دیگر عملیات، نیروهای منظم ما ظفرهای پیاپی رقم زده‌اند. اینگونه ظفرمندیها باضافهٔ پیروزی عمده در **دین بین فو در** اوضاع تغییری مهم ببار آورده است. شکست نقشهٔ ناوار بسقوط کابینهٔ **لانیل ــ بیدول** (Laniel-Bidault) و تحدید **مناطق تحت اشغال** فرانسویان انجامیده است.

ما فیروزیهای خویش را بسیاست درست حزب وحکومت خود و قهرمانی نیروهای مسلح ومردمان وپشتیبانی کشورهای برادر و خلقهای جهان مرهونیم. نیز ظفرمندیهای ما ازآن جنبش جهانی صلح ودموکراسی است.

قطع نظر از پیروزیهای نظامی، در جبههٔ ضد فئودالی نیزتوفیقهایی حاصل‌آمده است. پیروزیهای پیشین در بسیج توده‌ها بمنظور اجرای‌سیاست ارضی ما وتوفیقهای اخیر درمبارزهٔ ما علیه امپریالیزم تأثیر مطلوبی‌داشته است. ظفرمندیهای ما به‌مردمان وخلقهای جهان الهام می‌بخشد وموضع

دیپلماتیکی ما را در ژنو تقویت می‌کند؛ و همین فیروزیها است که دشمن را مجبورکرده است که با ما وارد مذاکره شود. در مقایسه با آنچه بولائر (Bollaert) درسال ۱۹۴۷ پیش‌نهاد، گرایش فرانسه در حال‌حاضر بطور قابل توجهی تغییر یافته است. برین روال، ازهنگام آغاز جنبش، وضع ما بقوت وموقع خصم بضعف گرویده است. اما باید بیاد سپاریم که درین نکته باید به‌مفهوم نسبی ونه‌مطلق آن توجه کرد.باید علیه ذهن‌گرایی موضع بگیریم ودشمن را خوار نشماریم. ظفرمندیهای ما، امپریالیست‌های امریکایی را بیدار کرده است. پس ازعملیات **دین بین فو**، نیات و نقشهٔ مداخله‌جویانهٔ اینان نیز دستخوش تغییراتی شده است وهم‌اینك مبتنی‌است بر درازمدت کردن و بین‌المللی نمودن جنگ هندوچین، ایجاد اخلال در کنفرانس ژنو و طرد فرانسه بهروسیلهٔ ممکن تا ازین راه ویت‌نام، کامبوجیا، لائوس را اشغال کند، خلقهای این کشورها را به‌بند اسارت کشد ودرجهان اضطراب بیشتری پدید آورد.

بنابرین، **امپریالیست‌های ایالات متحد** نه‌تنها دشمن خلقهای جهانند بل به‌خصم اصلی و مستقیم مردمان ویت‌نام، کامبوجیا و لائوس مبدل می‌شوند.

این دگرگونیها در اوضاع جهان وداخل به‌کنفرانس ژنو انجامیده است. این کنفرانس تضادهای میان کشورهای امپریالیستی را بسا حادتر کرده است، فرانسه به‌مذاکره تمایل دارد، انگلیس دل دل می‌کند وایالات متحد به‌ایجاد اخلال در مذاکرات می‌گرود. امریکاییان بیش از پیش منزوی گشته‌اند.

ویت‌نام، چین و اتحاد شوروی تنگاتنگ متحد می‌شوند. ما در اثر تضادهای میان امپریالیست‌ها وبواسطهٔ کوششهای خود ما واردوگاه‌مان حصول چند موافقت نامهٔ بس مهم را میسور کرده‌ایم. حکومت فرانسه هم‌اکنون دردست اشخاصی است که جانب صلح را می‌گیرند، برای‌پایان بخشیدن به‌جنگ هندوچین مجالهای بهتری وجود دارد.

طی تعطیل موقت کنفرانس ژنو، روسای هیأتهای نمایندگی به‌میهن خویش بازگشتند وپیگیری امور را به‌نمایندگان‌خویش‌سپردند. **رفیق‌چوان لای** (Chou En Lai) نخست وزیر **جمهوری خلق چین**، ضمن‌بهره‌جویی ازین مجال از **هند** و **برمه** دیدار کرده است. رفیق چو ونخست وزیران هند وبرمه اعلامیهٔ‌صلح مشترکی انتشار داده‌اند. متن اعلامیه گرچه مختصر است، پنج اصل ذکر شده درآن بسا روشن و بدرسترین‌وجه طرح شده‌است

وخلقهای جهان و علی‌الخصوص آسیا بگرمی بر آن مهر تأیید می‌زنند؛ ودرعین‌حال این پنج اصل توطئه امپریالیست‌های ایالات‌متحد ایجاد اخلال در همبستگی میان ملتهای آسیایی را بی‌اثر می‌کند.

پنج اصل یاد شده عبارتند از:

۱. احترام متقابل بحاکمیت وتمامیت ارضی.
۲. عدم تجاوز.
۳. عدم مداخله درامور داخلی یکدیگر.
۴. برابری ودوستی درمناسبات متقابل.
۵. همزیستی مسالمت‌آمیز.

نیز دیدار من با رفیق چو ثمربخش بوده است. دیدارهای دوستانه میان رفیق چوان‌لای و نمایندگان هند، برمه و ویت‌نام رشته‌های همبستگی میان ملتهای آسیایی را محکمتر کرده است. واین همانا توفیقی است برای اردوگاه ما.

وضع‌کنونی درجهان، درآسیا وداخل چشم‌اندازهای صلح برای میهن ما را محفوظ نگه می‌دارد. بااین‌همه، امپریالیست‌های ایالات متحد به‌ایجاد اخلال میل می‌کنند؛ در فرانسه گروه‌های جنگ‌افروز همچنان عرض‌اندام می‌نمایند؛ نیز دست نشاندگان هوادار امریکا برآنند که برپیکر صلح خلل وارد کنند؛ وبرین سیاق یحتمل جنگ همچنان ادامه می‌یابد.

آنچه گفته آمد خصیصهٔ مشخص وضع تازه در میهن ما است.

۳. وظایف تازه

وضع تازه، وظایف نوین و رهنمودهای جدید و تاکتیک‌های نوینی پیش کشیده است. درراستای نزدیك به نه سال مقاومت، تحت رهبری حزب وحکومت ما، خلق وآرتش ما بردشواریها فایق آمده‌اند، قهرمانانه نبرد کرده‌اند وظفرهای افتخارآفرینی ببار همی‌آورده‌اند. به‌یمن سیاست درست حزب وحکومت، دستآوردهای شایانی حاصل کرده‌ایم.

هم‌اینك اوضاع دگرگون گشته است؛ برهمین سیاق وظایف ما و مالا سیاست وشعارهای ما باید تغییر یابند. تاکنون تلاش ما برین امر متمرکز بوده است که نیروهای امپریالیست‌های تجاوزکار فرانسوی را از عرصهٔ روزگار پاك کنیم. اکنون، اما، فرانسویان باما به‌گفت‌وگوی نشسته‌اند ودرهمین حال امپریالیست‌های امریکایی به‌خصم اصلی ومستقیم ما تبدیل می‌شوند؛ ازین قرار سرنیزهٔ کارزار باید اینان را آماج کند.

تا وقتی صلح حاصل آید وبال گشاید، به‌پیکار با فرانسویان باید ادامه دهیم؛ اما مخافت‌برد حمله ما وخلقهای جهان باید ایالات متحد را نشانه گیرد. سیاست ایالات متحد این است که جنگ هندوچین را بگسترد وبرقامت آن لباس بین‌المللی پوشد. سیاست ما برین پایه است که برای صلح مبارزه کنیم و با سیاست جنگی ایالات متحد بستیزیم. حزب ما، طی همین نه‌سال برنامهٔ خود را روشن کرده است: استقلال کامل عیار برای ویت نام، کامبوجیا ولائوس، که باید از یوغ فرانسویان برهند؛ تن زدن از بازشناسی **اتحادیهٔ فرانسه**، تاراندن تمام سربازان فرانسوی ازهندوچین، نابودی دستگاه آلت دست ونیروهای مسلح آن، مصادرهٔ تمام داراییهای امپریالیست‌ها وخائنان، پیگیری حرکت کاهش اجاره‌های زمین و نرخ بهره بعنوان گامی بسوی اصلاحات ارضی، برقراری دموکراسی برای‌تمام ملت و تداوم جنگ مقاومت خود تا پیروزی نهایی. این برنامه بسی توفیقها بارمغان آورده و برنامه‌یی درست بوده است.

با این‌وصف، در اوضاع جدید نمی‌توان برنامهٔ گذشته را حفظ کرد. شعار پیشین ما «مقاومت تا آخر» بود. اکنون باید شعار نویی را پیش گرفت: «**صلح، وحدت، استقلال، دموکراسی**». درمخالفت‌با سیاست مداخلهٔ مستقیم امپریالیست‌های ایالات متحد در داخل وامتداد و توسعهٔ جنگ در هندوچین پرچم صلح را باستواری برافرازیم. سیاست ما در نتیجه باید تغییر کند: پیشترها دارایی‌های امپریالیست‌های فرانسوی را مصادره می‌کردیم؛ اکنون، بموازاتی که مذاکرات ادامه می‌یابد، می‌توانیم، مطابق اصل برابری ومصالح متقابل، به‌منافع اقتصادی وفرهنگی فرانسه رخصت دهیم که درهندوچین محفوظ باشد. مذاکرات، امتیازات متقابل معقولی را تضمین می‌کند. پیش ازین می‌گفتیم که تمام نیروهای‌تجاوزکار فرانسوی باید تارانده ومحو شوند؛ واکنون، در مذاکراتی که ادامه دارد، از فرانسویان خواسته‌ایم وآنان پذیرفته‌اند که برای عقب‌نشینی نیروهای خویش موعدی تعیین شود. درگذشته، هدف ما این بود که‌دستگاه دست نشانده وآرتش آن را ازمیانهٔ برداریم بدین قصد که تجدید وحدت ملی برقرار شود؛ اکنون مشی مدارا وملایمت پیشه می‌کنیم وتجدیدوحدت کشور را از طریق انتخابات سرتاسری دنبال می‌گیریم.

صلح، خاتمهٔ جنگ را مطالبه می‌کند؛ وبرای پایان بخشیدن‌به‌جنگ باید بر سر آتش بس توافق کرد. آتش‌بس مناطق تازه شکل گرفته‌یی را ایجاب می‌کند، یعنی، سربازان خصم بمنظور واپس‌نشینی تدریجی خویش

باید دریك منطقه ازنوگردآیند و سپاهیان ما در منطقهٔ دیگر. ما باید منطقهٔ پهناوری را حفظ کنیم که درآن برای بنا، یك پارچگی‌وگسترش نیروهای خود بقدرکافی وسیله داشته باشیم چندان که بتوانیم بردیگر مناطق اعمال نفوذ کنیم وبدینوسیله بسوی تجدید وحدت پیش رویم. برپایی مناطق تازه شکل گرفته بدآن معنی نیست کـه کشور را تجزیـه کنیم؛ این امر اقدامی موقتی است که به‌تجدید وحدت می‌انجامد. دراثر تعیین مرز ومبادلهٔ مناطق، برخی نواحی آزاد پیشین بطور موقت باشغال خصم درمی‌آیند؛ ساکنان آنها ناخشنود می‌شوند؛ بعضی اشخاص ممکن‌است طعمهٔ یاس ودلسردی وفریب وخدعهٔ دشمن شوند. این نکته را باید برای هم‌میهنان خویش روشن کنیم که سختیهایی که آنان بخاطر منافع تمام کشور و برای مصالح درازمدت ما تحمل خواهند کرد، سببی برای‌پیروزی خواهد بود وقدرشناسی تمام ملت را نسبت به‌آنان همراه خواهد داشت. ما باید همه را ازرنگ بدبینی ونفی‌گرایی آزاد سازیم وازهمگنان طلب کنیم که به‌مبارزه‌یی بی‌امان در جهت واپس‌نشینی کامل نیروهای فرانسوی وازبرای استقلال ادامه دهند.

برپایی مناطق تازه شکل گرفته بعنوان گامی بسوی صلح،برگزاری انتخابات سرتاسری بمنظور رسیدن به‌تجدید وحدت مـلی، سیاست ما را تشکیل می‌دهد. هدفهای جنگ مقاومت ما، استقلال، وحدت، دموکراسی وصلح است. برقراری صلح ناظر است برپیشبردن آرمان تجدید وحدت، ابتقلال ودموکراسی. وضع تازه، سیاستی نو را ایجاب می‌کند تاپیروزیهای جدید تأمین شود.

در هر بزنگاه، صلح یا جنگ، باید باستواری ابتکار عمل را حفظ کنیم، دوراندیشی نشان دهیم وسربه‌سر آماده وهشیار باشیم.

تأمین صلح وظیفه‌یی سهل نیست؛ مبارزه‌یی درازمدت، صعب‌وپیچیده است؛ همراه با اوضاع ثمرآفرین، در عین‌حال نیز آگنده از دشواریها. درباب اوضاع ثمرآفرین: کشورهای دوست ازما حمایت می‌کنند، برهمین سیاق مردم جهان؛ خلق ما از روحیه واعتماد کامل نسبت به‌حزب‌وحکومت خویش سرشارند وتحت رهبری بخردانهٔ‌آنها بطور قطع متحد می‌شوند ودر صلح بسان جنگ مبارزه می‌کنند. در خصوص دشواریها: **ایالات متحد سخت تلاش می‌ورزد** که در برقراری صلح در هندوچین خلل ایجاد کند وهواداران صلح در فرانسه هنوز بتمام وکمال خود را ازقید نفوذ امریکا نرهانده‌اند.

وضع تازه نه‌تنها دشوار بل‌که پیچیده نیز هست. چند نمونه‌درین زمینه وجود دارد: در خصوص نواحی آزاد ومناطق تازه آزاد شده باید سیاستهای مختلفی بکار بندیم؛ نیز برهمین شیوه در قبال منطقهٔ آزادخود و منطقه‌یی که موقتاً برای گردآمدن نیروهای خصم در نظر گرفته می‌شود؛ درگذشته تنها در روستاها کارکردیم، اکنون باید برای شهرها سیاستی اتخاذ کنیم. سیاست کنونی درقبال فرانسویان باید با سیاست گذشته‌توفیر کند. سیاستها در خصوص خائنان هوادار امریکا و خائنان هواه‌خواه‌فرانسه، یکسان نیست. درگذشته ناگزیر بودیم تنها به‌امور داخلی و روابط بـا کشورهای دوست بپردازیم؛ اکنون روابط خارجی خود را با دیگـر کشورها گسترش داده‌ایم.

ما باید میان منافع فوتی وآتی، میان منافع محلی و مصالـح سرتاسری فرق بگذاریم.

اوضاع دگرگونیهای عظیمی را ایجاد می‌کند؛ افزون‌برین، دشواریها وپیچیدگیها ناگهان‌سربرآورده است؛ در نتیجه، در اذهان مردم وکادرها نیز تغییراتی رخ داده است. دراثر قصور در تدارکات مناسب ورهبری بموقع، اغتشاش یحتمل در پندار وکردار رخنه می‌کند.

خطاهای ایده‌ئولوژیی که برمی‌شمریم ممکن است زمانی پیش آید: **انحراف به‌چپ؛** بعضی اشخاص کدازظفرهای مکرر ما سرمستند، میل‌دارند بهرقیمتی تاپایان کار پیکار کنند؛ اینان تنها درختان را می‌بینند ونه‌تمام جنگلزار را؛ با عطف توجه خاص به‌امر واپس‌نشینی فرانسویان، ازکشف توطئه‌های آنان غافل می‌مانند؛ وتنها فرانسویان را زیرنظر دارند ونـه امریکاییان را؛ طرفدار اقدام نظامیند وبه‌دیپلماسی وقعی نمی‌نهند. آگاه نیستند که ما در کنفرانس‌های بین‌المللی بسان آوردگاهها از برای‌نیل به‌هدفهای خویش مبارزه می‌کنیم. با شعارهای جدید از درمخالفت در می‌آیند وآنها را تجلیات راست روی ونشانه‌یی از بسا امتیازات‌می‌انگارند. شرایط زیادی ازحدی پیش می‌نهند که ازنگاه خصم غیرقابل قبول‌است. طالب نتایج سریعند وآگاه نیستند که مبارزه برای صلح، کش مکشی‌سخت وپیچیده است. انحراف به‌چپ، انزوا وبیگانگی از خلق و مردم جهان وتحمل شکستها را باعث می‌آید. **انحراف به‌راست.** به بدبینی وبی‌عملی و امتیازات غیر اصولی می‌انجامد. سبب می‌شود که اعتماد به‌توانایی وقدرت خلق را ازدست دهی وروحیهٔ رزمندگی آنان را سست کنی؛ قدرت را ببازی و مشقات را تحمل کنی و تنها در طلب زندگی راحت و آرام برآیی.

گرایشات چپ‌گرایی وراست‌گرایی هردو برخطایند. مورد بهره برداری خصم قرار می‌گیرند؛ وبه‌آنان سود وبه‌ما خسران می‌رسانند.

وظایف و کار

وضع تازه، سه مسئوولیت جدید فرا روی ما نهاده است:

۱. تأمین وتحکیم صلح؛ رسیدن به‌وحدت، استقلال ودموکراسی برای سرتاسر میهن.

۲. نیروهای مسلح خلق و بنای آرتش خلق قدرتمندی که بتواند به‌نیازمندیهای وضع تازه پاسخ گوید.

۳. اجرای شعار: زمین ازآن برزگر. تلاش درجهت احیای تولید وآمادگی برای بازسازی ملی.

این سه مسئوولیت ده وظیفه ببار می‌آورد:

۱. ایجاد وحدت نظر درتمام حزب ودرمیان تمام خلق‌درباب وضع تازه ووظایف نو.

۲. تقویت رهبری در مبارزهٔ دیپلماتیک.

۳. تقویت آرتش خلق.

۴. تحویل گرفتن مناطق تازه‌آزاد شده؛ توجه خاص‌نسبت به‌تحویل‌گیری وادارهٔ شهرها.

۵. پیگیری سمتگیری جدید کار در منطقه‌یی کـه موقتاً برای گردآمدن نیروهای خصم در نظر گرفته می‌شود.

۶. حفظ یك پارچگی مناطق آزاد پیشین.

۷. بسیج پیگیر تودهها برای اصلاحات ارضی.

۸. بهبود کار اقتصادی و مالی و تدارك اوضاعی بمنظور بازسازی کشور.

۹. تشریك‌مساعی با نیروهای **پاتت‌لائو و خمر***.

۱۰. ادامهٔ کار تجدید سازماندهی وپالایش ایده‌ئولوژیی حزب در نواحی تازه آزاد شده.

این ده وظیفه در حوزهٔ رهبری **کمیتهٔ مرکزی** است. هرنقطه وشاخه لزوماً نباید تمام ده وظیفهٔ پیش گفته را انجام دهد اما هریك برشماری چند از وظایف همت می‌گمارد.

* **Pathet Lao** و **Khmer** هردونیروهای چریکی ورهایی‌بخش لائوس وکامبوجیا بوده‌اند. م.

ازده وظیفهٔ بالا، رهبری ایده‌ئولوژیی مهمتر ازهمه است. دریافتی روشن از وضع تازه ووظایف جدید، برای اعضا وافراد غیر عضو حزب وحدت نظرپدید می‌آوردکه این‌خود به‌وحدت عمل می‌انجامد. اگرهمهٔ ما، درداخل یا خارج حزب ودرتمام سطوح در نظر وعمل یك دل ویك زبان باشیم، هرقدر که دشواری وپیچیدگی وجود داشته باشد باز وظایف خویش را با موفقیت بانجام خواهیم برد.

هم‌اینك، امپریالیست‌های ایالات متحد دشمن اصلی مردم جهان و خصم اصلی ومستقیم خلق هندوچین شمرده می‌شوند وبنابرین تمام‌اقدامات ما باید علیه آنان آماج شود. هرشخص یا کشوری که هوادار امریکا نیست می‌تواند (ولو بطور موقتی) درجبهه‌یی متحد به‌ما بپیوندد. هدف تغییرناپذیر ما صلح، استقلال، وحدت ودموکراسی است. باید بطورانحراف ناپذیری به‌اصول بچسبیم اما درتاکتیك‌ها انعطاف‌پذیری بخرج دهیم. تمام فعالیتهای ما باید وابسته بهم وبخوبی هماهنگی یافته باشد وهرجز، بخش مکملی ازکل گردد. هروظیفه باید درانطباق با وضع مشخص درهر نقطه ودرلحظهٔ مفروض صورت پذیرد.

در سایهٔ رهبری درست حزب وحکومت ووحدت وتلاش تمام کادرها ومردم‌ما، همآوازی وپشتیبانی خلقهای کشورهای دوست وهواخواهان‌صلح درسرتاسر گیتی سه مسئوولیت وده‌وظیفهٔ پیش‌گفته را یقیناً بتمام وکمال انجام خواهیم داد.

بخش سوم

(۱۹۵۴ـ۱۹۶۹)

فراخوان بمناسبت
هشتمین سالگشت درگرفتن جنبش
مقاومت سرتاسری

(۱۹ دسامبر، ۱۹۵۴)

هم‌میهنان، سربازان و کادرهای داخل و ویت‌نامیان ساکن‌خارج،

پس از نزدیك به نه‌سال مقاومتی بس‌بی‌امان و دلیرانه، پیروزی‌تابناکی نصیب ما شده است: جنگ پایان یافته و صلح حاصل آمده است و کار را بر ما ممکن می‌سازد که میهن خویش را از نو بنا کنیم.

امروز، برای اول‌بار **روز مقاومت** را در ایام صلح جشن‌می‌گیریم. باید، اما، این نکته را دریابیم که مبارزهٔ سیاسی که قرار است در زمان صلح دنبال شود، بسان مبارزهٔ مسلحانه که طی دورهٔ مقاومت درگرفت، کارزاری درازمدت و دشوار و حتی بی‌امانتر و پیچیده‌تر خواهد بود.

ما بدیمن همبستگی، مبارزه، هشیاری و ایمان خویش، در امرمقاومت مظفر شدیم. اکنون باید وحدت ملی گسترده‌یی را تأمین‌کنیم و با مردم کشورهای دوست و هواداران صلح در سرتاسر جهان تنگاتنگ متحد شویم. روحیهٔ رزمندگی خویش را باید بیشتر اعتلا دهیم، برهشیاری خود بیفزائیم و نسبت به‌توانایی سترگ و آیندهٔ افتخارآفرین خلق خویش اعتماد راسختری داشته باشیم. برین شیوه خواهیم‌توانست‌درقبال‌یك‌پارچگی صلح و رسیدن به‌تجدید وحدت ملی و تأمین استقلال و دموکراسی برای سراسر سرزمین خویش وظیفهٔ خود را باموفقیت بانجام بریم.

نطق پایانی در کنگرهٔ جبههٔ متحد ملی [۲۵]

(۱۵ سپتامبر، ۱۹۵۵)

اعضای عزیز هیأت رئیسه،
نمایندگان عزیز،

کنگره پس از روزها کار دشوار و مباحث پرشور برنامهٔ جدید جبهه را باتفاق آرا تصویب کرد. این کاری موفقیت‌آمیز بوده است.

می‌توان گفت که این برنامه‌یی است از برای **وحدت فراگیر** که هدف از آن مبارزه برای صلح، تجدید وحدت، استقلال و دموکراسی برای سرتاسر میهن است.

همه این نکته را باید دریابند که **برنامهٔ جبهه**، استوار، فراگیر و عملی است.

عملی است زیرا با خواستهای عمیق هم‌میهنان ما از **شمال** تا **جنوب** بنحو مطلوب همخوانی دارد. قطع‌نظر از مشتی اشخاص که وجدان‌خویش را به‌امپریالیست‌های ایالات متحد فروخته‌اند، تمام ویت‌نامیان میل‌دارند که میهنشان از نو وحدت یابد و از طریق صلح‌آمیز بدین تجدید وحدت نایل آید. بنابرین، اگر تمام اعضای **جبهه** در جهت تبلیغ و توضیح اهتمام ورزند تا مردم اهمیت **برنامه** را دریابند، اکثریت عظیم آنان بی‌تردید از برنامه استقبال و حمایت خواهند کرد.

برنامه **فراگیر** است زیرا **جبهه** سر آن دارد که در صفوف خود از اشخاصی استقبال کند که ازته‌دل با دسیسهٔ **دیم امریکایی** (اشاره به‌دیکتاتور سرسپردهٔ ویت‌نام است. م) در خصوص تقسیم کشور مخالفت‌می‌ورزند و طرف تجدید وحدت ملی را صمیمانه می‌گیرند. جبهه آماده است که با

۲۵. **کنگرهٔ جبههٔ متحد ملی ویت‌نام:** از ۵ تا ۱۵ سپتامبر سال ۱۹۵۵ درهانوی برگزار شد. کنگره، **جبههٔ سرزمین اجدادی ویت‌نام** را برپا کرد و برنامه‌ها و مقررات آن را ازتصویب گذراند.
تاسیس جبههٔ سرزمین اجدادی، وحدت ملی را فراگیر وتقویت کرده است.

تمام میهن‌پرستان قطع‌نظر از گرایشات سیاسی و مذهبی آنان متحد شود. بنابرین جبهه تمام افرادی را که اکنون صادقانه درطلب‌خدمتگزاری به‌سرزمین اجدادی خویشند دربرمی‌گیرد بی آن‌که برین نکته پای‌فشارد که آنان در گذشته به‌احزاب یا گروههایی تعلق خاطر داشته‌اند.

برنامه **استوار** است زیرا برکارگران و دهقانان، که **اکثریت قاطع** مردم ما را تشکیل می‌دهند اتکا دارد و در عین حال بدون استثناء به‌تمام قشرهای جامعه ما بذل‌توجه می‌کند.

در داخل، جبهه از حمایت اکثریت عظیم مردم ما برخوردار است. در جهان، پشتیبانی تمام هواداران صلح را از آن خود خواهد کرد.

برنامهٔ عملی، فراگیر و استوار جبهه، آینده‌یی تابناك برای آن‌تأمین خواهدنمود.

موقع را مغتنم می‌شمرم تا چند نظر را بیان کنم:

ــ جبهه برنامه‌یی درست تنظیم کرده است. برنامه‌یی که برای مبارزهٔ آینده بس مناسب است. اما این نیز هست که این تازه گام اول در فراخنای راهی است که به‌پیروزی کامل می‌انجامد. ازین پس، باید در اجرای این برنامه سخت مبارزه کنیم. این مبارزه از دشواریها و سختی‌ها آگنده است. سرسختی و اراده باید نشان دهیم. نخستین و مبرم‌ترین مسأله‌یی که باید انجام دهیم این است که کاری کنیم همه از برنامه درك درستی داشته باشند. و از شمال تا جنوب در عمق و در برد عظیم، اقدامات گستردهٔ تبلیغی و تنویری را پی‌گیریم تا ازین گذر همه، روح و محتوی برنامه را بتمام دریابند و از قعر دل از آن حمایت کنند.

ــ شمال، پای‌بست کار و جان‌مایهٔ نیروهای رزمندهٔ خلق ما است. تنها وقتی که پای‌بست مستحکم باشد خانه استوار می‌ماند. وقتی که ریشه و جان‌مایه پرقوت باشد درخت سرفراز قد می‌کشد. در اجرای **برنامهٔ جبهه** باید **بهرطریق** شمال را پای‌برجا نگه‌داریم، آن‌را تقویت‌کنیم و اسباب ترقیش را فراهم سازیم؛ بهیچوجه نباید در امر یك‌پارچگی و استحکام شمال کم‌توجهی شود.

تقویت شمال و ترقی آن همانا خدمت موثر به‌منافع جنوب شمرده می‌شود.

ــ بعضی اشخاص می‌گویند: «جبهه برنامه‌یی مناسب تدارك دیده است. اما اگر دارودستهٔ دیم امریکایی خم برابرو نیاورند چه باید کرد؟».
جواب این است: **سنگ، بسته به‌ذاتش خودبخود تکان نمی‌خورد.**

لکن هرآینه با اشخاص دست بدست هم دهند، گیرم این سنگ هرقدر بزرگ و بهرمیزان سنگین باشد به‌کناری حرکت تواند کرد.

ما متحد و مصمم به‌یك‌پارچگی شمال و اجرای **برنامهٔ جبهه** هستیم؛ نیروی غلیانی بس سترگی را شکل می‌بخشیم و دارودستهٔ دیم‌امریکایی، هرچند خم به‌ابرو نیاورند، به‌کناری گذاشته خواهند شد.

به‌همین علت است که نباید سئوال کنیم: «چه خواهد شد اگر دار و دستهٔ دیم ینگه‌دنیایی تکان نخورند؟» بجای این، هریك از ما باید از خود بپرسد: «کدام تلاش را بعمل آورده‌ام؟ تا چه‌اندازه وظیفه‌ام را انجام داده‌ام؟» اگر همهٔ ما در امر یك‌پارچگی شمال و اجرای **برنامهٔ جبهه** اهتمام کنیم، همراه با حمایت هواداران صلح در جهان خواهیم توانست دار و دستهٔ دیم‌امریکایی را کنار زنیم.

نمایندگان عزیز،

تاریخ در چند سال اخیر نشان داده است که وحدت نیروی خلق ما شکست‌ناپذیر است و **جبههٔ متحد ملی** بسا پیروزیها بدست آورده‌است.

ویت‌مینه ظفری‌مندی **انقلاب اوت** را میسور کرده است.

جبههٔ متحد ویت مینه ــ لین‌ویت به‌پیروزی جنگ مقاومت مدد کرد.

می‌توان یقین داشت که با تلاشهای همهٔ ما و همراه با حمایت تمام مردم، **جبههٔ سرزمین اجدادی** وظیفهٔ شکوهمند خود را در بذل مساعی برای بنای ویت‌نامی صلح‌آمیز، وحدت‌یافته، مستقل، دموکراتیك و کامیاب بتمام و کمال انجام خواهد داد.

لطفاً درودهای حکومت و مــرا بتمــام هم‌میهنان و خاصه بــه هموطنان‌مان در جنوب که هم‌اینك مبارزه‌یی قهرمانانه را پی می‌گیرند، ابلاغ کنید.

به‌ملت

(۶ ژوئیه، ۱۹۵۶)

هم‌میهنان عزیز،

نزدیك به‌یك قرن، خلق ما علیه استعمارگران قهرمانانه مبارزه‌کرد. نتیجهٔ کار، **ظفرمندی انقلاب اوت** و بنیاد **جمهوری دموکراتیك ویت‌نام** بود.

اما استعمارگران غدار در تلاش تسخیر مجدد سرزمین ما جنگ را دامن زدند. پس از گذشت نزدیك به نه سال مبارزهٔ بس‌قهرمانانه و صعب پایمردی تمام مردم ما، جنگ مقاومت ظفرتوز شد. **موافقت‌نامه‌های ژنو** صلح را از نو برقرار کرد و استقلال، حاکمیت، وحدت و تمامیت ارضی ویت‌نام را برسمیت شناخت و تصریح کرد که انتخابات عمومی آزاد در ژوییه سال ۱۹۵۶ بمنظور وحدت مجدد کشور در سرتاسر میهن ما برگزار شود.

حکومت جمهوری دموکراتیك ویت‌نام از برای اجرای دقیــق موافقت‌نامه‌های ژنو بارها به‌مقامات ویت‌نام جنوبی پیشنهاد کرد تا برای سازمان‌دهی انتخابات عمومی آزاد جهت تجدید وحدت کشور کنفرانس مشورتی برگزارکنند.

اما امپریالیست‌های ایالات متحد و مقامات هوادار امریکا در ویت‌ــ نام جنوبی، ضمن دسیسه‌چینی برای تقسیم دایمی سرزمین ما از برگزاری انتخابات عمومی آزاد در موعد تعیین شده در موافقت‌نامه‌های ژنو جلو گرفته‌اند. اینان علیه منافع سرزمین مادری و خواستهای خلق ما عمل می‌کنند.

در مواجهه با این وضع، **وظیفهٔ** مقدس ما این است که برای اجرای موافقت‌نامه‌های ژنو، تجدید وحدت‌میهن‌خویش ازطریق راههای صلح‌آمیز برپایهٔ استقلال و دموکراسی و بمنظور تکمیل وظیفهٔ پرافتخار رهایی ملی

با عزمی جزم به‌مبارزه ادامه دهیم.

مشی کنونی ما این است که تنگاتنگ و بگستردگی، تمام مردم را از شمال تا جنوب درون **جبههٔ سرزمین اجدادی ویت‌نام** متحد کنیم، در یك‌پارچگی شمال اهتمام ورزیم و آن را برای مبارزه جهت تجدیدوحدت ملی به‌پایگاهی استوار تبدیل کنیم.

همهٔ ویت‌نامیان صدیق تنها می‌توانند برین هدف شریف صحه‌گذارند و از آن حمایت نمایند. بدین سبب است که ما بروحدت فراگیر تمام ویت‌نامیان در داخل و خارج که به‌سرزمین مادری خویش عشق‌می‌ورزند و جانب صلح و وحدت را می‌گیرند همت می‌گماریم. براساس قدرت این وحدت، به‌تلاشهای مستمر خویش ادامه خواهیم داد تا شمال و جنوب را به‌یکدیگر نزدیکتر سازیم و در جهت یك‌پارچگی صلح، رسیدن به‌وحدت مجدد با اراده‌یی راسخ مبارزه خواهیم کرد و استقلال و دموکراسی را برای سراسر کشور تأمین خواهیم نمود.

مبارزهٔ سیاسی کنونی ما دراز، سخت و پیچیده است، اما بتأکید مسلم مظفر خواهد شد. ظفرمندی امری مسلم است زیرا ما در آرمان خود برحقیم، خلق ما بفشردگی وحدت یافته، یك دل و یك زبان می‌شود، هم‌میهنان ما در شمال و جنوب، قهرمانانه مبارزه می‌کنند، خلق‌های جهان از ما حمایت می‌نمایند و جنبش جهانی صلح هرروز قویتر می‌گردد در حالی که دسیسه‌های جنگ‌طلبانهٔ امپریالیست‌ها با گذشت هر روز از شکستهای وخیمتری لطمه دیده است.

حکومت جمهوری دموکراتیك ویت‌نام‌دراجابت خواستهای شورانگیز خلق که همانا یك‌پارچگی صلح و رسیدن به‌تجدید وحدت ملی برپایهٔ موافقت‌نامه‌های ژنو می‌باشد، اقدامات عملی زیر را پیشنهاد می‌کند:

۱. **ابقای روابط عادی** و آمد و رفت آزاد میان دو منطقه؛ و ایجاد اوضاع لازم برای تماسهایی میان سازمانهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شمال و جنوب.

۲. **برگزاری کنفرانسی مشورتی** میان نمایندگان هردو منطقه به منظور گفت‌وگو در خصوص مسألهٔ انتخابات عمومی آزاد جهت تجدید وحدت کشور برپایهٔ موافقت‌نامه‌های ژنو.

هم‌میهنان عزیز در داخل و خارج ازکشور،

ویت نام از نو بطور قطع وحدت خواهد یافت. خلق ما درجنوب و

شمال بی‌کمترین تردید بـاز به‌یکدیگر خواهند پیوست. بگـذار براساس **برنامهٔ جبههٔ سرزمین اجدادی ویت‌نام** همه تنگاتنگ و بطور فراگیر متحد شوند و با تمام وجود در جنبش هم‌چشمی میهن‌پرستانه شرکت جویند و برای استحکام موقع شمال کمر راست کنند و با عزم و پشتکار برای ویت نامی صلح‌آمیز، وحدت‌یافته، مستقل، دموکراتیك و کامکار به‌مبارزه قامت برافرازند.

تجدید وحدت رادرهایی خلق ما است. وحدت فراگیر نیروی شکست ناپذیری شمرده می‌شود. به‌یمن وحدت فراگیر، انقلاب ما مظفر شده و مقاومت ما سرافراز گشته است. با وحدت فراگیر مبارزهٔ سیاسی ما بدون شك ظفرتوز خواهد شد و میهن عزیزمان از نو بطور قطع وحـدت خواهد یافت.

در اخلاق انقلابی

(۱۹۵۸)

آدمی از سرآغاز بود خود، ناگزیر گشته است کـه با طبیعت ــ حیوانات وحشی، آب و هوا و جز اینها ــ **مبارزه** کند تا ازین راه زنده بماند. هر فرد برای پیروزی درین مبارزه باید بر نیروی شماری بزرگ از مردم، بر نیروی جمعی و **جامعه** اتکا کند. فرد بتنهایی نمی‌تواند بر طبیعت و معیشت چیره آید.

نیز برای بقا باید **تولید** کند تا بتواند خوراك و پوشاك بچنگ آورد. تولید نیز باید بر نیروی جمعی و جامعه اتکا ورزد. فرد بتنهایی نمی‌تواند تولید کند.

با توجه باین که دوران ما متمدن و انقلابی است، پس فرد باید هرچه بیشتر و در تمام شئونات بر نیروی جمعی و جامعه متکی باشد. آدمی نمی‌تواند درکناری بایستد بل‌که باید بنیروی جمعی و جامعه ملحق شود.

بنابرین، **فردگرایی** (ایندی‌ویدوآلیزم) نقطهٔ مقابل **جمع‌گرایی** (کولکتیویزم) است؛ جمع‌گرایی و سوسیالیزم بطور قطع پای می‌گیرد و رواج می‌یابد در حالی که فردگرایی بدون شك از میانه برمی‌خیزد.

وجه و نیروهای تولید بی‌وقفه تکامل می‌یابند و تغییر می‌کنند؛ و برهمین سیاق تفکر آدمی و نظامهای اجتماعی و الخ. همهٔ ما آگاهیم که از دیرباز تاکنون، وجه تولید از بهره‌جویی از شاخه‌ساران درخت و تبرهـای سنگی بماشینهـا و برق و انرژی هسته‌یی تکامل‌یافته است. نظامهای اجتماعی نیز از کمونیزم آغازین بنظام برده‌داری و زمینداری (فئودالیزم) و سرمایه‌داری (کاپیتالیزم) پیشرفت کرده است و امروز نزدیك به‌نیمی از بشریت بسوی جامعه‌گرایی (سوسیالیزم) و مردم‌گرایی (کمونیزم) ترقی می‌کنند.

هیچکس نمی‌تواند این تکامل و ترقی را متوقف کند.

با پیدایی مالکیت خصوصی جامعه بدو طبقه تقسیم شده‌است ــ طبقات استثمارکننده و استثمار شونده ــ ، بدینسان **تضادهای اجتماعی** و **مبارزهٔ طبقاتی** نیز پدیدار گشته است. هر فرد الزاماً باین یا آن طبقه وابسته هست و هیچکس نمی‌تواند خارج از طبقات قرار گیرد. در عین حال، هرفرد بازنمون **آرمان** (ایده‌ئولوژی) خاص طبقهٔ خود است.

در جامعهٔ کهن، زمینداران فئودال، سرمایه‌داران و امپریالیست‌هـا بردیگر قشرهای اجتماعی، خاصه بر کارگران و دهقانان بیرحمانه ستم روا می‌داشتند و از آنان بهره می‌کشیدند. اینان مالکیت عمومی را کـه بوسیلهٔ جامعه تولید می‌شد چپاول می‌کردند و آن را بمالکیت خصوصی خویش منضم می‌نمودند و درآسایش و رفاه می‌زیستند. اما درباب «فضیلت»، «آزادی»، «دموکراسی»... مدام‌یافه می‌بافتند و غلنبه می‌پرداختند.

کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان، که بار این همه‌ستمگری و استثمار را برای همیشه تاب نمی‌توانستند آورد، بپا خاستند و **انقلاب کردند** تا برین شیوه خویشتن را رها سازند و جامعهٔ تبه‌کار دیرین را به جامعهٔ نیك‌آیین نوین دگـرسان کنند، بآنگونه جامعه‌یی کـه تمام زحمتکشان بکامیابی بزیند و در گسترهٔ آن بهره‌کشی فرد از فرد ازمیانه برخیزد.

از برای این که انقلاب مظفر شود، **طبقهٔ کارگر** ــ این پیشروترین، آگاهترین، مصمم‌ترین، منضبط‌ترین و سازمان‌یافته‌ترین طبقه ــ می‌بایست با حزب پرولتری بعنوان ستاد آن انقلاب را **رهبری می‌کرد**. این امـر بوسیلهٔ انقلاب در **اتحاد شوروی** و دیگر کشورهای سوسیالیستی محققاً ببار آمده است.

انقلاب کردن و دگرگون ساختن جامعهٔ کهن بجامعه‌یی نو امری بس افتخارآفرین و در عین‌حال نیز وظیفه‌یی بینهایت سنگین و مبارزه‌یی بس پیچیده، درازمدت و دشوار است. تنها رهروبـی توانا می‌تواند راهی دراز را با باری گران بردوش در نوردد. یك انقلابی باید پای‌بستی محکم از **اخلاق انقلابی** داشته باشد تا بتواند وظیفهٔ پرافتخار خود را بتمام انجام دهد.

همهٔ ما که زاده و پروردهٔ جامعهٔ کهن بوده‌ایم، در تفکر و عادات خویش بیش و کم اثرات آن جامعه را **با خود حمل می‌کنیم**. بدترین و مخاطره‌آمیزترین نشانهٔ جامعهٔ دیرین **فردگرایی** است. فردگرایی نقطهٔ مقابل اخلاق انقلابی است. خردترین اثر باقی‌ماندهٔ فردگرایی در اولین

فرصت رشد می‌کند، فضایل انقلابی را بی‌اثر می‌نماید و مانع از آن‌می‌شود که ما با دل و جان برای آرمان انقلابی مبارزه کنیم.

فردگرایی چیزی است سخت خدعه‌آمیز و غدار؛ بچالاکی فرد را بدورطهٔ تباهی می‌کشد. و همه می‌دانند که غلتیدن بسراشیب تباهی سهلتر است از بالندگی و ترقی. بی‌سبب نیست که فردگرایی سخت مخاطره‌آمیز است.

برای زدودن اثرات ناخوشایند جامعهٔ کهن و پروردن فضایل‌انقلابی، باید بمداومت مطالعه کرد و خود را تربیت و اصلاح نمود تا برین پایه پیوسته ترقی کرد. در غیراین‌صورت واگشت می‌زنیم و پس‌می‌افتیم و عاقبت جامعهٔ روبه‌پیشرفت پذیرای‌مان نمی‌شود.

مطلب این نیست که تنها با مدرسه‌رفتن و حضور در دوره‌های تعلیمی می‌توان‌مطالعه کرد و خویشتن را تربیت و اصلاح نمود. در هر فعالیت انقلابی می‌توان و باید چنین کرد. فعالیتهای انقلابی زیرزمینی، قیام عمومی، جنگ مقاومت، بنای کنونی سوسیالیزم در شمال و مبارزه برای تجدید وحدت ملی، آری این همه مدارس عالی است که می‌توان در آن فضایل انقلابی کسب کرد.

اشخاص آراسته به خصایل انقلابی نه از دشواریها و مشقات بیمی بدل راه می‌دهند و نه از ناکامیها هراسی دارند؛ نه مردد می‌شوند و نه گامی پس می‌گذارند. انقلابیون راستین برای مصالح **حزب** و انقلاب و طبقه و خلق و نوع بشر در ایثار منافع خاص خویش هیچگاه تردید نمی‌کنند واگر حتی لازم شود جان خود را فدا می‌کنند. این است بیانی بس‌روشن و دربرگیرنده از اخلاق انقلابی.

در حزب ما رفقا **تران فیو**، **نگو جیا تو**، **لی هونگ فونگ**، **نگویین وان کو**، **هوانگ وان تیو**، **نگویین تی مینه خای** و سا اشخاص‌دیگر هستی خویش را بپای حزب و خلق نثارکردند وبدینسان از دلبستگی کامل‌عیار نسبت به‌منافع عمومی و از خودگذشتگی تام و تمام، سرمشق‌های تابناکی برجای نهادند.

اشخاص آراسته به‌فضایل انقلابی ساده و فروتن باقی می‌مانند و آماده‌اند با سختیهای بیشتری روبرو شوند، حتی بوقتی که با اوضاع دلخواه و کسب پیروزیها مواجه می‌گردند. «پیش از دیگران در غم کارند و بعد از آن در اندیشهٔ تمتع.» درین فکر باید بود که وظایف خود را چگونه بنحو احسن انجام داد، نه این‌که چسان بزرگترین پاداش

را ازآن خود کرد. از لافزنی در خصوص فراهم‌آورده‌های گذشته و ادعای امتیازات خاص یا تن‌سپاری به‌دیوان‌سالاری‌گرایی (بوروکراتیزم) و تکبر و تباهی باید برحذر بود. این نیز بیانی است از اخلاق انقلابی.

باجمال اخلاق انقلابی نکاتی بشرح زیر را دربر می‌گیرد:

اختصاص زندگی خود به‌امر مبارزه برای حزب و انقلاب. این لازمترین نکته است.

سخت‌کوشی برای حزب، رعایت انضباط حزبی و اجرای خط و مشی‌های حزب.

مقدم شمردن منافع حزب و زحمتکشان برمنافع فردی خود. خدمت به‌خلق از جان و دل. مبارزهٔ فارغ از خود برای حزب و مردم و نمونه بودن در هرمورد.

کوشش در مطالعهٔ مارکسیزم ــ لنینیزم و بهره‌گیری مستمر از انتقاد از خود و انتقاد بمنظور اعتلای سطح ایده‌ئولوژیی و بهبود کار خود و ترقی کردن همراه با رفقای خویش.

هر فرد انقلابی باید بژرفی دریابد که حزب ما پیشروترین ومنسجم ترین تشکیلات طبقهٔ کارگر و رهبر این طبقه و بطور کلی رهبرزحمتکشان شمرده می‌شود. هم اینك طبقهٔ کارگر ما، هرچند هنوز اندك شمار است، باگذشت هر روز گسترش می‌یابد، درآینده، تعاونیها (کوپراتیوها)ی کشاورزی در تمام نقاط سازمان خواهد یافت، در روستاها از ماشین‌ها بطور وسیع استفاده خواهد شد و دهقانان، کارگر خواهند گشت. روشنفکران با کار یدی بنحو احسن آشنایی خواهند یافت و اختلاف میان کارگران فکری و یدی بتدریج از میانه برخواهد خاست. صنایع میهن ما روز بروز پیشرفت خواهد کرد. برین سیاق، شمار کارگران بیش از پیش افزایش خواهد یافت، قدرت آنان فزونی خواهد گرفت و در آینده طبقهٔ کارگر بزرگ و افتخار آور می‌شود. این طبقه، جهان و نیز خود را اصلاح می‌کند.

فرد انقلابی این نکته را باید بروشنی دریابد و بر **پایگاه** طبقهٔ کارگر باستواری اتکا ورزد تابرین مبنا بتواند برای سوسیالیزم و کمونیزم، طبقهٔ کارگر و تمام زحمتکشان از قعر وجود مبارزه کند.

اخلاق انقلابی ناظر است بر وفاداری مطلق به‌حزب و مردم.

حزب ما هیچگونه منافع دیگری مگر منافع طبقهٔ کارگروزحمتکشان را تعقیب نمی‌کند. بنابرین، هدف بلافصل حزب، مبارزه برای بنای‌تدریجی سوسیالیزم در شمال و تجدید وحدت کشور است.

مردم ما تحت رهبری حزب قهرمانانه پیکار کرده‌اند و سلطه و سیطرهٔ استعماری و فئودالی را برانداخته، شمال میهن ما را سر به‌سر آزاد کرده‌اند. این موفقیتی عظیم بود. اما انقلاب هنوز یکسر مظفر نگشته است و هدف کنونی حزب همانا مبارزه برای تجدید وحدت ملی است تا ازین گذر وبت‌نامی صلح‌آمیز، یك‌پارچه، مستقل، دموکراتیك و کامکار بنا کند و استثمار فرد از فرد را در سرتاسر کشور براندازد و جامعه‌یی نو آگنده از سعادت و وفور برای همگان بنا کند.

با این حال، صنایع ما هنوز عقب‌مانده است. در سایهٔ کومکهای بیدریغ کشورهای برادر، پیش از همه **اتحاد شوروی** و **چین**، صنایع گسترش می‌یابد. کارگران ما، در تلاش خویش برای موفقیت همگان باید با یکدیگر هم‌چشمی کنند و بکوشند بیش از گذشته و سریعتر و بهتر و از حیث اقتصادی با صرفه‌تر تولید کنند، انضباط‌کاری را مرعی دارند و در مدیریت اقدامهای مهم خویش **فعالانه** شرکت جویند: در برابراسراف و حیف و میل باید ایستادگی کرد و کادرهای ما باید براستی ساعی، صرفه‌جو، صادق و راست‌کردار باشند و در امر کار به‌کارگران بپیوندند.

زمین به‌دهقانان ما داده شده و زندگی آنان تا اندازه‌یی بهتر گشته است. اما وجه تولید هنوز پراگنده و پس‌افتاده است؛ بهمین‌علت محصولات هنوز افزایش چندانی نیافته و اوضاع زندگی بهبودی اندکی یافته است. جنبش برپایی تیم‌های مبادلهٔ کار و تعاونیها در روستاهای ما باید بگستردگی و استواری به‌پیش سوق داده شوند تا برین پایه در تولید افـزایش‌ثابتی پدید آید؛ تنها درین صورت است که دهقانان ما می‌توانند از تنگدستی برهند و مشاهده کنند که اوضاع زندگیشان بهبودی یافته است.

پس، **اخلاقی انقلابی، تلاش برای رسیدن به‌هدف حزب** و خدمتگزاری صادقانه به‌طبقهٔ کارگر و زحمتکشان را مشتمل می‌گردد و هماره بـر بی‌تزلزلی اتکا دارد.

بیشترین اعضای حزب و **اتحادیهٔ جوانان کارگر** و اکثر کادرها ازین خط متابعت کرده‌اند، اما بعضی از آنان چنین نکرده‌اند. اینان

بخطا چنین می‌انگارند که حال که استعمارگران و فئودالها در شمال کارشان یکسره شده، انقلاب قرین توفیق گشته است. از همین روی است که رخصت می‌دهند فردگرایی در وجودشان جولان دهد، در طلب تمتع و استراحت برمی‌آیند و میل دارند بجای این که وظایف محوله ازطرف تشکیلات خویش را انجام دهند، سرخود کارها را رفع و رجوع کنند. مناصب عالی طلب می‌کنند لکن از مسئولیتها طفره می‌روند. رزمندگی و کار ــ مایه (انرژی) آنان اندك اندك نقصان می‌گیرد و برهمین روال شجاعت انقلابی و فضایل اصیل ایشان. از یاد می‌برند که ملاك عمدهٔ یك انقلابی **عزم قاطع او است در مبارزهٔ سراسر عمر برای حزب و انقلاب.**

بدین نکته باید التفات کرد که موفقیتهایی که تاکنون کسب کرده‌ایم تنها گامهای نخستین است در جاده‌یی هزار فرسنگی. فراتر باید پیش رفت، انقلاب باید بالندگی بیشتری یابد. گرنه، واگشت خواهیم زد و همین پیروزیهایی که بدست آورده‌ایم یك‌پارچه و گسترش‌یابنده نتواند شد.

برای پیشروی بسوی سوسیالیزم باید مبارزه‌یی درازمدت و دشوار را پی‌گیریم. افراد انقلابی باید داشت چرا که **دشمنان** هنوز در تقلایند و با انقلاب سر ستیز دارند.

سه قماش دشمن وجود دارد:

سرمایه‌داری و امپریالیزم دشمنان بس خطرناکیند.

نیز عادات و سنتهای واپس‌مانده خصمان کبیری شمرده می‌شوند: اینگونه عادات و سنن از ترقی انقلاب موذیانه جلو می‌گیرند. با این‌حال، می‌توان آنها را سرکوبید، لکن باید برآن بود که سنتها و عادات را باحتیاط وبمداومت و در دوره‌یی دراز اصلاح کرد و از بار گرانجانی آنها کاست.

خصم سوم، **فردگرایی** و ذهنیت خرده بورژوایی است که در هریك از ما دزدکی کمین کرده و در انتظار مجالی نشسته است ــ گیرم مجالی از برای ناکامی یاکامیابی ــ تا سرکی کشد. فردگرایی متحد دو مقولهٔ پیش گفته است.

بدینسان **اخلاق انقلابی**، در هر وضعی، مبتنی است بر مبارزهٔ قاطعانه علیه تمام دشمنان، حفظ هشیاری خود، آمادگی برای نبرد و اجتناب از تسلیم و کرنش. تنها باتکای تحقق این اصول می‌توان خصم را منهزم کرد و وظایف انقلابی خود را بتمام عملی ساخت.

حزب ما بواسطهٔ خط مشی درست و رهبری یك‌پارچهٔ خود می‌تواند طبقه‌کارگر و تمام خلق را بسوی سوسیالیزم رهبری کند. این رهبری یك پارچه از وحدت نظر و عمل تمام اعضای حزب برمی‌جوشد.

مابدون این وحدت، به«ارکستری می‌مانیم که در آن دنبکها رنگی برای خود می‌زنند و کرناها نغمه‌یی دگر ساز می‌کنند.» برین سیاق‌ناممکن است که بتوانیم توده‌ها را رهبری و انقلاب را سازکنیم.

گفتار و کردار اعضای حزب تأثیری عظیم بر انقلاب دارد زیرا آنها بر توده‌ها نفوذ گسترده‌یی برجای می‌نهند. محض نمونه: خط‌مشی کنونی حزب و حکومت ما درین نکته‌است که **تیم‌های‌مبادلهٔ کار و تعاونیها** را بطور فراگیر و فشرده سازمان دهد تا ازین‌گذر تشریك‌مساعی کشاورزی صورت‌پذیرد. اما شماری از اعضای حزب و **اتحادیهٔ جوانان کارگر** به‌آن نپیوسته‌اند، یا اگر پیوسته باشند در بنا و استحکام آن فعالانه شرکت نمی‌کنند. این امر همان **فردگرایی** است که موجب شده است که دسته‌یی از رفقا هرکاری که دلشان بخواهد انجام دهند و راهی سوای راه تشکیلات و انضباط حزبی را پیش گیرند. اعمال آنان، گیرم بعمد یا بسهو به‌حیثیت و اعتبار حزب لطمه می‌زند و ازکار آن جلوگیری می‌کند و پیشروی را مانع می‌شود.

تمام خط مشی‌ها و قطعنامه‌های حزب خدمت به‌منافع خلق راوجههٔ نظر دارد. بنابرین، برای یك عضو حزب اخلاق انقلابی مبتنی است بر **اجرای قاطع آنها**، گیریم هرقدر دشوار، و سرمشق بودن برای توده‌ها. هر عضو حزب باید در قبال خلق و حزب حس مسؤولیت خود را اعتلا بخشد. علیه فردگرایی باید موضع بگیرد و در برابر آن باید قاطعانه بستیزد.

حزب ما **منافع مشترك** طبقهٔ کارگر و تمام زحمتکشان را باز می‌نمایاند، نه منافع خصوصی گروهی یا فردی را. این نکته را همه می‌دانند.

طبقهٔ کارگر نه‌تنها برای آزادی خود بل‌که برای رهایی نوع بشر نیز از ستمگری و بهره‌کشی مبارزه می‌کند. بنابرین، منافع‌کارگران و مردم یکی است.

عضو حزب، بنام حزب نمایندگی منافع طبقهٔ کارگر و زحمتکشان را برعهده دارد. از همین روی منافع شخص او در درون منافع حزب

و طبقه، و نه بیرون از آن قرار دارد. توفیق و پیروزی حزب و طبقه همانا توفیق و پیروزی مبارزان است. هیچ فردی جدا از حزب و طبقه، هرقدر که با استعداد باشد، بهیچ چیز دست نخواهد یافت.

اخلاق انقلابی، برای یك عضو حزب ناظر است برین که **منافع حزب را**، در هر مقتضیاتی، **بالاتر از هرچیز دیگر قرار دهد.** اگر منافع حزبی با منافع فردی در تضاد باشد، این یکی باید راه را مطلقاً برای آن یکی باز کند.

بعضی از اعضای حزب از آن جهت که اخلاق خویش را از لون فردگرایی نپالوده‌اند همچنان از «خدمات خویش به‌حزب» لاف‌می‌زنند و مدعیند که حزب از آنان «قدردانی» کند. میل دارند از عنایت، عزت، رتبه و مزیت بهره‌مند شوند. هرآینه خواستهای آنان اجابت‌نشود در برابر حزب متغیر می‌شوند، شکوه سرمی‌دهند که «آینده‌یی» ندارند و «قربانی» شده‌اند. اندك اندك از حزب کنار می‌کشند؛ و بدتر این که در سیاستها و انضباط حزبی اخلال می‌کنند.

بسا کادرها و جنگاوران در دورهٔ مبارزهٔ زیرزمینی و جنگ‌مقاومت قهرمانانه جان خویش را باختند، بسی قهرمانان کار و نخبه‌کارگران‌برای افزایش تولید نهایت کوشش خویش‌رامبذول داشته‌اند. این دسته رفقا هیچگاه رتبه و عزتی را جویا نشده‌اند و هرگز سپاس حزب را مطالبه نکرده‌اند.

حزب ما خصلتی توده‌یی و صدها هزار تن عضو دارد. خیل اعضای حزب، بواسطهٔ موقع میهن ما از خرده بورژوازی سربرمی‌آورد. جای هیچگونه تعجبی نیست. پایگاه بعض اعضای حزب در آغاز کار، تحت نفوذ ایده‌ئولوژی بورژوازی یحتمل پایا نیست، ممکن است بینش آنان آشفته و تفکرشان کاملا درست نباشد، اما نظر به‌این واقعیت که درکورهٔ انقلاب و جنگ مقاومت آبدیده شده‌اند با توجه بهمهٔ جهات مبارزان شایسته‌یی هستند و نسبت به‌حزب و انقلاب صادق و وفادارند.

رفقایی هستند که می‌دانند این دسته از اعضای حزب که مرتکب اشتباه می‌شوند توده‌ها را به‌کژراه خواهند کشاند؛ از همین روی‌حاضرند هرگونه اشتباهی را که ممکن است آنان باعث آیند برطرف کنند و این کار را بموقع انجام می‌دهند و رخصت نمی‌دهند که خطاهای‌خرد بصورت خطاهای کلان تلنبار شود. انتقاد و انتقاد از خود را صمیمانه بکار می‌بندند و این امر را برای آنان ممکن می‌سازند که همه با هم ترقی

کنند.

این نکته با اخلاق انقلابی وفاق دارد. **حزب ما، در سالهای دراز** فعالیت زیرزمینی خود، گرچه بدست استعمارگران بسختی سرکوب شد و با مشکلات و خطرات بیشماری روبرو گردید، با گذشت هـر روز پیشرفت و رشد کرد و آنگاه انقلاب و جنگ مقاومت را به‌پیروزی رساند. این امر مرهون کاربرد موثر حزب ازین سلاح کاری است: **انتقاد و انتقاد از خود.**

با این همه، هنوز بعضی از اعضای حزب هستند که نمی‌توانند از قید فردگرایی گریبان رها کنند، پس متکبر و خودبین می‌شوند و از لیاقتهای خویش فخر می‌فروشند. در حالی که از دیگران خرده‌می‌گیرند، میل ندارند در مظان خرده‌گیری قرار گیرند؛ از انتقاد از خود تن می‌زنند یا بدون صمیمیت و جدیت بکارش می‌بندند. بیم دارند که یحتمل آبرو و اعتبار ببازند به‌عقیدهٔ توده‌ها بذل‌توجه نمی‌کنند و برای کادرهای غیرحزبی قـدر و قیمت قایل نمی‌شوند. درنمی‌یابند عدم ارتکاب اشتباه در کار خویش امری دشوار نیست. ما نه از خطاهای احتمالی بل‌که از قصور در رفع قاطعانهٔ آنها بیم داریم. برای جبران اشتباه‌ها باید به‌انتقاد توده‌ها گوش فرا داد و از خود انتقاد کرد. گرنه عقب‌خواهیم ماند و افت خواهیم کرد و لاجرم توده‌ها کنارمان خواهند گذاشت. این امر نتیجهٔ اجتناب‌ناپذیر فردگرایی است.

نیروهای طبقهٔ کارگر و زحمتکشان کلان و بیکرانند. اما اگر قرار است پیروز گردند باید بوسیلهٔ حزب رهبری شوند. در عین حال، اگر بنا داریم که انقلاب مظفر شود، حزب باید در کنار توده‌ها بایستد و با چکیده‌کاری آنان را سازمان داده، رهبری کند.

•

اخلاق انقلابی مبتنی است برین که با توده‌ها در یك پیکر متحد شویم، بدیشان اعتماد کنیم و به‌عقایدشان توجه نماییم. اعضای حـزب و اتحادیهٔ جوانان کارگر و کادرها باتکای گفتار و کردار خویش اعتماد، احترام و عشق خلق را برمی‌انگیزند و پیرامن حزب‌بفشردگی متحدشان می‌کنند و آنان را سازمان داده، تربیت و بسیج می‌نمایند چندان که سیاستها و قطعنامه‌های حزب را با شور و حرارت به‌سمع اجزا گیرند،

این کاری است که ما طی انقلاب و جنگ مقاومت انجام دادیم.

اما اکنون، فردگرایی در شماری از رفقای ما جولان می‌دهد. اینان

مدعیند سر از هر کاری درمی‌آورند و بدینسان از راه توده‌ها به‌گمراه کشیده می‌شوند، از آنان چیزی فرا نمی‌گیرند و تنها میل دارند آموزگار آنان باشند. از قبول مسئوولیت در کار سازماندهی، تبلیغاتی و آموزشی درمیان توده‌ها اکراه دارند. آلودهٔ دیوان‌سالاری‌گرایی (بوروکراتیزم) و امر و نهی گرایی Commandism می‌شوند. در نتیجه، توده‌ها نه‌بدیشان اعتماد می‌کنند و نه محترمشان می‌دارند و نه عشقی نثارشان می‌کنند. عاقبت، هیچگونه کار مناسبی از دستشان برنمی‌آید.

شمال میهن ما بسوی‌سوسیالیزم ره می‌سپرد. این‌خواست مبرم‌میلیون‌ها تن زحمتکش و تعهد جمعی توده‌ها تحت رهبری حزب ما بشمار می‌آید. فردگرایی مانع بزرگی است در راه بنای سوسیالیزم. بنابرین، **توفیق در راه سوسیالیزم نمی‌تواند از مبارزه در جهت امحای فردگرایی جدا باشد.**

مبارزه علیه فردگرایی «پایمال کردن منافع فردی» نیست. هرفرد خصلت، هنرها و زندگی خصوصی و خانوادگی خاص خود دارد. وقتی منافع فردی مخالف منافع جمعی نباشد خسرانی ببار نمی‌آید. اما بایددانست که تنها در لوای رژیم سوسیالیستی هرفرد می‌تواند زندگی خصوصی‌خود را بهبود بخشد و شخصیت و نقاط قوی خود را بالنده سازد.

هیچ نظامی در نشان دادن احترام نسبت به‌فرد، بذل‌توجه درست به منافع برحق و تضمین اجابت آنها با نظامهای سوسیالیزم و کمونیزم برابر نیست. در جامعه‌یی که طبقهٔ استثمارکننده برآن فرمان می‌راند تنها منافع مشتی وابستگان به‌این طبقه برآورده می‌شود، در حالی که منافع توده‌های رنجبر پایمال می‌گردد. اما در نظامهای سوسیالیستی و کمونیستی، کـه در آنها زحمتکشان آقای سرنوشت خویش هستند، هرفرد جزیی از جمع است و در آن نقش معینی بازی می‌کند و سهم خود را به‌جامعه ادامی‌نماید. بدین علت است که منافع فردی درون منافع جمعی قرار می‌گیرد وبخشی از آن است. تنها وقتی منافع جمعی تأمین شود منافـع فـردی اجابت تواند شد.

منافع فردی با منافع جمعی پیوندی فشرده دارد. اگر میان دو تضادی واقع شود، اخلاق انقلابی حکم می‌کند که منافع فردی به‌منافع جمعی گردن نهد.

انقلاب بی‌وقفه ترقی می‌کند. برهمین سیاق حزب. و برین روال انقلابیون باید ترقی کنند.

جنبش انقلابی صدها میلیون تن از مردم را دربر می‌گیرد. کار انقلابی هزاران وظیفهٔ بس پیچیده و دشوار را مشتمل می‌گردد. برای این که بتوان تمام موقعیت‌های پیچیده را ارزیابی کرد و تناقضات رابروشنی مشاهده نمود و مسایل گونه‌گون را بدرستی حل کرد، باید درجهت **مطالعهٔ مارکسیزم ــ لنینیسم اهتمام ورزید.**

تنها با تحقق این امر می‌توان اخلاق انقلابی خود را قوام بخشید، پایگاه خویش را باستواری حفظ کرد، سطح تئوریکی و سیاسی خود را اعتلا داد و وظایفی را که از طرف حزب به‌ما محول می‌شود بتمام وکمال عملی ساخت.

مطالعهٔ مارکسیزم ــ لنینیزم یعنی فراگرفتن جوهری که مطابق آن فرد باید با اشیاء، اشخاص دیگر و خویشتن خود رفتار کند. مفهوم این سخن برین فکر است که حقایق کلی مارکسیست ــ لنینیستی را فراگرفت تا بتوان آنها را با اوضاع عملی سرزمین خویش خلاقانه منطبق کرد. باید از برای عمل بمطالعه نشست. تئوری باید پهلو به‌پهلوی عمل پیش رود.

اما بعضی رفقا تنها چند کتاب در باب مارکسیزم ــ لنینیزم از بــر می‌کنند. می‌انگارند مارکسیزم ــ لنینیزم را از هر شخصی بهتر درمی ــ یابند. وقتی، اما، با مسایل عملی روبرو می‌شوند، بشیوه‌یی مکانیکی عمل می‌کنند یا در مغاك پریشان خیالی درمی‌افتند. کردار ایشان با گفتارشان همخوانی ندارد. در خصوص مارکسیزم ــ لنینیزم کتابهایی چند مطالعه می‌کنند. اما در طلب کسب جوهر مارکسیست ــ لنینیستی برنمی‌آیند. تنها میل دارند شناخت و معرفت خویش را برخ کشند، نه این که آن را با عمل انقلابی بکاربندند. این نیز **فردگرایی** است.

فردگرایی تخم صدها مرض خطرناك را می‌پاشد: دیوان‌سالاری ــ گــرایی، امر و نهی‌گرایــی، فرقه‌گــرایی (سکتاریزم)، ذهن‌گــرایی (سوبژکتیونس)، فساد، اسراف... فردگرایی چشمان قربانیان خود را می‌بندد، قربانیانی که هرعمل آنان با هوی و هوسشان برای عزت و منصب انگیخته می‌شود، نه با کشش آنان از برای منافع طبقه و مردم.

فردگرایی خصم غدار سوسیالیزم است. انقلابیون باید از آن برحذر باشند.

هم‌اکنون، وظیفهٔ حزب و خلق ما این است که برای افزایش‌تولید و صرفه‌جویی تلاش ورزند تا ازین طریق شمال بنا گردد و بتدریج بسوی سوسیالیزم عنان‌پیچد و آن را به پایگاهی مستحکم برای تجدید وحدت

کشور تبدیل‌کنند. این وظیفه‌یــی بس افتخارآفرین است. بگــذار تمام اعضای حزب و اتحادیهٔ جوانان کارگر و همهٔ کادرهای درونی و برونی حزب مصمم گردند که تمام زندگانی خویش را در خدمت به‌حزب و خلق نثارکنند. این است فضیلت اصیل انقلابی، آری، این است اخلاق انقلابی، چنین است روح حزب و طبقه که پیروزی حزب، طبقه و خلق را تأمین می‌کند.

اخلاق انقلابی از آسمان منزل نمی‌شود. اخلاق انقلابی بوساطت‌مبارزه و تلاش مستمر روزانه قوام و کمال می‌یابد. اخلاق انقلابی همچون سنگ پشم هرقدر بیشتر صیقل یابد درخشنده‌تر می‌شود و بسان طلا، چون در بوته رود نابتر می‌گردد.

کدام چیز می‌تواند عظیمتر از پرورش انقلابی فرد منبع سعادت و افتخار باشد تا بتوانــد برای بنای سوسیالیزم و رهایی نوع بشر سهمــی گرانسنگ همراه آورد!

رجا واثق دارم که همهٔ اعضای حزب و اتحادیهٔ جوانان کارگر و تمام کادرهای داخل و خارج از حزب سخت‌کوشی خواهند کرد و بالنده خواهند گشت.

گزارش دربارهٔ
پیش‌نویس اصلاحی* قانون اساسی

اعضای هیات رئیسه،
نمایندگان،

مجمع ملی، در ششمین جلسهٔ خود بر آن شد قانون اساسی سال ۱۹۴۶ را اصلاح کند و کمیته‌یی دایر نماید و برعهدهٔ آن گذارد که پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی را آماده کند و آن را برای تصویب به‌مجمع‌تقدیم نماید.

تدوین پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی روندی دراز از مقدمات و مطالعات دقیق بوده است. ما در پی تکمیل نخستین پیش‌نویس در ژوییه سال ۱۹۵۸، آن را برای بحث و نظر کادرهای عالی و متوسط در آرتش، سازمانهای توده‌یی، ادارات دولتی و دفاتر حزب ارایه کردیم. آنگاه پیش‌نویس اصلاح شد و در اول آوریل سال ۱۹۵۹ بنظر عموم مردم‌رسید تا در چگونگی آن بحث کنند و پیشنهادات سازنده‌یی ارایه نمایند. این بحث و گفت‌وگویها چهارماه به‌درازا پایید. همه‌جا، در ادارات دولتی، کارخانه‌ها، مدارس و دیگر سازمانهای توده‌یی، در شهر و روستا مطالعه و مباحثه درباب پیش‌نویس قانون اساسی در محیطی سرشار از شور و حرارت پیش رفت و به‌جنبش توده‌یی فراگیر با شرکت تمام بخشهای مردم تبدیل شد. در مطبوعات نیز، مباحثات روشن و ثمرآفرین بود. **کمیتهٔ اصلاح قانون اساسی** نامه‌های بیشماری حاوی نظرات افراد و گروهها دریافت کرد، از جمله نامه‌هایی از هم‌میهنان عزیزمان در جنوب و ملیتهای ویت‌نامی ساکن خارج به‌کمیته رسید.

کمیتهٔ اصلاح قانون اساسی نظریاتی را که مردم ارایه کردند بدقت مطالعه کرده و دربارهٔ آنها به‌بحث پرداخته است و مابرین اساس‌پیش‌نویس را از نو اصلاح کرده‌ایم.

از جانب کمیتهٔ اصلاح قانون اساسی، این گزارش را در خصوص

* به **نخستین مجمع ملی**، در یازدهمین جلسه، (۱۸ دسامبر سال ۱۹۵۹) تقدیم شد.

پیش‌نویس قانون اساسی به‌مجمع ملی تقدیم می‌کنم.

۱
مفاد مهم اصلاحیهٔ
قانون اساسی

سرزمین اجدادی ما، ویت‌نام، در درازای هزاران سال سخت‌کوشی و مبارزهٔ قهرمانانهٔ خلق‌مان بناشده است.

در اواسط سدهٔ نوزدهم امپریالیست‌های فرانسوی تاخت و تاز به‌میهن ما را آغازیدند. سلاطین و مقامات عالیجاه فئودال به‌تجاوزکاران تسلیم شدند و سرزمین ما را به‌امپریالیست‌های فرانسوی فروختند. نزدیك به‌یك قرن امپریالیست‌ها باطبقهٔ فئودال داخلی تبانی کردند و در مداری بس بیرحمانه برسرزمین ما حکم راندند. خلق‌ما از همان آغاز به‌نبرد با امپریالیست‌های فرانسوی قامت برافراشته بود تا استقلال‌ملی‌را بازپس‌گیرد. جنبش رهایی‌بخش ملی به‌یمن روح مبارزهٔ از خودگذشتهٔ خلق بی‌وقفه گسترش یافت. با این‌همه، بعد از نزدیك به‌نیم قرن مبارزه،سلطهٔامپریالیستی و فئودالی هنوز باژگونه نگشت و میهن ما مستقل نگردیده بود.

در همان زمان بود که **انقلاب اکتبر شوروی** زبانه کشید و پیروزی پرافتخاری کسب کرد. **اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی** بنیان یافت. نظام مستعمراتی امپریالیزم فروپاشی آغازکرد. اتحاد شوروی برای‌خلقهای تحت ستم الگویی از مناسبات متساوی میان ملل را بارمغان آورد.

خلقهای تحت ستم جهان مشاهده کردند که تنها باتکای انقلاب سوسیالیستی و پیروی از مشی طبقهٔ کارگر، سرنگونی امپریالیست‌ها و کسب استقلال ملی کامل و تحقق تساوی راستین میان ملتها امکان‌پذیر می‌شود. انقلاب اکتبر شوروی جنبش انقلابی سوسیالیستی و جنبش‌انقلابی برای رهایی ملی را درون جبهه‌یی ضدامپریالیستی یك‌پارچه کرد.

در ویت‌نام، درپی **جنگ جهانی اول**، بورژوازی‌ملی و خرده‌بورژوازی قادر نبودند جنبش‌رهایی‌بخش ملی را بسوی پیروزی رهبری کنند. طبقهٔ کارگر ویت‌نام، در پرتو انقلاب اکتبر مسیر انقلاب ویت‌نام را طرح کرد. بسال ۱۹۳۵، **حزب کمونیست هندوچین**، حزب سیاسی طبقهٔ کارگر بنیان یافت و نشان داد که انقلاب ویت‌نام باید از خلال دو مرحله گذرکند: انقلاب دموکراتیك ملی و انقلاب سوسیالیستی. برای اول‌بار، انقلاب ویت‌نام برنامهٔ سیاسی جامعی تدارك کرد که بوسیلهٔ حزب طبقهٔ کارگر

کند، استقلال کامل را بدست آورد و برپایه‌یی دموکراتیك کشور را بنا کند. قانون اساسی ویت‌نام باید دستآوردهای پرافتخار انقلاب را ثبت کند و براصول وحدت تمام خلق استوار گردد، قانون اساسی باید آزادیهای دموکراتیك را تضمین کند و حاکمیت استوار خلق را برپا دارد.

رژیمی که بوسیلهٔ قانون اساسی سال ۱۹۴۶ برقرار شد استقلال ملی و دموکراسی فراگیر برای خلق را تضمین کرد. حاکمیت خلق تحت‌رهبری حزب بیدرنگ پس از استقرار، قانون کار و کاهش اجارهٔ زمین ومصادرهٔ اراضی متعلق به‌استعمارگران فرانسوی و خائنان ویت‌نامی و تقسیم آنها به‌طبقهٔ دهقان را به‌آگهی عموم رساند. حق رأی مردم و نامزدی درانتخابات و شرکت در امور دولتی تضمین شد و آزادیهای دموکراتیك اجـرا گردید. این رژیم، دموکراسی نوین بود.

با این‌همه، امپریالیست‌های فرانسوی جنگ را دامن زدند بدین‌قصد که سرزمین ما را از نو تسخیرکنند. مردم‌ما، که پیرامن حزب و حکومت بفشردگی متحد شده بودند، جنگ مقاومت درازمدت و سختی را پـی گرفتند و دسایس اسارت‌بار امپریالیست‌ها و خائنان، این نوکران آنان را قاطعانه درهم ریختند. بسال۱۹۵۳، هنگامی که خلق ما درکار جنگ‌مقاومت بود، مجمع ملی قانون اصلاحات ارضی را در اجرای اصل: «زمین ازآن برزگران» تصویب کرد.

پیروزی **دین بین فو** و موفقیت **کنفرانس ژنو** مقاومت بنایت‌قهرمانانهٔ مردم را به‌پایانی تحسین‌انگیز رساند: شمال ویت‌نام سربه‌سر آزاد گشت.

برای اول‌بار در تاریخ، ملتی تحت ستم تجاوز یك قدرت سترگ امپریالیستی را منهزم کرد، استقلال ملی را بازپس گرفت، به‌برزگران زمین داد و برای مردم حقوق دموکراتیك راستین بارمغان آورد. این پیروزی در اثر میهن‌پرستی پرشور و مبارزهٔ دلاورانهٔ آرتش و خلق ما و وحدت فشرده تمام مردم‌مان درون **جبههٔ متحد ملی** و اتکای حاکمیت خلق ما براتحاد کارگر ــ دهقان برهبری طبقهٔ کارگر و حزب و حمایت کشورهـای برادر در اردوگاه سوسیالیستی و تمام نیروهـای صلح و دموکراسی در اقصی‌نقاط گیتی میسور شد.

ظفرمندی **انقلاب اوت** و جنگ کبیر مقاومت نشان می‌دهد که حتی ملتی کوچك و ضعیف بی‌تردید می‌تواند تجاوزکاران امپریالیست را درهم بکوبد مشروط برین که تحت رهبری طبقهٔ کارگر و حزب آن تنگاتنگ متحد شود و از خط مارکسیست ــ لنینیستی بدرستی پیروی کند.

جزبه‌جز طرح شد. و هم از آن‌دم، انقلاب تحت رهبری یك‌پارچهٔ طبقهٔ کارگر و حزب سیاسی آن بشتاب و استواری پیشرفت کرده است.

شوراهای نگه تین ((Nghe Tinh Soviets)) بسال ۱۹۳۰ و جنبش اقدام دموکراتیك به‌انقلاب ویت‌نام نیروی محرکی دمید و پیوندهای میان طبقهٔ کارگر و حزب آن را از یك‌جانب و دهقانان و دیگر بخش‌های‌مردم را از جانبی دگر بیش از پیش مستحکم کرد.

بسال ۱۹۳۹، شراره‌های جنگ جهانی دوم زبانه کشید. امپریالیست‌های فرانسوی و سپاهیگرایان (میلی‌تاریست‌ها) ژاپنی محرم‌راز یکدیگر شدند و از طریق این بندوبست برمیهن ما فرمان راندند. خلق‌ما، تحت رهبری حزب برای جنگ با امپریالیست‌های تجاوزکار به‌قهرمانانه‌ترین شیوه کمر راست کرد. قیامهای **باك سون** و **نام کی*** منادیان جنبش انقلابی فراگیر بودند. در سال ۱۹۴۱، حزب، **ویت مینه** را بـا حفظ وظیفهٔ «تاراندن ژاپونیان و فرانسویان بمنظور مستقل‌کردن کامل میهن و بنای‌جمهوری دموکراتیك ویت‌نام» تأسیس کرد.

بسال ۱۹۴۵، اتحاد شوروی و نیروهای دموکراتیك جهان، فاشیست‌ها را منهزم کردند و جنگ جهانگیر دوم پایان یافت. حزب با مغتنم شمردن این مجال، **انقلاب اوت** را به‌پیروزی رهنمون گشت. یوغ امپریالیستی و فئودالی از هم گسسته شد. حاکمیت خلق در سراسرکشور برقرار گردید. در ۲ سپتامبر سال ۱۹۴۵، جمهوری‌دموکراتیك ویت‌نام بنیان‌یافت. استقلال میهن ما رسماً به‌خلقهای جهان اعلام شد. پس از نزدیك به‌یك قرن بردگی و اسارت میهن اجدادی ما آزاد گشت و مردم ما رهایی یافتند. و بدینسان فصل پس پرافتخاری در تاریخ ملت ما گشوده شد.

در پی انقلاب ظفرنمون اوت، خلق ما برآن شد کشور را بنا کند و برین‌اساس ثمرات انقلاب را یك‌پارچه کرده، گسترش دهد. در ۶ ژانویه سال ۱۹۴۶، مردم ما در انتخابات عمومی آزاد سرتاسری **نخستین مجمع‌ملی** ما را انتخاب کرد. در ۹ نوامبر سال ۱۹۴۶، مجمع ملی اولین قانون‌اساسی سرزمین ما را تصویب کرد.

در مقدمهٔ قانون اساسی سال ۱۹۴۶ تصریح شد:

وظیفه خلق ما درین مرحله این است که تمامیت ارضی را حفظ

* در دوران فرانسویان کوچین چین (Cochinchina) نام داشت(و.).

در پی پیروزی جنگ مقاومت و استقرار صلح، انقلاب ویت‌نام به مرحلهٔ نوینی گام نهاد. شمال ویت‌نام که تحت رژیم دموکراتیک توده‌یی بتمامه آزاد شد به‌دورهٔ انتقالی سوسیالیزم راه‌یافت. اما جنوب ویت‌نام همچنان زیر یوغ امپریالیستی و فئودالی دست و پا می‌زند و خلق ما در اوضاع تازهٔ سرزمین خویش باید انقلاب دموکراتیک ملی را پیش برد.

در شمال ویت‌نام، بدنبال آزادی کامل آن، در تمام زمینه‌ها ترقی سریع صورت گرفته است.

طی سه سال از ۱۹۵۷ تا ۱۹۵۵ ما جراحات جنگ را التیام بخشیدیم و اقتصاد خود را احیا کردیم.

چهاردهمین پله‌نوم **کمیتهٔ مرکزی حزب کارگران ویت‌نام** تصریح کرد که «نیروهای سوسیالیستی در ویت‌نام شمالی اکنون از نیروهای سرمایه‌داری بی‌تردید قویتر شده‌اند».

در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی به‌ترقی عظیمی نایل آمده‌ایم. بر وجه مثال:

از سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۵۵، درکشاورزی، محصول شلتوك از ۳٫۶ میلیون تن به۵٫۲ میلیون تن افزایش یافت. در صنایع که کار تنها با ۱۷ کارخانه بسال ۱۹۵۵ آغاز گشت در سال ۱۹۵۹ به ۱۵۷ کارخانهٔ دولتی رسید.

تعاونیهای کشاورزی از سطح نازل اکنون ۴۳٫۹ درصد خانوارهای روستایی را زیرپوشش می‌گیرد و اکثر افراد باقی‌مانده به‌تیم‌های مبادلهٔ کار پیوسته‌اند.

۵۳ درصد پیشه‌وران به سازمانهای تعاونی ملحق گشته‌اند.

در زمینهٔ فرهنگی، ما بیسوادی را اساساً ریشه‌کن کرده‌ایم. شمار دانش‌آموزان در مقایسه با سال ۱۹۵۵ در آموزشگاههای عمومی دوبرابر، در دبیرستانهای حرفه‌یی شش برابر و در دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها هفت برابر افزایش یافته است. شمار پزشکان ۸۵ درصد فزونی یافته است.

ما بسوی اقتصاد سوسیالیستی پیش می‌رویم. در توازی این‌توفیقها، مناسبات طبقاتی در شمال ویت‌نام دگرگون گشته است. طبقهٔ مالکان‌فئودال سرنگون شده‌است. طبقهٔ کارگر روز بروز رشد می‌یابد و رهبری خود را بردولت استحکام می‌بخشد. طبقهٔ دهقان راه تعاونی را درنوردیده است. اتحاد کارگر ــ دهقان بیش از پیش استحکام یافته است. روشنفکران

انقلابی در ساختمان ملی نقش فعالی ایفا می‌کنند. بورژوازی ملی، برروی هم، دگرگونی سوسیالیستی را می‌پذیرد. بخش‌های مختلف مردم ما درون جبههٔ متحد ملی هرچه بیشتر بتگاتنگی متحد می‌شوند. در مقایسه با سال ۱۹۴۶، بوقتی که اولین قانون اساسی میهن ما تصویب شد، وضع درشمال ویت‌نام کنونی تغییرات بس مهم و دلخواهی کرده است.

در اثنایی که شمال بسوی سوسیالیزم کوس بسته است، در جنوب امپریالیست‌های ایالات‌متحد و دلقکان آنان موافقت‌نامه‌های ژنو را زیرپای نهاده‌اند و از برگزاری کنفرانس مشورتی در خصوص انتخابات عمومی از برای تجدید وحدت کشور تن زده‌اند. اکنون سیاستی بغایت ددمنشانه و استبدادی را تحمیل می‌کنند، اموال خلق را بغارت می‌برند و آنان را بسبعانه‌ترین شکل سرمی‌کوبند و تحت پی‌گرد و اذیت و آزار قرار می‌دهند. سرآن‌دارند که انشقاق میهن ما را دایمی کنند و جنوب را به مستعمره و پایگاه نظامی ایالات متحد تبدیل کنند بدین نیت که جنگ تازه‌یی در هندوچین راه اندازند.

اما هم‌میهنان ما در جنوب قهرمانی عظیمی نشان داده‌اند و مبارزه درین خطه بسط و توسعه یافته است. آنان بهبود وضع زندگی، پیشرفت اقتصاد ملی، آزادیهای دموکراتیک، صلح و تجدید وحدت ملی را مطالبه می‌کنند؛ و با ستمگری، بهره‌کشی و «کمك» امریکا، ترور و کشتار عام، استحکامات نظامی و تدارکات جنگی مخالفت می‌ورزند.

پیشروی شمال ویت‌نام بسوی سوسیالیزم جنبش میهن‌پرستی جنوب را بطور موثری می‌انگیزد. اذهان هم‌میهنان جنوبی ما پیوسته به‌شمال و حکومت ما معطوف است و اعتماد آنان به‌تجدید وحدت ملی هرچه بیشتر راسختر می‌گردد.

محض کوتاه سخنی، انقلاب ویت‌نام به‌مرحلهٔ نوینی راه یافته است. وظایف جدیدی فراروی ما است که باید به‌آنها جامه عمل پوشیم. اوضاع در داخل و در پهنهٔ جهان مساعد است.

قانون اساسی سال ۱۹۴۶ ــ اولین قانون اساسی دموکراتیک‌سرزمین ما ــ با موقع و وظایف انقلابی آن‌دوره سازگار بود و رسالت خود را به تمام انجام داده‌است و اکنون با موقع جدید و وظایف نوین انقلابی وفاق ندارد. ازین روی باید آن را اصلاح کرد.

پیش‌نویس قانون اساسی موفقیت‌های عظیم خلق ما در سالهای گذشته را بروشنی ثبت می‌کند و وظایف نوین انقلابی در دورهٔ جدید تاریخی را

بوضوح طرح می‌نماید.

۴
نکات عمده در پیش‌نویس اصلاحی
قانون اساسی

مجملی از نکات عمدهٔ پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی را بشرح‌زیر برمی‌شمرم:

۱. خصلت جمهوری دموکراتیک ویت‌نام

خصلت دولت در قانون اساسی مسألهٔ بنیادی بشمار می‌آید. این‌مسأله، محتوی طبقاتی قدرت دولتی است. قدرت در دست کدام اشخاص است و حقوق و منافع کدامین افراد را پاس می‌گذارد؟ مسألهٔ فوق محتوی کلی قانون اساسی را معین می‌کند.

دولت ویت‌نام که پس از **انقلاب اوت** مستقر شد، دولت‌دموکراتیک توده‌یی بود که به‌همت طبقهٔ کارگر رهبری شد. سرآغاز پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی تصریح می‌کند:

«دولت ما، دولت دموکراتیک توده‌یی است که برپایهٔ اتحاد کارگر ــ دهقان استوار هست و بدست طبقهٔ کارگر رهبری می‌شود.»

از برای بنای سوسیالیزم و مبارزه برای تجدید وحدت کشور باید رهبری طبقهٔ کارگر بردولت دموکراتیک توده‌یی را بی‌وقفه تقویت کرد.

اتحاد کارگر ــ دهقان پای‌بست جمهوری دموکراتیک ویت‌نام‌است. طبقهٔ دهقان نیروی تولیدی بس کلانی را تشکیل می‌دهد. در انقلاب دموکراتیک ملی توده‌یی، دهقانان با تمام توش و تاب خویش از حزب پیروی کرده‌اند و برای سرنگونی امپریالیزم و فئودالیزم پهلو به‌پهلوی طبقهٔ کارگر بپاخاسته‌اند. هم‌اکنون با شور و حرارت به‌جنبش تعاونی کشاورزی می‌پیوندند. این همه بعلت روحیهٔ فعال انقلابی و شکیبایی آنان و آموزش بی‌وقفه حزب و طبقهٔ کارگر پدید آمده است. بنابرین دربنای سوسیالیزم، دولت ما سخت اهتمام می‌کند که به‌طبقهٔ دهقان مدد نماید و اتحاد کارگر ــ دهقان را یك‌پارچه سازد.

طبقهٔ کارگر با پیشه‌وران و بازرگانان کوچك متحد می‌شود زیرا آنان زحمتکشند و از سر رغبت راه همکاری را پیش می‌گیرند و ازانقلاب سوسیالیستی حمایت کرده، برآن صحه می‌گذارند.

انقلاب سوسیالیستی با پیشرفت علمی و فنی و رشد فرهنگی خلق

پیوندی آگاهانه دارد. روشنفکران ما در مقاومت سهم گرانی داشتند و با حزب، که راه ترقی را بروی ایشان باز گذاشته پیوسته همکاری‌داشته‌اند. پس بی‌سببی نیست که راه سوسیالیزم را گزین می‌کنند. طبقهٔ کارگر با اندیشمندان تنگاتنگ متحد می‌شود تا ازین راه در خدمت به‌انقلاب و سوسیالیزم به‌آنان کمك کند.

بورژوازی ملی ویت‌نام تحت‌رهبری طبقهٔ‌کارگر از انقلاب‌دموکراتیك ملی توده‌یی پشتیبانی کرده است و از زمان صلح در تجدیدبنای اقتصادی سهم خود را ادا نموده است. اکنون ما وضعی داریم که می‌توانیم آنان را در مسیر سوسیالیستی متحول سازیم. در بخش شمالی میهن ما، نیروهای اقتصاد سوسیالیستی بر نیروهای اقتصاد سرمایه‌داری مطلقاً برتری‌یافته‌اند. حاکمیت خلق در دست ما است. مبارزهٔ انقلابی توده‌های کارگر بیش از پیش توانبخش‌تر می‌شود. بورژوازی ملی مهیا است که در جهت‌ساختمان ملی و بنای سوسیالیزم دگرگونی را پذیره شود.

کشور ما سرزمین چند ملیتی متحدی شمرده می‌شود. تمام ملیتهایی که در قلمرو ویت‌نام بسرمی‌برند در حقوق و وظایف متساوی و برابرند.

تمام ملیتها در میهن ما برادرانه به‌همدگر وابسته‌اند؛ از قلمرومشترکی حصه می‌برند و در مسیر تاریخ طولانی ما پهلو به‌پهلو کار و مبارزه کرده‌اند تا بسهم خود بتوانند سرزمین هزاران‌بار زیبای مادری خویش را بناکنند.

امپریالیزم و فئودالیزم بعمد در تقلای ایجاد شقاق در همبستگی و برابری میان ملیتها است و می‌کوشد میان آنان بذر نفاق افشاند و سیاست «تفرقه‌انداز و حکومت کن» را پیش‌برد. حزب و حکومت ما از ملیتها پیوسته دعوت کرده است که عداوتها را که امپریالیزم و فئودالیزم دامن می‌زند کنار گذارند و برپایهٔ برابری در حقوق و وظایف هرچه تنگتر متحد شوند. اقلیتهای ملی شانه به‌شانهٔ برادران اکثریت ملی خویش در برابر دشمنان مشترك خود پیکار کرده‌اند و انقلاب اوت و جنگ مقاومت را مظفر ساخته‌اند. از هنگام استقرار صلح، دولت ما به‌ملیتهای برادر کمك کرده است تا در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به‌ترقی افرونتری نایل آیند. مناطق خودمختار **ویت باك** و **تایی مئو** ایجاد شده است. ملیتها که تحت رهبری حزب و دولت بفشردگی وحدت یافته‌اند در جنبش هم‌چشمی برای ساختمان ملی با شور و غیرت شرکت می‌جویند.

خط‌مشی ما در قبال ملیتها برین پایه است که برابری و تشریك مساعی میان آنان را تحقق بخشیم. ممکن است در نواحی که اقلیتهای‌ملی

بصورت اجتماعهای پراکنده بسر می‌برند، مناطق خودمختار ایجاد شود.

۴. خطوط کلی پیشروی بسوی سوسیالیزم

ویت‌نام، تردیك به‌قرنی سرزمین مستعمره و نیمه فئودال بود. اقتصادی سخت واپس‌مانده و نامتجانس داشت؛ تولید چندان پیشرفتی نکرد و سطح زندگی مادی و فرهنگی خلق نازل بود. ویت نام شمالی برای خلاصی ازین وضع تنگدستی باید بسوی سوسیالیزم پیشروی کند.

اصل ۹ پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی بر مسیر پیشروی بسوی سوسیالیزم تاکید می‌ورزد: «جمهوری دموکراتیك ویت‌نام باتکای توسعه و دگرگونی اقتصاد ملی در راستای خطوط سوسیالیستی و تحول اقتصاد عقب ماندهٔ آن به‌اقتصادی متکی برصنعت و کشاورزی مدرن و علـوم و تکنولوژی پیشرفته، گام‌به‌گام از دموکراسی توده‌یی به‌سوسیالیزم پیشروی خواهد کرد. سیاست اقتصادی جمهوری دموکراتیك ویت‌نام اینست که تولید را بطور پیوسته بدین قصد گسترش دهد که سطح مادی و فرهنگی زندگی خلق همواره ارتقا یابد.»

هم‌اینك اشکال عمدهٔ مالکیت بروسایل تولید درکشور ما بدین‌شرح است:

ـ مالکیت دولت، یعنی، مالکیت تمام مردم؛
ـ مالکیت تعاونیها، یعنی، مالکیت جمعی زحمتکشان؛
ـ مالکیت زحمتکشان منفرد؛
ـ مالکیت چند وسایل تولید سرمایه‌داران.

هدف رژیم ما این است که اشکال مالکیت غیرسوسیالیستی را از میان بردارد و اقتصاد نامتجانس کنونی را به‌اقتصادی متجانس براساس نظام مالکیت تمام خلق و مالکیت جمعی استوار سازد.

مطابق اصل ۱۲ پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی، بخش اقتصاد دولتی از آن تمام مردم است، اقتصاد ملی را رهبری می‌کند و دولت‌برای پیشرفت آن حق تقدم قایل می‌شود.

موافق اصل ۱۳، بخش اقتصاد تعاونی بطور جمعی در اختیار تمام زحمتکشان قرار دارد؛ دولت برای پیشرفت این بخش باید اسباب و وسایل تشویق، رهنمودی و مساعدت را فراهم کند.

بخش اقتصاد دولتی را باید گسترش دهیم تا برای سوسیالیـزم شالودهٔ مادی ایجاد گردد و دگرگونی سوسیالیستی انگیخته شود.

ـ کوپراسیون کشاورزی قوهٔ محرك عمدهٔ دگرگونی سوسیالیستی‌در شمال شمرده می‌شود. تجارب گذشته نشان داده است کـه کـوپراسیون کشاورزی در میهن ما باید از صافی اشکال تیم‌های مبادلهٔ کار وتعاونیهای تولیدکنندگان کشاورزی عبورکند. این امری لازم است. اگر ما باستواری تیم‌های مبادلهٔ کار و تعاونیها را گام‌به‌گام گسترش دهیم، کوپراسیون کشاورزی بطور قطع قرین توفیق خواهد شد.

ـ در خصوص پیشه‌وران و دیگر زحمتکشان منفرد، دولت از حق مالکیت آنان بروسایل تولید خویش حمایت می‌کند، آنان را بطورپیگیر راهنمایی و کمك می‌نماید تا بتوانند کسب و کار خود را بهبود بخشند و در جهت سازماندهی تعاونیهای تولیدکنندگان موافق با اصل داوطلبی تشویقشان می‌کند.

ـ در مورد سوداگران و صاحبان صنایع بورژوا، دولت حق‌مالکیت آنان بروسایل تولید و دیگر اموال خویش را ملغی نمی‌کند بل‌که‌فعالیتهای آنان را بطور پیگیر در راستایی هدایت می‌نماید که در خط منافع‌دولت و رفاه خلق و برنامهٔ اقتصاد دولتی قرار گیرند. درعین‌حال دولت آنان را ترغیب و کمك می‌کند تا خود را از طریق مالکیت مشترك دولتی ـ خصوصی و دیگر اشکال دگرگونی در امتداد خطوط سوسیالیستی متحول سازند.

برابر اصل ۱۵ پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی، دولت فعالیتهای اقتصادی را مطابق برنامه‌یی واحد رهبری می‌کند. از ارگان‌های دولتی استفاده می‌کند و براتحادیه‌های کارگری، تعاونیها و دیگر سازمان‌های زحمتکشان اتکا می‌ورزد تا آنها برنامهٔ اقتصادی دولت را جز به‌جز تنظیم و آن را اجرا کنند.

در پی استقرار صلح و تجدید بنای اقتصادی، ما بتدریج اقتصاد شمال را در راستای پیشرفت با برنامه، دنبال کردیم. برای احیای اقتصادی برنامه‌یی سه ساله (۱۹۵۷ ـ ۱۹۵۵) داریم. هم‌اکنون بمنظور پیشرفت اولیهٔ اقتصادی و فرهنگی برنامهٔ سه‌ساله را اجرا می‌کنیم و برای اولین برنامهٔ پنج ساله راه را هموار می‌سازیم، هدف برنامهٔ سه‌ساله بویژه درین است که تحول سوسیالیستی اقتصاد انفرادی دهقانان، پیشه‌وران و دیگـر افراد زحمتکش و بخش سرمایه‌داری خصوصی را پیش بریم؛ و درعین‌حال این برنامه بخش اقتصاد دولتی را توسعه داده، تقویت کند و در امتداد خطوط سوسیالیستی پیشرفت اقتصادی را سبب آید.

۳. سازمان دولتی در جمهوری دموکراتیك ویت‌نام

دولت ما برای این که وظایف انقلابی خود را انجام دهد، باید حقوق دموکراتیك و فعالیتهای تمام مردم را گسترش دهد تا بدینوسیله شور و خلاقیت همهٔ آنان اعتلا یابد و موجب شود که تمام شهروندان ویت‌نامی در ادارهٔ امور دولتی شرکت فعال داشته باشند و از برای بنای سوسیالیزم و مبارزه برای تجدید وحدت ملی تلاش ورزند.

رژیم انقلابی ما بتقریب پانزده سال است که مستقر شده است. قانون اساسی سال ۱۹۴۶، **مجلس خلق و شوراهای خلق** را در سطوح مختلف برپا کرد. **مجمع ملی**، شورای خلق سرتاسر کشور شمرده می‌شود. در سطوح محلی شوراهای خلق وجود دارند. مجمع ملی و شوراهای خلق‌نمایندگانی را دربر می‌گیرند که از طریق آرای عمومی توسط مردم انتخاب‌می‌شوند. مجمع ملی در باب مهمترین امور دولتی تصمیم می‌گیرد. شوراهای خلق در خصوص اهم امور نواحی برفع و رجوع می‌پردازد.

مجمع ملی و حکومت طی دورهٔ مقاومت یك پارچه شدند و خلق ما را راهنمایی کردند و جنگ میهنی‌وضدامپریالیستی را به‌پیروزی‌پرافتخاری رساندند. مجمع ملی قانون اصلاحات ارضی را تصویب کرد که مبتنی بود برتکمیل انقلاب ضدفئودالی. شوراهای خلق در نواحی بر بسیج مردم در انقلاب ضدامپریالیستی و ضدفئودالی همت گماشت.

مجمع ملی از هنگام استقرار صلح، برنامهٔ سه‌سالهٔ احیای اقتصادی و برنامهٔ سه سالهٔ پیشرفت اولیهٔ اقتصادی و فرهنگی و سیاستهای مربوط به پیشرفت اقتصادی و تحول در امتداد خط سوسیالیستی و قوانین‌آزادیهای دموکراتیك و جزاینها را تصویب کرده است. مسایل یاد شده در ارتباط با مصالح ملی و رفاه مردم از مهمترین مسایل بوده است.

طبق مادهٔ ۴ پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی، در جمهوری‌دموکراتیك ویت‌نام تمام قدرت ازآن خلق است. مردم از طریق مجمع ملی وشوراهای خلق در سطوح مختلف، که توسط خلق انتخاب می‌شوند در قبال مردم مسئوولند، اقتدار (اوتوریته) خود را اعمال می‌کنند.

دستگاه (سیستم) انتخاباتی ما دموکراتیك است و در عین‌حال‌وحدت میان خلق را تحقق می‌بخشد. تمام شهروندان از سن ۱۸ سال به‌بالا حق رأی دارند و از سن ۲۱ سال به‌بالا از حق نامزدی در انتخابات‌برخوردارند. انتخابات برپایهٔ اصل حق انتخاب عمومی، برابر، مستقیم و مخفی برگزار

خواهد شد.

مردم حق برکناری نمایندگان مجمع ملی و شوراهای خلق رادارند هرآینه نمایندگان نشان دهند که دیگر مورد اعتماد خلق نیستند. این‌اصل حق کنترل مردم را برنمایندگان خود تضمین می‌کند.

اصل ۶ پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی تصریح می‌کند که تمام ارگان‌های دولتی وظیفه دارند که برخلق اتکا کنند و با آنان در تماس فشرده‌یی باشند، به‌عقاید ایشان بدقت گوش فرادهند و برنظارت آنان گردن نهند.

مجمع ملی، ارگان عالی قدرت دولتی بشمار می‌آید. شوراهای خلق ارگان‌های قدرت دولتی در نواحی شمرده می‌شوند.

مجمع ملی **رئیس** کشور، **کمیتهٔ دایمی مجمع ملی** و **شورای حکومتی** را گزین می‌کند. شورای حکومتی ارگانی است که وظیفهٔ اجرای‌قوانین و تصمیم‌های مجمع ملی بدآن تفویض می‌شود و عالیترین ارگان اداری دولتی شمرده می‌شود و در قبال مجمع ملی مسئوول است و گزارش کار خود را به‌آن تقدیم می‌کند. این شورا در دورهٔ میان دو جلسهٔ مجمع ملی مسئوول است و به‌کمیتهٔ دایمی مجمع ملی گزارش می‌دهد.

مجمع ملی تنها ارگانی است که قدرت قانون‌گزاری دارد و در خصوص مهمترین امور دولتی در سطحی ملی تصمیم می‌گیرد.

شوراهای خلق کمیته‌های اداری در سطوح مختلف را انتخاب می‌کنند. این کمیته‌ها ارگان‌های اجرایی شوراهای خلق شمرده می‌شوند و در قبال آنها مسئوولند و گزارش کار خود را به‌شوراهای یاد شده تقدیم می‌کنند. درعین‌حال تحت رهبری مستقیم کمیته‌های اداری سطوح بالاتر و رهبری واحد شورای حکومتی قرار دارند.

مهمترین امور محلی به‌همت شوراهای خلق فیصله می‌یابد.

نظام اقتصادی و اجتماعی ما مبتنی است بر تحقق کامل عیار حقوق دموکراتیك‌مردم برپایهٔ افزایش پیشرفت اقتصادسوسیالیستی، امحای‌تدریجی استثمار سرمایه‌داری و بهبود سطح مادی و فرهنگی خلق. بدینسان برای خلق اوضاع از هرلحاظ مهیا است که در ادارهٔ دولت شرکت موثر داشته باشند.

اصل ۴ پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی بروشنی تصریح می‌کند که اصل‌حاکم‌برسازمان‌دولتی ما مرکزیت‌دموکراتیك (سانترالیزم‌دموکراتیك)

است. مجمع ملی، شوراهای خلق، **حکومت مرکزی** و دیگر ارگان‌های دولتی بتمامه از مرکزیت دموکراتیك پیروی می‌کنند.

دولت ما پیشرفته‌ترین شکل دموکراسی را تضمین و تأمین می‌کند زیرا دولتی خلقی است. تنها بوساطت پیشرفته‌ترین شکل دموکراسی تمام نیروهای خلق بسیج توانند شد و امر انقلاب را پیش می‌برند. در عین‌حال عالیترین مرکزیت باید تأمین گردد تا برپایهٔ آن بتوان خلق را در بنای سوسیالیزم راهبری کرد.

۴. حقوق و وظایف اساسیِ شهروندان

پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی آشکارا برحقوق و وظایف اساسی شهروندان سرزمین ما تاکید می‌ورزد. این تاکیدات خصلت براستی دموکراتیك رژیم ما را می‌نمایاند.

گاه سرمایه‌داران گزافه می‌بافند که **قوانین اساسی** آنان حقوق‌فردی و آزادیهای دموکراتیك و منافع تمام شهروندان را تضمین می‌کند. در واقع، اما، تنها بورژوازی از حقوق موضوعه درین قوانین اساسی بهره‌مند می‌شود. زحمتکشان از آزادیهای دموکراتیك براستی بهره نمی‌برند؛ آنان در تمام زندگی طاقت‌سوز خویش استثمار می‌شوند و ناگزیرند در خدمت به‌طبقهٔ استثمارکننده بارگرانی بدوش کشند.

سرمایه‌داران هر از چند گاهی افترایی کوك می‌کنند کـه رژیم سوسیالیستی ما منافع فردی شهروندان را مرعی نمی‌دارد. اما حقیقت این است که تنها رژیم ما براستی منافع افراد، بیش از همه منافع طبقهٔ کارگر را تأمین می‌کند و از منافع تمام خلق حراست می‌نماید و دموکـراسی را گسترش می‌دهد تا برمبنای آن مردم بتوانند در ادارهٔ امور دولتی‌فعالانه شرکت جویند. بی‌سببی نیست که خلق ما در مقام آقایان سرنوشت وکشور تمام کار ــ مایه (انرژی) های خویش را به‌وظایف خود اختصاص می‌دهند تا ازین گذر سوسیالیزم را بنا کنند و کشور را توانا و خلق را کامیاب سازند.

پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی تاکید می‌ورزد که شهروندان جمهوری دموکراتیك ویت‌نام از:

ــ حق کار؛
ــ حق استراحت؛
ــ حق مطالعه؛

ــ حق آزادی فردی؛
ــ آزادیهای عقیده، قلم، اجتماع، انجمن؛ حق برگزاری تظاهرات؛
ــ آزادی اعتقاد مذهبی، پیروی یا عدم‌پیروی از هرمذهبی؛
ــ حق انتخاب و انتخاب شدن در انتخابات برخوردارند و جزاینها.

تمام شهروندان در برابر قانون متساوی و یکسانند. زنان در هرمورد از حقوق برابری با مردان برخوردارند: حقوق سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی. دولت به‌آموزش و پرورش اخلاق، فکری و جسمی جوانان توجهی خاص مبذول می‌دارد.

در پرتو خصلت دولت و نظام اقتصادی و اجتماعی ما، دولت نه‌تنها منافع شهروندان را برسمیت می‌شناسد بل اوضاع مادی ضرور برای آنان را نیز تضمین می‌کند تا بدینوسیله ازین منافع بطور موثر بهره‌مند شوند.

دولت آزادیهای دموکراتیك برای شهروندان را تضمین می‌کندلکن همانگونه که در اصل ۳۸ پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی بوضوح‌تصریح می‌شود، هرگونه سوء استفاده ازین آزادیها، درجهت ایجاد خدشه درمنافع دولت و خلق را اکیداً ممنوع می‌کند.

در رژیم ما منافع دولت، جمعی و فردی اساساً یکی است. بنابرین، در حالی که حقوق مقرر توسط دولت و جمع بر شهروندان فرض‌شده‌است تمام آنان در قبال دولت و جمع باید وظایف خویش را هشیارانه انجام دهند.

شهروندان وظیفه دارند قانون اساسی، قوانین، انضباط کار، نظم‌عمومی و مقررات زندگی اجتماعی را رعایت کنند. شهروندان موظفند اموال عمومی را محترم شمرند، مطابق قانون مالیات بپردازند، خدمت وظیفه را انجام دهند و از سرزمین اجدادی دفاع کنند.

تنها در نظام سوسیالیستی منافع فردی، دولتی و جمعی یکی است. بدهمین علت تنها قانون اساسی سوسیالیستی می‌تواند شهروندان را ترغیب و تشویق کند که با وجد و شور وظایف خویش را در قبال جامعه و سرزمین اجدادی بتمام انجام دهند.

۳
نظرات مطرح شده درباب پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی

در باب پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی، دو رشته مباحثه دوران

بس چشمگیر فعالیت سیاسی را شکل بخشیده است. مردم ما در جهت‌شرکت در تکمیل قانون اساسی حقوق دموکراتیك خود را با شور و حـرارت اعمال کرد. مردم در نواحی مختلف، ادارات دولتی، سازمانهای توده‌یی، واحدهای آرتش، شوراهای خلق در استانها و بسا هم‌میهنان در جنوب و خارج و روزنامه‌ها پیشنهادات انبوهی ارسال کرده‌اند. **کمیتهٔ اصلاح‌قانون اساسی** تمام این پیشنهادات را بدقت بررسی و مطالعه کرده است. درین مجال، کمیته از هم‌میهنان‌مان بپاس طرح نظریات خویش در خصوص پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی ابراز امتنان می‌کند.

حال مجملی از عمده نظریات مطرح شده توسط هم‌میهنان به‌عرض **می‌رسد:**

۱. در خصوص مقدمهٔ قانون اساسی، کمیتهٔ اصلاح قانون اساسی در اجابت پیشنهادات مردم ملحقاتی افزوده است تا در راستای آن‌دستآوردهای حاصله، وضع و وظایف کنونی انقلاب و مبارزهٔ قهرمانانهٔ هم‌میهنان ما در جنوب بطور بارز عیان شود و تصریح گردد که انقلاب سوسیالیستی درشمال بطور قطع ظفرنمون خواهد شد و سرزمین ما بی‌تردید از نو وحدت خواهد یافت.

۲. اصل ۱ پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی باتفاق آرا تأیید شده است زیرا از آغاز کلام بر وحدت میهن ما تأکید می‌ورزد. هم‌اکنون سرزمین ما بطور موقت تقسیم شده است، اما تمام خلق ما، در شمال و در جنوب، اعتماد راسخ دارند که این گهوارهٔ مردی و مردمی از نو وحدت خواهد یافت. بنابرین، تأیید قاطع وحدت میهن ما در همان اصل‌نخست پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی یکسر درست است.

۳. بسا مردم برین نظر بودند که باید بعیان تصریح شود که دولت برپایهٔ اتحاد کارگر ــ دهقان تحت رهبری طبقهٔ کارگر اتکا دارد، زیرا این نکته واقعیت عظیم تاریخی است که برای مردم ما ظفرهای شکوهمند انقلابی بارمغان آورده است و تکمیل وظایف انقلابی آنان را در مرحلهٔ جدید تضمین می‌کند. با این همه، همانگونه که این خصیصه در مقدمه بروشنی نگاشته آمده است تنها لازم است که در اصل ۲ تصریح شود که جمهوری دموکراتیك ویت‌نام، کشوری دموکراتیك توده‌یی است. این نکته بقدرکافی روشن هست.

۴. اصل ۳ بوضوح بیان می‌دارد که ویت‌نام کشور چند ملیتی واحد است و وظیفهٔ دولت ما این است که همبستگی میان ملیتها را حفظ‌کرده،

گسترش دهد.

۵. مرکزیت دموکراتیك (سانترالیزم دموکراتیك)، اصل تشکیلاتی بنیادی ارگان‌های دولتی در لوای رژیم ما است. این نکته درسازمان دولتی ما نمایان است. هم ازین روی بود که بسا اشخاص پیشنهاد کرده‌اند کـه این مقوله باید آشکارا در قانون اساسی ما قید شود.

۶. پیشنهادهایی شده است مبنی برین که راه پیشرفت میهن ما و چشم‌انداز پیشرفت اقتصادی آن باید بنحو بارز ذکر شود. کمیتهٔ اصلاح قانون اساسی اصل ۹ را تکمیل کرده است و بعیان تصریح می‌کند کـه کشورما، سرزمینی خواهد شد با اقتصاد سوسیالیستی همراه با صنایع و کشاورزی امروزینه (مدرن) و علوم و تکنولوژی پیشرفته.

۷. پیشنهادات بیشماری ارایه گشته است که حداقل سنی نامزدی در انتخابات بالاتر از حد سنی رأی‌دادن تعیین شود. ما اصل ۲۳ را اصلاح کرده‌ایم و حداقل سن برای رأی‌دهندگان را در ۱۸ و حداقل سنی‌نامزدها (کاندیدا) را در ۲۱ سالگی ثابت کردیم.

۸. پیشنهاد مربوط به‌ایجاد **شورای دفاع ملی** را پذیرفته‌ایم و در پیش‌نویس قید کرده‌ایم: رئیس، جمهوری‌دموکراتیك ویت‌نام، رئیس شورای دفاع ملی است. معاون رئیس و دیگر اعضای شورا بنا بر پیشنهاد ریاست جمهوری توسط مجمع ملی انتخاب می‌شوند.

۹. پیشنهاد شده است که کمیسیون‌های مختلفی که قرار است توسط مجمع ملی دایر شود در قانون اساسی قید گردد. ما در قانون اساسی به **کمیسیون رسیدگی به‌اعتبارنامهٔ نمایندگان، کمیتهٔ طرح قوانین و کمیتهٔ برنامه‌ریزی و بودجه** اشاره کرده‌ایم، در عین‌حال قید نموده‌ایم کـه مجمع ملی می‌تواند هرگاه که لازم باشد کمیسیون‌های دیگری برای یاری به‌خود و کمیتهٔ دایمی مجمع دایرکند.

۱۰. از نگاه بسی اشخاص می‌بایست ذکر می‌شد که رئیس کشور هرگاه لازم بداند حق ریاست و حضور در جلسات شورای حکومتی را دارد. کمیتهٔ اصلاح قانون اساسی این نکته را در اصل ۶۶ ثبت کرده‌است.

قطع‌نظر از پیشنهاداتی که کمیتهٔ اصلاح قانون اساسی تصویب کرده و بعنوان پایهٔ اصلاح پیش‌نویس قانون اساسی مرعی داشته است، پیشنهادات دیگری در باب جزییات مسایل مربوط به‌وضع قوانین‌یافعالیتهای ارگان‌های دولتی وجود داشته است. اینگونه پیشنهادات را برای بررسی به‌ارگان‌های مسئوول ارسال خواهیم کرد.

نمایندگان،

چهارده‌سال پیش خلق ما از نخستین قانون اساسی با سرور ودلشادی استقبال کردند. امروز خلق ما از نو پیش‌نویس اصلاح قانون اساسی را با وجد و شور مطرح بحث و مداقه قرار داده است.

آنان در پویش اینگونه مباحثات، راه غلبه بردشواریها را بروشنی ارزیابی کرده‌اند و در پیروزیهای حاصله روح و الهام عظیمی یافته‌اند: شمال میهن ما سربسر آزاد شده است، مردم ما قدرت کارآیی در اختیار دارد، اقتصاد سوسیالیستی در برد و بعدی سریع رشد می‌یابد. سطح مادی و فرهنگی خلق ما بهبودی یافته است. اخلاق انقلابی در میان مردم ما هر روز تقویت گشته است. عمل (پراتیك) دموکراسی تا مرتبه عالی گسترش یافته است؛ و مردم براستی آقایان سرنوشت و میهن خویشند.

مردم از تمام پیشه‌ها در شمال و در جنوب نسبت به‌پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی بگرمی اقبال نشان می‌دهند. تمام خلق ما با استواری ایقان دارد که شمال و جنوب در خاندان بزرگ سرزمین مادری وحدت‌یافتهٔ ویت نام متحد خواهد گشت.

قانون اساسی برادران جنوبی ما را از سرور و انبساط خاطر مالامال خواهد کرد؛ اذهان آنان بسوی مجمع ملی و حکومت معطوف خواهد گشت و از برای تجدید وحدت سرزمین اجدادی هرچه‌بی‌امانتر مبارزه خواهند کرد.

تمام مردم ما آگاهند که پیش‌نویس اصلاحی قانون اساسی کنونی برقامت بالابلند حزب ــ این سازماندهنده و رهبر ظفرهای پرافتخار گذشته و ضامن فراهم‌آورده‌های سترگ آینده ــ و بر پیکر زیبندهٔ وحدت تمام مردم ما و مبارزه دلیرانه‌یی که از برای بنای ملی در راستای خط حزب ساز می‌کنند، سخت برازنده و آراسته است.

ازدمی که مجمع ملی وظیفهٔ تدوین پیش‌نویس اصلاحی قانون‌اساسی را به‌کمیتهٔ ما واگذاشت، بی‌انقطاع کارکرده و ۲۷ جلسه برگزارنموده‌ایم. پیش‌نویس کامل شده است؛ و امروز کمیتهٔ ما پیش‌نویس را به مجمع ملی تقدیم می‌کند. ما در حد توانایی خویش کارکرده‌ایم اما نمی‌توانیم مدعی حدکمال باشیم. امیدواریم شما در باب آن بحث کنید و اصلاحات‌افزونتری ارایه نماید و سرانجام پیش‌نویس از تصویب مجمع ملی بگذرد.

این پیش‌نویس قانون اساسی، پس از تصویب مجمع ملی، قانون

اساسی سرزمین ما خواهد شد.

این قانون اساسی عرق میهن پرستی خلق‌ما و عشق آنان به‌سوسیالیزم را بیش از پیش خواهد انگیخت و جان‌مایه‌یی از برای آن خواهدگشت؛ و تشویقشان خواهد کرد که تنگتر از هر وقت دیگری متحد شوند وباشور و حالی افزونتر برای بنای ویت‌نامی صلح‌آمیز، وحدت‌یافته، مستقل، دموکراتیك و کامکار با یکدیگر هم‌چشمی کنند.

سی‌سال فعالیت
حزب*

(۱۹۶۰)

حزب ما سی‌امین سالگرد خود را جشن می‌گیرد. حزبی که درین سی سال مبارزات قهرمانانه‌یی سازکرده و پیروزیهای تابناکی درو نموده است. بمناسبت این سالگشت میل داریم به‌راهی که طی گشت بازنگریم و درسهای گرانقدر گذشته را پیش کشیم و برین شیوه وظایف انقلابی‌مرحلهٔ کنونی وآیندهٔ نزدیك را بدرستی تعیین کنیم وپیروزیهای بازهم عظیمتر وطنین‌افکن‌تری‌بدست آریم.

همانگونه که تغییرات پدید آمـده در میهـن ما از تحـولات بین‌المللی جدایی‌ناپذیر است، بلوغ حزب ما ازرشد وکمال‌یابندگی‌احزاب برادر جداناشدنی است.

ظفرمندی انقلاب اکتبر شوروی، که بخشی ازنیروهای سرمایه‌داری را از پیش پای برداشت، برروی پرولتاریا وخلقهای تحت ستم سرتاسر جهان راه‌رهایی را گشود. درسال ۱۹۱۹، انقلابیون راستین تمام کشورها تحت رهبری **لنین، بین‌الملل سوم** را بنیان گزاردند. ازهمان‌دم احزاب‌کمونیست درفرانسه، چین و بسا از دیگرکشورها شکل گرفته است. درآغاز، بواسطهٔ کمك مستقیم احزاب کمونیست چین وفرانسه، مارکسیزم‌ـلنینیزم ونفوذ انقلاب اکتبر بر پردهٔ آهنین استعمار فرانسه رخنه کرد و به ویت‌نام دامن گسترد.

از سال ۱۹۲۴ به‌بعد، جنبش انقلابی در سرزمین‌ماغلیان کـرد؛ کارگران ما مبارزات مکرری را پی‌گرفتند که ازاقدامات اقتصادی تا مبارزات‌سیاسی وسعت وشمول یافت.

* این مقاله برای نشریهٔ **صلح و سوسیالیزم** (ش. ۲، ۱۹۶۰)، بمناسبت سی‌امین سالگشت حزب ما نگاشته شد.

وحدت تئوری مارکسیست‌ـلنینیستی با جنبش کارگران و جنبش میهن‌پرستی در اوایل سال ۱۹۳۰ به‌شکل‌گیری **حزب کمونیست هندوچین*** انجامید.

این رخداده، که نقطهٔ چرخش بینهایت مهم درتاریخ انقلاب ویت‌نام شمرده می‌شود، نشان داد که طبقهٔ کارگر مابلوغ حاصل کرده بود وتوان آن داشت که مبارزهٔ انقلابی را رهبری کند.

برروی هم، حزب ما ازخلال مراحل بدین شرح گذرکرده است:

— فعالیت زیر زمینی؛
— راهبری **انقلاب اوت** به‌پیروزی؛
— رهبری جنگ مقاومت به‌ظفرمندی؛ و
— مرحلهٔ کنونی رهبری انقلاب سوسیالیستی در شمال ومبارزه برای تجدید وحدت‌کشور وتکمیل انقلاب دموکراتیك ملی در سرتاسر سرزمین.

در آغازکار، حزب ما تقریباً طی پانزده سال ناگزیر بود که کار زیرزمینی را دنبال گیرد. طی این مدت باپی‌گردی بی‌وقفه ودددمنشانهٔ استعمارگران فرانسوی روبرو شد. زندانهای **پوئولو کوندور** (Paulo Conder) ، **لائو بائو** (Lao Bao) و **سون لا** (Son La) ازکمونیست‌ها انباشته شد. بسا کادرهای و اعضای حزب بمرگی دلیرانه در مبـارزه جان باختند. ما، اما، به‌پیروزی نهایی حزب وانقلاب سخت باور داشتیم وصفوف‌مان ازلحاظ قدرت‌به‌رشد وبالندگی ادامه داد.

حزب ازآغاز پای گرفتن خود پرچم انقلاب دموکراتیك ملی را برافراشت وجنبش آزادیبخش ملی را رهبری کرد. درآن زمان طبقهٔ فئودال بدامپریالیست‌ها تسلیم شده بود ودرهمان حال بورژوازی رخ‌باخته برای بقا درطلب آن بود که با امپریالیزم از در سازش درآید. قشر خرده بورژوا برغم غیرت وحمیت خود در بن‌بستی ایده‌ئولوژیی درافتاده بود. تنها، **طبقهٔ کارگر**، آری، این دلیرترین وانقلابی‌ترین طبقه، پای مبارزه با امپریالیست‌های استعمارگر مردانه ایستاد. طبقهٔ کارگر مجهز بتئوری انقلابی پیشرفته وتجربهٔ جنبش بین‌المللی پرولتاریا اثبات کرد که تواناترین وقابل اعتمادترین رهبر خلق ویت نام است.

* این حزب، از مارس ۱۹۵۱ حزب کارگران ویت‌نام شد. م.

حزب، ملهم ازروح وجوهر مارکسیزم– لنینیزم خط انقلابی درستی طرح کرد. دراوایل سال ۱۹۳۵، دربرنامهٔ خود درباب انقلاب دموکراتیك بورژوایی وظیفهٔ مبارزه علیه امپریالیستها و فئودالها برای استقلال ملی و تحقق شعار حزبی: «زمین برای برزگران» رابصراحت اعلام‌کرد. این‌برنامه بتمام وکمال پاسخگوی خواستهای دهقانان بود که اکثریت مردم را تشکیل می‌دادند. برین سیاق حزب ما موفق شد که نیروهای گران انقلابی را پیرامن‌طبقهٔ کارگر متحد کند، درحالی‌که احزاب طبقات‌دگریا با شکست روبرو می‌شدند یا خود را منزوی می‌یافتند. نقش برجستهٔ حزب ما، حزب طبقهٔ کارگر، بدینسان بی‌وقفه یك‌پارچه وتقویت شد.

حزب کمی بعد ازشکل‌گیری خود جنبش توده‌یی عظیم بی‌مانندی را در کشورما سازمان داده، رهبری کرد: جنبش برپایی **شوراها در استانهای نگه آن (Nghe An) و هاتین (Ha Tinh)** .کارگران و دهقانان درین استانها بپاخاستند و یوغ امپریالیستی و فئودالی گسستند، حاکمیت کارگر– دهقان –سرباز را مستقر کردند وبرای زحمتکشان آزادیهای دموکراتیك اعلام نمودند.

گرچه امپریالیستها جنبش را در دریایی ازخون غرق کردند، مبارزهٔ جنبش از قهرمانی وقدرت انقلابی توده‌های زحمتکش ویت‌نام گواهی می‌داد. برغم این شکست، جنبش نیروهایی بظهور آورد کـه ظفرمندی **انقلاب اوت** را تأمین کردند.

هنگامی که، بسال ۱۹۳۵، تهدید فاشیزم وخطر جنگی جهانی عیان گشت، حزب ما با جبههٔ دموکراتیك ضد فاشیست جهان و **جبههٔ خلق فرانسه** وحدت کرد وبرای شکل‌بندی **جبههٔ دموکراتیك علیه فاشیزم و ارتجاع استعماری در هندوچین**، جنبش توده‌یی فراگیری ابتکار نمود و اقدامات توده‌یی را که طالب آزادیهای دموکراتیك واوضاع بهتر زندگی بود، رهبری کرد. این‌جنبش میلیون‌ها تن ازمردم را دربرگرفت وشعور سیاسی آنان را بیدار کرد. اعتبار حزب بالاگرفت ودرمیان زحمتکشان ریشه‌های عمقی دواند.

کمی بعد از درگرفتن لهیب آتش **جنگ جهانگیر دوم**، ویت نام بداشغال تجاوزکاران ژاپنی درآمد، ژاپونیان درطلب آن بودند که ازراه تبانی وبهم‌سازی با استعمارگران فرانسوی برسرزمین ما سیطره یابند. حزب بموقع تاکتیکهای خود را تغییر داد. **ویت مینه (مجمع استقلال ویت‌نام)**

وسازمانهای توده‌یی برای رهایی ملی بسال ۱۹۴۱ ایجاد شد بدین‌نیت‌که تمام نیروهای میهن‌پرست را در جبههٔ واحد ضد فاشیستی وضد استعماری گردکند. حزب موقتاً شعار انقلاب ارضی خود را معلق گذاشت وکارخود را بهواداری ازاجاره‌های نازل ونرخهای پایین بهره، مصادرهٔ اراضی متعلق بدامپریالیستها وخائنان وانتقال آنها بدهقانان محدود کرد و برین‌شیوه درطلب‌آن برآمدکه تمام نیروها را درمبارزه علیه امپریالیستها و نوکران آنان متحد کند، نظر عناصر میهن‌پرست در میان طبقهٔ مالکان زمین را جلب نماید وجبههٔ **ملی برای رهایی میهن** را گسترش دهد.

سیاست درست حزب رشد جنبش انقلابی را افزونتر کرد. پایگاه‌های مقاومت برپا شد واولین واحدهای آرتش رهایی‌بخش ویت‌نام شکل گرفت. حزب **جنگ چریکی علیه تاخت‌آوران ژاپنی** را در هماهنگی با مبارزهٔ بین‌المللی ضد فاشیستی آغاز نهاد.

این امر سبب شد که درخزان سال ۱۹۴۵، بیدرنگ پس ازآن‌که آرتش سرخ شوروی فاشیزم را درهم کوفت، **قیامی ملی برای کسب قدرت** برپا شود. **انقلاب اوت** سال ۱۹۴۵ مظفر گردید. **جمهوری دموکراتیك ویت نام** پای بعرصه گذاشت.

بسال ۱۹۴۵حزب ما، که ازچند گروه رزمنده شکل گرفته و در کوران مبارزات صعب آب وگلش نواخته شده بود، تنها ۵۰۰۰ تن عضو داشت که شماری ازآنان در زندان بسر می‌بردند. اما دیگر آن تاب‌وتوان یافته بود که خلق را متحد کند وقیام آنان را بسرمنزل فیروزی رساند. باری، این پیروزی عظیمی بود ازبرای خلق ویت‌نام و نیز نخستین ظفرمندی شمرده می‌شد که برپایهٔ مارکسیزم–لنینیزم دریك مستعمره حاصل آمد.

کمی بعد از انقلاب اوت، حکومت فرانسه موافقت‌نامه‌هایی را که با ما امضاء کرده بود نقض کرد ولگام جنگی تجاوزکارانه را درکنام سرزمین ما گسست.

درآن زمان کشور درتنگناهای سهمناکی تقلا می‌کرد. ما هنوز از قحطی دهشتناکی که امپریالیزم فرانسه وفاشیزم ژاپن باعث آن بود کمر راست نکرده بودیم. خصم نیروهای قابل توجه زمینی، دریایی و هوایی مجهز بساز وبرگهای مدرن دراختیار داشت. ما تنها نیروهای کم‌شمار تازه تأسیس زمینی، تجهیزات ناچیز واندك تجربهٔ رزمی‌داشتیم.

اما حزب قاطعانه برآن شد که مقاومت را سازمان دهد وهمزمان مبارزهٔ میهن‌پرستانه را رهبری کند وقدرت وتوانایی خلق را بپرورد. درآغاز کار، سیاست کاهش اجارهٔ زمین ونرخ بهره را دنبال کرد. هنگامی که مقاومت دامن گسترد وبدین امرنیازافتاد که نیروهای مردم، عمداً دهقانان، فزونی بیشتری یابند، خلق را برای **اصلاحات ارضی واجرای کامل شعار: «زمین ازآن برزگران»** قاطعانه بسیج کردیم. درسایهٔ این سیاست‌درست، نیروهای مقاومت بسرعت رشد یافتند وپیروزیهای مکرری بدست‌آوردند.

خلق ما طی نزدیك به‌هشتاد سال بدست استعمارگران فرانسوی بیرحمانه‌استعمار شده، تحت ستم قرار گرفته بود. در آغاز کارزارمیهن‌پرستی، برخی واحدهای آرتش ما تنها به‌چماقهای خیزران مسلح بودند. اما درآتشگاه نسال مقاومت آبدیده شده بودیم. خلق ما در بلوکی آهنین‌سان متحد شد. واحدهای منظم، رسدهای ناحیه‌یی ورزمندگان (میلی‌شیا) خلق در قالبی ازآرتش قهرمانان برجوشیدند وبرزم وپیروزی عزم‌کردند.

وحدت منسجم وجانبازیهای قهرمانانهٔ آرتش وخلق ما در تابستان سال ۱۹۵۴ به‌پیروزی تاریخی **دین بین فو** انجامید. سربازان استعمارگر فرانسوی نه روی قرار داشتند ونه‌پشت فرار، ناچار با آتش‌بس موافقت کردند. توافق‌نامه‌هایی که در **ژنو** امضاء شد براساس شناسایی استقلال، حاکمیت و تمامیت‌ارضی خلقهای هندوچین، صلح را از نو مستقر کرد.

برای نخستین‌بار درتاریخ، مستعمره‌یی کوچك قدرت استعماری بزرگی را منهزم کرده بود. این ظفرمندی هستی‌خیز نه‌تنها از آن‌خلق ما بل ازآن نیروهای صلح، دموکراسی وسوسیالیزم جهان بود.

باردگر مارکسیزم‌ـ لنینیزم راه طبقهٔ کارگر وخلق ویت نام را روشنی بخشید وآنان را در مبارزهٔ خویش ازبرای رهایی سرزمین و پاسداری ازفراهم‌آورده‌های انقلابی خود به‌پیروزی رهبری کرد.

از هنگام استقرار صلح، ویت نام با وضع تازه‌یی روبرو شده است: کشور موقتاً بدوبخش تقسیم می‌شود. سوسیالیزم در شمال بنا می‌گردد که هم‌اکنون سربسر آزاد گشته‌است، درحالی‌که امپریالیست‌ها و پادوهای آنان هم‌اینك برجنوب فرمان می‌رانند وسرآن دارندکه آن خطه را به‌مستعمرهٔ امریکا وپایگاه نظامی تبدیل کنند بدین قصد که شراره‌های جنگ را ازنودامن زنند. اینان میهن‌پرستان جنوب را دژخیمانه سر می‌کوبند، موافقت‌نامه‌های ژنو را بیشرمانه نقض می‌کنند واز برگزاری

کنفرانس مشورتی بمنظور برگزاری انتخابات آزاد وتجدید وحدت مسالمت‌آمیز کشور لجوجانه جلو می‌گیرند. اینان سفاکترین دشمنان خلق‌ماهستند.

در اثر این وضع، **دو وظیفه** هم‌اکنون فراپیش‌روی انقلاب ویت‌نام قرار می‌گیرد: اول، بنای سوسیالیزم در شمال، ودوم تکمیل انقلاب دموکراتیك ملی در جنوب. این وظایف هدفی مشترك دارد: تقویت‌صلح و هموارى راه برای تجدید وحدت برپایهٔ استقلال ودموکراسی.

این چنین است‌که **پانزدهمین اجلاس کمیتهٔ مرکزی حزب کارگران ویت‌نام** وظایفی را برشمرد که پیش پای تمام خلق ما قرار دارد: «پاك پارچگی وحدت ملی، مبارزه‌یی بی‌امان برای تجدید وحدت کشوربرپایهٔ استقلال ودموکراسی، تکمیل انقلاب دموکراتیك ملی در سراسر کشور؛ تقویت شمال وراهبرد آن به‌سوسیالیزم؛ بنای سرزمینی صلح‌آمیز، وحدت یافته، مستقل ، دموکراتیك وکامکار؛ ادای سهم موثر در دفاع ازصلح در هندوچین، **آسیای جنوب شرقی** و سرتاسر جهان.»

شمال ویت نام موظف است که بسوی سوسیالیزم پیش رود. **خصیصهٔ برجستهٔ دورهٔ انتقالی در ویت‌نام** برای سرزمین کشاورزی ما که ازحیث اقتصادی عقب‌مانده این است که با پشت‌سرگذاشتن مرحلهٔ تکامل سرمایه‌داری، مستقیم بسوی سوسیالیزم پیش رویم.

امپریالیست‌های فرانسوی برای ما اقتصادی نابهنجار باقی‌گذاشتند. مزرعه‌داری کوچك دهقانی با شگرد (تکنیك)های بس واپس مانده در نواحی روستایی ما رواج داشت. تنها کارهای کوچك وپراکندهٔ صنعتی بچشم می‌خورد. پانزده سال جنگ، اقتصاد را خرابتر کرد. استعمارگران پیش از واپس‌نشینی از شمال ویت‌نام با خرابکاری اقتصادی وضع را ازین نیز بدتر کردند.

درین اوضاع واحوال وظیفهٔ اصلی ما این است که **پایگاه مادی وفنی سوسیالیزم** را بنا کنیم، بتدریج شمال را بسوی سوسیالیزم سوق دهیم و ازبرای آن صنعت و کشاورزی امروزینه و فرهنگ‌وعلوم پیشرفته مهیا سازیم. درین پویش (پروسه) انقلاب سوسیالیستی، باید اقتصاد دیرین را متحول سازیم واقتصادی نوین ایجاد کنیم و کار ساختمانی در درازمدت وظیفهٔ الزامی شمرده‌می‌شود.

دورهٔ میان سال‌های ۱۹۵۷ و۱۹۵۵، دورهٔ احیای اقتصادی بود.

وظیفهٔ عمده این بود که برای التیام زخمهای ناشی ازجنگ، کشاورزی و صنعت را از نو جان‌بخشیم، اقتصاد را تثبیت کنیم و در جهت بهبودی سطح زندگی خلق گامهای اولیه را برداریم.

در سایهٔ تلاشهای تمام حزب وخلق وکمکهای بی‌شایبه‌یی که کشورهای برادر در اختیار ما نهادند، این وظیفه تاپایان سال ۱۹۵۷ بطورکلی تکمیل شد. سطح بازدهٔ صنعتی وکشاورزی بتقریب در سطح سال ۱۹۳۹ بود. نتایج موثر در بالارفتن محصولات خوراکی حاصل آمد: شمال ویت نام، که بسال ۱۹۳۹ کمتر از ۲۵۰۰۰۰۰ تن شلتوك تولید کرد، در سال ۱۹۵۶ ۴۰۰۰۰۰۰ تن برداشت نمود.

نیز این دوره در **روابط تولید** تغییرات ریشه‌یی (رادیکال) را شاهد بود. روابط نوین تولید اندك اندك جای روابط دیرین را گرفت. اصلاحات ارضی دستگاه مالکیت ارضی فئودالی را برچید و نیروهای تولیدی نواحی روستایی را رهاند. رویای گرانقدر ده میلیون واندی تن دهقان بحقیقت پیوست: زمین به‌آنان تقسیم شد. انحصار (مونوپولی) اقتصادی امپریالیست‌ها ازمیانه برخاست. دولت ما اهرمهای اقتصادی را بدست گرفت واقتصادی دولت مدار (State - run economy) باخصلت سوسیالیستی بنا کرد ورهبری را دربست به‌اقتصاد ملی سپرد. به‌یمن کمك سخاوتمندانه وبی‌طمع کشورهای سوسیالیستی، پیش ازهمه اتحاد شوروی وچین بیست ونه بنگاه صنعتی قدیمی تجدید تجهیزات شد وپنجاه وپنج بنگاه جدید بنا گردید.

دهقانان دربسا نقاط تیمهای مبادلهٔ کار، این‌شکل جنینی سوسیالیزم را برپا کردند. شماری تعاونیهای کشاورزی تجربی شکل گرفت وحدود ۱۵٫۷ درصد ازصنعتگران به‌گروههای تولید پیوستند.

صنایع وتجارت سرمایه‌داری خصوصی در اشکال پائین یا متوسط چرخش بسوی سرمایه‌داری دولتی را آغاز کردند: مطابق دستور عملهای حکومت کار می‌کردند، از مواد خامی که دولت فراهم می‌نمود استفاده می‌نمودند وبه‌سازمانهای تجاری عمده‌فروش دولتی کالا می‌فروختند و جز اینها.

پس ازاتمام کاراحیایی، حزب، مردم را درجهت اجرای برنامهٔ سه ساله (۱۹۶۰ ــ ۱۹۵۸) رهبری کرد. این برنامه ناظر است برتحول سوسیالیستی کشاورزی صنایع دستی وصنعت وتجارت‌سرمایه‌داری‌خصوصی، حلقهٔ اتصالی اصلی، دگرگونی وتکامل کشاورزی است که برای صنعتی

شدن کشوراسباب واوضاعی پدید خواهد آورد. صنعت وتجارت خارجی تنها می‌تواند برپایهٔ ایجاد رونق کشاورزی سوسیالیستی توسعه یابد. در برنامه سدساله، تحول سوسیالیستی مسألهٔ اصلی است. برنامه پیش گفته هرگاه در نتیجهٔ تلاشهای متمرکز ما کامل شود، برای بنای سریع‌سوسیالیزم اوضاع دلخواهی بوجود خواهد آورد. سیاست حزب برای تحول سوسیالیستی کشاورزی این است که بتدریج دهقانان منفرد را ازتیمهای مبادلهٔ کار (شکل‌جنینی سوسیالیزم) به‌تعاونیهای کشاورزی سنخ نازلتر (نیمه سوسیالیستی)، ودست‌آخر به‌تعاونیهای سنخ عالیتر (سوسیالیستی) ارتقا دهد.

نواحی روستایی پرجمعیت شمال ویت نام از لحاظ مساحت کوچك است: وابزار کشت وزرع کهنه ومنسوخ، وبارآوری کار در سطحی نازل قراردارد. با تجدیدسازمان‌دهی و بهبودی شگرد و مدیریت بسادگی‌می‌توان بارآوریی بمراتب عالیتر ازمزرعه‌داران منفرد حاصل‌کرد. دهقانان ما ازین نکته آگاهند. ازینها گذشته، سنتهای انقلابی وبه‌حزب اعتماد راسخ دارند و آماده‌اند که به‌فراخوانهای آن پاسخ مثبت دهند. بنابرین بی‌علت نیست که با شور وغیرت به‌تیم‌های مبادلهٔ کار وتعاونیهای کشاورزی می‌پیوندند وراه سوسیالیستی پیش می‌گیرند. تعاونیها اکنون بیش از۴۰ درصد از خانوارهای دهقانی را در برمی‌گیرد.

یك پارچگی روابط تولید سوسیالیستی بدون شك پیشرفت‌کشاورزی را تأمین می‌کند واین بنوبهٔ خود تکامل صنعتی را گسترش می‌دهد که بدون آن نواحی روستایی نمی‌تواند وسایلی برای نگهداری منابع آب، کودها، ابزارهای بهتر کشتکاری، ماشینهای کشاورزی ونیروی برق مورد نیاز را بدست آورد.

دیگر وظیفهٔ حایز اهمیت زیاد **تحول مسالمت‌آمیز سوسیالیستی بورژوازی ملی است.** سیاست ما، در زمینهٔ اقتصادی **بازخرید** وسایل تولید این طبقه است ونه‌مصادرهٔ آن.* در زمینهٔ سیاسی، بورژوازی ملی‌حقوق

* **فردریش انگلس** در مقالهٔ خود تحت عنوان «مسألهٔ دهقانی در فرانسه و آلمان» نوشت: «بمحضی که حزب ما قدرت سیاسی را بدست گیرد همین قدر باید از مالکان بزرگ همانند صاحبان صنایع در صنعت سلب مالکیت کند. خواه برای سلب مالکیت غرامتی پرداخت شود یا نه این امر تا حد زیادی نه به‌ما بل که به مقتضیاتی بستگی دارد کـه در راستای آن ما قدرت را بدست می‌آوریم و بویژه به‌گرایشی بستگی می‌یابد که این نجبا، یعنی مالکان بزرگ اتخاذ می‌کنند. ما

ومقام معقولی در **جبههٔ سرزمین اجدادی** دارد.

درگذشته، بواسطهٔ موقع مستعمراتی سرزمین ویت‌نام، بورژوازی ملی کوچك وضعیف‌ما بدست امپریالیست‌ها وفئودال‌ها زیر فشار منگنه قرار گرفت ونتوانست رشد کند. بدین سبب شمار قابل توجهی از اعضای این طبقه بمبارزهٔ ضد امپریالیستی وضد فئودالی زحمتکشان پیوستند ودرجنگ میهنی شرکت جستند. این روی مثبت این‌طبقه است. با این حال، بورژوازی ملی، بنابرسرشت طبقاتی خود در چشم‌پوشی ازبهره‌کشی اکراه دارد وهنوز دل بدین‌خوش می‌کند که در راستای‌خطوط‌سرمایه‌داری پیشرفت کند. اما پیشروی ما بسوی سوسیالیزم این امکان را بی‌ربط می‌کند. بورژوازی ملی درمی‌یابد که تنها با قبول دگرگونی‌سوسیالیستی می‌تواند جای خود را در خاندان بزرگ ملی حفظ کند. بیشترین اعضای این طبقه آگاهند که پذیرش صمیمانهٔ این دگرگونی به‌آنان رخصت‌خواهد داد که در بازسازی ملی وبنای سوسیالیستی در کنار زحمتکشان شرکت جویند. این تنها راه افتخارآمیز آنان است.

فراهم‌آورده‌های ما در حوزهٔ آموزش وپرورش شایان تقدیر است. درحالی که ۹۵ درصد مردم ما در عهد حکمرانی فرانسویان بیسواد بودند، بیسوادی اکنون بطورکلی در شمال ویت نام ریشه‌کن شده است.

در زیر ارقامی چند ازنام‌نویسی مدارس ارایه می‌گردد:

	۱۹۳۹ در تمام هندوچین	۱۹۶۰–۱۹۵۹ تنها در ویت نام شمالی
دانشگاه‌ها	۵۸۲	۸۵۱۸
مدارس فنی	۴۳۸	۱۸۱۰۰
مدارس آموزش عمومی	۵۴۰۰۰۰	۱۵۲۲۲۰۰

بهیچوجه امر غرامت را بهرحال غیر مجاز نمی‌شمریم؛ و مارکس بمن گفت (و چندین بار!) که بگمان او برای ما ارزانتر تمام خواهد شد اگر بتوانیم تمام‌وسایل کسب آنان را بخریم.» (ف. مارکس و ف. انگلس، مجموعهٔ آثار، ج. ۳، مسکو، ۱۹۷۵، ص. ۴۷۴). م.

داده‌های زیر به‌کار بهداشت مربوط است

	۱۹۳۹ شمال ومرکز ویت نام	۱۹۵۹ تنها درویت نام شمالی
بیمارستانها	۵۴	۱۳۸
مراکز بهداشتی روستایی	۱۳۸	۱۵۰۰
پزشکان	۸۶	۲۹۲
پرستاران	۹۶۸	۶۰۲۰
کارکنان بهداشت عمومی درنواحی روستایی		۱۶۹۰۰۰

به‌بیانی‌ساده، هدف سوسیالیزم این است که زحمتکشان را ازتنگدستی برهاند، برای آنان کار ایجاد کند و آنان را خرسند و سعادتمند سازد. وظیفهٔ حزب وخلق این است که تولید را افزایش دهند وصرفه‌جویی پیشه‌کنند ودرجهت تولید بیشتر وسریعتر وبهتر واقتصادی‌تر از هیچ تلاشی دریغ نورزند. درین‌صورت برنامه‌های دولتی یقیناً بتمام وکمال اجرا می‌شود وزندگی خلق بطور مسلم بی‌وقفه بهبود می‌یابد.

برپایهٔ ترقیهایی‌که صورت می‌گیرد، باید برای برنامه‌های درازمدت آینده آماده شویم.

توفیقهای فوق بواسطهٔ عواملی بشرح زیر بوده است:

۱. حزب ما، که همیشه برپایگاه استوار طبقهٔ پرولتاریا متکی بوده ونسبت به‌منافع این طبقه ومردم وفاداری مطلقی نشان داده است، تئوری مارکسیست– لنینیستی را با اوضاع ویت‌نام بدرستی منطبق کرده و سیاستها و مشی‌های بی‌نقصی درانداخته است. حزب با گرایشات اصلاح‌طلبی (رفرمیستی) بورژوازی و ماجراجویی (آوانتوریزم) سیاسی غیر خرده‌بورژوازی در جنبش ملی وعبارت‌پردازی «چپ» تروتسکیست‌ها درجنبش کارگری وانحرافات راست و «چپ» در حزب، در هردوصورت کمال‌بخشی و اجرای استراتژی‌های مختلف انقلابی و تاکتیك‌های مرحله‌یی بی‌وقفه مبارزه کرده است. مارکسیزم– لنینیزم به‌ماکومك نموده است‌که درین آزمونها با موفقیت روبرو شویم. این امر حزب ما را قادر ساخته –

است که نه‌تنها رهبری انقلاب در سراسر کشور را از آن‌خود سازد بل این رهبری را نیز در همهٔ زمینه‌ها حفظ نماید وتمام تقلاهای بورژوازی را درمقابله با ما برای نقش رهبری بی‌اثر وخنثی کند.

۲. ما با چراغ تئوری مارکسیست‌ـلنینیستی دریافته‌ایم که درکشور عقب‌ماندهٔ کشاورزیی نظیر ویت‌نام، مسألهٔ ملی در عمق همانا مسألهٔ دهقانی است وانقلاب ملی، اساساً، انقلاب دهقانی است که تحت رهبری طبقهٔ کارگر پی‌گرفته می‌شود وقدرت خلق لزوماً قدرت کارگرـ دهقان است. حزب ما، در هر مرحله **مسألهٔ دهقانی را بدقت دریافته وبدرستی حل کرده است و اتحاد کارگر ـ دهقان را تقویت نموده‌است.** نیز با انحرافات راست و «چپ» که نقش دهقانان درانقلاب را کم‌بها می‌دهند سخت ستیزیده است، انحرافاتی که واقف نیست‌که دهقانان نیروی عمدهٔ‌انقلاب‌واصلی‌ترین وقابل اعتمادترین متحد پرولتاریا وهمان نیروی اساسی است که همراه با پرولتاریا سوسیالیزم را بنا خواهد کرد. تجارب انقلابی‌حزب نشان‌می‌دهد که در هرمورد وقتی کادرهای آن تصمیمات درستی اتخاذ کردند که خواستهای عمیق دهقانان را اجابت نمود و اصل اتحاد میان طبقهٔ کارگر ودهقان را قوام بخشید، انقلاب پیشرفت استواری داشت.

۳. حزب در گردهمآری تمام نیروهای میهن‌پرست و ترقیخواه در **جبهه متحد ملی** وتحقق وحدت ملی برراستای مبارزهٔ ضد امپریالیستی‌و ضدفئودالی موفق بوده است. کارگران و دهقانان نیروی عمدهٔ وحدت ملی شمرده می‌شوند واتحاد آنان اساس جبههٔ متحد ملی را شکل می‌بخشد. حزب در شکل‌گیری، یك‌پارچگی وگسترش جبههٔ متحد ملی همیشه ازیك جانب بافرقه‌گرایی وانزواجویی (ایزولاسیونیزم) وازجانب دگرباسازش غیراصولی مبارزه کرده است. سی سال تجربه در وحدت بخشیدن بنیروهای ملی نشان می‌دهد کـه تنها باتکای این مبارزهٔ دوگانه علیه گرایشات یاد شده می‌توان نقش رهبری حزب در جبههٔ متحد ملی را تأمین کرد و پای‌بست کارگری‌ـ دهقانی آن را تقویت نمود وصفوف جبهه را گسترد.

۴. حزب ما در اوضاع مساعد بین‌المللی که در سایهٔ **پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر شوروی** پدید آمد با گامهای مستحکم بلوغ یافته و پیشرفت کرده است. تمام دستاوردهای حزب وخلق ما از حمایت‌برادرانهٔ اتحاد شوروی، خلق‌چین ودیگر کشورهای سوسیالیستی، جنبش کمونیستی و کارگری بین‌المللی و جنبش رهایی‌بخش ملی وازنهضت صلح درجهان جدایی ناپذیر است. اگر ما تاب وتب آن داشته‌ایم که برتمامی‌دشواریها

فایق آییم وطبقهٔ کارگر وخلق خود را به‌پیروزیهای شگرف‌کنونی‌راهبری کنیم سبب آن بوده است که حزب، **جنبش انقلابی سرزمین ما را باجنبش انقلابی طبقهٔ کارگر وخلقهای تحت ستم جهان هماهنگ وهمساز کرده است.**

ما از احزاب کمونیست اتحاد شوروی وچین صمیمانه سپاسگزاریم که به‌ما کومك کرده‌اند تا خود را به‌قالب حزب طراز نوین طبقهٔ‌کارگر درآوریم. حمایت بلندنظرانه‌یی را که احزاب کمونیست اتحاد شوروی، چین و فرانسه از حزب و خلق ما در مبارزهٔ انقلابی آنان بعمل آورده‌اند همواره بخاطر خواهیم سپرد.

ازین پس، حزب ما در توازی پیشروی بسوی موفقیتهای تازه در بنای سوسیالیزم در شمال ویت نام وپیکار ازبرای تجدید وحدت کشور، تلاشهای خود را برای تقویت همبستگی بین‌المللی طبقهٔ کارگر پی‌خواهد گرفت وبرقدرت اردوگاه سوسیالیستی برهبری اتحاد شوروی خواهد افزود، خلق خود را با روحیهٔ انترناسیونالیزم سوسیالیستی، که ازمیهن پرستی راستین جدایی‌ناپذیر هست تربیت خواهد کرد وتماسهای میان جنبش انقلابی درسرزمین ما ومبارزه‌یی را که بپایمردی توده‌های‌زحمتکش وخلقهای تحت ستم جهان برای‌صلح، دموکراسی، استقلال ملی‌وسوسیالیزم درمی‌گیرد باستواری گسترش خواهد داد.

درسی سال گذشته ، تغییرات ژرفی در پهنهٔ جهان رخ داده است. نیز تغییرات عظیمی درحزب وخلق ما چهره کرده است.

سی سال پیش، خلق ما زیریوغ استعماری توش وتاب باخته بود. حزب ما تازه پای بعرصهٔ نهاده بود، حزبی قهرمان اما هنوز جوان و نزار بود. اتحاد شوروی، تنها کشور سوسیالیستی موجود، ازتمام جهات درحلقهٔ محاصرهٔ امپریالیزم قرارداشت.

حزب کمونیست چین و**آرتش سرخ**، آماج تاختهای بی‌امان **کومین تانگ** (Kuomingtang) شده بود. دیگر احزاب برادر تنها در آغاز کار خویش بودند. امپریالیزم براریکه حکومت‌پنج‌ششم‌جهان تکیه زده بود و راه فاشیزم را درمی‌نوردید.

دریك کلام، اکثریت بشریت درآن روز وروزگار در چنبرهٔ ستمکاری سرمایه‌داری دست وپا می‌زد.

اکنون، اما، وضع تغییر کرده است وجهان با چشم‌اندازهای بس تابناکتری روبرو است.

اتحاد شوروی ، یکی ازبزرگترین قدرتهای کرهٔ خاك، در راه‌بنای کمونیزم گام برمی‌دارد؛ نیز مستحکمترین برج و باروی صلح جهانی شمرده می‌شود.

سوسیالیزم نظام جهانی قدرتمندی شده است که گسترهٔ آن ازاروپا تا آسیا پهن‌گشته وزیاده ازیك میلیارد تن ازمردم را در برمی‌گیرد. هم‌اینك ۸۵ حزب کمونیست وکارگری با ۳۵ میلیون تن عضو برای صلح، سوسیالیزم وکمونیزم قاطعانه مبارزه می‌کنند.

بسا سرزمینهای مستعمرهٔ پیشین اکنون کشورهای مستقلی شده‌اند. جنبش آزادیبخش ملی در هرنقطه سربرمی‌آورد، در آسیا، افریقا و **امریکای لاتین**. امپریالیزم در مردابی ظلمت آشوب هرچه عمیقتر غرق می‌گردد.

شمال میهن ما سراسر آزاد گشته است وجمهوری دموکراتیك ویت نام برخود می‌بالد که عضوی ازخاندان کبیر سوسیالیستی برهبری اتحاد شوروی است. حزب ما، که‌اکنون صدها هزارتن عضو دارد، در کار سازمان‌دهی وبسیج خلق بمنظور بنای سوسیالیزم در شمال ومبارزه برای تجدید وحدت کشور کوشش می‌کند. حزب در جبههٔ پیش قراولان مبارزهٔ انقلابی تمام خلق ما بعزم رزم گام برمی‌دارد. حزب با اعتلای رفیع معیار میهن‌پرستی و سوسیالیزم، خلق ما را درمبارزه برای بنای ویت‌نامی صلح‌آمیز، وحدت یافته، مستقل، دموکراتیك وکامکار قاطعانه‌رهبری می‌کند وبرین سیاق در دفاع از صلح درآسیای جنوب شرقی وجهان دین خود ادا می‌نماید.

حزب، بمنظور اجرای این وظیفهٔ دشوار اما بس پرافتخار باید سطح ایدئولوژیی خود را اعتلا بخشد وتشکیلات خود را مستحکم‌سازد و **رشد صفوفش** را بشیوه‌یی هشیارانه، دقیق و فراگیر در میان توده، پیش ازهمه طبقهٔ کارگر **تأمین کند** بدین‌قصد که جرثومهٔ پرولتری آن پایا وتقویت گردد.

همهٔ اعضای حزب باید در جهت **مطالعهٔ مارکسیزم‌ـلنینیزم جهد** کنند، پایگاه طبقهٔ پرولتاریایی خویش را مستحکم سازند، قوانین تکامل انقلاب ویت‌نام را دریابند، **اخلاق انقلابی خویش را اعتلا بخشند، با فردگرایی مردانه بستیزند، جمع‌گرایی پرولتری را بپرورند**، درکاربرای ساختمان ملی ساعی وصرفه‌جوی باشند، با توده‌های زحمتکش تماسهای

فشرده‌یی برقرار سازند وبرای منافع انقلاب وسرزمین مادری از قعرجان مبارزه کنند.

ساختمان سوسیالیستی در شمال ویت نام ایجاب می‌کند که حزب‌ما از علوم وتکنولوژی دریافتی سزاوار داشته باشد، بنابرین اعضای حزب باید **ازبرای ارتقا سطح فرهنگی، علمی وتکنولوژیی خویش تلاش‌ورزند.**

حزب باید درتمام حوزه‌های فعالیت **رهبری** خود را تقویت کند.

اتحادیهٔ جوانان کارگر درامر سازمان‌دهی وتربیت نسل جوان بر حسب صداقت مطلق نسبت به‌آرمان بنای سوسیالیزم وکمونیزم باید دست راست حزب باشد.

اتحادیه‌های کارگری باید مدرسهٔ راستین دستگاه دولتی، مدیریت اقتصادی وارشاد فرهنگی برای طبقهٔ کارگر باشند.

اتحادیهٔ زنان باید نیروی قدرتمند کمك به‌حزب‌درجهت بسیج، سازماندهی ورهبری زنان درپیشروی بسوی سوسیالیزم باشد.

تعاونیهای کشاورزی تحت رهبری حزب باید به‌سپاهیان سترگی تبدیل شوند که بیش از ده میلیون‌تن دهقان را دربرمی‌گیرند وبرای افزایش تولید، ارتقا سطح زندگی، اعتلای شعور سوسیالیستی وبنای نواحی پررونق روستایی مبارزه کنند.

وظیفهٔ **آرتش خلق** ما این‌است‌که با پشتکار سطح سیاسی و فنی خود را بالابرد، ازخود نیرویی هرچه پرتوانتر بسازد وآماده باشد که ازمیهن خود وکارصلح آمیز خلق ما دفاع وحراست کند.

بگذار حزب ما زیر پرچم مارکسیزم‌ـلنینیزم با روحیهٔ شورانگیز آرتشی شکست‌ناپذیر هرچه فشرده‌تر متحد شود وزحمتکشان ما را در مبارزه برای ساختمان سوسیالیستی در شمال وتجدید وحدت کشور بسوی ظفرهای نو دلیرانه رهبری کند.

زنده‌باد حزب کارگران ویت نام!

برقرار باد ویت نامی صلح‌آمیز، وحدت یافته، مستقل، دموکراتیك وکامکار!

پاینده باد سوسیالیزم!

مستدام باد صلح جهانی!

سخنرانی در
نخستین جلسهٔ مبارزان فرهنگی

(۱۱ فوریه، ۱۹۶۵)

برای پیشروی بسوی سوسیالیزم باید اقتصاد وفرهنگ خویش را گسترش دهیم. چرا نمی‌گوییم: فرهنگ واقتصاد خود را گسترش‌دهیم؟ زیرا ضرب‌المثلی داریم که می‌گوید: «دل‌گرسنه ایمان‌سرش‌نمی‌شود.»* بنابرین اقتصادیات اول قرار می‌گیرد. اما چرا اقتصاد وفرهنگ ما باید گسترش‌یابد؟ زیرا باید سطح مادی وفرهنگی خلق خود را اعتلا بخشیم. شما درکارتولیدی وفعالیتهای فرهنگی مبارزه می‌کنید. خوب‌کاری می‌کنید. فرهنگ باید بشیوه‌یی عملی در خدمت مردم قرار گیرد؛ و دربنای زندگی باصفا وسالم برای توده‌ها باید ادای دین کرد. مثلا در خصوص زندگی نو وفضایل انقلابی باید خلق خویش را تربیت کنیم. در جنبش «درختکاری» در تت (Tet = سال نو قمری. م)، باید شیوههای موثر کاشت وداشت درختان را توده‌گیرکرد. شما در بسا نقاط درخصوص این موضوع اشعار وترانه‌هایی با محتوی دلنشین وتأثیردلاویز سروده‌اید. اجازه دهید درین مورد ازشما تجلیل کنم. فرهنگ باید باکار وتولید سخت درآمیزد. جدایی اززندگی وکار، بی‌ثمری وسترونی ببار می‌آورد. یك کادر فرهنگی باید ازفرهنگ بهره‌بجوید تا پشتکار و صرفه جویی در بنای کشور را اعتلا بخشد، بنای کشور نیز یعنی ساختن سوسیالیزم درشمال ومبارزه برای تجدید وحدت ملی. برای مثال، درمیان اعضای تعاونیهای کشتکاری، کار فرهنگی باید برآن سرباشد که جد وجهد وصرفه‌جویی دربنای تعاونیها را ارتقا بخشد وآنها را بسان منزل خود تنگ دربرگیرد؛ باهرگونه گرایش به‌اقتصاد فردی ودیگر تفکرات واپس ماندهٔ مضر به‌حال یك پارچگی وگسترش تعاونیها باید از درمخالفت

* اصل ضرب‌المثل ویت‌نامی چنین است: «قبل ازین کـه رسالتی نکو داشت باید قوتی برای خوردن یافت.» م.

درآید. کارفرهنگی، دربنگاهها باید برین روال باشد که آن حسی را به‌کارگران الهام بخشد که اربابان جمعی کارخانه‌های خویش باشند، جان‌مایهٔ جنبش هم‌چشمی در اجرای برنامهٔ دولت را به‌آنان تفهیم کند، ملازمت وصرفه‌جویی در بنای صنایع کشور را بالا برد وباحیف ومیل‌و اسراف بستیزد...

باجمال، برای خدمت به‌انقلاب سوسیالیستی، فرهنگ باید درمحتوی سوسیالیستی ودرقالب ملی باشد.

برای کار درین شیوه مصمم هستید؟

در اوضاع‌کنونی، ما هنوز با بسا مشکلات روبروییم، سطح فرهنگی کادرها ومردم ما هنوز پایین است وهمین امر در کار وتولید ما بسی محدودیتها پدید می‌آورد. وظیفه شما این است‌که بازهم بیشترکوشش کنید تا ازین راه معیارها وسطح فرهنگی خلق ما اعتلا یابد.

راهی که مرا به‌لنینیزم* رهنمون شد

(آوریل ۱۹۶۵)

پس از **جنگ جهانگیر اول**، یکچند کار دستیاری عکاس وچندی شغل نقاشی «عتیق‌های چینی» را (که حجره‌یی فرانسوی تولیدمی‌کرد) درپاریس مایهٔ‌گذران زندگی کردم. گاه نشریاتی پخش می‌نمودم کـه جنایات ارتکابی استعمارگران فرانسوی در ویت نام را محکوم می‌کرد.

درآن ایام، از **انقلاب اکتبر** خودبخود جانبداری می‌کردم. هنوز تمام اهمیت تاریخی این انقلاب را درنمی‌یافتم. نسبت به‌**لنین** عشق‌واحترامی حس می‌کردم زیرا میهن‌پرستی بزرگ بود و هم‌میهنانش را آزاد کرده بود؛ تاآن‌موقع هیچ‌یك ازکتابهای اورا نخوانده بودم.

علت پیوستن من به **حزب سوسیالیست فرانسه** این بود کـه آن «خانمها وآقایان» ــ رفقایم را درآن روزها بدینگونه مخاطب می‌ساختم ــ همدردی خویش را بامن وبا مبارزهٔ خلقهای تحت ستم نمایانده بودند. اما هنوز ازین‌معنا که حزب، اتحادیهٔ کارگری، سوسیالیزم و کمونیزم کدام صیغه است سر درنمی‌آوردم.

درآن زمان در هسته‌های حزب سوسیالیست در خصوص این‌که آیا باید در **بین‌الملل دوم** باقی ماند، بین‌المللی «دوونیم!» برپا کرد یـا به‌**بین‌الملل سوم** لنین پیوست مباحثات داغی درگرفته بود. درین جلسات بطور منظم، دویا سه‌بار در هفته حضور می‌یافتم وسراپاگوش در بحـر سخنرانان فرومی‌رفتم. اوایل مطلب هیچ دستگیرم نمی‌شد. چرا مباحثات باید اینقدر داغ وعصب‌کوب باشد؟ در هرحال با بین‌الملل دوم، دوونیم یا سوم، انقلاب می‌بایست ساز می‌شد. چرا قیل وقال؟ وتازه بین‌الملل اول چگونه بود؟ ازآن‌چه حاصل آمده بود؟

---

* این مقاله بمناسبت نودمین سالروز تولد لنین برای نشریهٔ روسی مسایل **خاور** نوشته شد. (و.).

آنچه من بیش ازهمه درطلبش بودم ــ ودرآن جلسات اصلا مطرح نمی‌شد ــ این‌بود: کدام بین‌الملل جانب خلقهای سرزمینهای مستعمره را گرفت؟

در جلسه‌یی‌این سؤال را ــ که از نگاه من مهمترین مسأله بود ــ پیش کشیدم. بعضی رفقا پاسخ دادند: سومین، و نه دومین بین‌الملل. زیدی جزوهٔ «تزهایی درباب مسایل ملی و مستعمراتی» اثر لنین را بدستم داد که در **اومانیته** (ارگان حزب کمونیست فرانسه. م) چاپ می‌شد.

درین تزها، اصطلاحات سیاسیی وجود داشت که درکشان را دشوار می‌کرد. اما با مطالعهٔ مکرر در مکرر آن بالاخره توانستم بخش ضروری مطلب را دریابیم. تزها غریب تاثیر عاطفی، شورانگیز، روشنگر واعتماد در من انگیخت! از سر ذوق گریه سردادم. تنها در کنج اتاقم نشستم، دلم می‌خواست فریاد سردهم چندان که گفتی برای جماعتی‌عظیم سخنرانی می‌کنم که«آی! هم‌میهنان شهید عزیز! این است آنچه ما لازم داریم، این چراغ راه رهایی ما است!»

از آن پس، به‌لنین، به **بین‌الملل سوم** اعتمادی کامل یافتم.

پیشترها، بهنگام جلسات هسته‌یی (سلول)، تنها به‌مباحثات گوش می‌دادم .احساسی گنگ داشتم که آنچه هر سخنران بر زبان می‌آورد باید منطقی در پس پشت داشته باشد و نمی‌توانستم تشخیص دهم که کدام فرد برحق بود و کدامین برخطا، اما ازآن لحظه به‌بعد، من هم درون گود مباحثات پریدم و با شور و حال در مناظرات شرکت جستم. هـر چند زبان فرانسویم چندان ضعیف بود که نتواند تمام اندیشه‌هایم را بیان کند، به‌اظهارات خرده‌گیرانه از لنین و بین‌الملل سوم سخت می‌تاختم. تنها حجت من این بود: «اگر شما نظام مستعمراتی را محکوم نکنید، اگر جانب خلقهای مستعمرات را نگیرید پس قصد دارید چه‌نوع انقلابی را آغاز کنید؟»

نه‌تنها در جلسات هستهٔ خود شرکت می‌کردم، به‌دیگر هسته‌هـای حزب نیز می‌رفتم تا از موضع «خود» دفاع کنم. اینجا باید از نوبگویم که رفقا **مارسل کاشن** (Marcel Cachin) ، **وایان ــ کوتوریه** (Vaillant - Couturier) ، **مون موسو** (Monmousseou) و بسا رفقای دیگر در گسترش شناخت و معرفتم کمك کردند. سر آخر، در **کنگرهٔ تور**، همراه آنان به‌پیوستن خویش به‌بین‌الملل سوم رأی دادم.

در آغاز کار، میهن پرستی بود که مرا انگیخت تانسبت به‌لنین

و بین‌الملل سوم اعتماد کنم و نه‌هنوز کمونیزم. گام به‌گام، در جریان مبارزه و باتکای مطالعهٔ مارکسیزم ــ لنینیزم در حالی که به‌فعالیتهای عملی سرگرم بودم، اندك اندك دریافتم که تنها سوسیالیزم و کمونیزم می‌تواند ملتهای ستمبر و زحمتکشان سراسر جهان را از قید اسارت و بردگی برهاند.

در میهن ما، و نیز در چین در بارهٔ «**خرجین زربفت**» سحرآمیز فسانه‌یی وجود دارد. هرآینه با مشکلات بزرگی روبرو شوی، «خرجین» را می‌گشایی وحلال مشکلت را می‌یابی. به‌دیدهٔ ما انقلابیون وخلق ویت‌ــ نام لنینیزم نه‌تنها یك «**خرجین زربفت**» معجزه‌آسا و قطب‌نما است بل خورشید پرتوگستری نیز هست که راه مارابه‌پیروزی نهایی، به‌سوسیالیزم و کمونیزم روشنی می‌بخشد.

سخنرانی افتتاحی در سومین کنگرهٔ ملی حزب کارگران ویت‌نام

(۵ سپتامبر، ۱۹۶۰)

رفقای عزیز،

امروز، **سومین کنگرهٔ ملی** حزب ما در زمانی گشایش می‌یابد که تمام خلق‌مان با نشاط و دلشادی پانزدهمین سالگشت بنیانگزاری جمهوری دموکراتیك ویت‌نام را جشن می‌گیرند. در کنگره ۵۰۰ تن نماینـده حضور دارند که نمایندگی بیش از ۵۰۰۰۰۰ تن عضو حزب بـر عهدهٔ آنان است و سنت رزمندگی قهرمانانهٔ حزب ما را درین سی‌سال مجسم می‌سازند. از جانب **کمیتهٔ مرکزی**، درودهای قلبی خود را به‌شما، به‌همهٔ اعضای گرامی حزب‌مان، به‌نمایندگان **حزب سوسیالیست ویت نام**، **حزب دموکراتیك ویت نام** و سازمانهای عضو **جبههٔ سرزمین اجدادی** ابراز می‌کنم.

کنگرهٔ ما بسیار خرسند است که بدرفقای نمایندهٔ:

حزب کمونیست اتحاد شوروی،
حزب کمونیست چین،
حزب کار آلبانی،
حزب کمونیست بلغارستان،
حزب کارگران متحد لهستان،
حزب وحدت سوسیالیستی آلمان،
حزب کارگران سوسیالیست مجارستان،
حزب انقلابی خلق مغولستان،
حزب کارگران رومانی،
حزب کارگران کره،
حزب کمونیست چکسلواکی،
حزب کمونیست فرانسه،

حزب کمونیست هند،
حزب کمونیست اندونزی،
حزب کمونیست ژاپن،
حزب کمونیست کانادا،
و دیگر احزاب کمونیست برادر بگرمی خیر مقدم گوید.
رفقای ما انگیخته از احساسات غرورانگیز انترناسیونالیستی به‌اینجا آمده‌اند تا در کنگرهٔ ما شرکت جویند و عواطف محبت‌آمیز احزاب برادر را برای ما به‌ارمغان آورده‌اند. بنابرین،
سرحدات و کوهساران میان ما حایلند،
اما همه از یك خانواده‌ایم.

پرولترهای سراسر جهان همه برادرند.

از جانب کنگره، از تمام کارگران، دهقانان، روشنفکران، نظامیان، کادرها، جوانان و خردسالانی که از سر شور و حمیت درهم چشمی و رقابت شرکت کرده‌اند و دستآوردهایی بافتخار کنگرهٔ حزب و **پانزدهمین سالگشت روز ملی** رقم زده‌اند از ته دل تجلیل می‌کنم.

رفقای عزیز،

در سی سال گذشته، شماری بزرگ از رفقا و هم‌میهنان ما برای آرمان انقلاب بقهرمانی جان‌فشانیها کرده‌اند. طی جنگ مقاومت، چه‌بسا جنگآوران که جان خویش را بخاطر سرزمین اجدادی در طبق اخلاص گذاشتند! در راستای شش سال، چه تعداد رزمندهٔ دلیر در خطهٔ جنوب، هستی خویش را بخاطر ملت ایثار کرده‌اند! حزب و خلق ما خاطرهٔ خلف‌ترین پسران و دختران خود را برای همیشه در یاد مخزون همی‌خواهد داشت، آری، پسران و دخترانی که برای آرمان رهایی ملی و کمونیزم درورطهٔ کارزار درگیر گشته‌اند.

از **دومین کنگرهٔ ملی حزب** ما بیش از نه سال سپری شده است. حزب ما، طی این نه‌سال خط کنگرهٔ دوم را اجرا کرد و خلق ما را برای پیگیری جنگ مقاومتی صعب، دشوار و قهرمانانه رهبری نمود. پیروزی تابناك عظیم **دین بین فو** به‌جنگ‌تجاوزکارانه‌یی نقطهٔ پایان گذاشت که استعمارگران فرانسوی با همدستی امپریالیست‌های‌امریکایی دامن زدند. موافقت‌نامه‌های ژنو امضاء شد؛ براساس شناسایی بین‌المللی **حاکمیت و**

استقلال و وحدت و تمامیت ارضی سرزمین ما، صلح در هندوچین مستقر گشت. شمال ویت‌نام سربسر آزادشد. ازآن زمان شش‌سال گذشته است؛ اما میهن ما بنابر تصریح موافقت‌نامه‌های ژنو هنوز وحدت مجدد خود را باز نیافته است.

حکومت و خلق ما همواره مفاد موافقت‌نامه‌هایی را که امضاء شد بدرستی اجرا کرده‌اند. اما امپریالیست‌های **ایالات متحد** و **نگودین دیم** دانسته درطلب آنند که تجزیهٔ میهن ما را دایمی کنند و **موافقت‌نامه‌های** ژنو را بیشرمانه نقض نمایند، اینسان است که مردم در جنوب سرزمین ما در لوای حکومت سفاك خود هنوز زندگی نکبت‌باری را گذران می‌کنند.

بی‌سببی نیست که مردم ما برای وحدت مسالمت‌آمیز مجدد میهن‌و رهایی هم‌میهنان ما از وضع شرارت‌بارشان در جنوب هیچگاه از مبارزه دست نشسته‌اند. مبارزهٔ انقلابی گسترده، ریشه‌گیر و پرتوان هم **میهنان** ما در جنوب ادامه دارد. جنوب شایستگی لقب پرافتخار خود را باثبات رسانده است: «**حصار زرهی سرزمین اجدادی.**»

شمال که از هنگام استقرار صلح سراسر آزاد گشته به‌مرحلهٔ انقلاب سوسیالیستی عنان پیچیده است. این امر در انقلاب ویت‌نام تحولی بس در خور اهمیت است. اصلاحات ارضی تحت رهبری حزب با پیروزی تمام شده است؛ و دهقانان زحمتکش آزاد گشته‌اند و حزب شعار: «زمین از آن برزگران» را تحقق بخشیده است.

ما اقتصاد خویش را با موفقیت احیـا کـرده‌ایم و اکنون برای پیشرفت اقتصاد و فرهنگ خود **برنامهٔ سه ساله** را با پیروزی اجرا می‌کنیم. در دگرگونی سوسیالیستی کشاورزی، صنایع دستی و صنایع و تجارت سرمایه‌داری خصوصی توفیقهایی با خصلت تعیین کننده بدست آورده‌ایم. در خصوص جبهه‌های تولید کشاورزی و صنعتی و کارفرهنگی وآموزشی بسا دستآوردها حاصل کرده و در سطح زندگی مردم اصلاحات اولیه را ایجاد نموده‌ایم. شمال بیش از پیش استحکام یافته و برای مبارزهٔ تجدید وحدت ملی پایگاهی استوار گشته است. ظفرهای سترگی که در بستر نه‌سال حاصل آمده است خط درست و رهبری روشن‌بینانهٔ حزب‌ما را گواه بوده است.این ظفرهای مارکسیزم در کشوری بوده که ازتجاوز و استعمار امپریالیستی لطمه‌ها دیده است. حزب ما لایق آن **اعتمادی** است که خلق ما از شمال تا جنوب نسبت بدآن دارد.

حزب ما می‌تواند بدین نکته ببالـد که میراث بر سنتهای افتخار آفرین خلق‌مان و رهنمای آنان بسوی آینده‌یی روشن بوده است.

رفقای عزیز،

تمام فیروزیهای برشمرده تنها کار حزب ما نیست. این همه، کار مشترك تمام مردم ما در سراسر کشور بوده است. انقلاب کار توده‌ها است، نه کارقهرمانی‌منفرد. پیروزیهای حاصله بهمت حزب ما بواسطهٔ این واقعیت بوده که نیروهای کران تاکران انقلابی مردم را سازمان و گسترش داده است وایشان را زیر پرچم خلل‌ناپذیر مارکسیزم ــ لنینیزم در پیکارهای هردم‌گستر رهبری کرده است.

نیز کارهای تابناك انقلاب ویت نام بسبب تشریك مساعی صمیمانهٔ کشورهای سوسیالیستی برادر، علی‌الخصوص اتحاد شوروی و چین بوده است. این مـجال را مغتنم می‌شمریم تا سپاسهـای گـرم خود را از کشورهای سوسیالیستی برادر برهبری اتحاد شوروی بزرگ ابرازکنیم. نیز از دیگر احزاب برادر، بیش از همه، **حزب کمونیست فرانسه** بپاس حمایت موثرش از مبارزهٔ بر حق خلق ما صمیمانه سپاسگزاریم. از تمام ملتهای مستعمرات و هواداران صلح در سرتاسر جهان، که هماره مارا از همدردی و حمایت خود بی‌نصیب نگذاشته‌اند کمال تشکر را داریم.

تاریخ سی‌سال مبارزهٔ درازمدت حزب ما درسی بدین شرح بهما آموخته است:

بهترین تضمین پیروزی برای انقلاب در ادراکی‌درست‌ازمارکسیزم ــ لنینیزم، وفاداری مطلق بهمنافع پرولتاریا و ملت، حفظ همبستگی و یگانگی اندیشه در چهارچوب حزب و میان احزاب کمونیست و مابین تمام‌کشورهای خاندان بزرگ سوسیالیستی نهفته است و بس.

حزب ما در گذشته همیشه برین سیاق عمل کرده است. بی‌تردید در آینده نیز همین مدار را دنبال خواهد کرد.

رفقای عزیز،

حزب ما بسا پیروزیهای عظیم بدست آورده، اما از خطاها مصون نبوده است. لکن، ما اشتباهات خویش را پنهان نکرده‌ایم. برعکس، مقولهٔ انتقاد وانتقاد ازخود را صادقانه بکاربسته‌ایم وخطاها را بنحو موثر مرتفع ساخته‌ایم. توفیقهای ما موجب نگشته است که راه بیقراری و خودبینی

پیشه کنیم. امروز، مسلح به‌تجارب خاص خود و آزمونهای احزاب برادر برآنیم برای ترقیات عظیمتری جد و جهد ورزیم.

وظیفهٔ کنونی انقلاب ویت‌نام این است که **شمال را بسوی‌سوسیالیزم سوق دهد و برای تجدید وحدت ملی باتکای وسایل مسالمت‌آمیز مبارزه کند و انقلاب دموکراتیك ملی توده‌یی را در سراسر کشور کامل سازد.**

تصمیمهای این کنگره تمام حزب و خلق ما را در بنای موفقیت‌آمیز سوسیالیزم در شمال هدایت خواهد کرد، شمال را با صنعت وکشاورزی امروزینه (مدرن) و فرهنگ و علوم پیشرفته خواهدآراست و زندگی خلق خود را پر رونقتر وکامکارتر خواهد ساخت.

دومین کنگرهٔ حزب همانا **کنگرهٔ مقاومت** بود. کنگرهٔ کنونی‌حزب، **کنگرهٔ بنای سوسیالیستی** در شمال و **مبارزه برای تجدید وحدت مسالمت آمیز ملی** شمرده می‌شود.

خلق‌ما، که در جنگ مقاومت قهرمانیها و مردانگیها از خود نشان داد، اکنون در کار خود برای ساختمان ملی دلاوریها نشان می‌دهد. ما بدون شك در کارزار بنای سوسیالیزم غرورانگیز در شمال توفیق‌خواهیم یافت.

شمالی کامکار و توانا پایگاه مستحکمی از برای مبارزهٔ تجدیـد وحدت ملی بشمار می‌آید.

ملت ما یکی است، سرزمین ما یکی است. خلق ما بدون شك بر تمام مشکلات فایق خواهد آمد و به هدف خود دست خواهد یافت: «کشور وحدت یابد، شمال و جنوب از نو بیکدیگر بپیوندند.»

رفقای عزیز،

انقلاب ویت‌نام بخشی از نیروهای صلح، **دموکراسی و سوسیالیزم** جهان شمرده می‌شود. جمهوری دموکراتیك ویت‌نام عضوی از خانوادهٔ بزرگ سوسیالیستی برهبری اتحاد شوروی کبیر است.

برماست که از پیشقراول سوسیالیزم در آسیای جنوب شرقی دفاع کنیم و با تمام تاب و توش خود در تقویت نیروهای اردوگاه سوسیالیستی و پاسداری از صلح در آسیای جنوب شرقی و جهان ادای دین نماییم.

هم‌اینك سوسیالیزم به‌نظام جهانی پرقدرتی، استوار همچون حصاری زرهی، تبدیل گشته است. خلق ما از فراهم‌آورده‌های شگرف اتحـاد شوروی در بنای کمونیزم و توفیقهای گران چین و دیگر کشور های

سوسیالیستی برادر در امر ساختمان سوسیالیزم بسی دلگرم می‌شود. مردم ما از سیاست خارجی صلح اتحاد شوروی و دیگر کشورهای اردوگاه سوسیالیستی بقوت پشتیبانی می‌کند. نیز هم‌آنان از ظفرهایی که بپایمردی خلقهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین در مبارزات خطیر ایشان علیه امپریالیست‌ها، خاصه امپریالیست‌های امریکایی حاصل آمده است بژرفی بوجد می‌آیند. حاجت به‌بیان نیست که نیروهای صلح، دموکراسی، استقلال ملی وسوسیالیزم در اقصی نقاط گیتی بی‌گفت و گوی تواناتر از اردوگاه امپریالیستی شده‌اند. مردمان جهان، باتکای وحدت فشرده با همدیگر و مبارزهٔ مؤثر، بطور قطع خواهند توانست از جنگی جهانی جلوگیرند و صلحی‌پایا برآورند. مبارزهٔقاطع خلقهای ستمبر، امپریالیست‌ها و استعمارگران را بتأکید مسلم منهزم خواهد کرد. سوسیالیزم در آخر در سراسر جهان مظفر خواهد گشت.

درین مبارزهٔ عظیم، همبستگی میان نیروهای کشورهای سوسیالیستی و وحدت نظر **احزاب کمونیست و کارگری** تمام سرزمینها از اهمیت کلانی برخوردار هست. همانگونه که در اعلامیهٔ مشترك **کنفرانس بخارست** قید شد، ما مطمئنیم که «احزاب کمونیستی و کارگری به‌تقویت همبستگی کشورهای دارای نظام سوسیالیستی جهانی و حفظ این همبستگی همچون مردمك دیدگان خویش در مبارزه برای صلح و امنیت تمام خلقها وظفر-توزی آرمان بزرگ مارکسیزم-لنینیزم ادامه خواهند داد.»

در دوران ما، امپریالیست‌ها دیگر نمی‌توانند بر اریکهٔ حکومت در جهان بسان گذشته تکیه زنند. اما تا وقتی امپریالیزم وجود دارد خطر جنگ پای‌برجاباقی‌می‌ماند. **بیانیهٔ اجلاس‌نمایندگان احزاب‌کمونیستی و کارگری کشورهای سوسیالیستی**،بسال ۱۹۵۷ در **مسکو**، یادآور می‌شود که «احزاب کمونیست، مبارزه برای صلح را بعنوان مهمترین وظیفهٔ خود می‌شناسند... خلقهای تمام کشورها باید در خصوص خطر جنگ که امپریالیزم دامن می‌زند کاملا بهوش باشند». نیز ما باید بیاد بسپاریم که «وحدت نیروهای مختلف میهن‌پرست و دموکراتیك هرقدر فراگیرتر و قویتر باشد، تضمین پیروزی در مبارزهٔ مشترك استوارتر خواهد گشت».

امپریالیست‌ها در گذشته خسارات هنگفتی به‌خلق ما وارد کرده‌اند؛ امریکاییان و دیم اکنون برآنند که تجزیهٔ میهن ما را دایمی کنند وهم اینك خاك جنوب را به‌توبره می‌کشند. تا وقتی که امپریالیست های امریکایی را از جنوب نرانیم و آن خطه را از چنگ حکومت دژخیم دیم

امریکاییرهانیم، خلق ما راحت نخواهد نشست. پس بی‌سبب نیست که مبارزه برای دفاع از صلح و تجدید وحدت ملی نمی‌تواند از مبارزه علیه امپریالیزم امریکا جدا باشد.

خلق ویت‌نام در مبارزهٔ مشترك بمنظور حراست از صلح و استقلال ملی در هندوچین، از مبارزهٔ دلیرانهٔ کنونی خلق لائو علیه امپریالیزم امریکا قاطعانه حمایت می‌کند، از مبارزه‌یی که هدف از آن این است که لائوس در درازای راه هماهنگ ملی، استقلال، وحدت، صلح و بیطرفی پیش رود. ما صمیمانه‌امیدواریم که مناسبات دوستانه میان کشور ما و همسایگان‌مان، علی‌الخصوص **کامبوجیا** و لائوس برقرار شود و بگونه‌یی رضایت‌بخش دنبال گردد.

رفقای عزیز،

انقلاب سوسیالیستی در شمال و مبارزه برای تجدید وحدت ملی، که در حراست از صلح در منطقهٔ آسیای جنوب شرقی و جهان حصه دارد، وظایف سنگین و پرافتخاری برای حزب ما ایجاد می‌کند. از برای تأمین پیروزی انقلاب، مسألهٔ حایز اهمیت تعیین کننده این است که توانایی رزمندگی تمام حزب خود را ارتقا بخشیم و نقش رهبری آن را در تمام زمینه‌ها پیش بریم.

حزب ما همیشه در جهت پیوند فشردهٔ مارکسیزم ــ لنینیزم با واقعیتهای انقلاب ویت نام اهتمام ورزیده است. بر روی هم، کادرها و اعضای حزب ما از خمیرهٔ انقلابی شایان توجهی برخوردارند. هنوز، اما، بسا نقصانها داریم، مثل: ذهن‌گرایی، جزم‌اندیشی (دگماتیزم)، تجربه گرایی (امپریزم) و شیوهٔ قرطاس‌بازی (بوروکراتیك) کارو فردگرایی ...اینگونه کاستیها ترقی ما را مانع می‌شوند. بمنظور چیرگی برآنها، باید در جهت مطالعهٔ مارکسیزم ــ لنینیزم، و استحکام امر آموزش ایده‌ئولوژیی در حزب جهد کنیم. خصلت طبقاتی و سرشت پیشاهنگی حزب را باید اعتلای بیشتری بخشیم، رشته‌های اتصالی حزب و توده‌ها را بی‌وقفه محکم کنیم و از برای بنای موفقیت‌آمیز سوسیالیزم و مبارزه جهت تجدید وحدت ملی همهٔ میهن‌پرستان و ترقیخواهان را متحدسازیم. در فراگیری از تجارب احزاب برادر بشیوه‌یی خلاق باید تلاش ورزیم. هیچگاه نباید به‌ورطهٔ تکبر و خودبینی فرو غلتیم؛ و همانگونه که لنین به‌ما آموخت باید فروتن باشیم.

این کنگره، **کمیتهٔ مرکزی** جدیدی گزین خواهد کرد. اطمینان داریم که با کمیتهٔ مرکزی جدید، حزب ما باز هم تنگتر وحدت خواهد یافت و مردم را در سراسر کشور هرچه گسترده‌تر بسیج خواهد کرد تا وظیفهٔ مبرم بزرگی را که اکنون فراروی ما است بتمام انجام دهیم: بنای سوسیالیزم در شمال، مبارزه برای تجدید وحدت ملی از طریق مسالمت آمیز.

پایدارباد مارکسیزم ــ لنینیزم کبیر!

زنده باد طبقهٔ کارگر وخلق قهرمان ویت‌نام!

برقرار باد حزب کارگران ویت نام!

پاینده باد همبستگی و وحدت نظر احزاب برادر و خاندان بزرگ سوسیالیست برهبری اتحاد شوروی کبیر!

مستقر باد ویت نامی صلح‌آمیز، وحدت یافته، مستقل، دموکراتیک، و کامکار!

مستدام باد صلح جهانی!

انقلاب چین
و انقلاب ویت‌نام*

(۱ ژوییه، ۱۹۶۱)

کامیابی انقلاب **اکتبر شوروی** جهان را سراسر تکان داد.

مارکسیزم ــ لنینیزم آهنگ آن کرد که در چین، یکی ازپهناورترین کشورهای جهان، که امپریالیست‌ها باستهزاء «شیر خفته»ش می‌خواندند، قلمه‌زند و نهال بارآورد.

در ۱ ژوییه سال ۱۹۲۱، در اتاقی کوچك واقع در شهر مجلل **شانگ های**، دوازده تن انقلابی (از زمرهٔ آنان رفیق **مائوتسه دون**) جلسه‌یی برگزار کردند و **حزب کمونیست چین** را بنیان گزاردند که در آن‌روزگار ۵۰ تن عضو داشت (و اکنون شمار اعضای آن به ۱۷ میلیون تن سر می‌زند). هم ازآن دم، سرنوشت چین آغاز به‌تغییر کرد.

آرتش رهایی‌بخش، پس از ۲۸ سال مبارزهٔ بغایت قهرمانانه تحت راهبری حزب کمونیست برهبری رفیق مائوتسه دون هشت میلیون تن سرباز **چیانگ کای ــ شیك** را، که به سلاحهای ایالات متحد مجهز بودند، از صحنه کارزار پاك کرد و امپریالیست‌های امریکایی را از فراخنای چین تاراند؛ جمهوری خلق چین مستقر شد. (۱۹۴۹).

حزب کمونیست چین در راستای دوازده سال بنای ملی، ۶۵۰میلیون تن مردم چین را در کار هم‌چشمی فارغ ازخود رهبری کرده است وچین را از کشور کشاورزی عقب‌مانده، فقیر و بیسواد بسرزمین قدرتمند سوسیالیستی تبدیل می‌کند.

چهل سال افتخار ــ چهل سال پیروزی. بسا رفقا درباب شجرهٔ بلند حزب کمونیست چین برادر قلم زده‌اند. من اینجا تنها چند نکته را بر می‌شمرم:

ــ ویت‌نام و چین دو **کشور همسایه** هستند که طی قرنهای متمادی با یکدیگر روابط تنگی داشته‌اند. بطبع، علقه‌های میان انقلاب چین و انقلاب ویت‌نام نیز بویژه بهم بسته است. بروجه مثال:

* این نوشتار بمناسبت چهلمین سالگرد بنیانگزاری حزب کمونیست چین‌نوشته شد. (و.).

ــ نفوذ انقلاب اکتبر شوروی و تئوری مارکسیست ــ لنینیستی بیشتر از طریق چین به‌ویت‌نام راه بازکرد.

ــ **انجمن رفیقان انقلابی جوان ویت‌نام** (۱۹۲۵)، گردهمآیی برای تشکل گروههای **کمونیست ویت‌نامی در حزبی مارکسیست ــ لنینیستی** (۱۹۳۰)، نخستین **کنگرهٔ حزب کمونیست هندوچین** (۱۹۳۵)، همه در چین سازمان یافتند و از مساعدت صمیمانهٔ رفقای چینی بهره‌مند شدند.

ــ ضربهٔ منکوب‌کنندهٔ شوروی برنظامی‌گرایان (میلی‌تاریست‌ها) ژاپنی در **شمال شرقی**، به‌چین کمك کرد تا در جنگ پیروز شود. جنگ ظفرنمون مقاومت چین برای پیروزی **انقلاب اوت ویت‌نام** اوضاع‌دلخواهی بوجود آورد.

ــ از سال ۱۹۴۶ به‌این‌سوی، حزب کمونیست چین لامحاله جنگ بی‌وقفه‌یی را علیه سربازان چیانگ‌کای ــ شیك که تحت‌حمایت ایالات‌متحد بودند ادامه داد (بگونه‌یی که بهنگام آغاز جنگ داخلی، آرتش ۴۳۰۰۰۰۰ تنی چیانگ با ساز و برگهای امروزینه‌یی مجهز بودند که توسط ایالات متحد تأمین می‌گشت، باضافهٔ آن سلاحهایی که از یك میلیون تن سرباز ژاپنی بغنیمت گرفته شد). در سال ۱۹۴۷، دار و دستهٔ چیانگ به **ینان** (Yenan) تاخت بردند و این خطـه را تسخیر کردند. در چنین اوضاع دشواری، حزب کمونیست و خلق چین از جنگ مقاومت خلق ما پشتیبانی صمیمانهٔ خود را تا پیروزی کامل ادامه دادند.

ــ امروز، چین، همراه با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای برادر در بنای سوسیالیزم در شمال، این‌سنگ‌پایهٔ مستحکم‌تجدید وحدت مسالمت‌آمیز کشور، کمکهای بی‌قید و شرطی عرضه می‌کنند.

بدینسان، قالب مناسبات میان انقلاب چین و انقلاب ویت‌نام سرشته می‌شود از:

یك‌هزار رشتهٔ حق‌شناسی، دلبستگی و مهر،
دوستی غرورانگیزی که برای همیشه پایا خواهد ماند!

از بابت خودم، در دو مناسبت افتخار داشتم که با حزب کمونیست چین کار کنم.

طی اقامتم در **کانتون** در سالهای ۲۷ ــ ۱۹۲۴، جنبش انقلابی در میهنم را از نزدیك زیرنظر داشتم و در عین‌حال وظایف محولهٔ حـزب کمونیست چین را انجام می‌دادم. جنبش کارگری ــ دهقانی در چین سربرمی‌آورد. از ماه مه سال ۱۹۲۵ به‌این سوی، اعتصابهای سیاسی درتمام

شهرهای بزرگ رخ داد. بزرگترین آن، اعتصابی بود در اعتراض علیه امپریالیست‌های انگلیسی در **هونگ‌کونگ** کـه در آن افزون بر۲۵۰۰۰۰ تن کارگر شرکت کردند و ۱۶ ماه به‌درازا پایید. نیز جنبش دهقانـی گسترش آغاز کرد، خاصه در **هونان** (این را رفیق مائوتسه دون رهبری کرد). رفیق مائو، برای پیشبرد جنبش دهقانی، **دفتر بسیج، آموزش و تعلیم دهقانی** در ۱۹ استان دایر کرد که کارش تربیت کادر برای‌جنبش دهقانی بود.

من درکار ترجمهٔ مطالب برای استفاده داخلی و «تبلیغات خارجی» فعالیت داشتم، یعنی در خصوص جنبش کارگری ــ دهقانی برای روزنامه‌یی انگلیسی‌زبان مقاله می‌نوشتم.

بار دومی که به‌چین آمدم (اواخر سال ۱۹۳۸)، جنگ مقاومت ضد ژاپنی درگرفته بود. بعنوان سربازی ساده در **آرتش هشتم راوت**، مدیر باشگاه واحدی در **کولین** (Kwelin) بودم. پس آنگاه، به‌سمت منشی هستهٔ‌حزبی (و تصدی بخش‌رادیویی) واحدی در **هنگ‌یانگ** (Hengyang) گماشته شدم.

(بدینسان وقتی در **اتحاد شوروی** بودم می‌بایست در زمینهٔ بنای حزب و در **فرانسه** در خصوص مبارزه علیه سرمایه‌داری و در **چین** در زمینهٔ پیکار با نظام استعماری و فئودالیزم تجاربی کسب می‌کردم). در همان زمان، رفقای چینی سخت تلاش ورزیدند به‌من کمك کنند که با رفقایم در میهن تماس بگیرم. **کمیتهٔ مرکزی حزب** ما رفیق زید را در پی من به **هونگ‌ژیو** (Hongzhou) فرستاد. در راه نقدینهٔ زید متأسفانه بدست با کفایت «دوستی» بسرقت رفت و ناگزیر شد قبل ازین‌که من به‌هونگ‌ژیو وارد شوم، محل را بقصد میهن ترك کند.

بعدها، اما، رفقای چینی به‌من مدد کردند که با میهن ارتباط‌برقرار کنم و به‌کشور بازگردم.

سخن کوتاه: کمونیست‌های سراسر جهان، همانگونه که در هدفی بلندپایه با یکدیگر سهمیند براساس مارکسیزم ــ لنینیزم و انترناسیونالیزم پرولتری تنگاتنگ متحد می‌شوند و در عین‌حال بسان برادران یك‌خانواده نسبت به‌یکدیگر همآوازی و عشق متقابلی نشان می‌دهند.

مجال را مغتنم می‌شمرم تا از جانب حزب، حکومت و خلق‌مان صمیمانه‌ترین و گرمترین تبریکات خویش را نسبت به‌حزب کمونیست‌کبیر چین برهبری رفیق محبوب مائوتسه دون ابرازکنم.

سخنرانی در پنجمین
پله‌نوم کمیتهٔ مرکزی حزب کارگران
ویت‌نام

(ژوییه ۱۹۶۱)

رفقا،

می‌توانیم گفت که این **پله‌نوم کمیتهٔ مرکزی** به‌نتایج ثمربخشی رسیده است. علت امر این است که پله‌نوم توسط **سومین کنگرهٔ حزب** ارشاد شده و شکل‌گیری مجدد ایده‌ئولوژیی وجود داشته است و بالاخره مباحثات دربرگیرنده بوده و روی مسألهٔ واحدی دور می‌زده است.

باید همت کنیم که سریعتر و با قاطعیت و مداومت بسوی پیشرفت کشاورزی حرکت کنیم، زیرا:

ــ بنابرآن ضرب‌المثل، «دل گرسنه ایمان سرش نمی‌شود»؛ و بنابرین باید بتدریج مایهٔ گذران خلق را بهبود بخشیم.

ــ کشاورزی باید خوراك و مواد کافی برای پیشرفت صنعت و صنعتی شدن سوسیالیستی تدارك کند.

ــ اگر در صنعت و کشاورزی راه درستی پیش‌گیریم، در بنای سوسیالیزم در شمال بخوبی عمل خواهیم کرد و این خطه شالودهٔ‌مستحکم و مقومی برای مبارزه جهت تجدید وحدت مسالمت‌آمیز کشور فراهم می‌کند.

همه برسراین نکته توافق داریم که جنبش تعاونی برروی هم بخوبی پیش می‌رود. در عین حال دریافته‌ایم که کاستیهایی دارد که باید برآنها غلبه کرد. این نقصانها از پویش (پروسه) تکامل سربرمی‌آورد و قضیه به‌آن کودك روبه‌رشدی مانند است که لباسهایش هرماه تنگتر می‌شود. نظرگیرترین کاستی همانا ضعف بسا کمیته‌های مدیریت‌است، چه، معیارهای کار کادرها بهمان میزانی پیش نمی‌رود که ترقی تعاونی‌ها و آنان به‌رهبران جوخه‌هایی می‌مانند که موظفند گروهانها یا گردانها رافرماندهی کنند. باید به‌آنان کمك کنیم که همسطح وظایف خویش قرار گیرند.

به‌گمان من، باید برنکاتی بشرح زیر تاکید ورزید:

ــ مشی، اصول راهنما، سیاستهای حزب و جزاینها بتمامه مبتنی‌است بر بهبود **اوضاع زندگی** مردم بطور اعم و وضع زندگی دهقانان بطوراخص، برای رسیدن به‌این هدف، لزوماً باید تعاونیها را به‌بهترین شیوهٔ ممکن یك پارچه کرده، گسترش دهیم، و بطور پیوسته **درآمد اعضای تعاونیها را بالا بریم.**

برین نکته باید تأکید کرد، زیرا هم‌اینك بعضی اشخاص‌می‌انگارند که حزب تولید افزونتر را تنها بدین نیت تشویق می‌کند که برای دولت محمولات خوراکی بیشتری حاصل نماید و منافع دهقانان را در نظر نمی‌گیرد.

ــ در جهت **استحکام هسته‌های حزبی** در نواحی روستایی بایدکوشش کرد. تنها با هستهٔ مناسب حزبی می‌توان کمیتهٔ مدیریت مناسب داشت. با کمیتهٔ مدیریت مناسب، اعضای تعاونیها متحد خواهند گشت و به‌کاررغبت نشان خواهند داد و تعاونی بخوبی یك‌پارچه خواهد شد و گسترش خواهد یافت.

در عین‌حال صفات و توانائیهای کادرهای مدیریت باید بروشنی مشخص شود. مثلا: کنگرهٔ تعاونی، کادرهای مدیریت را گزین کند و این قدرت داشته باشد که کادرهای بی‌صلاحیت را عزل کند؛ کادرهای‌مدیریت باید محققاً بی‌عیب و نقص باشند؛ و مسایل مالی باید زیر کنترل عموم قرار گیرد و الخ.

ــ در هر عضو تعاونی باید **حس اربابی جمعی و کیفیات پشتکار و صرفه‌جویی در بنای تعاونی را نشر و القاء کنیم.**

ــ بردامنهٔ کنترل و نظارت بیشتر باید افزود، چندان که تجارب نکو کشف گردد و نشر یابد و بموقع ضعفها و فتوریهای تعاونی مرتفع‌شود.

ــ کمیتهٔ مرکزی روی خط، سیاستها، هدفها و اقدامات باتفاق آرا موافقت کرد... این **اتفاق رأی** را باید به**اراده تبدیل کنیم.** همرأیی و ارادهٔ کمیتهٔ مرکزی باید بهریك از کادرها و اعضای تعاونی انتقال یابد چندان که تمام حزب و مردم قطعنامهٔ کمیتهٔ مرکزی را به‌قالب موج رفیع هم‌چشمی باز گردانند و تولید را افزایش دهند و اقتصاد را عملی سازند تا ازین گذر بطور مداوم زندگی خلق بهتر شود.

ــ بعد ازین پله‌نوم، وزارتخانه‌ها و ادارات مرکزی بایدبرنامه‌هایی در جهت خدمت به‌تولید کشاورزی بشیوه‌یی عملی در اندازند. کادرهای

استانی و بخشی باید قطعنامه را بطور گسترده نشر کنند و بهریك از کادرهای تعاونی و اعضای آن بروشنی توضیح دهند و بدینوسیله هرفرد در اجرای آن همچشمی پرشوری نشان خواهد داد و بیش از همه ازمحصول خزان امسال پیمانه‌یی لبالب حاصل خواهد کرد.

دهقانان ما از سنت کار پرتلاش و سخت‌کوشی بهره‌ها دارند. وقتی روح قطعنامهٔ کمیتهٔ مرکزی به‌ذهن و کار آنان دمیده شود یقیناً سخت احساس دلگرمی می‌کنند و در تولید کشاورزی تغییری ژرف پدیدمی‌آید.

از جانب کمیتهٔ مرکزی موقع را مغتنم شمرده از تعاونی **دای فونگ** و جنبشی که همچشمی دای فونگ را انگیخت تجلیل و تمجید می‌کنم و به‌کادرهای تعاونی و اعضا یادآور می‌شوم که نباید خودبینی پیشه‌سازند، بل‌که باید برای ترقی عظیمتری همت کنند.

سخنرانی در هفتمین پله‌نوم کمیتهٔ مرکزی حزب

(آوریل، ۱۹۶۲)

رفقا،

سرزمین ما با آب و هوای مساعد در منطقهٔ گرمسیری واقع شده است.

برگسترهٔ آن جنگلزارهای غنی، دریاهای بارآور و اراضی‌حاصلخیز قرار دارد.

خلق ما دلیر، ساعی و صرفه‌جوی است.

ما از کومك درخور توجه کشورهای برادر برخورداریم.

بنابرین از هرسه وضع مساعد ــ اوضاع‌اقلیمی، جغرافیایی وانسانی ــ برای بنای سوسیالیزم بهره‌داریم، یعنی می‌توانیم برای خلق خویش‌زندگانی سعادتبخشی بنا کنیم.

آنچه که تمام حزب و خلق ما باید انجام دهد این است که سعی ورزند این سه وضع را در قالب ساختمان اقتصادی بخش شمالی سرزمین ما درآمیزند و ازآنها بحداکثر، بهره بجویند.

سومین **کنگرهٔ حزب** در خطوط کلی پیشرفت اقتصادی قطنامه‌یی تصویب کرده است.

پنجمین **پله‌نوم کمیتهٔ مرکزی** در خصوص پیشرفت کشاورزی قطعنامه‌یی را از دستور گذراند.

هفتمین **پله‌نوم کمیتهٔ مرکزی** در باب پیشرفت صنعتی برقطعنامه‌یی صحه گذاشت.

بنابرین ما رهنمودهای صریح و روشن و اقدامات مشخصی فراپیش روی داریم.

اینجا تنها چند پیشنهاد را مطرح می‌کنم.

ما ویت‌نامیان ضرب‌المثلی داریم، «دل گرسنه ایمان سرش‌نمی‌شود.»

چینیان نیز ضرب‌المثلی دارند، «خوراك کافی برای خوردن اولین حق مردم است.»

این‌دو، ضرب‌المثلهایی ساده اما بسیار درستی است.

برای‌بهبود زندگی خلق باید پیش از همه **مسألهٔ خوراك** (بعد پوشاك و دیگر مسایل) را حل کنیم. برای حل مسألهٔ خوراك، باید کاری کنیم **که حبوبات** بقدرکافی داشته باشیم. و حبوبات از فرآورده‌های کشاورزی است. بنابرین، **پیشرفت کشاورزی از اهمیتی خطیر برخوردار است.**

در سرزمینهای سردسیری با زمستانهای دراز یخبندان آن، مردم تنها می‌توانند در سال یك محصول برداشت کنند. آب و هوای گرمسیری ما قادرمان می‌سازد که سراسر سال چند محصول بارآوریم. بنابرین ما **اوضاع اقلیمی** بس مساعدی داریم. دلتای بخش شمالی برای ساکنان خود زمین بقدر کافی دارد، اما ما می‌توانیم با بارآوردن محصولات اضافی و افزوده تمام جریبات حاصل‌خیز را دوبرابر کنیم. ارتفاعات، نواحی پهناوری با خاك بارآور دارد که بنا به‌ارادهٔ خود می‌توانیم آنها را احیا کنیم. بنابرین **اوضاع جغرافیایی** بسیار مساعد و دلخواه است.

هم‌اکنون، زمین ازآن دهقانان است، ۸۵ درصد آنان به‌تعاونیها پیوسته‌اند. ۳۵ درصد تعاونیها تمام روستاها را می‌پوشانند. دیری نخواهد گذشت که همهٔ دهقانان عملا عضو تعاونیها خواهند شد. ده میلیون واندی تن دهقان در صورت سازمان‌یافتگی نکو به‌نیرویی‌گران و سترگ تبدیل خواهند گشت چندان که می‌توانند کوه‌ها را از جا برکنند و دریاها را بیانبارند. بنابرین **اوضاع انسانی** نیز بسی دلخواه است.

هم اینك، مهمترین مسأله برای پیشرفت کشاورزی این است که **کیفیت کار کمیته‌های مدیریت تعاونی بهبودی یابد.** اگر این کمیته‌های مناسب باشند، تعاونیها درخور خواهند شد. و اگر تعاونیها فراخور باشند، کشاورزی یقیناً بخوبی پیشرفت خواهد کرد.

صنعت و کشاورزی دوپای اقتصاد است.

کشاورزی باید بقوت پیشرفت‌کند چندان که برای مردم خوراك کافی و برای کارخانه‌ها مواد خام مکفی (نظیر پنبه، نیشکر، چای و غیره) و محصول زراعی کافی (مانند بادام زمینی، نخود و لوبیا، کنف و جز اینها) برای صادرات در مقابل ماشین‌آلات تهیه کند.

صنعت باید بطور موثر پیشرفت کند بدآنسان که برای مردم، بیش از همه برای دهقانان کالاهای مصرفی تهیه کند؛ وبرای پیشرفت‌کشاورزی

پمپهای آب، کودهای شیمیایی وانواع حشره‌کشها والخ. وبتدریج‌برای تعاونیهای زراعی ماشین‌های کاشت و زمین صاف‌کن تدارك نماید. بنابرین صنعت و کشاورزی باید بیکدیگر کمك کنند و با همدگر پیشرفت نمایند، همسان دوپای فردی که وقتی بچابکی و منظم گام برمی‌دارد، گامهای او تند خواهد شد و بسرعت می‌تواند به‌مقصد خود برسد. برین شیوه برای بنای سوسیالیزم اتحاد **کارگر ــ دهقان** و برای مردم بنای زندگانیی سعادتبخش را تحقق می‌بخشیم.

صنعت ما، در سایهٔ تلاشهای خود ما و کمك بی‌شائبهٔ کشورهای برادر، علی‌الخصوص اتحاد شوروی و چین بمیزانی بس سریع پیشرفت کرده است. مثالی بیاوریم، از مجموع ارزش بازدهٔ صنعت و کشاورزی، صنعت به‌تنهایی رقمی کمتر از ۱۷ درصد را درسال ۱۹۵۵ نشان داد. به‌سال ۱۹۶۱، حدود ۴۳درصد را نمایاند. با این‌همه، صنعت ما برحسب‌نیازهای‌مان هنوز فتوری نشان می‌دهد. برای کشاورزی و دیگر شاخه‌های اقتصادی خود نیروی برق، پولاد، ماشین‌آلات و مواد شیمیایی کافی و جز اینها را هنوز در اختیار نداریم. آنچه ما تولید کرده‌ایم کیفیت پائین و قیمت بالا بوده است.

به‌دیدهٔ من، **کلید** پیشرفت‌کشاورزی درین نکته‌است که کارکمیته‌های مدیریت تعاونی را بهبود بخشیم. **کلید** پیشرفت صنعتی درین است که مدیریت بنگاهها و معیارهای فنی کارگران و کادرها را در سطح پایه اصلاح کنیم؛ و در عین‌حال هیأتهای اصلی باید به‌خدمت تولید همت گمارند وباآن تماس تنگی داشته باشند.

در بنای سوسیالیستی، بی‌تردید با **مشکلاتی** روبرومی‌شویم. دگرگونی جامعه‌یی کهن به جامعه‌یی نوین وظیفه سهلی نیست. اما اینگونه‌مشکلات از بطن رشد سربرمی‌آورد. اگر تمام حزب و مردم یکدل و یك زبان باشند و نیروهای مشترکی گردند، برهرمشکلی می‌توان فایق آمد.

از سوی دگر، ما اوضاع بس مساعدی داریم ــ اقلیمی، جغرافیایی و انسانی. **جنبش هم‌چشمی میهن‌پرستانه**، خاصه از سال ۱۹۶۱، گواهی است برین مدعا. کارگران، دهقانان، کادرها برای غلبه برمشکلات، افزایش تولید و اجرای برنامه‌های اقتصادی دهها هزارگونه نوآوری ابتکار کرده‌اند.

در جنبش هم‌چشمی میهن‌پرستانه دهها تن قهرمان کار، هزاران تن رزمندهٔ هم‌چشمی، دهها هزارتن کارگر پیشاهنگ و صدها تیم و بریگادکار

سوسیالیستی بظهور آمده‌اند.

هم آنان نیروهای قدرتمند بس محرکی شمرده می‌شوند. تحت رهبری حزب، جنبش هم‌چشمی میهن‌پرستانه با اقدام علیه حیف و میل، اسراف و قرطاس بازی درمی‌آمیزد و حس آقای میهن خویش بودن و روح کوشش و صرفه‌جویی برای بنای سرزمین مادری‌مان در تمام خلق دمیده می‌شود و ازین گذر در صنعتی شدن سوسیالیستی شمال، این‌پایگاه مستحکم مبارزه برای تجدید وحدت مسالمت‌آمیز میهن، یقیناً کامیاب و سرافراز می‌گردیم.

امید من این است که همهٔ شما بدقت مطالعه نمایید و دو قطعنامهٔ کمیتهٔ مرکزی، پنجمین و هفتمین آن را بگستردگی نشر کنید و بدقت باجرا در می‌آورید و بدینسان ارادهٔ حزب را به‌ارادهٔ توده‌ها تبدیل کنید. با انجام این امر، بی‌تردید توفیق یار ما خواهد گشت.

سخنرانی در ششمین اجلاس دومین مجمع ملی جمهوری دموکراتیک ویت‌نام

(۸ مه، ۱۹۶۳)

رفقای نماینده،

ازخبری‌که هم‌اکنون بدستم رسید که **مجمع ملی** برآن است‌عالیترین نشان میهن‌مان، **نشان ستارهٔ طلایی** را به‌من اعطا کند سخت تحت تأثیرقرار گرفته، دلشاد شدم. میل دارم سپاس خود را ازمجمع ملی ابراز کنم.

درعین حال، اما، برآنم که از مجمع درخواست کنم اجازه دهد از پذیرش این نشان چشم پوشم. سبب آن است که نشانها باید بدانسانهای شایسته اعطا شود؛ من به‌سهم خود گمان نمی‌کنم که هنوز سزاوار دریافت این نشان عالی از مجمع ملی باشم.

سرزمین اجدادی ما موقتاً به‌دوبخش تقسیم‌شده‌است. امپریالیست‌های **ایالات متحد** بردامنهٔ جنگ تجاوزکارانهٔ خویش در خطهٔ جنوب ویت‌نام می‌افزایند. هم‌میهنان جنوبی ما زیر سم ستوران هستی‌سوز رژیم ددمنش دیم امریکایی واقع شده‌اند. روزی نیست که دارودستهٔ دیم ـ امریکا به ترور، پاک‌سازی و کشتن مردم، بخاکستر نشاندن روستاها، پخش مواد شیمیایی سمی، نابودی محصولات، کشاندن مردم‌به‌اردوگاه‌های کاراجباری، این دوزخهای کره خاک‌که دژخیمان «دهکده‌های سوق‌الجیشی»ش می‌خوانند، دست نیازند.

درین‌هنگامهٔ خون وآتش، هم‌میهنان ما هرروز وهرساعت جان خویش فدا می‌کنند، بقهرمانی مبارزه می‌نمایند وقاطعانه رودرروی‌تجاوزکاران و خائنان ایستاده‌اند تا آزادی و حق حیات را با چنگ و دندان بازپس گیرند.

هم‌میهنان جنوبی ما ـ خواه مردان یا زنان، پیران یا جوانان، روشنفکران، دهقانان، کارگران یا کاسبان وخواه اکثر مردم یا کوه‌نشینان ـ که فشرده به‌گرد **جبههٔ آزادیبخش ملی ویت نام جنوبی** متحد

شده‌اند همه یکدل و یك‌زبانند، برای غلبه برتمام دشواریها و مشقات و پیکار تا لحظهٔ پیروزی نهایی قامت برافراشته‌اند.

در حالی که شمال به‌کار هم‌چشمی برای بنای سوسیالیزم سرگرم است تا ازهم‌میهنان جنوبی خود حمایت کند، باشندگان جنوب برای دفاع از بنای مسالمت‌آمیز درشمال بقهرمانی دفاع می‌کنند. پس بی‌سببی نیست که مردم شمال هرساعت وهردقیقه در اندیشهٔ یاران جنوبی خود هستند.

هم‌میهنان جنوبی ما، طی نزدیك بدبیست‌سال دراز مبارزه علیه استعمارگران فرانسوی و سپس دراودستهٔ دیم امریکایی، براستی پسران ودختران قهرمان خلق دلاور ویت نام هستند. این خطهٔ جنوب است که برآن عنوان «**حصار زرهی سرزمین اجدادی**» و عالیترین نشان بتمامه می‌برازد.

بنابرین علل، ازمجمع درخواست می‌کنم با این نظر موافقت کند:

ما تا روزی که جنوب سراسر آزاد شود وکشور بصلح وصفا ازنو وحدت یابد وشمال وجنوب به‌یك خانواده پیوندند منتظر می‌مانیم. آنگاه مجمع ملی به‌هم‌میهنان جنوبی ما رخصت خواهد داد که این نشان عالی را بمن اعطا کنند. برین سیاق تمام مردم ما دلشاد وتهیج خواهندگشت.

ازین فرصت بهره‌جسته از **رئیس جمهور کندی** طلب می‌کنم که به سئوالات زیر جواب گوید:

ــ ویت نام هزاران فرسنگ ازایالات متحد دوراست. خلقهای ویت نام وامریکا با همدگر جنگ وستیزی ندارند. ازچه سبب در ویت نام جنوبی جنگی تجاوزکارانه را دامن زده‌اید ومیلیاردها دلار مردم امریکا را برای حمایت ازحکومتی فاسد ودیکتاتوری که خلق ویت‌نام جنوبی تف برصورتش می‌اندازد هدر می‌کنید؟ چه حقی دارید که دهها هزار تن جوان امریکایی را مجبور می‌کنید بیایند وویت‌نامیان بیگناه جنوب را بکشند وسپس درین جنگ غیرعادلانه وکثیف کشته شوند؟

ــ درسال ۱۹۵۴، شما بعنوان عضو **کنگرهٔ ایالات متحد**، از رئیس **جمهور آیزنهاور** با این عبارات خرده گرفتید:

«سرازیرکردن پول، ساز و برگ و افراد به‌جنگل هندوچین بدون کمترین امید به‌پیروزی ممکن است کاری مخاطره‌آمیز وبی‌فایده واقدام به‌خودکشی باشد. من صادقانه برآنم که هیچ مقدار کمك نظامی امریکا

درهندوچین نمی‌تواند دشمنی را مغلوب کند که ظاهرا همه‌جا هست وهیچ جا نیست، دشمنی.... که از همدردی وحمایت پنهان مردم برخوردار است...»

بنابرین چرا رئیس جمهور کندی به‌اقدام چشم‌بستهٔ خودکشی دست یازیده است که قبلا علیه آن، سناتور کندی آن دوره با روشن‌بینی هشدار داده بود؟

ــ عقیدهٔ برحق مردم امریکا، که شخصیتهای امریکایی‌در نامهٔ‌خویش به‌رئیس جمهور (۱ مارس، ۱۹۶۳) تصریح کردند چنین است: مداخلهٔ نظامی امریکا در ویت نام جنوبی باید پایان گیرد وکنفرانسی بین‌المللی برای طرح قطعنامهٔ صلح برگزار شود. آیا رئیس جمهور کندی نسبت به‌این عقیدهٔ برحق خلق امریکا ترتیب اثری خواهد داد یانه؟

رئیس جمهور کندی باید تاریخ بداند. تاریخ اثبات کرده است که وقتی خلقی یکدل ویك‌زبان شده ودرمبارزه برای استقلال وآزادی متحد گشته است (همانگونه که نیاگانش در گذشته بودند و مردم ویت نام جنوبی هم‌اکنون هستند)، موظفند پیروز شوند. بنابرین مسلم است که:

هم‌میهنان جنوبی ما پیروز خواهند گشت؛

شمال وجنوب دریك خانواده ازنو وحدت خواهد یافت؛ وسرزمین اجدادی ما بگونهٔ مسالمت‌آمیز تجدید وحدت می‌یابد.

باردگر، تشکرات خود را ازمجمع ملی ابراز می‌کنم.

گزارش به
کنفرانس سیاسی ویژه[۲۱]

(۲۷ مارس، ۱۹۶۴)

از هنگامی که صلح در کشور ما مستقر شد ده سال سپری گشته است. طی این مدت در سرزمین ما و جهان تغییرات عظیمی رخداده است. **کنفرانس سیاسی ویژه** برای ما مجال سیاسی مناسبی پیش می‌آورد که رویدادهای گذشته را باز نگریم و مسایلی را که فراروی داریم مطرح بحث قرار دهیم.

ده سال گشته، دههٔ مبارزه و ساختن بوده است که طی آن مردم ما بر بسا دشواریها فائق آمده و بسی پیروزیها بدست آورده‌اند.

ده سال پیش، پیروزی **دین بین فو** نقطهٔ پایانی افتخار آمیز بر جنگ مقاومت دراز مدت، دشوار و قهرمانانهٔ تمام خلق ما گذاشت، جنگی که علیه استعمارگران تجاوزکار فرانسوی و مداخلهٔ امپریالیست های ایالات‌متحد ساز شد. این پیروزی عظیم از آن خلق ما و نیز پیروزی مشترك تمام خلقهای تحت‌ستم درجهان بود. پیروزی دین بین فو ازحقیقت مارکسیست ــ لنینیستی در عصر ما تصویر تابناکی نقش می‌کند: جنگهای تجاوزکارانهٔ امپریالیستی می‌بایست منهزم شود وانقلابهای رهایی‌بخش ملی باید با توفیق قرین گردد.

پیروزی دین‌بین فو به‌کامیابی **کنفرانس ژنو** بر سر مسألهٔ هندوچین انجامید. **موافقت نامه های ژنو** رسماً استقلال، وحدت و تمامیت ارضی

۲۱. **کنفرانس سیاسی ویژه:** بنا بدعوت رئیس جمهور هو چی مین در۲۷ مارس ۱۹۶۴، در **تالار اجتماعات با دین** (هانوی) برگزار شد. درین کنفرانس رئیس جمهور هو چی مین، **تون دوك تانگ** معاون ریاست‌جمهوری، رفقا **لی دوان، ترونگ چین** (ترون شین)، **فام وان دونگ** نخست وزیر، ژنرال **وو نگوین جیاپ** و ۳۰۰ تن نماینده (انقلابیون کهنه‌کار، شخصیتهای اجتماعی، نمایندگان قشرهای مختلف مردم و شاخه‌های فعال، قهرمانان و رزمندگان هم‌چشمی، روشنفکران ترقیخواه و شخصیتهای میهن‌پرست) حضور یافتند.

ویت‌نام و کشورهای برادر **لائوس** و **کامبوجیا** را باز شناخت. کشورهای **باختری** نیز که در آن کنفرانس شرکت جستند ــ ایالات متحد، بریتانیا و فرانسه ــ بر سر رعایت آن حقوق ملی غیر قابل نقض پیمان بستند.

اما بیدرنگ پس از کنفرانس ژنو، قدرتهای امپریالیستی که‌توسط ایالات‌متحد انگیخته شدند «**سازمان دفاع منطقه درآسیای جنوب شرقی**» را برپا داشتندکه درواقع بلوکی تجاوزکار بود. ازآن پس، امپریالیست‌های ایالات متحد آشکارتر از همیشه در جنوب سرزمین ما و درلائوس مداخله کردند و آتش جنگهای برادرکشی درین مناطق را برافروختند و برای بخطر انداختن صلح و بیطرفی کامبوجیا بهر مانوور عهدشکنانه‌یی متوسل شدند. از خاك **تایلند** بعنوان تخته‌پرش تجاوزعلیه‌کشورهای یاد شده استفاده کردند ــ نیز بتازگی امپریالیست‌های امریکایی و بریتانیایی بسوی «**مالزی**» بادبان کشیدند بدین نیت که **جمهوری‌اندونزی** را تهدید کنند.

بخطا می‌انگارند که می‌توانند ملتهای نوخاسته را منکوب کنند و برای تاخت و تاز به‌کشورهای سوسیالیستی برخی کشورهای آسیای جنوب شرقی را به‌پایگاه‌های نظامی تبدیل کنند. اما خلقهای ویت‌نام لائوس، کامبوجیا و اندونزی با این توطئه خائنانه قاطعانه مخالفت‌می‌کنند و اینگونه ترفندها بتمامه با شکست روبرو خواهد گشت.

پس از کنفرانس ژنو، مردم در سراسر میهن ما می‌توانستند از زندگی صلح‌آمیز و بنای کشور بهره‌مند شوند. لکن امپریالیست‌های ایالات متحد و باباشملهای آنان موافقت نامه‌های ژنو رازیر پای‌گذاشته‌اند، سرزمین ما را قطعه‌قطعه کردند و در جنوب جنگی شرارت بار را دامن زدند. این پتیارگان روزگار روستاها را با خاك یکسان می‌کنند و مردم را قتل عام می‌نمایند، آنان را به‌زندان می‌افکنند، تجاوز می‌کنند و سالداران و جوانان را شکم می‌درند و گردن می‌زنند.

تمام جهان متمدن از شدت خشم ناشی از جنایات شنیع اینان بتلاطم درمی‌آید. این چنین است که ۱۴ میلیون تن هم‌میهن جنوبی ما بعزم کمر راست کرده‌اند و برآنند تا واپسین دم با آنان پیکارکنند. هم‌میهنان شمالی ما در گوشت و خون خویش زخمدیده و دل‌آزرده‌اند، هرگز از اندیشهٔ‌جنوب باز نمی‌ایستند و برای تجدید وحدت ملی مردانه مبارزه می‌کنند.

درین ده سال گذشته، تحت‌حاکمیت خلق ۱۷ میلیون تن هم میهن ما در شمال در تلاش بنای میهن و شکل بخشیدن به‌زندگانیی نو وافزودن توان خویش در تمام زمینه‌ها یکدل و یك‌زبان‌بوده‌اند. فراهم‌آورده‌های عظیم شمال برتری رژیم سوسیالیستی را بروشنی نشان داده است و بقوت به‌هم‌میهنان جنوبی ما در مبارزهٔ میهن‌پرستانهٔ آنان دل و جان می‌بخشد.

تماشای این که شمال راه پیوستهٔ تغییر را در می‌نوردد و بیش از پیش قدرتمندتر می‌گردد منبع فیاض غرور و افتخار تمام مردم ما از شمال تا جنوب شمرده می‌شود نیز بر همین سیاق سرچشمهٔ شادمانی‌برادران و دوستان ما در سراسر جهان است.

اگر تنها وضع شمال را در آن موقع که صلح تازه مستقر شده بود بیاد آوریم بروشنی می‌توانیم معنی ترقیاتی را دریابیم که خلق ما پس پشت گذاشته‌است.

جنگ تجاوزکارانهٔ استعماری اقتصاد مارا در وضعی تحلیل برنده قرار داده بود.

یك هفتم اراضی قابل کشت بایر مانده بود، یك سوم دیگر بعلت نیاز به‌آب، از دورکشتکاری خارج شده بود، کارهای آبیاری نابودگشته بود، یك چهارم گاومیشها و گاوهای ما بدست خصم کشته شده بودند. صدها هزار باب منزل و صدها محل، کوچك و بزرگ با خاك یکسان گشته بود. چند کارخانهٔ موجود نیز بدست دشمن ویران شده بود، بیشترین اجزای ماشینها را پیاده کرده و بغارت برده بودند و تولید از چرخش باز ایستاده بود. بیشتر جاده‌ها، پلها و خودروها غیرقابل‌استفاده شدند. در شهرها، صدها هزار تن کارگر، بیکار بودند. قحط و غلا در همه‌جا چادر هستی ستیز پهن کرده بود.

در یك کلام، شمال صحنهٔ خرابی و ویرانی بود. اما مردم ما که در امر مقاومت در مقابل خصم قهرمانیها کرده بود بهمان نسبت در مبارزهٔ صعب برای چیرگی بر تمام دشواریها و تجدید بنای زندگی خود دلاور بوده است.

ما طی سه سال، در التیام زخمهای جنگ موفق شدیم، در معنی تمام تاسیسات کشاورزی و صنعتی رااز نو احیا کردیم. تولید زراعی بیدرنگ از سطح پیش از جنگ فزونی گرفت؛ تولید صنعتی از نو تقریباًبه‌سطحی رسید که در لوای حکمرانی فرانسویان‌حاصل شد. طی‌این‌دوره، **اصلاحات ارضی** را کامل کردیم، به۱۵ میلیون تن دهقان زحمتکش زمین و گاو

دادیم. برین روال دهقانان ما براستی اربابان نواحی روستایی، اربابان سرنوشت خویش شده‌اند.

طی سه سال پیاپی، پیروزی بزرگ دیگری کسب کردیم، این‌بار برگسترهٔ **دگرگونی سوسیالیستی.** یازده میلیون تن دهقان زحمتکش داوطلبانه به تعاونیهای زراعی پیوستند وراه کشت و زرع جمعی را باستواری پیش گرفتند. بتقریب تمام پیشه‌وران از نو سازمان یافتند.

تمام بخش صنعت و تجارت سرمایه‌داری بمسالمت‌دگرگونی یافته است. بخش دولت مدار سوسیالیستی بیش از پیش قویتر گشته است و در اقتصاد ملی برتری مطلق دارد.

نظام استثمار فرد از فرد از اساس ملغی شده است. مناسبات سوسیالیستی برقرارگشته است وتمام زحمتکشان برادرند و در قالب‌نیرویی سترگ برای بنای ملی متحد می‌شوند.

طی سه سال اخیر، خلق ما در سایهٔ **سومین کنگرهٔ حزب** بمنظور اجرای‌برنامه **پنج سالهٔ اول** درهم چشمی پرشوری شرکت داشته است و در راه صنعتی شدن سوسیالیستی نخستین گامها را برمی‌دارد و سنگ پایه‌های اولیهٔ مادی و فنی سوسیالیزم را پی می‌نهد.

نتایج حاصله:

در کشاورزی، بسا کارهای آبیاری، در مقیاسی کوچك و بزرگ انجام دادیم و برای نیم میلیون هکتار زمین آب مهیا ساخته‌ایم. ۳۰۰۰۰۰ هکتار زمین احیا کرده‌ایم و تولید کودها را افزایش دادیم و ابزار کشتکاری را اصلاح کرده‌ایم. دولت به‌دهقانان مساعدت افزونتری‌کرده است و برآن است که منابع سرمایهٔ تعاونیها را ایجاد کند و ازین راه اساس مادی و فنی کشاورزی را پی‌افکند ؛و از برای افزایش بازده، گسترش کشت و زرع را تشویق کرده است. گرچه خشکسالی‌ها، گردبادها و سیلها در سه سال گذشته اغلب رخ داده است، تولید کشاورزی بطور همه‌جانبه و پیوسته پیشرفت‌کرده است.

در مقایسه با سال ۱۹۳۹، بازدهٔ مواد خوراکی دوبرابر بیشتر شده، دامداری به‌دوبرابر نزدیك گشته است، در حالی که ارزش بازدهٔ فراورده‌های صنعتی هفت‌بار بیشتر شده است. کشاورزی ما بسا پرقوتتر پیش می‌رود و برای صنعتی شدن سوسیالیستی پای بستی محکم ایجاد می‌کند.

در صنعت، کارخانه‌های جدید بیشماری بنا کرده‌ایم. کار را در سال ۱۹۵۴ با ۴۱ باب کارخانه آغاز کردیم (که ازین تعداد بیست‌کارخانه

بزرگ است) و اکنون ۱۰۰۰ کارخانه داریم (که ۲۱۷ کارخانه ازین تعداد از کارخانه‌های بزرگ است). تاسیسات مهم صنایع سنگین: ماشین سازی، نیروی برق، استخراج فلزات، صنایع شیمیایی، کان‌یابی و غیره بتدریج بنا شده است. صنایع‌سبك و صنایع دستی بیشتر کالاهای مورد مصرف کشور راتولید کرده‌اند.

اقتصاد کنونی ما بر روی هم اقتصادی خود بسنده است که پیوسته ترقی می‌کند.

در خصوص **امور فرهنگی و اجتماعی**، ۹۵ در صد جمعیت ما باسواد شده‌اند در حالی که در زمان حکمرانی فرانسویان ۹۵ درصد بیسواد بودند. در قیاس با روزی که صلح تازه مستقر گشت، شمار دانش‌آموزان عمومی به۳٫۵ برابر افزایش یافته است؛ و شمار دانشجویان آموزش عالی و حرفه‌یی ۲۵ برابر بیشتر فزونی یافته است. برای زبانهای برخی اقلیتها الفبا تدوین شده است و بسا جوانان اقلیتهای ملی از دانشگاه‌های ما از تحصیل فارغ گشته‌اند. کار بهداشت بسا دستآوردها حاصل کرده است، از امراض بیشمار و بیماریهای اجتماعی دیرین پیشگیری شده است. تندرستی و بهداشت مردم بهبودی حاصل کرده است و اکنون نسبت به تندرستی خردسالان توجه بهتری مبذول می‌شود.

حیات فرهنگی توده‌ها در راه بالندگی است چندان که ادبیات و هنر با محتوی سوسیالیستی و خصلتی ملی با شور و حالی پرتوان‌پیشرفت می‌کند.

طی ده سال گذشته، گامهای بلندی برداشته شده که در تاریخ ملی ما بیسابقه بوده است. کشور، جامعه و انسان دیگرسان گشته است. بسا نواحی صنعتی پهناور در اینجا و آنجا سربرآورده است. بسی شهرها که پیش‌ازین مراکز تفریحی بود اکنون مراکز تولید شده است. مناطق کشاورزی گسترده‌یی که در سال تنها یك محصول بدست می‌داد اکنون در توازیی که کشاورزی بصورت همه‌جانبه‌گسترش می‌یابد دو یا سه محصول برداشت می‌کند. صدها هزار تن مردم از نواحی دلتا به‌نواحی مرکزی و کوهستانی پیشین رفته‌اند تا در کار استخراج منابع غنی کشور به کوه‌نشینان بپیوندند.

جامعهٔ کنونی در شمال، جامعهٔ زحمتکشانی است که اربابان جمعی کشورند و از برای بنای سوسیالیزم و زندگی نو برای خود و تمام نسلهای آینده روحیهٔ اتکای بخود، کوشش و صرفه‌جویی را حفظ‌می‌کنند.

جامعهٔ کنونی در شمال خانوادهٔ بزرگی است که از تمام قشرهای مردم و همهٔ ملیتهای‌برادر شکل می‌گیرد که در آن همگنان تنگاتنگ متحدشده و به‌همدگر کمك می‌کنند، در غم و شادی یکدگر سهیمند و برای منافع مشترك سرزمین اجدادی کار می‌کنند. رژیم ما رژیمی نوخاسته است؛ خلق ما اخلاقیات نو، اخلاقیات سوسیالیستی زحمتکشان را می‌پرورد: «یکی برای همه و همه برای یکی.» ما در حالی که جامعه‌یی نـو بنا می‌کنیم، خصال نکوی نیاگان خویش را گسترش‌می‌دهیم و ازسرمشقهای شایسته‌یی که خلقهای کشورهای برادر برپا کرده‌اند درس می‌گیریم.

ما برخود می‌بالیم که می‌بینیم بسا **مردان و زنان سالدار** در سنین ۸۰ ــ ۷۰ به‌بالا از سر شوق‌سخت کار و مطالعه می‌کنند، «تیپ موی سفیدان» را برپا می‌نمایند تا درخت بکارند و زمین آباد کنند و از برای آموزش و بهداشت عمومی و پیشگیری از بیماریها همت می‌کنند.

زنان ما در تولید کشاورزی شایستگیهای فراوانی از خود نشان داده‌اند؛ بسا از آنان قهرمان و رزمندهٔ هم‌چشمی و نیز رهبران تیم‌هـای بلندپایهٔ کارخانه، مدیران تعاونی، فرمانده رزمندگان (می‌لیشیا)، پزشگ و آموزگارند.

جوانان ما در تمام فعالیتها پیشگامان بلند همتی هستندــ درزمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و دفاع ملی ــ و بر پایهٔ این شعار عمل می‌کنند: «جوانان هرجا که‌نیاز افتد و در هرکجا که مشکلاتی پدید آید حی و حاضرند.»

خردسالان ما خوش‌رفتار، کتاب خوان و سخت کوشند؛ بسا که در مواقع خطربرای نجات دوستان خود دلیری و شجاعت نشان داده‌اند؛ دیگران با صداقت تمام اموال مفقوده را به‌صاحبان آنها بازگردانده‌اند؛ این عزیزان به‌همدگر مهر می‌ورزند و مددکار یکدیگرند و در انجام «یکهزار کارنیك» با همدگر هم‌چشمی می‌کنند.

روستاهای ما در گذشته نقاطی بود که مردم سراسر سال در آنهـا رنج می‌کشیدند و جان می‌کندند، اما قوت کافی برای خوردن نداشتند. روستاهای ما دیگر اکنون در تمام فصول با کار جمعی سخت‌سرگرمند. امروز همه‌جا می‌توان مدارس، کودکستانها، زایشگاههـا، باشگاههـا، محوطه‌ها و انبارهای تعاونی ومنازل جدید مسکونی برای اعضای تعاونیها را مشاهده کرد. حیات مادی مردم بطور پیوسته بهبودی می‌یابد و در همان حال حیات معنوی ایشان غنای ژرفتری حاصل می‌کند.

هم‌اینك، اقدامات **سیر طبیعی مدیریت تعاونیها و بهبـودی شگرد (تکنیك)ها** میلیونها تن از دهقانان را دست بکار کرده است که جملگی در باب سمتگیری تولید و برنامه‌ها و نیز اصلاحات فنی با شور و شوق بحث و گفت و گوی می‌کنند. این امر در کشاورزی نقطهٔ چرخشی و در نواحی زراعی روحیه تازه‌یی همراه آورده است.

در بنگاه‌های صنعتی، زمینهای ساختمانی و دیگر شاخه‌های اقتصادی، کارگران و کادرهای ما با آگاهی ازین که اربابان جمعی‌هستند، در کار خویش با حرارت وحمیت به‌هم‌چشمی با یکدیگرمی‌پردازند، نوآوریها ابتکار می‌کنند و بتدریج اهتمام می‌ورزند که انقلاب فنی را جامه عمل پوشند بدین قصد که برباراوری کار بیفزایند وپویش (پروسه) تولید را بالا برند و کیفیت را بهبود بخشند و از قیمتهای فرآورده‌ها بکاهند. اکنون، در هر نقطه برای اقدام «**سه کار برای وسهٔ کار علیه**» مقدماتی چیده می‌شود: برای حس عالی مسئوولیت، مدیریت بهتر و شگردهای اصلاح شده؛و علیه اسراف، حیف و میل و دیوان سالاری (بوروکراسی). اینگونه اقدامات با اهمیت انقلابی، که مبتنی است بر اجرای برنامهٔدولت در زمینهٔ تولید بیشتر و سریعتر و بهتر و قیمتهای نازلتر، برین اساس استوار است که در اقتصاد ملی تغییری مهم ایجاد کندودر تحقق تدریجی صنعتی شدن سوسیالیستی و بهبودی بیشتر زندگی خلق سهم درخوری داشته باشد.

کارگران روشنفکر در تحقیق، خلاقیت و اختراع کوشش فراوانی بعمل می‌آورند به‌کارهای علمی، فنی، آموزشی، ادبی و هنری نیروی انگیزش گسترده‌یی می‌دمند و در پیشرفت اقتصادی و فرهنگی و بنای سرزمین اجدادی غنی و قدرتمند وتربیت کادر برای آینده، کارهـای فراگیری انجام داده‌اند.

آرتش و نیروهای مسلح خلق با شور و غیرت پیشرفت می‌کنند و آرتش منظم و مدرنی می‌شوند. روحیهٔ انقلابی و شعور سوسیالیستی ونیز سطح تاکتیکی و فنی خویش را پیوسته اعتلا می‌بخشند وبرای پیکار، دفاع از سرزمین اجدادی، حفظ صلح‌ونظم آماده‌اند و برای درهم‌کوبیدن تمام اقدامات اخلال‌گرانهٔ امپریالیست‌های ایالات متحد و نوکرانشان قاطع و مصمم می‌باشند.

اتباع ویت‌نامی که در سرزمینهای خارج بسر می‌برند هماره به سرزمین مادری خویش می‌اندیشند. آنان که به‌میهن بازگشته‌اند استعدادها

و کار ــ مایه (انرژی)های خویش را از سر شوق در امر بنای ملی صرف کرده‌اند.

ساکنان چینی، در کار بنای سوسیالیزم در شمال بطور موثر به‌خلق ما پیوسته‌اند و برین سیاق به‌تقویت دوستی میان ویت‌نام و چین کمك می‌کنند.

جنبش **هم‌چشمی میهن‌پرستانه،** در تمام زمینه‌های فعالیت در شمال مردم مارا با شور بس‌ژرف انقلابی و نیروی آفرینشکاری در بنای هزاران تیم و بریگاد کار سوسیالیستی الهام می‌بخشند و در هر زمینه دستآوردهای چشمگیری حاصل می‌کنند و سعی می‌ورزند برنامهٔ ۱۹۶۴ دولت و نخستین **برنامهٔ پنج ساله** را با موفقیت اجرا کنند.

ده‌سال گذشته، ده سال مبارزهٔ دشوار و پیروزیهای پرافتخار بوده‌ــ است. نتایج شایان توجه ذکر شده همه بواسطهٔ رهبری درست حزب و حکومت و جد و جهد شجاعانهٔ خلق ما بوده است؛ نیز از کمك صمیمانهٔ کشورهای برادر سوسیالیست، خاصه اتحاد شوروی و چین مایه گرفته است. از جانب خلق، حزب و حکومت مان ازین مجال بهره می‌جوییم تا سپاسهای‌صمیمانهٔ خویش را به‌کشورهای برادر سوسیالیست ابلاغ کنیم.

ما از فراهم‌آورده‌های عظیمی که حاصل آمده است سخت مسرور و دلشادیم. با این همه، باید از **مشکلات عظیمی** که در راه پیشرفت‌انقلابی با آن روبروییم و از کاستیها و ضعفها بتمامه آگاه باشیم و در جهت غلبه بر آنها کوشش کنیم. بروجه مثال، سطح مدیریت اقتصادی هنوز نازل است، حس مسؤولیت چندان زیاد والا نیست، کیفیت فرآورده‌های مصنوعی بقدرکافی مطلوب نمی‌باشد و هنوز اثرات فراوان دیوان‌سالاری، اسراف و حیف و میل و جزاینها وجود دارد.

لکن با تلاش تمام حزب و همهٔ مردم، که احساس قوی انتقاد و انتقاد از خود و نیز وحدت فشرده و یگانگی نظر از خود نشان می‌دهند و بشور و وجد پیشرفت می‌کنند، ما یقیناً بر تمام دشواریها غلبه خواهیم کرد و پیروزیهای باز هم عظیمتری بدست خواهیم آورد.

تمام ما در شمال باید پیوسته این واقعیت را ملکهٔ ذهن کنیم که در حالی که ما در صلح و صفا زندگی و کار می‌کنیم، هم‌میهنان جنوبی ما در جنگ افتخارآفرین خویش علیه امپریالیست‌های ایالات متحـد و نوکران آنان بقهرمانی فداکاری و جانبازی می‌کنند. بنابرین، همهٔما

باید کوششهای خود را دوچندان کنیم تا شایستهٔ مقام خویشاوندان جنوبی خود شویم.

بزرگان و رفقای عزیز،

ما به‌خطهٔ جنوب قهرمان خویش سخت می‌بالیم. ده سال گذشته، در جنوب، ده‌سال مبارزهٔ پرافتخار و ظفرهای تابناك بوده است. هم میهنان جنوبی ما طی بیست سال دراز آزبرای دفاع از سرزمین‌اجدادی خویش بی‌وقفه مبارزه کرده‌اند. نیروهای میهن دوست جنوب در جنگ با استعمارگران فرانسوی و پس آنگاه با امپریالیست‌هـای امریکایی بـر تمام سختیها و دشواریها چیره آمده‌اند و در توازیی که می‌رزمند قویتر می‌گردند وپیروزیهای بازهم بیشتری بدست می‌آورند. بر هم میهنمان جنوبی بتمامه می‌برازد که«**حصارزرهی سرزمین اجدادی**» لقب گیرند.

هم اکنون مردم جهان و حتی عقیدهٔ عمومی امریکا دریافته‌اند که جنگ تجاوزکارانه در جنوب ویت نام محکوم به‌شکست است. حتی در میان محافل حاکمهٔ ایالات متحد، برخی درك این نکته را آغازکرده‌اند که ایالات متحد و باباشملهای آنان درتنگنا قرارگرفته‌اند. امپریالیست‌های ایالات متحد میلیاردها دلار ودهها هزارتن سازوبرگ به‌جنوب ویت نام سرازیر کرده‌اند؛ ۲۰۰۰۰ تن‌کارشناس نظامی ازبرای‌فرماندهی‌نیم‌میلیون تن سرباز حکومت جنوب ویت‌نام وپی‌نهادن‌جنگ بس دژخیمانه علـیه هم‌میهنان جنوبی ما گسیل شده‌اند. نتیجه این است که شکستهای پیاپی متحمل می‌شوند وبیش از پیش درباتلاق فرو می‌غلتند.

اینان چرا هزیمت دیده‌اند؟ امریکاییان برین نظرند که علت در ناتوانی نوکرانشان است. گمان می‌کنند که اگر عروسکهای خویش را عوض کنند وضع بروفق مراد خواهد گشت. اما اینگونه تعویض‌وتبدیلات تنها وضع ناگوارآن را ناگوارتر کرده است.

برآرتش ویت نام جنوبی خرده می‌گیرند که میل به‌جنگ ندارد که این نکته راست است. آرتش ویت‌نام جنوبی نیزاز ویت‌نامیان تشکیل می‌شود؛ سببی وجود نداردکه آنان فرامین امریکایی را مطاع باشند و هم‌میهنان خویش را ازپای‌درآورند. هم‌آنان بیش ازپیش ازین امرآگاه می‌شوند وبیش ازگذشته در پی مجالهایی برمی‌آیند که تفنگهای خویش را به سینهٔ تجاوزکاران وخائنان نشانه روند.

امپریالیست‌های ایالات متحد وباباشملهای آنان نیز بافترا زبان

درازی می‌کنند که شمال برای نیروهای میهن‌پرست جنوب ساز و برگ تهیه می‌کند. اما همه می‌دانند که سلاحهای مورد استفادهٔ میهن‌پـرستان جنوب ساخت امریکا است واین آرتش رژیم **سایگون** است که تهیه‌کنندهٔ سلاحهای آنان شده است. روزنامه‌های امریکایی پذیرفته‌اند که طی سال گذشته چریکهای ویت‌نام جنوبی ۸۰۰۰ قبضه ساز وبرگ بغنیمت‌گرفتند تا بـا آنها خـود را مسلح کنند. هم‌اینك، جنگ‌افروزان ایالات‌متحد و غلامان نوآمدهٔ آنان قیل‌وقال راه انداخته‌اند که در تدارك«حرکت‌به‌شمال» هستند! گوبفرما! اما باید این نکته را دریابند: اگر بی‌پروا علیه شمال جسارت بخرج دهند، با شکستی رسواکننده روبرو خواهند گشت. زیرا مردم سراسر کشور ما بعزم با آنان خواهند رزمید، زیرا کشورهای سوسیالیستی ومردم ترقیخواه سراسر جهان ازته وجود ازما حمایت خواهند کرد وبدین‌علت که خلق ایالات متحد ومتحدان آن نیز باآنان مخالفت خواهند ورزید.

وضع کنونی درجنوب شاهد آشکاری است براجتناب‌ناپذیری‌شکست ایالات متحد درین «جنگ ویژه». «جنگ ویژه» که امپریالیست‌های ایالات متحد در جنوب ویت‌نام تجربه می‌کنند باشکست مواجه شده است و درهر نقطهٔ دیگری‌هزیمت خواهد دید. این است اهمیت بین‌المللی‌مبارزهٔ میهنی هم‌میهنان جنوبی ما با عطف به‌جنبشهای رهایی‌بخش ملی درجهان.

درمقابل چنین وضعی، عقیدهٔ جهانی ونیز عقیدهٔ امریکا به‌راه‌حل جنگ در جنوب‌ویت‌نام گرایش می‌کند.

ما، **بسهم‌خود**، طی تمام این‌مدت باصرار برین نکته پای فشرده‌ایم که تنها راه حل درست مسألهٔ جنوب ویت‌نام این است کـه مفاد اساسی **موافقت‌های سال ۱۹۵۴ ژنو** در مورد هندوچین بدقت اجرا شود.

شرکت کنندگان در کنفرانس ژنو، ازجمله ایالات متحد باید پیمان خویش‌را محترم شمرند: رعایت حاکمیت، استقلال، وحدت وتمامیت‌ارضی ویت‌نام وخودداری از دخالت درامور داخلی ویت‌نام.

حکومت سایگون، بسان حکومت جمهوری دمـوکراتیك ویت‌نام باید مفاد الزامی موافقت نامه‌ها را بدقت اجرا کند: در هیچگونه اتحاد نظامی با کشورهای خارجی وارد نشود، اجازه ندهد که پایگاه‌های‌نظامی خارجی مستقر گردد وازپذیرفتن پرسنل نظامی خارجی درکشورخودداری ورزد.

ما از خواستهای برحق **جبههٔ آزادیبخش ملی ویت‌نام جنوبی** برای

پایان بخشیدن به‌مداخلهٔ ایالات متحد در جنوب وخارج کردن سربازان و سازوبرگهای این کشور از جنوب و نیز ازین دیدگاه که اموردا‌خلی این خطه باید برعهدهٔ خلق جنوب ویت‌نام گذاشته شود تا آنان برحسب برنامهٔ جبهه مسأله را حل کنند بتمام وکمال حمایت می‌کنیم.

درخصوص مسألهٔ تجدید وحدت مسالمت‌آمیز ویت نام، حکومت ما بارها نظریات ومواضع خود را در انطباق با روح **برنامهٔ جبهه سرزمین اجدادی ویت‌نام** وبرنامهٔ جبههٔ آزادیبخش ملی ویت‌نام جنوبی آشکارا بیان کرده است.

ما ازمادهٔ ۹ برنامهٔ جبههٔ آزادیبخش ملی ویت نام جنوبی یکسره‌حمایت می‌کنیم:

«خواست الزام‌آور هم‌میهنان ما در سراسر کشور این است که سرزمین اجدادی بمسالمت ازنو وحدت یابد. جبههٔ آزادیبخش ملی‌ویت‌نام جنوبی ازتجدید وحدت تدریجی کشور ازراههای مسالمت‌آمیز برپایهٔ اصل مذاکرات ومباحثاتی که هر دو منطقه در تمام اشکال‌ومقیاسها پی می‌گیرند و بنفع ملت و سرزمین اجدادی ویت‌نام نیزهست‌حمایت‌می‌کند.

«تا هنگام تجدید وحدت، حکومتهای دومنطقه مذاکره خواهند کرد ودر قبال یکدیگر عهد می‌بندند که‌هیچگونه تبلیغات احتمالی تقسیم کشور ودامنگیر جنگ را دنبال نگیرند وازنیروی نظامی علیه یکدگر استفاده نکنند. مبادلات اقتصادی وفرهنگی بین دومنطقه صورت خواهد گرفت. مردم درهردو منطقه آزاد خواهند بود که سفرکنند، داد وستد نمایند وبرای همدگر نامه ارسال کنند.»

خلق ویت‌نام از مردم کشورهای سوسیالیستی و خلق‌های جهان که از مبارزهٔ برحق هم‌میهنان جنوبی ما برای آزادی خود واز مبارزهٔ تمام مردم ما برای تجدید وحدت مسالمت‌آمیز کشور قاطعانه حمایت‌کرده‌اند صمیمانه سپاسگزار است.

به‌مردم امریکا، میل دارم بگویم که این جنگ بناحقی که حکومت ایالات متحد در جنوب سرزمین ما پی می‌گیرد برای مردم امریکاتلفات بزرگ جانی و مالی ببار آورده است و آبروی ایالات متحد را لکه‌دار کرده است. وقت آن است که مردم امریکا برای پایان بخشیدن به‌این جنگ کثیف هرچه بی‌امانتر مبارزه‌کنند وآبروی ایالات متحد را حفظ نمایند ومیان خلقهای دوکشور ما دوستی برقرار سازند.

بزرگان ورفقای عزیز،

طی ده سال گذشته، **درجهان**، تغییرات انقلابی عظیمی رخداده که برای آرمان صلح، استقلال ملی، دموکراسی وسوسیالیزم مطلوب بوده است.

سده‌یی پیش، **مارکس** پرولتاریای جهان را فراخواند که وحدت یابند و انقلاب کنند. نیم قرنی بعد، **لنین** پرولتاریا و خلقهای ستمبر را فراخواند که ازبرای سرنگونی امپریالیزم متحد شوند. **انقلاب اکتبر**، تحت رهبری لنین وحزب **کمونیست شوروی کبیر** پیروزی تابناکی‌حاصل کرد که به‌تأسیس اتحاد شوروی انجامید ورهنمای عصری نو در تاریخ بشری شد، عصر پیروزی سوسیالیزم. در جنگ جهانگیر دوم، اتحاد شوروی فاشیزم را سراسر منهزم کرد وبشریت را ازچنگال استیلای دیو سیرت آن رهاند وبرای پیروزی انقلاب دربسا کشورها اوضاعی مهیا کرد.

ظفرمندی **انقلاب چین** و تأسیس **جمهوری خلق چین** توازن قوا درجهان را بسوی کفهٔ انقلابی کاملا سنگین کرد ومبارزهٔ خلقهای تحت ستم وزحمتکشان سراسر گیتی را بقوت انگیخت. اردوگاه سوسیالیستی پای بعرصهٔ وجود گذاشت و هرروز قدرتمندتر گشت و در تکامل جامعهٔ انسانی عامل تعیین‌کننده می‌شود. اردوگاه سوسیالیستی حایل اصلی مبارزهٔ رهایی‌بخش ملی درآسیا، افریقا وامریکای لاتین می‌باشد.

بموازاتی که امپریالیزم شکستهای پیاپی وسنگینی متحمل می‌گردد و به‌سراشیب‌زوال و میرندگی در می‌غلتد، بیش‌ازپیش ددمنش و خشن‌سیرت می‌شود. امروز، مردم‌جهان از سرشت‌شریر امپریالیزم تجاوزکار وجنگ طلب ایالات متحد بخوبی واقفند،امپریالیزمی که دسیسه‌های بغایت‌خائنانه راعلیه کشورهای سوسیالیستی، حاکمیت واستقلال ملتها وعلیه صلح و امنیت جهانی جنون‌آسادنبال می‌گیرد. خلقها، درهمه‌جا، آسیا، افریقا و امریکای لاتین، برای پیکار با امپریالیست‌ها بسرکردگی ایالات متحد قاطعانه بپاخاسته‌اند وظفرهای تابناک مکرری حاصل کرده‌اند.

سیاست خارجی حزب ودولت ما این است‌که براساس مارکسیزم‌ـ لنینیزم وانترناسیونالیزم پرولتری همبستگی با **کشورهای سوسیالیستی برادر** را تقویت نماید؛ با سیاست تجاوزکار وجنگ‌طلب امپریالیزم بسرـ کردگی امپریالیزم‌ایالات‌متحد بعزم مبارزه‌کند و باکشورهایی که رژیمهای

مختلف سیاسی و اجتماعی دارند همـزیستی مسالمت‌آمیـز داشته باشد؛ وازجنبشهای رهایی بخش ملی قاطعانه حمایت نماید واز استقلال مـلی پاسداری کند؛ ازمبارزهٔ طبقهٔ کارگر ومردم جهان برای صلح، استقلال ملی، دموکراسی وسوسیالیزم پشتیبانی نماید. رخدادهای سالهای گذشته نشان داده است که این سیاست سربه‌سر درست بوده وپیروزیهای عظیمی ببار آورده است. پایگاه بین‌المللی کشور ما پیوسته والا وبلند گشته است. ما همدردی وحمایت کشورهای برادر ومردم جهان را برای بنای ساختمان سوسیالیستی درشمال ومبارزهٔ آزادیبخش هم‌میهنان جنوبی خویش ومبارزه خلق سراسر کشورمان در راه تجدید وحدت مسالمت‌آمیز ملی بوسعت وقوت هرچه تمامتر کسب کرده‌ایم.

ما بعنوان یك کشور در آسیای جنوب شرقی از مبارزهٔ برحق خلقهای این منطقه علیه تجاوز واسارت بدست امپریالیزم، استعمار واستعمار نو ازصمیم قلب حمایت می‌کنیم.

درخصوص همسایگان خویش، **کامبوجیا** و **لائوس** همیشه مشتاق و آماده‌ایم که در تمام زمینه‌ها مناسبات دوستانه را بسط وگسترش دهیم. ازمبارزهٔ عادلانهٔ خلق لائو علیه تجاوز امپریالیزم ایالات متحد ازته دل حمایت می‌کنیم؛ وازکوشش حکومت ائتلافی در لائوس با شاهزاده **سووانا فووما** (Souvanna Phouma) درمقام **نخست وزیر** آن دیار بمنظوراجرای **موافقت‌نامهٔ** سال ۱۹۶۲ ژنو در مورد لائوس وپاسداری ازصلح وبیطرفی آن کشور پشتیبانی می‌نماییم. صمیمانه آرزو داریم که حکومت ائتلافی لائو بزودی به‌وفاق ملی نایل آید ودر تثبیت وضع توفیق یابد چندان که بتواند لائوسی کامیاب بناکند.

در باب **کشور پادشاهی کامبوجیا**، ما از برقراری روابط حسن همجواری مصراً حمایت می‌کنیم. ازپایگاه مستحکم حکومت کامبوجیا علیه تحریك وتهدید تجاوز امپریالیست‌های ایالات متحد ونوکرانشان بتمامه جانبداری می‌نماییم. بارها اعلام کرده‌ایم که ازکنفرانسی بین‌المللی، بنابر پیشنهاد شاهزاده **نورودوم سیهانوك** (Norodom Sihanouk) **رئیس کشور**، که بیطرفی وتمامیت ارضی کامبوجیا را تضمین خواهد کرد، حمایت می‌کنیم وآماده‌ایم که درآن شرکت جوییم.

سخت باورداریم که، با حمایت مستحکم مردم‌جهان، خلق کامبوجیا استقلال ملی و حاکمیت، بیطرفی و تمامیت ارضی خویش را بطور قطـع حفظ وحراست خواهد کرد، وبرین شیوه در دفاع ازصلح وامنیت درین

منطقه سهم بسزایی خواهد داشت.

از خلق **اندونزی**، که تحت‌رهبری رئیس‌جمهور **سوکارنو** (Sukarno) علیه بلوك «**مالایای بزرگ**»، که ساخته و پرداختهٔ امپریالیست‌هـا است قاطعانه مبارزه می‌کنند بتمامه حمایت می‌کنیم. این مخلوق امپریالیست‌ها بدین نیت شکل می‌گیرد که آنان امتیازات خویش را درآسیای جنوب شرقی ابقا کنند وازین وسیله بعنوان تخته پرش یورش به‌جنبش رهایی‌بخش ملی درین منطقه استفاده نمایند. قدر مسلم این‌است که دسیسهٔ امپریالیست‌ها با شکست روبرو خواهد شد ومبارزهٔ برحق خلق اندونزی با موفقیت‌قرین خواهد گشت.

درخصوص منافع مشترك جنبش انقلابی جهان ومبارزه علیه امپریالیزم، پیوسته تلاش می‌کنیم که در پاسداری و تقویت همبستگی در اردوگـاه سوسیالیستی و جنبش کمونیستی بین‌المللی سهم خویش را ادا کنیم. بااتکا برقطعنامهٔ **نهمین پله‌نوم کمیتهٔ مرکزی حزب کارگران ویت‌نام** باخـود پیمان می‌بندیم که در کوششهای خود همراه با دیگر احزاب مارکسیست‌ـ لنینیستی برادر دردفاع ازیکدستی مارکسیزم‌ـلنینیزم واصول انقلابی در دو **بیانیهٔ مسکو** ایستادگی وپافشاری کنیم. کاملا باور داریم که اختلافات در جنبش کمونیستی بین‌المللی حل وفصل خواهد شد. مارکسیزم‌ـلنینیزم بی‌تردید ظفرنمون خواهد گشت و اردوگاه سوسیالیستی وجنبش کمونیستی بین‌المللی بیش ازپیش متحد ونیرومند خواهد شد. با دمیدن انگیزش قوی به‌مبارزهٔ انقلابی طبقهٔ کارگر ومردم جهان، آنان برای صلح، استقلال ملی، دموکراسی وسوسیالیزم پیروزیهای عظیمتری حاصل خواهند کرد.

بزرگان ورفقای عزیز،

رویدادهای مهم در سرزمین خویش وجهان را طی ده‌سال گذشته مرور کردیم. خلق ما بلوغ حاصل کرده است؛ وقدرت افزونتر وتجارب غنی‌تری بدست آورده است. ما با گامهای استوارتر بسوی تکمیل وظایف انقلابی ملت خویش پیش می‌رویم: بنای سوسیالیزم، بنای زندگی نو در شمال، حمایت ازمبارزهٔ میهن‌پرستانهٔ هم‌میهنان جنوبی خویش، رسیدن به‌ویت‌نامی صلح‌آمیز، وحدت یافته، مستقـل، دموکـراتیك و کامکار، ادای دین به‌حراست ازصلح در منطقهٔ آسیای جنوب شرقی وجهان.

برای رسیدن بداین هدفهای بزرگ، **وظایف مبرم** ما به‌شرح زیر **است:**

۱. تمام حزب و خلق وآرتش ما باید وحدت خویش را فشرده‌تر کنند. بگذار هرفرد خمیرمایه وروحیهٔ انقلابی خود را اعتلا بخشد ودر مقابل دشواریها وسختیها بی‌پروا باشد؛ رخصت ده حس‌آقایی جمعی‌خود را بپرورد؛ و بگذار جرأت اندیشیدن و دل عمل‌کردن داشته‌باشد ودرانجام وظایف خود کمر راست کند؛ و در تکمیل موفقیت برنامهٔ سال جاری‌دولت و نخستین برنامهٔ پنج‌ساله سهیم باشد.

۲. بگذار اقدام برای «سیر طبیعی مدیریت، شگردهای اصلاحی و پیشرفت کشاورزی را بشیوه‌یی همه‌جانبه، مستمر ومداوم» و اقدام «سه کاربرای وسه‌کار علیه» را در صنعت ودیگر شاخه‌های اقتصاد ملی با موفقیت پی‌جویی کنیم.

رخصت ده کار جنبشی را پیش‌بریم که مردم دلتا را برای رفتن به‌ارتفاعات وشرکت در پیشرفت فرهنگی واقتصادی آنجا تشویق می‌کند.

بگذار بردامنهٔ جنبش هم‌چشمی میهنی بیفزاییم وتیم‌ها وبریگادهای کار سوسیالیستی را گسترش دهیم وتعاونیهای زراعی را توسعه بخشیم.

۳. بگذار حاکمیت خلق را بی‌وقفه تقویت کنیم وبدقت این اصل را مرعی داریم: دموکراسی برای مردم، دیکتاتوری در قبال خصم. رخصت ده تمام مقررات وقوانین دولت را مطاع باشیم. بگذار انتخابات آیندهٔ سومین مجمع ملی را قرین توفیق کنیم.

بگذار ارکان نیروهای دفاع ملی را استحکام بخشیم، نظم وامنیت را حفظ کنیم و همیشه برای درهم‌کوفتن تمام‌اقدامات تخریبکی‌وخرابکاری امپریالیست‌های ایالات متحد ونوکران آنان هشیار وآماده باشیم.

۴. رخصت ده ازمبارزهٔ میهنی هم‌میهنان جنوبی خویش بتمام وکمال حمایت کنیم. بگذارهرفرد سخت‌کارکند ودربنای سوسیالیستی در شمال وبرپایی آرمان تجدید وحدت مسالمت‌آمیز ملی سهم عملی داشته باشد.

۵. بگذار روح انترناسیونالیزم پرولتری را والا نگهداریم، دوستی با کشورهای سوسیالیستی برادر را پاس داشته، گسترش دهیم؛ رخصت‌ده از جنبشهای رهایی‌بخش ملی ازصمیم قلب حمایت کنیم؛ درمبارزه علیه امپریالیزم بسرکردگی امپریالیزم ایالات متحد، برای صلح، استقلال‌ملی، دموکراسی وسوسیالیزم با طبقه کارگر ومردم جهان متحد شویم.

مبارزهٔ انقلابی پویشی دراز وصعب دارد، بی‌تردید، اما، مظفرمی‌شود. هریك ازما، گیرم هرکار ومقامی داشته باشد، باید ازبرای این آرمان افتخارآفرین رزمنده‌یی دلیر باشد.

کادرهای حزب، سازمانهای دولتی وتوده‌یی، اعضای حزب‌واتحادیهٔ کارگران جوان باید در کارخویش سرمشق باشند، در خدمت به‌خلق‌بغایت تلاش ورزند وپیوسته فضایل انقلابی خویش را بپرورند: کوشش، صرفه جویی، درستی و راستی.

بگذار سنتهای نکوی خلق قهرمان خویش را گسترش دهیم وبرای هرگونه اقدام وجانبازی ضرور در راستای مصالح عالی سرزمین اجدادی، مردم وانقلاب جهانی آماده باشیم. پیروزیهای عظیم وشگرفت پیش‌روی ما است!

رخصت ده تمام حزب وخلق ما باستواری پیش رود!

بزرگان ورفقای عزیز،

آنچه آمد نظریاتی چند بود که بعرض رسید و من امیدوارم شما آنها را مطرح بحث قرار دهید وتکمیلشان کنید.

سخنرانی بمناسبت بیستمین
سالروز
آرتش خلق ویت‌نام

(۲۲ دسامبر، ۱۹۶۴)

رفقا،

بمناسبت بیستمین سالگرد بنیانگزاری **آرتش خلق‌ویت‌نام**، میل دارم ازجانب **کمیتهٔ مرکزی حزب** وحکومت تبریکات صمیمانهٔ خود رابه‌آرتش منظم، نیروهای ناحیه‌یی، نیروهای مسلح‌امنیت‌خلق و رزمندگان ونیروهای دفاع از خود در سراسرکشور، کـه بسا دستآوردها رقم‌زده و در مبارزه، مطالعه ،کار وکار تولیدی ترقی شایانی کرده‌اند ابراز کنم وازهمهٔ‌آنان قدردانی نماییم.

به‌ژنرال **کیم تزانگ بونگ** (Kim Tsang Bong) و دیگر رفقـای **هیأت نظامی** کشور برادر **جمهوری دموکراتیك خلق کره** با خرسندی خیر مقدم می‌گویم و برای‌ایشان دربن‌دیداردوستانه موفقیت مطلوبی‌آرزومی‌کنم.

آرتش ما، آرتشی است قهرمان که از خلقی قهرمان برخاسته است. این آرتش پس ازتولد خود، مسلح به‌نیزهٔ چوبی وتفنگهای سرپر همراه با تمام مردم با فرانسویان وژاپونیان رزمید وبرای **انقلاب اوت** پیروزی بارمغان آورد. ده سالش بودکه بهمت خلق پیروزی عظیم **دین بین فو** را رقم زد وجنگ تجاوزکارانهٔ امپریالیست‌های فرانسوی را که ازکومك امریکاییان بهره‌مند بودند به‌سراشیب شکست کشاند.

آرتش ما درجنگ هم بدان‌گونه قهرمان است که درصلح. وظیفهٔ خود را در دفاع ازشمال ودرهم‌کوفتن تمام اقدامات تحریکی‌وخرابکاری امپریالیست‌های ایالات متحد وغلامان آنان با موفقیت انجام داده است. برامپریالیست‌های ایالات متحد بی‌امان ضربه می‌زند آنسان که در پنجم ماه اوت سال جاری چنین کرد.

نیز آرتش ما دربنای اقتصاد وپیشرفت فرهنگی نقشی فعال داشته است وازین قرار وظایف یك آرتش انقلابی را بتمام انجام می‌دهد.

آرتش ما نسبت به‌حزب وفادار ودرقبال خلق متعهد ومومن است، آماده است برای استقلال وآزادی سرزمین اجدادی وسوسیالیزم نبرد را سازکند و مهیا است که هروظیفه‌یی را انجام دهد، بر هر دشواریی چیره‌آید وهرخصمی را سربکوبد.

افسران وافراد بسان برادران نسبت به‌همدگر مهر می‌ورزند و در حرمان وشادی یکدیگر شریکند. آرتش وخلق بسان ماهی‌وآبند، متحد ویکدل ویك زبانند. ازیکدگر درس می‌گیرند وبه‌همدگر مدد می‌کنند.

آرتش ما ازمیهن‌پرستی راستین وانترناسیونالیزم پرولتری والا و بلند پایه الهام می‌گیرد؛ باخلق وآرتشهای کشورهای سوسیالیستی برادر ومردم کشور های خط مبارزه برای رهایی ملی وصلح‌دوستان جهان متحد است.

آرتش ما شکست‌ناپذیر است، زیرا آرتشی خلقی است که بهمت حزب ما بنا ورهبری شده وآموزش دیده است.

افسران وافراد باید فروتن باقی بمانند وپیوسته جهد ورزند. باید جان مایه وسنت انقلابی آرتش را گسترش دهند. باید از عزم به‌رزم وکسب پیروزی خلق قهرمان ونیروهای مسلح جنوب در مقاومت برای رهایی ملی علیه تجاوزکاران امپریالیست ایالات متحد و وردستان آنان درسها بگیرند ودرسها بدهند.

خصم هنوز به‌دسیسه‌های خائنانه متوسل می‌شود. تمام خلق وآرتش مابابد برهشیاری خود بیفزایند، آمادهٔ کارزار باشند ودرهم چشمی‌میهن‌پرستانه با روح «هرتن برای دوتن کارمی‌کند» از سرشوق شرکت‌جویند تا ازین راه شمال سوسیالیستی را بنا وازآن دفاع کنند واین خطه رابرای آزاد ساختن جنوب ورسیدن به‌تجدید وحدت مسالمت‌آمیز ملی به‌پایگاهی سترگ ومستحکم تبدیل کنند.

پیروزی بی‌تردید ازآن‌ما می‌شود.

سخنرانی در دومین اجلاس
سومین مجمع ملی ج. د. و. ن*

(۱۵ آوریل، ۱۹۶۵)

رفقا،

مجمع ملی ما اجلاس کنونی خود را در وضعی بس‌اضطراری، اما، در محیطی شورانگیز وسرشار از اعتماد برگزار می‌کند. جنبش‌ضد تجاوز ایالات متحد برای رهایی ملی در همه‌جا سربر می‌آورد. در شمال و جنوب بسی پیروزیهای عظیم حاصل آمده است.

طی ده‌سال گذشته، امپریالیست‌های ایالات متحد و نوکران آنـان جنگی بس‌بیرحمانه را دامن زده‌اند و بر هم‌میهنان ما در **جنوب** تلفات توصیف ناپذیری وارد کرده‌اند. درچندماه گذشته، جنگ را جنون آسابه **شمال** میهن ما توسعه بخشیده‌اند. با بی‌اعتنایی به‌موافقت‌نامه‌های سال ۱۹۵۴ ژنو و قوانین بین‌المللی، برای بمباران و گلوله‌باران پیوستهٔ شمال ویت‌نام، از صدها فروند هواپیمای جنگنده ودهها فروندکشتی جنگـی استفاده کرده‌اند. تجاوزکاران ایالات متحد با نشان دادن طینت واقعی خویش بعنوان دزدان دریایی بیشرمانه به‌سرزمین ما دست‌درازی می‌کنند. این دلقکان برآنند بضرب و زور اسلحه سی میلیون تن مردم ما را اسیر کنند. اما سخت در اشتباهند. اینان یقیناً با شکستی مفتضحانه روبرو می‌شوند.

خلق ویت‌نام، خلقی قهرمان است. اکنون بیش از ده سال است که چهارده میلیون تن هم‌میهن ما همه‌نوع محنت و جانبازی را بجان خـریده و بسا دلاورانه جنگیده است. هم ایشان که کارزار را با دستانی تهی آغاز کردند از خصم، سلاحها به‌غنیمت گرفته‌اند تا با او پیکار کنند و پیروزی در پی پیروزی بدست آورده‌اند و اکنون پیاپی موضع تعرضی می‌گیرند و برتجاوزکاران ایـالات متحـد و خائنان شکست‌های کاریتری وارد می‌کنند و باعث می‌آیند که هرچه عمیقتر در باتلاق فرو روند. شکستهای اینان هرقدر سنگین‌تر باشد، وسایل مورد استفاده‌شان شررخیزتر می‌شود، مانند ناپالم و گازهای کشنده برای قتل‌عام هم‌میهنان ما. ازآنجا که اینان

* اختصار جمهوری دموکراتیک ویت‌نام. م.

براستی در مردات جنوب به‌گل می‌نشینند راه حملات ددآسا به‌شمال را پیش می‌گیرند.

تجاوزکاران امپریالیست ایالات متحد، بسان دزدی که فریادمی‌کشد «دزد را بگیر» به ویت‌نام شمالی بیشرمانه تهمت می‌زنند که علیه ویت‌نام جنوبی «مرتکب تجاوز می‌شود.» این ناقضان صلح و موافقت‌نامه‌های ژنو گستاخانه مدعیند کـه چون برآنند که «صلح را برقرارکنند» و «از موافقت‌نامه‌های ژنو مدافعه نمایند» سربازان ایالات متحد را برای کشتن و نابود کردن به‌سرزمین ما گسیل می‌دارند. برای خشت آخورهای خود خاك ما را به‌توبره می‌کشند وخلق ما را قتل عام می‌کنند، اما بسالوسی گزافه می‌بافند که یك میلیارد دلار به خلق ویت‌نام و دیگر کشورهای منطقهٔ آسیای جنوب شرقی اعطا خواهند کرد! که «اقتصاد خود را به راه پیشرفت سوق دهند و معیشت خود را بهبود بخشند».

نیز **جانسن** رئیس جمهوری ایالات متحد به‌تهدید فریاد برمی‌آورد که برای انقیاد خلق ما از زور استفاده خواهد کرد. این سخن چیـزی مگـر خیال ابلهانه نیست. خلق ما هیچگاه، آری هیچگاه، تن به‌تسلیم نخواهد داد.

طرح تیلر (Taylor) گز نکرده پاره کرده است. **طرح‌مك‌نامارا** (McNamara) نیزکـوس رسواییش نواخته شده است. نقشهٔ جنـگ «تصاعدی» نیز که حضرات امپریالیست ایالات متحد اکنون به‌اجرای آن در شمال ویت‌نام کمر برمی‌بندند ره به‌ترکستان می‌برد. حتی اگر صدها هزار تن دیگر سرباز ایالات متحد را به‌آوردگاه‌ها سرازیر کنند و پـای شمار بیشتری از سربازان اقمار خود را به‌این جنگ جنایتکارانه بازکشند، آرتش و خلق ما مصممند که به‌جنگ قدبرافرازند و پوزهٔ اینان را با خاك قهرمان پرور ویت‌نام آشنا کنند.

بیانیهٔ **جبههٔ آزادیبخش ملی ویت‌نام جنوبی** این روحیهٔ قهرمانانه را اعتلا بخشیده است. فراخوان **جبههٔ سرزمین اجدادی ویت‌نام** نیز برین ارادهٔ آهنین صحه گذاشته است.

ما به‌صلح عشق می‌ورزیم ولیکن از جنگ پروایی نداریم و برآنیم که برای دفاع از آزادی، استقلال و تمامیت ارضی سرزمین اجدادی‌خویش تجاوزکاران ایالات متحد را ازین‌گهوارهٔ مردی و مردمی بتارانیم.

خلق ما در سراسرکشور اعتماد راسخ دارد که با همبستگی مبارزاتی، دلیری و روشن‌بینی خلاق و همدردی و حمایت مردم جهان، او

کبیر مقاومت را بی‌تردید به‌سرمنزل پیروزی کامل خواهد رساند.

مردم ما از کشورهای سوسیالیستی ــ علی‌الخصوص از اتحادشوروی و چین ــ و از مردم قاره‌ها که از مبارزهٔ ما علیه تجاوزکاران‌امپریالیست ایالات متحد ــ این سفاکترین دشمن بشریت ــ فعالانه حمایت می‌کنند کمال تشکر را دارد و برای همبستگی برادرانه و کمکهای بی‌شائبهٔ آنان بسیار قدر و قیمت قایل است.

خلق ما در خصوص مردمان لائو و کامبوجیاکه علیه امپریالیست‌های ایالات متحد و نوکران آنان دلاورانه مبارزه می‌کنند پیوسته همبستگی خود را با آنان تقویت می‌کند و از صمیم قلب از ایشان حمایت می‌نماید.

ما به‌جوانان کشورهای مختلف که برای آمدن به‌ویت‌نام وپیوستن به‌ما در مبارزه با تجاوزکاران ایالات متحد تمایل نشان داده‌اند به‌گرمی درود می‌فرستیم.

مردم امریکا با تبلیغات حکومت خود، که میلیاردها دلار پول آنان را اخذ کرده است تابه‌کام جنگ فروریزد، فریب‌خورده‌اند. هزاران تن پسران آنان در آوردگاه‌های ویت‌نام که هزاران فرسنگ دورتر از ایالات متحد قراردارد بنحو غم‌انگیزی کشته یا مجروح شده‌اند. هم‌اکنون، بسا سازمانها و شخصیت‌ها در ایالات متحد از حکومت خود طلب می‌کنند که جنگ غیر عادلانهٔ خود را بیدرنگ خاتمه بخشند و بلافاصله نیروهای ایالات متحد را از جنوب ویت‌نام واپس نشاند.

مردم ما مصممند که امپریالیست‌های ایالات متحد، این خصم قسم خوردهٔ خود را ازین سرزمین بتارانند. در عین‌حال ما همیشه بردوستی با مردم ترقیخواه امریکا تأکید کرده‌ایم.

جمهوری دموکراتیك خلق ویت‌نام یکبار دیگر رسماً اعلام می‌کند که پایگاه گسست‌ناپذیرش درین هنگامهٔ جنگ چنین است که از استقلال، حاکمیت، وحدت وتمامیت ارضی ویت‌نام قاطعانه دفاع‌کند. ویت‌نام یك کشور و ویت‌نامی یك ملت است؛ هیچکس اجازه ندارد که این حق‌مقدس را زیرپای نهد. امپریالیست‌های ایالات متحد باید موافقت‌نامه‌های ژنو را محترم شمرند، از جنوب ویت‌نام واپس نشینند و حملات خویش را به‌شمال ویت‌نام بیدرنگ قطع کنند. این تنها راه خاتمه بخشیدن جنگ در ویت‌نام، اجرای موافقت‌نامه‌های سال ۱۹۵۴ ژنو، حراست از صلح در هندوچین و آسیای جنوب شرقی بشمار می‌آید. راه حل دیگری وجود ندارد. این است خلق و حکومت ما به‌امپریالیست‌های ایالات متحد.

رفقاء

خلق ما در پرافتخارترین دورهٔ تاریخ بسر می‌برد. سرزمین ما این افتخار بزرگ نصیبش شده است که پیشقراول اردوگاه سوسیالیستی و خلق‌های جهان در پیکار علیه امپریالیزم، استعمار واستعمار نو باشد.

مردم ما نه‌تنها برای آزادی و استقلال خود که برای آزادی و استقلال خلقهای دیگر و صلح جهانی نیز مبارزه و جانبازی می‌کنند.

در آوردگاه مبارزه علیه تجاوزکاران امپریالیست ایالات متحد، وظیفهٔ خلق ما بسا سنگین بل‌که بسیار افتخارآفرین است.

هم‌اکنون، ایستادگی در مقابل تجاوز ایالات متحد و نجات کشور، مقدس‌ترین وظیفهٔ هرمیهن‌پرست ویت‌نامی است. مردم و جنگاوران‌قهرمان جنوب ویت‌نام تحت رهبری جبههٔ آزادیبخش ملی، این تنها نمایندهٔ‌راستین مردم ویت‌نام جنوبی بسوی کسب ظفرهای هرچه نمایانتر پیش می‌روند تا ازین راه جنوب را آزاد کنند و از شمال دفاع نمایند.

نیروهای مسلح و خلق ما در شمال از سرشور و شوق درکار هم‌چشمی برای بنای سوسیالیزم کمر راست کرده‌اند و در عین‌حال در دفاع ازشمال و حمایت بی‌شائبه از جنوب دلاورانه مبارزه می‌کنند.

پیشنهاد می‌کنم که مجمع ملی از بیانیهٔ جبههٔ آزادیبخش ملی ویت‌نام جنوبی وفراخواندن جبههٔ سرزمین اجدادی ویت‌نام بگرمی‌پشتیبانی‌کند. بگذار به‌هم‌میهنان و رزمندگان جنوب قهرمان، بگرمی درود بفرستیم! بگذار به‌نیروهای مسلح و خلق خود در شمال ویت‌نام، که با شور و وجد درکار تولیدی با یکدیگر هم‌چشمی می‌کنند و در نبرد ظفرهای چشمگیر تازه‌یی بدست می‌آورند از ته‌قلب شادباش بگوییم!

درین لحظه هم‌میهنان و جنگجویان‌مان را فرا می‌خوانم که‌پیوسته قهرمانی، هشیاری و رزمندگی انقلابی خویش را اعتلا بخشند. رخصت ده که آنان جنبش هم‌چشمی «یك تن برای دوتن کارکند» را پیش‌برند، بر تمام دشواریها قاطعانه فایق آیند، در جهت بنا و دفاع از شمال سوسیالیستی اهتمام کنند و از قعر دل از مبارزهٔ میهن‌پرستانهٔ هم‌میهنان خویش در جنوب حمایت نمایند.

بگذار متحد و یکدل شویم و میلیون‌ها سر همچون یك تن درشکست و نابودی تجاوزکاران ایالات متحد بعزم کمر راست کنیم!

بگذار برای آیندهٔ سرزمین اجدادی وبرای سعادت خلق خویش‌تمام هم‌میهنان وجنگاوران سراسر این خاك دلیرانه پیش‌روند!

فراخوان
بمناسبت ۲۰ژوییه، ۱۹۶۵*

هم‌میهنان و رزمندگان عزیز،

بمناسبت ۲۰ ژوییه، گرمترین درودهـای خود را به هم‌میهنان و رزمندگان‌مان در سراسر کشور صمیمانه ابراز می‌کنم.

خلق ما استقلال و صلح را بژرفی پاس می‌دارند. بهمین علت بوده است که آنان در تصمیم خود برای پیگیری جنگ‌مقاومت علیه‌استعمارگران فرانسوی یکدل و یك‌زبان بودند و پیروزی عظیمی بدست آوردند.

موافقت‌نامه‌های سال ۱۹۵۴ ژنو، حاکمیت، استقلال، وحدت وتمامیت ارضی ویت‌نام را به‌رسمیت شناخت.

لکن، امپریالیست‌های ایالات متحد در نقض اجرای این‌موافقت‌نامه‌ها هرکاری که از دستشان برمی‌آمد کرده‌اند. اکنون ده سال است که‌اینان جنگی تجاوزکارانه را در جنوب سرزمین ما دامن زده‌اند بدین نیت که ویت‌نام را به‌مُستعمرهٔ نوع جدید و به‌پایگاه نظامی امریکا تبدیل کنند و ازین‌گذر تجزیهٔ سرزمین ما را دایمی نمایند و به‌اردوگاه سوسیالیستی‌یورش برند و استقلال و صلح کشورهای آسیایی و دیگر سرزمینهای جهان را به مخاطره اندازند.

طی ده سال گذشته، هم‌میهنان جنوبی ما مبارزه‌یی قهرمانانه را ساز کرده‌اند و برای رهایی خویش از یوغ امپریالیست‌های ایالات متحد و نوکران آنان جانبازیهای گرانی نموده‌اند.

هم‌میهنان جنوبی و **نیروهای مسلح آزادیبخش** ما زیر پرچم‌پرافتخار جبههٔ آزادیبخش ملی، به‌قهرمانی و یك‌زبان، از گذشته قوی‌تـر گشته و پیروزی‌های افزونتری حاصل کرده‌اند؛ ایشان در تمام رزمگاهها ظفرهای

* سالگشت امضای موافقت‌نامه‌های سال ۱۹۵۴ ژنو.

نمایانی بدست می‌آورند و برای رهایی جنوب، دفاع از شمال، تجدید وحدت کشور ونیز از برای حراست از صلح و استقلال دیگر خلقها بعزم و ارادهٔ آهنین پیکار کرده‌اند.

امپریالیست‌های ایالات متحد، برای جبران وضع وخیم خویش به تازگی دهها هزار تن سرباز دیگر امریکایی و اقمار خود را به‌ویت‌نام جنوبی سرازیرکرده‌اند تا بدینوسیله بردامنهٔ جنگ تجاوزکارانهٔ خـویش در آن خطه بیفزایند و حملات هوایی لگام‌گسیخته را برفراز شمال ویت‌نام دنبال کنند اینان علیه خلق ما جنایات عظیمی مرتکب شده‌اند، تمام جهان به‌خشم درآمده است و آنان را قویاً محکوم می‌کند.

امپریالیست‌های ایالات متحد به‌نیروی اهریمنی متوسل می‌شوند بدین امید که خلق ما را منکوب کنند و ارادهٔ دیگر خلقها در اندونزی، آسیای جنوب شرقی و مابقی جهان را درهم شکنند. اما سخت برخطایند.

خلق ما قهرمان است. ما فاشیست‌های ژاپنی و استعمارگران‌فرانسویان را شکست داده‌ایم و اکنون قاطعانه برآن سریم که تجاوزکاران امپریالیست ایالات متحد را منهزم کنیم.

مابرآنیم که برای سرزمین خویش استقلال کامل وبرای‌خلق‌خویش آزادی کامل بدست آوریم.

خلق ما در شمال و جنوب در مواجهه با خطری که تجاوز ایالات متحد پدید آورده در اراده به‌رزم هم‌آوازگشته است: حتی اگر جنگ پنج، ده، بیست سال یا بیش ازینها به‌درازا کشد، ما تا پیروزی کامل‌قاطعانه پیکار خواهیم کرد.

امپریالیست‌های ایالات متحد بسا ددمنش و خائنند. از یك سوی فریاد «صلح» سرمی‌دهند و از سوی دیگر در بنای پایگاه‌های نظامی و گسیل سربازان بیشمارتر به جنوب ویت‌نام شتاب می‌ورزند و بـر دامنهٔ بمباران شمال ویت‌نام می‌افزایند. گفت‌وگوهای خدعه‌آمیز آنان در باب «مذاکرات صلح» بی‌تردید نه می‌تواند ما را تحمیق کند و نه خلـق جهان را. همانگونه که حکومت ما بارها و بارها اعلام کرده است درست‌ترین راه حل مسألهٔ ویت‌نام همانا اجرای دقیق مفاد موافقت‌نامه‌های سال ۱۹۵۴ ژنو توسط حکومت ایالات متحد و پذیرفتن چهار اصلی است که حکومت جمهوری دموکراتیك ویت‌نام پیش کشید و نیز پنج اصل دیگری است که توسط جبههٔ آزدایبخش ملی ویت‌نام جنوبی بروشنی بیان شد.

در اجرای وظیفهٔ مقدس خویش در مقابله با تجاوزکاران ایالات

متحد و رهایی کشور، هم‌میهنان و رزمندگان‌مان را در شمال فرامی‌خوانم که بی‌پروا پیش‌روند و در کار تولیدی و پیکار با حمیت و غیرت بـا همدگر هم‌چشمی نمایند.

بگذار **نیروهای مسلح خلق** ما تا پیروزیهای عظیم‌تر و درهم‌کوفتن تمام حملات هوایی ایالات متحد بشجاعت مبارزه کنند.

بگذار **کارگران ودهقانان** ما در امر افزایش تولید وصرفه‌جویـی اقتصادی، «هر تن برای دوتن کار می‌کند» با شور و حرارت با یکدگر رقابت کنند. رخصت ده برای دفاع از شمال و حمایت از جنوب آمادهٔ پیکار باشند.

بگذار **روشنفکران** ما در خدمت به‌سرزمین اجدادی و ایفای نقش در مبارزهٔ خلق برای رهایی ملی محکم کمر خدمت بربندند.

رخصت ده **جوانان** ما، پسران و دختران، در جنبش «سه‌آمادگی» بنحو احسن کارکنند و تمام کار ــ مایه‌های جوانی خویش، فکری و جسمی، را به‌امر رهایی ملی و سرزمین اجدادی و سوسیالیزم اختصاص دهند.

بگذار **زنان** ما «سه مسئوولیت» خویش را انجام دهند و در شکست تجاوزکاران ایالات متحد سهم موثری داشته باشند.

بگذار هم‌میهنان ما از **تمام ملیتها و مذاهب** در مقابله باتجاوز برای رهایی ملی بسان اعضای یك خانواده تنگاتنگ متحد شوند.

امپریالیست‌های ایالات متحد با شکستهای پیاپی روبرو می‌شوندو محکوم به‌شکستند. مردم ما موضع تعرضی می‌گیرند و یقیناً پیروزی افتخارآفرینی در انتظارشان است. اما اینهم هست که دشمن هنوز توطئه‌های نابکارانه می‌چیند و مبارزهٔ میهن‌پرستانهٔ خلق ما همچنان با سختی‌ها و محنت‌ها روبرو می‌گردد. بنابرین باید پیوسته هشیاری و رزمندگی‌خویش را اعتلا بخشیم وعلیه خودبینی موضع بگیریم و از خوار شمردن خصم پرهیز کنیم. ما نه از بار دشواریها باید خم به‌ابرو آوریم و نه ازپیروزیها باد در غبغب اندازیم.

تمام مردم ما به‌جنوب محبوب، این **حصار زرهی سرزمین اجدادی** روی می‌آورند.

بگذار هم‌میهنان قهرمان جنوبی ما پرچم افتخارآمیز رهایی ملی جبههٔ آزادیبخش ملی را برافرازند، بسوی ظفرهای بازهم عظیمتری کوس بندند، نیروهای دیوسیرت را بعزم منهزم‌کنند وتمام دسایس نابکارانـهٔ

امپریالیست‌های ایالات متحد و نوکران آنان را بی‌اثر نمایند و استقلال و آزادی را برای خـلق مصمِمانه کسب کنند و بسوی تجدید وحدت ملی مسالمت‌آمیز پیش روند.

سربازان و افسران جکومت سایگون! شما نیز اولاد نیاگان **لاك هونك (Lac Hong)**)ما هستید. چرا باید به‌خدمت تجاوزکاران **ایالات‌متحدتن** در دهید و با هم‌میهنان خویش به‌ستیزه برخیزید و ازین راه شرمساری ابدی را نصیب خودکنید؟ سرعقل آیید وجانب خلق خویش گیرید، به اقدام رهایی‌بخش زادبوم خود بپیوندید و خدمت به‌میهن را وجههٔ همت قرار دهید و درین راه مورد استقبال خلق ما قرارگیرند.

به‌مردم امریکا، که با جنگ تجاوزکارانهٔ حکومت ایالات متحـد بشجاعت مخالفت می‌ورزند، از جانب خلق ویت‌نام درود می‌فرستم.

بگذار آنان بردامنهٔ مخالفت‌ورزی خویش نسبت به‌جنگ‌تجاوزکارانهٔ حکومت ایالات متحد در ویت‌نام بیفزایند چندان که دیگر نگذارند از پسران و برادرانشان بعنوان مواد مصرفی جنگی و بسود منافع خصوصی بهره‌کشان و ستمکاران آنان استفاده شود.

افسران و سربازان ایالات متحد و اقمار آن، که به‌مغاك این جنگ جنایتکارانه کشیده شده‌اید، به‌ندای خرد گوش فرا دهید! میان شما و خلق ویت‌نام خصومتی وجود ندارد. امپریالیست‌های ایالات متحد شما را مجبور می‌کنند که در نقش مواد مصرفی جنگ خدمت کنید و بجای اینان جام شوکران نوشید. اینان محکوم به‌شکستند. بازگشت شما به میهن، خواست ما است، تا از نو به‌جمع والدین، همسران و فرزندان خود بپیوندید! خلق ویت‌نام از مبارزهٔ شما پشتیبانی می‌کنند.

ایستادگی ویت‌نام در مقابل تجاوز ایالات متحد برای رهایی ملی از همآوازی گرم و حمایت صمیمانهٔ خلق‌های کشورهای سوسیالیستی برادر و آسیاء افریقا، آمریکای لاتین و دیگر بخشهای جهان بهره‌مند است.

از جانب تمام خلق‌مان، از خلـق اتحاد شوروی، چین و دیگـر کشورهای سوسیالیستی برادر و مردم ترقیخواه در پنج قارهٔ جهان کمال سپاس را دارم.

خلق ویت‌نام برآن سر است که وظیفهٔ مقدس رهایی سرزمین اجدادی خود، کوتاه کردن‌دست تجاوزکاران امپریالیست ایالات متحد و دفـاع استوار از پیشقراول اردوگاه سوسیالیستی در آسیای جنوب شرقی را بتمام و کمال انجام دهد و در جنبش استقلال ملی و پاسداری از صلح جهانی

سهم موثری داشته باشد.

هم‌میهنان و رزمندگان عزیز،

از آنجا که ما استقلال وصلح را گرامی می‌داریم‌برآنیم کـــه علیه تجاوزکاران ایالات متحد قاطعانه پیکار کنیم.

مبارزهٔ ما علیه امپریالیست‌های ایالات متحد، برای رهایی ملی، مبارزه‌یی برحق و عادلانه است. مردم سراسر جهان تجاوزکاران امریکایی را یکسره محکوم می‌کنند و از ما بگرمی حمایت می‌نمایند.

رخصت ده هم‌میهنان ما در سرتاسر میهن به‌پیروزی نهایی و آیندهٔ درخشان سرزمین اجدادی اعتماد راسخ داشته باشند. بگذار همه برای چیرگی برتمام سختیها و مشکلات و هزیمت تجاوزکاران ایالات متحدمصمم شوند.

بگذار برای سرزمین اجدادی و استقلال و صلح، تمام خلق ما بدلیری پیش‌روند!

خصم یقیناً منهزم می‌شود! این ماییم که باید مظفر شویم!

فراخواندن هم‌میهنان و جنگآوران سرتاسر کشور

(۱۷ ژوییه، ۱۹۶۶)

امپریالیست‌های حیوان‌صفت ایالات متحد لگام جنگی تجاوزکارانه را گسسته‌اند تا بزعم خود میهن ما را در قبضهٔ اقتدار خود درآورند، اما هرروز شکستهای سنگینی متحمل می‌شوند.

اینان نیروی اعزامی ۳۰۰۰۰۰ تنی را به‌جنوب میهن ما سرازیر کرده‌اند. از حکومت دست‌نشانده و سربازان آلت‌دست بعنوان ابزارسیاست تجاوزکارانهٔ خویش استفاده می‌کنند. به‌وسایل بس دژخیمانهٔ جنگ ــ مواد شیمیایی‌سمی، بمبهای ناپالم والخ ــ متوسل شده وسیاست «سوختن، کشتن و نابودی همه» را اجرا می‌کنند و با ارتکاب اینگونه جنایات، دل بدین امر خوش می‌دارند که گردنهای افراشته هم‌میهنان جنوبی ما را به‌کرنش وادارند.

با این‌همه نیروهای مسلح و خلق جنوب ویت‌نام، که تحت رهبری قاطع و ماهرانهٔ جبههٔ ملی آزدایبخش تنگاتنگ متحد شده و بقهرمانی می‌رزمند، پیروزیهای شگرفی فراچنگ آورده‌اند وبرآنند برای رهاندن جنوب، دفاع از شمال و پیشروی بسوی تجدید وحدت ملی تا پیروزی کامل نبرد بی‌امان را دنبال کنند.

تجاوزکاران ایالات متحد از سرخودبینی به‌شمال میهن ما به‌حملات هوایی دست یازیده‌اند بدین امید که لختی از وضع مصیبت‌بار خویش در جنوب فارغ شوند و ما را برپایهٔ شرایط خاص خود به «مذاکـــره» ناگزیر کنند.

با این حال، شمال ویت‌نام ذره‌یی خم به‌ابرو نیاورده است. آرتش وخلق‌ما در تولید وپیکار مشتاقانه بایکدیگر هم‌چشمی کرده‌اند. مـــا تاکنون، ۱۲۰۰ فروند از جنگنده‌های خصم را به‌زمین دوخته‌ایم. مابرآنیم که جنگ انهدامی دشمن را بی‌اثر کنیم و در عین‌حال از خویشاوندان خویش در جنوب بطور همه‌جانبه حمایت نماییم.

درین روزها، تجاوزکاران دیوانهٔ ایالات متحد در جهت جنگ تصاعدی خویش با آغازیدن حملات هوایی به حومهٔ **هانوی** و **های‌فونگ** گام بزرگی برداشته‌اند. اینگونه یورشها همانا اقدامی است از سر بیچارگی وسکرات موت جانوار وحشی زخم دیدهٔ روبه‌مرگ رانشان می‌دهد.

جانسن و دارودستهٔ او باید این نکته را دریابند: اینان ممکن است نیم میلیون، یك میلیون تن یا حتی افرادی بیش ازین شمار وارد کارزار کنند تا جنگ تجاوزکارانهٔ خویش را در جنوب ویت‌نام توسعه بخشند. ممکن است برای تشدید حملات به شمال ویت‌نام از هزاران فروند هواپیمای جنگنده استفاده کنند. هرگز، اما، قادر نخواهند گشت که ارادهٔ آهنین خلق قهرمان ویت‌نام و عزم آنان را به‌رزم علیه تجاوز امریکاییان وبرای رهایی ملی درهم شکنند.

اینان هرقدر درنده‌خوبتر می‌شوند، مخافت جنایاتشان بیشترمی‌گردد. جنگ ممکن است پنج، ده، بیست سال یا بیش ازین به‌درازا پاید؛ گیرم هانوی، های‌فونگ و دیگر شهرها و موسسات منهدم شود؛ خلق ویت‌نام، اما، سر به‌تسلیم فرود نخواهد آورد! **هیچ‌چیز گرانقدرتر از استقلال و آزادی نیست.** آنگاه که پیروزی حاصل‌آید، خلق ما سرزمین خود را از نو بنا خواهد کرد و آن را کامکارتر و زیباتر خواهد ساخت.

آنچه برهمه آشکار است این نکته است که هرگاه اینان پاشنه بر می‌کشند که جنگ جنایتکارانهٔ را دامن‌گسترند، تجاوزکاران ایالات متحد به «مذاکرات صلح» خاص خود متوسل می‌شوند تا با این ترفند و حیله عقیدهٔ جهانی را تحمیق کنند و صلابت‌بار سرزنش را متوجهٔ ویت‌نام نمایند که بله آنان به‌شرکت در «مذاکرات صلح» بی‌تمایلند.

رئیس جمهور جانسن در پیشگاه مردم امریکا و خلقهای جهان به‌این سئوالات علناً پاسخ گوید: کدام فرد موافقت‌نامه‌های ژنو را نقض کرده است که درآن حاکمیت، استقلال، وحدت وتمامیت ارضی ویت‌نام‌تضمین شده؟ آیا سربازان ویت‌نامی به‌ایالات متحد تاخت برده‌اند و امریکاییان را قتل‌عام می‌کنند؟ یا برعکس این حکومت ایالات متحد است که سربازان این کشور را برای تهاجم به‌ویت‌نام و کشتار عام خلق ویت‌نام گسیل کرده است؟

بگذار ایالات متحد به‌جنگ تجاوزکارانهٔ خوددرویت‌نام‌پایان‌بخشد، تمام سربازان امریکایی و اقمارش را ازین سرزمین واپس‌کشد و آنگاه صلح بیدرنگ برقرار خواهد گشت. موضعی که بوسیلهٔ ویت‌نام اتخاذشده

روشن است: چهار اصل[۲۲] حکومت جمهوری دموکراتیك ویت‌نام و پنج اصل ۲۳ جبههٔ آزادیبخش ملی ویت‌نام جنوبی است. شق دیگری وجود ندارد.

---

۲۲. **موضع چهاراصلی حکومت ج. د. و. ن.**

۱. شناسایی حقوق اساسی ملی خلق ویت‌نام: صلح، استقلال، حاکمیت، وحدت وتمامیت ارضی. مطابق موافقت‌نامه‌های ژنو، حکومت ایالات متحد باید تمام‌نیروهای این کشور، پرسنل نظامی وسازوبرگها، ازهرنوع را از جنوب ویت‌نام خارج کند، تمام پایگاه‌های نظامی ایالات متحد را ازآن خطه تخلیه نماید و«اتحاد نظامی»خود را با سایگون باطل کند. به‌سیاست مداخله جویانه و تجاوزکارانهٔ خود در جنوب ویت‌نام پایان بخشد. مطابق موافقت‌نامه‌های ژنو، حکومت ایالات متحد باید اقدامات جنگی خود علیه شمال را خاتمه دهد و مطلقاً از هرگونه دست‌درازی به‌قلمرووحاکمیت جمهوری دموکراتیك ویت‌نام خودداری ورزد.

۲. تا هنگام تجدید وحدت مسالمت‌آمیز ویت نام، درحالی که ویت‌نام موقتاً به‌دومنطقه بخش شده است، مفاد نظامی موافقت‌نامه‌های سال ۱۹۵۴ ژنو در خصوص ویت نام باید بدقت رعایت شود: دو منطقه باید از پیوستن بهراتحاد نظامی‌باکشورهای خارجی پرهیز کنند و در قلمروهای مربوط به‌آنان نباید پایگاه‌های نظامی، سرباز وپرسنل نظامی خارجی وجود داشته باشد.

۳. امور جنوب ویت‌نام می‌باید بهمت خلق جنوب ویت‌نام رفع و رجوع شود، موافق با برنامهٔ جبهه ملی آزادیبخش ویت نام جنوبی و بدون دخالت خارجی.

۴. تجدید وحدت مسالمت‌آمیز ویت‌نام باید توسط خلق ویت‌نام در هردومنطقه حل شود. بدون هیچگونه مداخلهٔ خارجی.

۲۳. **موضع پنج اصلی جبههٔ ملی آزادیبخش ویت نام جنوبی.**

۱. امپریالیست‌های ایالات متحد ناقضان موافقت‌نامه‌های ژنو، بیشرمترین جنگ افروزان وتجاوزکاران ودشمن قسم‌خوردهٔ خلق ویت نام هستند.

۲. خلق قهرمان جنوب ویت‌نام مصمم است که برای رهایی این خطه وبنای جنوب ویت‌نامی مستقل، دموکراتیك، صلح‌آمیز و بیطرف و سرانجام رسیدن به‌تجدید وحدت ملی، امپریالیست‌های ایالات متحد را بیرون براند.

۳. خلق دلیر جنوب ویت‌نام و آرتش آزادیبخش آن برآن است که‌وظایف‌مقدس خود را بتمام انجام دهد که همانا راندن امپریالیست‌های امریکایی ورهاندن جنوب ودفاع از شمال‌است.

۴. مردم جنوب از صلح‌جویان وعدالتخواهان سراسر جهان بپاس حمایت بیدریغ آنان کمال تشکر را دارند و آمادگی خود را برای دریافت هرگونه کمك، ازجمله اسلحه ودیگر سازوبرگهای جنگی از دوستان خویش در پنج‌قارهٔ جهان اعلام می‌کنند.

۵. بگذار تمام خلق ما متحد شوند، سلاح برگیرند، پیشروی قهرمانانه خود را ادامه دهند ودرجنگ مصمم باشند وتجاوزکاران ایالات متحد وخائنان ویت نامی را منهزم کنند.

خلق ویت‌نام صلحی راستین، صلح در استقلال و آزادی و نه صلح دروغین، نه «صلح امریکایی» را سخت گرامی می‌دارد.

برای پاسداری از استقلال سرزمین اجدادی و تحقق وظایف درقبال همهٔ مردم درمبارزه علیه امپریالیست‌های ایالات متحد، خلق و آرتش‌ما، که بسان یك تن وحدت یافته‌اند و پروای جانبازیها و سختی‌ها راندارند، به‌ثبات رأی پیکار را ادامه خواهند داد تا لحظه‌یی که پیروزی کامل حاصل آید. درگذشته ما فاشیست‌های ژاپنی و استعمارگران فرانسوی را در اوضاعی بس دشوارتر ازین از میانه برداشتیم. اکنون که اوضاع در داخل و خارج مساعدتر می‌باشد، مبارزهٔ خلق ما علیه تجاوز ایالات متحد و برای رهایی ملی بی‌هیچ تردیدی با پیروزی کامل پایان خواهدیافت.

هم‌میهنان و جنگآوران،

آرمان ما برحق است؛ خلق ما از شمال تا جنوب متحد می‌باشد؛ ما از سنت مبارزات بی‌پروا و از همآوازی و حمایت گستردهٔ کشورهای سوسیالیستی برادر و مردم ترقیخواه جهان سراسر برخورداریم. ما پیروز می‌شویم!

ما در بزنگاه تازه، در عزم وارادهٔ خویش برای تحمل تمام مشقات و سختیها بمنظور اجرای وظیفهٔ پرافتخار تاریخی خلق خود، همه یك تنیم و وظیفهٔ شکست تجاوزکاران ایالات متحد را برگردن داریم.

از جانب خلق ویت‌نام ازین فرصت بهره می‌جویم تا تشکرات قلبی آنان را به خلقهای کشورهای سوسیالیستی و ترقیخواهان جهان، از جمله مردم امریکا، بواسطهٔ حمایت وکمك بیدریغ ایشان ابراز کنم.در مواجهه باتوطئهٔ جدید جنایتکارانهٔ امپریالیست‌های ایالات متحد اعتماد راسخ‌دارم که خلقها و حکومتهای کشورهای سوسیالیستی برادر و سرزمین‌های صلح‌جوی و عدالت‌خواه در جهان از خلق ویت‌نام باز هم فراگیرنده‌تر حمایت و کمك خواهند کرد تا آن روز که آنان از برای رهایی ملی در مبارزهٔ خویش علیه تجاوز ایالات متحد ظفرمندی کاملی بدست آورند.

خلق ویت‌نام یقین فیروز خواهد گشت!

تجاوزکاران ایالات متحد بی‌تردید منهزم خواهند شد!

پاینده‌باد ویت‌نامی صلح‌آمیز، وحدت‌یافته، مستقل، دموکراتیك و کامکار!

هم‌میهنان و جنگآوران سرتاسرکشور، دلیرانه به‌پیش!

گفت‌وگو با کادرهای منطقه‌یی حاضردرکلاس کارآموزی

(۱۸ ژانویه، ۱۹۶۷)

رفقای عزیز،

امروز خیلی دلشادم، می‌دانید چرا؟ زیرا بندرت وقتی‌پیدامی‌کنم که با این همه کادر منطقه‌یی دیدارکنم.

راستی چندتن درین دوره شرکت دارند؟

(«عمو، ما همه ۲۸۸ تنیم، و ۱۳۱ تن از ما در سطح منطقه کار می‌کنند.»)

و چند تن زن؟

(«شانزده تن، عمو.»)

شمار زنان بسیار اندك است و این کاستی کار است. رفقای مسئوول این دوره به‌کارآموزی کادرهای زن توجه کافی نکرده‌اند. این قضیه در حزب ما نیز نقصانی کلی شمرده می‌شود. هنوز هم‌خیلی‌ها استعدادهای زنان را دست‌کم می‌گیرند، علت نیز در پیشداوریها و تنگ‌نظری آنان است. این‌کاری سخت اشتباه‌آمیز است. اکنون بسا زنان مقامهای مهمی در سطح اساسی در اختیار دارند. بسی از آنان از عهدهٔ کاربخوبی برمی‌آیند: مدیران زن تعاونیهای کشاورزی بزرگی وجود دارند که‌نه‌تنها غیورند بل‌که درکار لایق و سرآمدند. زنان عضو تعاونی بطور کلی از صفات نکوی فراوانی برخوردارند. کمتر حیف و میل و اسراف می‌کنند، کمتر ازهمکاران مرد خویش به‌خوش گذرانی تن می‌دهند و رفتار تحکم‌آمیز ندارند. درست نیست؟ اگر آنچه که گفتم درست نیست، خواهش دارم بگویید؟

(«درست است، عمو.»)

امیدوارم شما برداشتهای تعصب‌آلود و تنگ‌نظرانهٔ خود را نسبت به

زنان جداً کنار گذارید. وزنان، علی‌الخصوص شما که در سطح منطقه کار می‌کنید، باید با اینگونه طرز تلقی سخت مبارزه کنید. چون اگر پایی نشوید، مردانی که در قبال زنان پیشداوری می‌کنند راه و روشتان را از سر میل تغییر نمی‌دهند.

این دوره چنان برنامه‌ریزی شده است که به‌شما مدد کند تا خط‌مشی‌های حزب در جنبش مقاومت ضدامریکایی برای رهایی ملی، بنای سوسیالیزم در شمال، جنگ خلق، سیر پیشرفت کشاورزی و کار حزبی و کار در میان توده‌ها را در وضع کنونی بهتر دریابید و ازین راه وقتی که بدزادگاه خود بازگشتید بتوانید در مبارزه و کار تولیدی، در سازماندهی زندگی خلق و در بنای سازمانها در سطح اساسی بهتر کار کنید و برین شیوه کمیته‌های منطقهٔ خویش را به «چهار اصل خوب» تبدیل نمایید.

هدفها ومضامین این دوره در وضع کنونی بسیار عملی و موثر است. اعضای **کمیتهٔ مرکزی حزب** برای‌شما سخنرانیهایی‌داشته‌اند. حرفهای آنان را دریافتید؟ راستی آنچه را که آنان گفتند فهمیدید؟

(«بله، فهمیدیم.»)

حرف مطالعه پیش آمد، میل‌دارم از خودم قصهٔ جالبی برای‌شمانقل کنم.

در دورهٔ مقاومت ضدفرانسه، روزی چندتن از رفقا را دیدم که زیر سایهٔ درخت انجیر تناوری لمیده بودند. از آنان پرسیدم، «کجا بودید؟» ــ جواب دادند، «از کلاس سیاسی برمی‌گردیم.» «خب، چه خواندید؟» ــ «**کارل مارکس** خواندیم» ــ «جالب بود؟» ــ «خیلی جالب!» ــ «مطلب را فهمیدید؟» ــ همین‌جا بتملق پاسخ دادند، «عمو، نکات خیلی مشکلی بودکه نتوانستیم بفهمیم.»

این شکل از مطالعه بدرد من و شما نمی‌خورد.

حال بگذارید قصهٔ دیگری برایتان نقل کنم. پیش از **انقلاب اوت**، در ناحیهٔ آزادشدهٔ **تان ترائو** فرهنگسرایی دایر شد. روزی، دوکادر، یك مرد و یك زن، آمدند و سخنرانی کردند. با شور و حرارت حرف می‌زدند. من آنجا بودم. رو کردم به‌بغل‌دستیم و پرسیدم از گفته‌ها چیزی دستگیرش شد. سرش را تکان داد و گفت که ذره‌یی سردرنیاورد. توضیح امر خیلی ساده بود. کادرها در باب خیلی مسایل حرف زدند و کلمات فاضلانه‌یی بکار بردند. درآن روز و روزگار سطح آموزش عمومی خیلی

نازل بود، بنابرین خلق نمی‌توانست از واژه‌هایی مثل «ذهنی»، «عینی»، «مثبت»، «منفی» و جز اینها سردربیاورد.

این قصه‌ها را برای انبساط خاطرتان گفتم و نیز برای این که بیاد بسپارید که اکنون باید مسایلی را یاد بگیرید که عملی است و به‌شما کمك خواهد کرد که کارتان را بهتر انجام دهید. و وقتی به‌زادگاه خود بازگشتید و برای اعضا و کادرهای حزب در روستاها، دوره‌های کارآموزی را دایرکردید، باید تلاش کنید که کار خود را با همین جوهر و مضمون انجام دهید.

اکنون دورهٔ کارآموزی شما به‌پایان کارش نزدیك می‌شود و من میل دارم به‌شما چند توصیه‌کنم:

۱. شما باید خط‌مشی‌ها وسیاستهای حزب را باستواری دریابید و با پایگاه و تعاونیها تماس فشرده‌یی داشته باشید تا بدینطریق از وضع‌امور در تولید، زندگی خلق، هسته‌های حزبی و سازمان‌های توده‌یی بخوبی باخبر شوید. این امر به‌شما رخصت می‌دهد که گامهای درست و بموقعی بردارید.

ازین نکات یحتمل آگاهید.اما من میل دارم‌برضرورت این امر تأکید کنم که با سطح اساسی تماس فشرده‌یی را حفظ کنید و برای رهبری توده‌ها در میان آنان زندگی کنید. نباید با پایگاه بدآنگونه تماس حاصل کنیدکه‌سنجاقکهاباآب. دیده‌ایدکه سنجاقکها ازآب‌سبك می‌گذرند. انجام این امر کار سهلی است، لکن هنوز بخوبی صورت نمی‌گیرد. هم‌اکنون براستی شماری از اعضای کمیتهٔ منطقه‌یی با ژرفای ریشه تماس تنگاتنگی ندارند؛ از بار مشکلات و سختیها شانه خالی می‌کنند و در ناحیهٔ مأموریت خود از اوضاع واقعی امور شناخت ندارند.

هم‌اینك، هرکمیتهٔ منطقه‌یی از ۱۵ تا ۲۰ تن عضو تشکیل می‌شود. شما باید کار را در میان خود تقسیم کنید، هریك از شما یك یا دوکمون رازیرنظرگیرد. نه‌تنها باید در خصوص تعاونیها، بل‌که‌درباب خانواده‌های منفرد، اوضاع زندگی، مسایل مسکن، آموزش و بهداشت آنان و جز اینها نیز باید بخوبی اطلاع داشته باشید. اگر ازین کار درمانید، چگونه می‌توانید خط‌مشی‌ها و سیاستهای حزب و رهنمودهای استانی را بدرستی انجام دهید؟

۲. کار ــ مایه‌های خود را باید برکار بنای تعاونیها، هسته‌های حزبی، سازمانهای جوانان و زنان بگمارید و ازینها تشکیلات راستینی

بسازید.

هسته‌ها، واحدهای پایهٔ حزب شمرده می‌شوند. اگر مناسب باشند، همه‌چیز مرتب و مناسب خواهد گشت. بنابرین باید تلاش ورزید که هسته‌ها را به «چهار اصل خوب» تبدیل کنید. باید نتایج عملی بدست آورید، از شکل‌گرایی (فرمالیزم) پرهیز کنید و از ارسال گزارشهای گمراه‌کننده به‌مقامات بالاتر خودداری ورزید.

از برای بنای هسته‌یی مناسب، اعضای حزب پیش از همه باید در اجرای سیاستهای حزب سرمشق باشند؛ **حق خلق رادر خصوص ارباب‌جمعی بودن** باید کاملا محترم شمرند وبه‌توده‌ها گوش فرا دهند. تنها دریـن صورت است که خلق به‌آنان اعتماد خواهد کرد، محترمشان خواهد داشت و مهرشان را بدل خواهد گرفت. اگر چنین کنند، هرمشکلی را می‌توان از پیش‌پای برداشت.

اعضای **اتحادیهٔ جوانان** کارگر وبریگادهای داوطلبان جوانان باید بسان بازوی هستهٔ حزب عمل کنند و در کار تولیدی و پیکار نقش اصلی را ایفا نمایند. **کمیته‌های مدیریت تعاونی باید دموکراسی راعملی سازدو باحیف ومیل واسراف بستیزد.** حیف ومیل در برخی تعاونیـها هنـوز ساری و جاری است. مسئوول این وضع کیست؟ کمیتهٔ منطقه مسئوول آن است؟ آیا تنی چند از کادرهای منطقه‌یی در فساد وامرونهی‌گـرایـی مقصرند؟ شما باید وارسی کنید و کنترل شدیدی برقرار نمایید.

۳. اعضا و کادرهای حزب باید بفشردگی متحد شوند، دموکراسی را عملی کنند و انضباط درونی حزب را رعایت نمایند. تمام اعضای حزب، خواه کهنه‌کاران یا تازه‌کاران، سالداران و جوانان، مردان و زنان بایـد به‌یکدیگر مهر بورزند و مددکار همدگر باشند و بدینسان با هم پیشرفت کنند.

هم‌اکنون، کادرهای کهنه‌کار و جوان در حزب سرگرم کارند. کهنه‌کاران ماترك گرانقدر حزبند؛ در رهبری تجاربی کسب کرده‌اند و سردی و گرمی چشیده‌اند و در مبارزهٔ فعلی نیك و بد آزموده‌اند. اما بعضی کادرهای کهنه‌کار هستند که در نقطه‌یی معین از حرکت باز می ـ ایستند و نمی‌توانند فراتر ترقی کنند. به‌آنچه قدیمی است دودستی می‌چسبند و نو، با رگ جانشان آشنایی ندارد. از جانب دیگر، کادرهای جـوان، هرچند هنوز پاره‌یی از خصال کادرهای قدیمی را حاصل نکـرده‌اند، غیورند واز نوونوجویی آگاهند وشوق فراگرفتن دارند. در نتیجـه،

می‌توانند بسرعت ترقی کنند.

حزب ما باید کادرهای کهنه‌کار و جوان را هرچه تنگتر به‌همدگر پیوند دهد.

کادرهای جوان را نباید کم بها داد. بعضی کادرهای قدیمی باد در آستین دارند و از بابت شجرهٔ گذشتهٔ خویش گزافه می‌بافند. به‌کادرهای جوان و اعضای حزب فخر می‌فروشند و گاه پیشنهادات آنان را هیچ می‌شمرند و از جوانترها خرده می‌گیرند که قصد دارند به «لقمان حکمت آموزند.»* دوران ما، دورانی غلیانی است. جامعه و جهان گامهای‌بلندی برمی‌دارد. بنابرین برخطا است‌که کهنه‌کاران‌کادرهای تازه‌کار را به‌پشیزی نگیرند. از جانب دگر، کادرهای جوان نباید پرمدعا باشند؛ آنان باید از رفقای سالدارتر و کارآزموده‌تر خویش بفروتنی درسها بگیرند. دیرآشنا و زودرنج نباشند. خوشخوی و خوشروی باشند. چه، از قدیم پیران دیر ما می‌گفتند: «دیو خوشروی به از حور گره‌پیشانی!**».

تمام کادرها و اعضای حزب باید برای حزب و خلق از سرحمیت و غیرت کارکنند. علوم سیاسی و اقتصادی، علم و شگرد (تکنیك) را باید بممارست و مداومت مطالعه کنند تا ازین‌گذر توانشهای خویش را بهبودی بخشند و به‌پیشرفت اقتصاد مدد کنند، در پیکار ظفرها رقم‌زنند و زندگی خلق را بهتر و باز هم بهترکنند.

وقتی من از مطالعهٔ علم و شگـرد حرف می‌زنم، بعضی اشخاص می‌انگارند که‌این هدفها بساکه دور است. لکن اگر از زاویه‌یی کلی و ساده مطلب را بنگریم، بهیچ‌روی دور از دسترس قرار نمی‌گیرد. مثالی بیاورم، چگونه برای کـود گیاهی، **آزولا** (Azolla) پرورش دهیم یا چسان کود آمیخته را تخمیر کنیم، این هردو، مسایلی علمی و فنی‌است. علم و فن برای این‌کار است. اگر بنا داریم که برای کار تولید رهنمودی داشته باشیم وبار محصولات را بالا بریم پس باید علم وفن‌را بیاموزیم.

۴. به‌توده‌ها باید اتکا کنید تابرین پایه تمام جنب و جوشها، گیرم در تولید یا پیکار پیش‌رود. به‌توده‌ها حس اعتماد و شور و وجد باید دمید.

---

* اصل ضرب‌المثل فوق چنین است: «یاد دادن مکیدن زردهٔ تخم مرغ به‌مادر بزرگ.» م.

** مصراع از سعدی شیراز است که در برابر این ضرب‌المثل ویت نامی آورده شد: «دیو گشاده روی بهتر است از پری اخموی.» م.

در همه چیز باید شراکت توده‌ها را بدست آرید. بدون توده‌ها از پس هیچکاری نمی‌توان برآمد. تازگیها روزنامهٔ **نهان دان** (Nhan Dan = **ارگان حزب کارگران ویت‌نام.** م) در خصوص دفاع هوایی سرگذشتی نوشت. موضوع ازین قرار بود که بعضی مقامات دهکدهٔ دربارهٔ مسألهٔ دفاع هوایی بحث‌می‌کردند. بحث‌پیرامون‌حفر گودالها وساختن‌پناهگاههای ضدهوایی دور می‌زد و اینگونه کارها به‌ده‌ها هـزار قـالب آجـر، هزاران چوب‌خیزران و صدها **دونگ** (dong = واحد پول ویت‌نام. م) نیاز داشت. هزینهٔ مصالح کلان بود. خب، چگونه باید از عهده برآمد؟ خانم مهندس جوانی پیشنهاد کرد که قضیه را با توده‌ها در میان گذارند. مردم به‌گردهمایی دعوت شدند و با آنها از فروریختن بمب‌های بی‌مانع جنگنده‌های خصم ونیاز به‌پناهگاههای ضد هوایی سخن‌رفت. مردم‌آستینها رابالا زدند: دسته‌یی تیرهای‌چوبی فراهم‌کردند، گروهی آجر یا چوب خیزران وجز اینها را آوردند. پناهگاه‌ها طی دو روز ساخته شد. در **کوانگ بینه** و **ثینه بینه**، به‌یمن خط توده است که هزاران کیلومتر سنگر و دهها هزار پناهگاه حفر شده است. از سیاق کلام پیداست که با شرکت مردم، دشوارترین وظایف سهلتر می‌شود و انجام آنها با موفقیت قـرین تواند گشت. رفقا در کوانگ بینه مفهوم این اصل رابرین فکر نهاده‌اند:

وقتی بدون مردم نمی‌توان وظیفه‌یی سهل را انجام داد، پرواضح است که مشکلترین وظایف به‌کمك آنان شدنی است.

در **تای بینه**، **کوانگ بینه** و نقاط دیگر، در خصوص «گزارش و ارزیابی، خدمات فردی» اقدامی صورت می‌گیرد. در نتیجهٔ این اقـدام همه مطلع می‌گردند که کدام کار بخوبی انجام می‌گیرد یاانجام نمی‌شود یا نقصی درآن وجود دارد. این است دموکراسی واقعی و شکل بس پسندیدهٔ انتقاد و انتقاد از خود. با انجام این امر، توده‌ها به‌آموزش‌خویش همت می‌کنند و نیز به‌آموزش کادرها یاری می‌دهند، چه، در حالی که کادرهای شایسته‌یی وجود دارند که سخت کار می‌کنند و کردارشان با گفتارشان همخوانی دارد، کادرهای دیگری هستند که تنها به صـدور دستورات دلخوشند. برین شیوه اقدام یادشده نیز راه مناسبی است درجهت گزینش اشخاص، تربیت آنان، احالهٔ کار حزبی بدیشان و بالاخره کادر ساختن از آنان. بدینسان هیچگاه با کمبود کادر مواجه نخواهیم شد. این روال بس مناسبی است در بنای حزب.

از نظر شما این شیوهٔ درستی است؟

(«بله، شیوهٔ درستی است، عمو.»)

می‌توانید از عهده برآیید؟

(«بله، می‌توانیم، عمو.»)

بعضی کادرها، اما، برین شیوه عمل نکرده‌اند. دربرخی نقاط،مردم نظرات خود را به‌زبان نیاورده‌اند، یا جرأت نکرده‌اند که لام از کام باز کنند، از ترس این‌که کادرها «تلافی کنند» یا «انگی» به‌آنان بچسبانند.

کادرهایی که مرتکب اشتباه می‌شوند گاه ازین امر بیم دارند که مردم پرده‌ها را کنار زنند. اما اگر در پذیرفتن اشتباههای خویش صادق باشند وازمردم طلب پوزش کنند، آنان خشنود می‌شوند واز درعفو و اغماض در می‌آیند. خلق ما بسیار مهربان است و به‌حزب و کادرها مهر می‌ورزد. اگر ما قصور خویش را بصدق بپذیریم، مردم ما بی‌آن کـه نفرت وتحقیری نشان دهند، عشق واحترام واعتمادی صدچندان نسبت به‌ما احساس خواهند کرد.

۵. حرکت تولیدی زمستانی ــ بهاری وظیفه‌یی مبرم و فوری است. کشت‌وکار باید بموقع صورت گیرد. از گاومیشها و گاوها باید بخوبی مراقبت کرد. اینها باید خوراك کافی و سرپناه مناسبی داشته باشند؛ و نباید در سرما رها شوند. از مردم باید طلب کرد که صرفه‌جویی پیشه کنند. به خوش‌گذرانی تن نسپارند. تقطیر قاچاق عرق برنج، سلاخی خوك‌هـا و گاوها وجشن‌های پرریخت و پاش همه قدغن است. مقامات منطقه‌باید به روستاها بروند و همه‌چیز را وارسی کنند و امور را زیرنظر گیرند. از سبك کاغذبازی کار خودداری ورزند و نباید تنها به‌حمل بخشنامه‌های استانی در روستاها اکتفاکنند. این بخشنامه‌ها گاومیشها و گاوها را از سرما محفوظ نمی‌دارد. و اگر گاومیشها و گاوهای ما ازگرسنگی و سرما لاغر و نزارگردند، برتولید سخت لطمه وارد می‌آید.

گاومیشها و گاوها از برای کار تولیدی باید محل توجه دقیـق قرار گیرند، نه جشنها و خوش‌گذرانیها! **سال نو** نزدیك می‌شود، بنابرین صرفه‌جویی باید وجههٔ‌نظر قرارگیرد. حکومت مرکزی اغلب به‌همه‌متذکر می‌شود که ما باید سعی بورزیم تولید را بالا بریم و صرفه‌جویی پیشه‌سازیم. این خواست در بسا نقاط بدرستی اجابت شده است. امادر نقاط دیگر، تو گویی حروف بخشنامه‌ها مرکبی گشته و از «**تیت کیم**»* (صرفه‌جویی،

* Tiet Kim

اقتصاد) مفهوم «**تیت کان!**»* (بشقاب) **متبادر بذهن شده‌است.**

شواهد فراوانی می‌توانم ارایه کنم. اجازه می‌خواهم این مطلب را از روزنامه **های‌فونگ** قرائت کنم: «از آن جهت که بعضی کـادرها نمی‌توانند سرمشق مناسبی باشند، هنوز هم سلاخی غیر مجاز خوکها در کمون **مای‌فویك** صورت می‌گیرد. برای افتتاح تلمبه‌خانه دو رأس خوك ذبح شد. بمنظور مراسم شادباش اجلاس سالانهٔ تعاونی، چهار رأس خوك را سربریدند. پس آنگاه جشن جمعی یك تیم تولیدی، کشتار خوك‌دیگری را باعث آمد.» و غیره و غیره.

به‌این مطلب گوش کنید: کمون‌های **دوان کت** و **نگو کوین** دربخش **تان مین** برای جشنهای خود چندین رأس خوك و گاومیش را بطور غیر مجاز ذبح کرده‌اند.

کادرها و اعضای حزب که بدینگونه‌کارها دست می‌یازند نمونه‌های ناخوشایندی برجای می‌گذارند.

اینگونه اعمال بدین جهت روی داده است که دموکراسی وجود ندارد. اعضای عادی حزب جرأت حرف‌زدن ندارند و مردم از حرف‌زدن پروا دارند. چگونه ممکن است اعضای تعاونی خشمگین نشوند؟ درچنین اوضاع و احوالی تعاونی چگونه می‌تواند ترقی کند؟ درحالی که مردم شب و روزکار می‌کنند، تنی چند از کمترین مجال استفاده می‌کنند که خورد و نوشی داشته باشند و حرفم را باور کنید که این قماش آدمها بتساوی نیز کار نمی‌کنند.

آنچه گفته شد نمونه‌های ناخوشایند بود، اما ما نمونه‌های‌خوشایند نیز داریم.

کمون **دال** در **تای‌نگویین** جمعیت کثیری دارد اما زمین بقـدر کافی ندارد. در تولید زراعی بسا مشکلات فراروی دارد. اکنون یك سال است که جنگنده‌های ایالات متحد بکرات بر آبادیهای این کمون حمله کرده‌اند. اما اهالی کار خود را بشجاعت دنبال کردند و بمنظور مقابله با اوضاع زمان جنگ زندگی خویش را از نو سازمان دادند و در جهت خدمت به‌جنبش مقاومت ضد امریکا، برای رهایی ملی و بنای سوسیالیزم بردامنهٔ تولید افزودند. محصول خزان سال ۱۹۶۵ چندان خوب نبود واز عواید اعضای تعاونی کاسته شد. اما مردم مشوق همدگر

* Tiet Can

شدند تاتولید را ادامه دهند ودرخوراك به‌خود بسندگی‌رسند. آنان‌لزومی نمی‌دیدند که از دولت کمکی مطالبه کنند. روستاییان برتمام مشکلات فایق آمدند و از بابت محصول برنج سال گذشته به‌بالاترین جریبات زیر کشت، محصول متوسط و بازدهی کلی رسیدند. سبزیجات و محصولات فرعی‌به‌نیم یا دو برابر افزایش یافت. هر کدبانو قطعه‌یی باغچهٔسبزیکاری دارد. مدیریت تعاونی محصولات را کنترل می‌کند ودر دوره‌های پیش از برداشت محصول به‌خانواده‌های نیازمند کمك می‌نماید. اهالی، دیگر در مراسم عقد و عروسی ومذهبی به‌خوش گـذرانیهای پرخـرج تـن درنمی‌دهند. در هر خانواده جیرهٔ مواد خوراکی و حبوبات فرعی مصرفی را بدقت محاسبه می‌کنند و ازین راه در مصرف برنج صرفه‌جویی‌می‌نمایند و برای تمام فصل تدارکات مواد خوراکی کافی دارند.

اهالی کمون **دال**، در سایهٔ صرفه‌جویی و بسط عاقلانهٔ تولید نه‌تنها مواد غذایی برای تمام دهکده دارند بل غلهٔ مازاد سهمیهٔ خویش را نیز به‌انبارهای دولت تحویل داده‌اند، در حالی که دهکده‌های دیگر در دورهٔ میان برداشت دومحصول از دولت درخواست کمك کرده‌اند.

ازین‌قرار گرچه این کمون از اوضاع اقلیمی و خرابکاری خصم لطمه دیده‌است، اهالی آن نه‌تنها کاری کرده‌اند که در خوراك خود بسنده شوند بل‌که وظیفهٔ خود را نیز در قبال دولت انجام داده‌اند.

محصول پائیزی سال ۱۹۶۶ کمون **دال** با حملات مکرر هواپیماهای خصم و خشکسالی شدید و هجوم حشرات مواجه شد. با این همه اهالی کمون موفقیتی بیسابقه بدست آوردند. محصول متوسط برنج در قیاس با سالهای پیش به ۷۰۰ تا ۴۰۰ کیلو گرم در هر هکتار افزایش یافت. برنج مناسب که بدقت دستچین، باد داده و خشك شده بود بیدرنگ به انبارهای دولتی فرستاده شد. بعداز محاسبهٔ جیرههای غذایی برای اعضای تعاونی، پانصدکیلوگرم برنج اضافی به‌قیمت مناسب به‌دولت فـروخته شد. سالداران تعاونیهای **مینه هوا** و **تونگ نهات** تمام برنج حاصله از زمینی را که خود احیا کرده بودند به‌دولت فروختند. همه برمبنای این شعار عمل می‌کنند: «صرفه‌جویی دانه‌یی برنج مثل این است که برای سربازان خود یك گلولهٔ اضافه تهیه کنیم تا بر قلب تجاوزکاران امریکایی بنشانند.»

در نتیجهٔ ده حمله هوایی جنگده‌های دشمن، خسارت عظیمی به مایملك مردم وارد آمد. اما، در سایهٔ سازماندهی شایان توجه دفاع هوایی

غیر نظامی، در تمام دهکده هیچکس کشته و مجروح نشد. مردم‌می‌گویند: «تا وقتی زنده‌ایم، می‌توانیم ثروت تولید کنیم.» آنان در خوراك، پوشاك ،ظروف و غیره با همدگر شریکند و از دولت یك پاپاسی هم مطالبه نمی‌کنند.

طی دوسال گذشته،کمون **دال** در سپردن‌پس‌اندازها در تای نگویین نقش عمده‌یی داشته‌اند. به‌سال ۱۹۶۵، متوسط پس‌اندازهایی کـــه هـــر روستایی سپرده بود ۱۳٫۲ دونگ بود. تا اواخر ماه نوامبر سال۱۹۶۶، جمع کل مبلغ سپرده ۴۲۰۰۰ دونگ بود سوای تحسیب مبالغی که برای تولید تخصیص یافت. در آن زمان متوسط سرانه ۳۹ دونگ بود. تقریباً تمام اعضای کمیتهٔ حزب، اعضا وکادرهای حزبی در سپردن پول در حسابهای پس‌انداز خود سرمشق خوبی بودند. بسا از آنان پس از فروختن خوکها یا ماکیان خویش اندك مبلغی را که برای مصارف روزانهٔ خود لازم داشتند حفظ کردند و مابقی آن را به‌صندوق اعتباری دهکده‌سپردند. آموزگاران مدارس روستا نیز نزدیك به ۱۰۰۰ دونگ به‌صندوق‌اعتباری واریز کردند و بدینسان برای تولید کشاورزی در دهکده سرمایـهٔ بیشتری را اختصاص دادند. بسا روستائیان دیگر، نظیر خانم **لی تی تو**، هریك تا ۲۰۰۰ دونگ پس‌انداز کرده‌اند.

به‌یمن این پس‌اندازها، تعاونیهای زراعی برای گسترش تولید وبهبودی اوضاع زندگی اعضای خود سرمایهٔ بیشتری در اختیار داشته است. در سال جاری، صندوق اعتباری تعاونی روستا وامهایی به‌مبلغ ۲۰۰۰ دونگ برای خرید وسایل تولید، نظیر ماشین‌های بختن، و ۱۲۰ رأس خوك برای اصلاح نژاد به‌تعاونیها تخصیص‌داد؛ نیز به‌آسیب‌دیدگان حملات هوایی کمك کرد.

این کمون از لحاظ دفاع ضد هوایی، تولید زراعی، صرفه‌جویی، همبستگی وتشریك مساعی در میان اعضا نمونهٔ شایسته‌یی است.کمون‌های دیگر بایداز آن سرمشق بگیرند.

ما باید از نمونه‌های شایسته درس بگیریم و از نمونه‌های ناشایست پرهیز کنیم.

۶. ماباید در دفاع ضد هوایی وحفر گودالها و پناهگاههای‌بیشتر، فعال باشیم. به‌تخلیه کنندگان منازل، خاصه سالداران و خردسالان و به قربانیان حملات هوایی، خانوادههای نظامیان معلول و شهیدان جنگ و سربازان خط جبهه باید مدد کرد.

در خاتمه، از شما خواهش دارم که درودهای کمیتهٔ مرکزی، حکومت ومرا به‌هم‌میهنان‌مان، کادرها، سربازان، رزمندگان، جوانان و خردسالان ابلاغ کنید. امیدوارم سخت‌کار کنید و مناطق خود را به «چهار اصل خوب» تبدیل نمایید.

تت (Tet = سال نو. م) نزدیك می‌شود. این سال نو مقاومت ما برای رهایی ملی است. **تت** باید جشنی سرورانگیز امابا صرفه‌باشد. قول می‌دهید که سال‌نو را بدینگونه برگزارکنید؟

(همه پاسخ دادند: «**بله، قول می‌دهیم، عموجان.**»)

نامه به نگوپین هیو تو وکیل‌مدافع

(۶ مارس، ۱۹۶۷)

به **نگوپین هیو تو*** وکیل مدافع،
رئیس هیأت سیاسی،و
اعضای کمیتهٔ مرکزی جبههٔ آزادیبخش ملی
ویت نام جنوبی.

رفیق رئیس و اعضای کمیتهٔ مرکزی عزیز،
هم میهنان، جنگاوران و کادرهای عزیز در جنوب،

جبههٔ آزادیبخش ملی ویت نام جنوبی در زمانی **برنامهٔ سیاسی** خود را نشر کرده است که خلق و نیروهای مسلح هردو منطقهٔ میهن ما برای رهایی ملی در مبارزه علیه تجاوزکاران ایالات متحد ظفرهای پرافتخاری کسب می‌کنند. این **برنامهٔ وحدت فراگیر تمام خلق** شمرده می‌شود، برنامه‌یی که ارادهٔ مستحکم پیروزی کامل بر تجاوزکاران ایالات متحد و خائنان را نشان می‌دهد.

در راستای هفت سال گذشته، تحت رهبری روشن بینانهٔ **جبههٔ**، خلق و جنگجویان قهرمان جنوب، که تنگاتنگ وحدت یافتند ودلیرانه پیکار کردند، تمام دسیسه‌های تجاوزکارانهٔ خصم را درهم کوبیده‌اند. یك میلیون تن سرباز امریکایی آلت دست و اقمار آن ضربات سنگینی را نوش کرده‌اند. مردم و نیروهای مسلح در جنوب انگیخته ازپیروزیهای خویش، از همهٔ جهات و در همه جا حملات مکرری رابرخصم‌پی‌می‌گیرند. این ظفرهای سرافرازانه به‌تقویت و اعتلای اعتبار جبههٔ آزادیبخش ملی ویت‌نام جنوبی، این تنها نمایندهٔ واقعی خلق آن خطه مدد کرده است. ملت و سرزمین اجدادی ما از جنوب قهرمان، این حصار زرهی سرزمین اجدادی سخت برخود می‌بالد.

تجاوزکاران ایالات متحد، که در جنوب به‌باتلاق فروغلتیده‌اند، دیوانه‌وار بردامنهٔ جنگ گسترده‌اند و بموازات آن جنگ هوایی علیه شمال را «شدت می‌بخشند.» اینان در عین حال پیشنهادات عوامفریبانهٔ صلح را باقیل وقال اعلام می‌کنند. اما بمب‌ها وگلوله‌بارانهای اینسان هرگز نمی‌تواند هم‌میهنان مارا به‌تمکین وادارد که سهل‌است، مذاکرات

* Nguyen Huu Tho

خدعه‌آمیزشان نیز نمی‌تواند چشم عقل خلق را ببندد. خلق ویت‌نام این رزم را بعزمی آهنین پی‌خواهد گرفت تا لحظه‌یی که یك تن تجاوزکار ایالات‌متحد درسرزمین محبوب آنان باقی نماند.

وحدت، از نیروی شکست‌ناپذیر ما مایه می‌گیرد. **برنامهٔ سیاسی جبههٔ بیرق‌آن وحدت عظیمی** است‌که تمام خلق جنوب را دست‌ٔ دردست هم گرد می‌کند تاپای به‌پای همدیگر تا پیروزی نهایی رودر روی تجاوزکاران ایالات متحد بیایستند. بگذار خلق متحد ما، برای وحدت فراگیر وتنگتر بازهم بیشتر تلاش ورزد. بگذار با برادران و دوستان خود در سراسر گیتی، از جمله امریکاییان ترقیخواه، که همه از ما فعالانه حمایت می‌کنند به‌همبستگی بازهم گسترده‌تر و فشرده‌تری نایل آییم. هرقدرکه تجاوزکاران ایالات متحد درنده‌خویتر می‌شوند، نیروی گران وحدت ما بی‌تردید برآنان چیره خواهد آمد.

هم‌میهنان، جنگاوران و کادرهای ما در جنوب برحسب وحدت فشرده وقهرمانی کلان خویش ظفرهای پرتوگستری حاصل کرده‌اند. هم اکنون، تمام خلق جنوب، تا تن آخر اتحاد عمل خویش را تقویت‌می‌کنند، برنامهٔ سیاسی درست جبهه را اجرا می‌نمایند و دلاوری گرانسنگی را نشان می‌دهند. هم ایشان مبارزه برای آزادی جنوب، دفاع از شمال و پیشروی بسوی تجدید وحدت ملی مسالمت آمیز را بی‌تردید به‌پایانی ظفرتوز خواهند رساند.

۱۷ میلیون تن هم‌میهن‌ما در شمال، که از برای هزیمت تجاوزکاران امریکایی کمر راست کرده‌اند، پیمان می‌بندند که نهایت کوشش خویش را در تولید و پیکار بعمل آورند و در قبال خویشاوندان خویش در جنوب وظیفهٔ مقدس خود را بتمام و کمال انجام دهند.

ما در سایهٔ قدرت شکست‌ناپذیر وحدت گسترده یقیناً مظفرمی‌شویم!

وقتی که کشور از نو وحدت یابد وشمال وجنوب بهم بپیوندد، چه وجد و شوری خواهیم داشت!

مجال را مغتنم شمرده برای خویشان سالمند، مادران رزمندگان، کادرها، سربازان، قهرمانان و جنگاوران بلندپایهٔ رزم ضد تجاوزکاران ایالات متحد وبرادرزادهها وخواهرزادههای خود، جوانان و خردسالان بوسه‌های مهرآمیز می‌فرستم.

برای شما، رفیق رئیس و اعضای کمیتهٔ مرکزی جبهه آزادیبخش ملی‌ویت‌نام‌جنوبی درودهای‌قلبی‌خودرا ارسال می‌کنم. ماپیروز می‌شویم!

انقلاب کبیر اکتبر راه رهایی را به‌روی تمام خلقها گشود*

(اکتبر ۱۹۶۷)

خلق ویت‌نام همراه با خلق شوروی و زحمتکشان سراسر جهان پنجاهمین سالگشت **انقلاب کبیر اکتبر شوروی** را بشادمانی جشن‌می‌گیرد.

خلق ویت نام در اوج مقاومت ضد امریکایی خود برای رهایی ملی و مصمم به‌هزیمت تجاوزکاران ایالات متحد و بنای موفقیت‌آمیز سوسیالیزم در سرزمین خود، با سپاسگزاری و اطمینان، توجه خویش را به‌اتحاد شوروی، این زادگاه **لنین** کبیر وانقلاب ظفرنمون اکتبر معطوف می‌دارد.

انقلاب اکتبر بسان خورشید فروزان بر پنج قاره پرتـو گسترد و میلیون‌ها میلیون تن خلق ستمدیده و استثمار شده را بیدار کرد. در تاریخ بشری، هیچگاه انقلابی اینسان وبا چنین اهمیت شگرف وژرفـی وجود نداشته بود.

انقلاب اکتبر نخستین ظفرمندی مارکسیزم و لنینیزم در کشوری پهناور، اتحاد شوروی، بود که یك ششم جهان را دربرمی‌گیرد. این انقلاب عظیمترین پیروزی بود که به‌همت طبقه کارگر، زحمتکشان و خلقهای تحت ستم برهبری طبقهٔ کارگر و پیشاهنگ آنان، **حزب‌بلشویك** دربرگهای تاریخ رقم خورد.

انقلاب اکتبر از برای سرنگونی بورژوازی و طبقه مالکان فئودال از قهر انقلابی بهره‌جست، حاکمیت زحمتکشان را مستقر ساخت‌و جامعه‌یی سراسر نو بنا کرد که در آن بهره‌کشی فرد از فرد وجود ندارد.

انقلاب اکتبر راه رهایی را به‌روی خلقها و تمام بشریت گشود و در دورانی نو در تاریخ، دوران انتقال از سرمایه‌داری به‌سوسیالیزم

* این نوشتار بمناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر برای روزنامهٔ **پراودا** نوشته شد. (و.).

در بردی جهان شمول‌دیباچه‌یی را رقم زد.

در اهمیت تاریخی انقلاب اکتبر، لنین گفت:

«ما این حق را داریم‌که مباهات کنیم ودر واقع مباهات می‌کنیم که افتخار آغاز بنای **کشور شورایی** نصیب ما شده است وازیـن‌گـذر در تاریخ جهان دورانی نو **گشوده** می‌شود، دوران حکمرانی طبقه‌یی‌**نو**، طبقهٔ ستمکشان در تمام کشورهای سرمایه‌داری و اکنون هم ایشان در هرنقطه‌بسوی زندگی‌نو، بسوی پیروزی بربورژوازی، بسوی‌دیکتاتوری پرولتاریا، بسوی رهایی بشریت از یوغ سرمایه‌داری‌وجنگهای امپریالیستی کوس می‌بندند.»*

اوضاع جهان درین پنجاه سال بر حقیقت این کلام بلیغ لنین بفصاحت وشیوایی صحه گذاشته است. براستی، پس ازانقـلاب اکتبر، در جهان تغییرات سترگ انقلابی چهره کرده است.

اتحاد شوروی، نخستین کشوری که می‌بایست راه دیکتاتـوری پرولتاریا را اختیار می‌کرد، توانایی شگرفی عرضه داشته است. سرزمین شوراها بیدرنگ پس از بنیاد، نه‌تنها در میهن‌ضد انقلابیون را درهـم کوبید، بل مداخلهٔ مسلحانهٔ ۱۴ کشور امپریالیستی را نیز منهزم کرد. کمتر از ۳۰ سال پس از آن، از خلال شکست کاملی که بر فاشیست‌های آلمانی، ایتالیایی و ژاپنی وارد کرد، نه‌تنها از کشور شوراها پاسداری نمود بل در رهایی دیگر کشورها و نجات بشریت از اسارت فاشیزم سهم عظیمی داشت.

برغم خراییهای سنگین جنگ و زحمتها و جانبازیهای بیشمار (۲۰ میلیون تن کشته، ۱۷۱۰ شهر ویران و ۳۰۰۰۰ موسسهٔ آسیب دیده)، در سایهٔ رهبری درست حزب و تلاشهای خارق‌العادهٔ خلق، طی چند سال اتحاد شوروی باتکای مبارزهٔ قهرمانانه در التیام زخمهای جنگ سرافراز شد و بنای سوسیالیزم را بتوفیق دنبال کرد و بسوی پی‌ریزی سنگ‌پایهٔ مادی و فنی کمونیزم پیش رفته است. اتحاد شوروی با علم و تکنولوژیی که در شمار مدرن‌ترین کشورهای جهان قرارش داده به‌قدرت صنعتی بزرگی تبدیل گشته است و نخستین کشوری بود که به‌تسخیر کهکشانها همت والا گماشت.

پس از انقلاب اکتبر شوروی، پیروزی انقلاب چین نیز اهمیت

* **لنین: مجموعهٔ آثار**، ج. ۳۳، بزبان فرانسوی، **نشریات اجتماعی**، پاریس و **نشریات زبانهای خارجی**، مسکو، ۱۹۶۱، ص. ۴۷.

شگرف بین‌المللی کسب کرد. و این پیروزی عظیم دیگری بود از مارکسیزم ــ لنینیزم در کشوری نیمه مستعمره و نیمه فئودال با ۷۰۰ میلیون تن جمعیت تحت رهبری حزب کمونیست چین. چین، کــم از بیست‌سال، از یك‌کشور عقب‌ماندهٔ کشاورزی که بدست امپریالیست‌های خارجی و بورژوازی بوروکراتیك و مالکان فئودال بسختی استعمار و استثمار می‌شد، قدی برافراشته است و استقلال ملی را کسب کرده و آن را تقویت نموده است و اکنون سوسیالیزم را بنا می‌کند و باصنعت مدرن، کشاورزی تکامل یافته و علم و تکنولوژی پیشرفته قدرتی بزرگ می‌شود.

ظفرمندیهای انقلابهای آزادیبخش ملی و سوسیالیستی در **لهستان، جمهوری دموکراتیك آلمان، مجارستان، رومانی، چکسلواکی، آلبانی، مغولستان، کره، کوبا** و ویت نام نیز از اهمیت بس بزرگ تاریخی برخوردار است.

به‌یمن پیروزیهای پیش‌گفته، نظام سوسیالیستی جهانی پای به‌عرصهٔ وجود گذاشته است که دامنهٔ آن از **اروپای مرکزی** تا آسیای جنوب شرقی گسترده است‌و نخستین قرارگاه سوسیالیزم در امریکای لاتین بر پاگشته است. اردوگاه سوسیالیستی بیش از پیش قدرتمندتر شده است. این اردوگاه عامل تعیین کنندهٔ تکامل انقلاب جهانی و آیندهٔ تابناك بشریت بشمار می‌آید.

جنبش انقلابی طبقهٔ کارگر در کشورهای سرمایه‌داری و جنبش رهایی بخش ملی در کشورهای مستعمره ملهم از انقلاب اکتبر شوروی و تحت حمایت آن بطور فراگیر سربرمی‌آورد و در مقیاسی بیسابقه گسترش می‌یابد. جنبش آزادیبخش ملی در سراسر آسیا، افریقا و امریکای لاتین همچون توفانی هستی‌گستر وزیدن می‌گیــرد و نظــام استعماری امپریالیزم را خرد خرد از هم می‌پاشد و به‌صدها میلیون تن از مردم رخصت می‌دهد که از چنبرهٔ اسارت رها شوند و بسوی استقلال و آزادی کوس بندند.

قدرت اردوگاه سوسیالیستی، مبارزهٔ طبقهٔ کارگر در کشورهای سرمایه‌داری و جنبش انقلابی آزادیبخش ملی ــ این سه نیروی انقلابی بزرگ با قدرت بهم پیوستهٔ بی‌امان براستحکامات امپریالیزم بسرکردگی امپریالیزم ایالات متحد هماره یورش می‌برد و مردانه ضربه می‌زند. اوضاع کلی در جهان امروز ازین واقعیت برمی‌جوشد کــه نیروهای

انقلابی و صلح دوست بمراتب بیش از نیروهای امپریالیستی، ارتجاعی و جنگ افروز توش و توان می‌گیرند. بر روی هم، انقلاب جهانی در موضع تعرضی قرار دارد؛ و قدرتمندتر می‌گردد و پیروزیهای افزونتری حاصل می‌کند. برعکس، امپریالیزم و دیگر نیروهای ارتجاعی در موضع تدافعی هستند؛ ضعیفتر می‌شوند وشکستهایی متحمل می‌گردند ومحکوم به زوالند.

سوسیالیزم و کمونیزم، که تنها رویای اهتزاز دهندهٔ بشریت در گذشته بود، از انقلاب اکتبر به‌این سوی واقعیتی اجتماعی گشته و از خود قدرتی سترگ نمایانده است و هزاران میلیون تن از مردم را از برای صلح، استقلال ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی در عمل‌انقلابی دست اندرکار کرده است.

ظفرمندی عظیم انقلاب اکتبر به‌طبقهٔ کارگر، زحمتکشان وخلقهای ستمبر سرتاسر جهان بسا در سالهای گرانمایه فرا آموخته است که از برای رهایی کامل طبقهٔ کارگر و تمام بشریت تضمینی فراخور بشمار می‌آید. طبقهٔ کارگر و خلق ویت‌نام از آموزشهای لنین و درسهای گرانمایهٔ انقلاب اکتبر هرچه ژرفتر روح و جانش نواخته می‌شود:

ــ داشتن‌رهبری، **حزب براستی انقلابی طبقهٔ کارگر** امری ضروری است، **حزبی‌که از صمیم قلب خدمت به خلق را وجههٔ همت قرار دهــد.** تنها رهبری حزبی که بداند چگونه مارکسیزم ــ لنینیزم را با اوضاع خاص‌سرزمین خود بگونه‌یی خلاق منطبق کند، می‌تواند انقلاب آزادی‌ــ بخش ملی را به‌پیروزی و انقلاب سوسیالیستی را به‌راه توفیق رهنمون شود.

ــ **اتحاد کارگر ــ دهقان** باید تحقق یابد، چه، این نکته برای ظفرتوزی انقلاب مطمئن‌ترین تضمین است. تنهــا اتحــاد کارگــر ــ دهقان برهبری طبقهٔ کارگر می‌تواند نیروهای ضد انقلابی را قاطعانه و بتمامه باژگون کند و برای زحمتکشان قدرت را فراچنگ گیرد و آن را استحکام بخشد و رسالت تاریخی انقلاب دموکراتیك ملی رابتمام انجام دهد و بسوی سوسیالیزم عنان پیچد.

ــ تحت رهبری طبقهٔ کارگر و برپایهٔ اتحاد هرچه استوارتر کارگر ــ دهقان در هر مرحلهٔ انقلابی، **جبهه‌یی فراگیر** بایــد بــرای اقدام یك‌پارچه در شکلهای متنوع علیه دشمن مشترك، تمام نیروهای

انقلابی و ترقیخواه را گرد کند.

ــ در مبارزهٔ صعب علیه دشمن طبقه و ملت، باید از **قهر انقلابی علیه قهر ضد انقلابی بهره جست، قدرت را کسب کرد و از آن دفاع نمود.**

موافق اوضاع مشخص (کنکرت)، باید اشکال مناسب مبارزهٔ انقلابی را اتخاذ کرد واز شکلهای مختلف مبارزهٔ مسلحانه و مبارزهٔسیاسی باچیره‌دستی بهره گرفت و آنها را تلفیق کرد تا بدینوسیله به‌پیروزی انقلاب دست یافت.

ــ**دیکتاتوری پرولتاریا باید هماره تقویت گشته، استحکام یابد.** طبقهٔ کارگر، بعد از کسب قدرت وظیفهٔ اصلی تقویت ارکان دیکتاتوری پرولتاریا را برعهده دارد تا ازین راه وظایف تاریخی انقلاب را اجرا کند، نظام استثمار فرد از فرد را سراسر براندازد ، مناسبات سوسیالیستی تولید را برقرار سازد، سوسیالیزم را بنا کرده، بسوی کمونیزم گام بردارد.

ــ در مبارزهٔ مرگ و زندگی میان طبقهٔ کارگر، زحمتکشان و خلقهای تحت ستم از یك‌سوی و امپریالیست‌ها و نوکرانشان، مالکان فئودال وبورژوازی ارتجاعی از جانب دگر، خلق بایداز ریشه روحیهٔ انقلابی نشان دهد و پرچم قهرمان‌گرایی انقلابی را پیوسته برافراشته نگهدارد. آنان باید از محنتها و جان‌فشانیها پروایی نداشته باشند و برای استقلال ملی و سوسیالیزم تا پایان کار به‌رزم عزم کنند.

ــ در انقلاب آزادیبخش ملی و انقلاب سوسیالیستی، **میان میهن پرستی وانترناسیونالیزم پرولتری باید پیوندی فشرده وجود داشته باشد،** در روزگار ما، انقلاب رهایی‌بخش ملی بخش تجزیه‌ناپذیرانقلاب‌پرولتری جهان است؛ انقلاب آزادیبخش ملی بایدبه‌انقلاب سوسیالیستی بسط یابد البته اگر به‌پیروزی کامل رسیده باشد. ظفرمندی مبارزه برای استقلال و آزادی خلقها، از حمایت موثر و تشریك مساعی اردوگاه سوسیالیستی وجنبش کارگران در کشورهای سرمایه‌داری جدایی ناپذیر هست.

«کارگران تمام سرزمینها و خلقهای تحت ستم، متحد شوید!» این فراخوان مقدس **لنین** هنوز در گوش هوش ما طنین انداز است و پیوسته یادآور می‌شود که از همبستگی عظیم میان نیروهای انقلابی بسود منافع مشترك طبقهٔ کارگر و بشریت پاسداری کنیم و این همبستگی را استحکام بخشیم.

آنچه آمد چکیده‌یی بود از تجارب عملی انقلاب ویت نام.

ماویت‌نامیان ضرب‌المثلی داریم، «بهنگام **نوش**، **چشمه** را **یاد** کن.»* طبقهٔ کارگر و مردم ویت‌نام هرقدر ایام‌خواری زمان حکمرانی خارجیان ومبارزات انقلابی را،که باجانبازیها ومشقتها ونیزباپیروزیهای افتخار آفرین نشان خورد، بیشتر بخاطر می‌آورند از **لنین** و انقلاب اکتبر بیشتر سپاسگزار می‌شوند.

پیش از انقلاب اکتبر، خلق ویت‌نام توسط استعمارگران در جهل مرکب بسر می‌برد، از مارکسیزم هیچ چیز نمی‌دانست و از شخص لنین هیچگاه‌چیزی نشنیده‌بود.باتوفیق انقلاب‌کبیرتکان‌دهندهٔاکتبر،مارکسیزم‌ــ لنینیزم بتدریج در ویت‌نام‌نشریافت.از اوایل سال ۱۹۳۰، **حزب کمونیست هندوچین** (حزب کارگران کنونی ویت‌نام) بنیان یافت وپرچم رهبری انقلابی‌را برافراشت. جنبش غلیانی رهایی ملی‌سربرآوردو در شوراهای **نگه‌ــ تین** (۱۹۳۱ ــ ۱۹۳۰) باوج رسید. از آن پس، طبقهٔ کارگر راه خود ــ رهایی را یافته است. برغم ترور دژخیمانهٔ استعمارگران، خلق ویت‌نام بگردن فرازی پیش رفت. در ماه اوت سال ۱۹۴۵، مجالی بهجت‌اثر پیش آمد بدینگونه که آرتش قهرمان شوروی فاشیست‌های آلمانی و ژاپنی را درهم کوبید. حزب کمونیست هندوچین تمام خلق را بدقیام رهبری کرد و قدرت را در سرتاسر کشور بدست گرفت، فاشیست‌های ژاپنی و دست نشاندگان آنان را از قدرت بزیر کشید و جمهوری دموکراتیك ویت‌نام را بنیان گزارد. انقلاب اوت ویت‌نام نخستین انقلاب مظفر دموکراتیك ملی و توده‌یی در منطقهٔ آسیای جنوب شرقی بود. خلق ویت‌نام کم از یك ماه پس از کسب قدرت، بی‌آن‌که مجال سازماندهی و یك‌پارچگی نیروهای خویش را داشته باشد و در حالی که به‌چوبهای خیزران مسلح بود ناگزیر گشت که علیه تجاوزکاران استعمارگر فرانسوی، که ازکمك امپریالیست‌های ایالات متحد بهره‌مند بودند، جنگ مقاومت دراز مدت و قهرمانانه را آغاز کند. سر آخر آنان در دین بین فو پیروزی عظیمی فراچنگ آوردند و شمال را سراسر آزاد کردند. موافقت‌نامه‌های ژنو که به‌سال ۱۹۵۴ امضا شد حقوق مقدس ملی خلق ویت‌نام: استقلال، حاکمیت، وحدت و تمامیت ارضی را رسماً باز شناخت. از سال ۱۹۵۴ به‌این سوی، مردم ویت‌نام دو وظیفهٔ استراتژیکی

* یا «وقتی می‌نوشی، به‌سرچشمه بیندیش.» م.

انقلابی را پی‌گرفته‌اند: دگرگونی سوسیالیستی و بنای سوسیالیستی در شمال، و در عین حال، مبارزهٔ میهنی برای رهایی جنوب از سلسلهٔ امپریالیست‌های ایالات متحدونوکران آنان وتجدید وحدت ملی نهایی.

انقلاب سوسیالیستی در شمال پیروزیهای عظیمی رقم زده است. پس از تکمیل اصلاحات ارضی، حزب کارگران ویت نام، خلق را در راه تحول سوسیالیستی کشاورزی، صنایع دستی، تجارت و صنعت سرمایه‌داری و تجارت کوچك رهبری کرد و ازین‌گذر مناسبات تولید نوین را برقرار نمود و نظام بهره‌کشی فرد از فرد را برانداخت. شالودهٔ مادی و فنی سوسیالیزم اندك اندك بنا شده است، تولید کشاورزی و صنعتی بی‌وقفه گسترش یافته و اوضاع زندگی مادی خلق بمداومت بهتر گشته است. در زمینهٔ فرهنگی بیسوادی از میانه برخاسته و کارآموزشی رونق گرفته است.

طی این سالها، **درجنوب**، برغم ترور ددآسا و کشتار عام این امپریالیست‌های ایالات متحد و خائنان، هم میهنان جنوبی ما هرگز سر به‌تسلیم فرود نیاورده‌اند. برعکس مبارزهٔ مسلحانه و سیاسی بس‌دلیرانه‌یی را پی گرفته‌اند. خلق جنوب ویت نام «جنگ ویژه»ی ایالات متحد را منهزم کرده ودر کار آن است که «جنگ محدود» امریکاییان‌رابه‌بن بست‌کشدکه این جنگ تجاوزکارانهٔ بغایت وحشیانه‌یی‌است بایك میلیون تن سرباز که نزدیك به ۵۰۰۰۰۰ تن سرباز ایالات متحد و نیم میلیون تن سربازان آلت دست و کشورهای اقمار آن، هزاران فروند جنگندهٔ هوایی، صدها فروند کشتی جنگی، میلیون‌ها تن ساز و برگ مدرن و سبعانه‌ترین وسایل جنگی: مواد شیمیایی مهلك، گازها، ناپالم، بمب‌های خوشه‌یی و جزاینها را مشتمل می‌شود. تجاوزکاران حتی درنده خویتر از فاشیست‌های هیتلری در همهٔ نقاط از سیاست «کشتن، سوختن و نابودی» پیروی کرده‌اند. امپریالیست‌های ایالات متحد در تقلایی عبث برای گریختن ازمرداب خود ساختهٔ جنوب ویت‌نام، جنگ بس دژخیمانه و هردم گستر انهدامی هوایی و دریایی علیه شمال ویت‌نام راپی‌گرفته‌اند. اینان به‌خطوط ارتباطی، مراکز صنعتی، نواحی مسکونی ما در شهرها و روستاها، بیمارستانها، مدارس، کلیساها، معابد، سدها و اسکله‌ها و جز اینها تاخت می‌برند. بر خطا گمان می‌کنند که با بمب‌ها و گلوله‌ها می‌توانند از غلیان میهن پرستی جلوگیرند و همبستگی مقدس رزمندگی خلق‌ویت‌نام را در هر دو منطقه مضمحل کنند. ۳۱ میلیون تن مردم

ویت‌نام، اما، برای استقلال و آزادی سرزمین اجدادی خویش متحد و یك زبان گشته‌اند و برای نجات کشور به **جنگ و هزیمت تجاوزکاران ایالات متحد آهنگ کرده‌اند.**

مقاومت خلق ویت‌نام علیه تجاوز ایالات متحد، از برای رهایی ملی، ظفرهای عظیمی حاصل نموده‌است. درآوردگاه جنوب، بادرنظر گرفتن دو فصل خشك* اخیر، شمار سربازان خصم که از صحنه کارزار خارج گشته‌اند به۲۹۰۰۰۰ تن سرمی‌زند که ۱۲۸۰۰۰ تن آنان سربازان ایالات متحد و اقمار آن بودند. طی موسم خشك گذشته (۱۹۶۶ــ۱۹۶۵) از ۷۰۰۰۰۰ تن سرباز ایالات متحد، آلت دست و اقمار آن، ۱۱۴۰۰۰ تن به‌همت چریکها و **آرتش آزادیبخش ویت نام جنوبی** از عرصهٔ‌تاختگاه رانده شدند. طی موسم خشك سالهای ۶۷ــ۱۹۶۶ از ۱۲۰۰۰۰۰ تن سپاهی خصم، ۱۷۵۰۰۰ تن از صحنه کنار گذاشته شدند.

در شمال، از ماه اوت سال ۱۹۶۴ تا سپتامبر سال ۱۹۶۷، زیاده از ۲۳۰۰ فروند جنگندهٔ ایالات متحد سرنگون شد. پیداست که امپریالیست‌های ایالات متحد هر قدر برشمار سربازان خویش در کارزار می‌افزایند، شکستهای سنگین‌تری را متحمل می‌شوند. خلق‌ویت‌نام، گرچه با زحمتها و قربانیهای افزونتری روبرو می‌گردند، تواناترمی‌شوند چندان که به‌رزم ادامه می‌دهند و بدون شك به‌پیروزی کامل نایل‌خواهند آمد.

چرا انقلاب ویت نام به‌چنین توفیقهای عظیمی دست یافته است؟ چگونه است که خلق ویت‌نام بنا دارد که تجاوزکاران مجهزتر وقدرتمندتر امریکایی را منهزم کند؟

علت این امر را در **رهبری درست حزب کارگران ویت نام** و جبههٔ آزادیبخش ملی ویت نام جنوبی باید جست وجوی کرد. حزب‌کارگران ویت‌نام، آنگاه که از خط سیاسی خود دفاع می‌کند، پیوسته اهتمام می‌ورزد که حقایق کلی مارکسیزم ــ لنینیزم را با واقعیات انقلاب ویت نام درآمیزد و در همین حال از تجارب گرانسنگ احزاب برادر بفروتنی درسها می‌گیرد. حزب ما همیشه برای آموزش کادرها، اعضای حزب و خلق جای بس بزرگی را تخصیص می‌دهد چندان که روحیه انقلابی ریشه‌یی و قهرمانی و آمادگی ایشان بتواند در مواجه با جانبازیها،

* فصل خشك هفت ماه بدرازا می‌کشد، ازاکتبر تا آوریل. م.

در راستای منافع طبقه و ملت اعتلا یابد. حزب ما همیشه با توده‌ها پیوندهای فشرده را حفظ می‌کند. بنابرین بی‌سبب نیست که ازاعتماد، عشق و حمایت خلق برخوردار است و همین خلق خطمشی و سیاستهای حزب را از سر شوق اجرا می‌کنند. حزب ما در بنای جبههٔ متحد ملی علیه امپریالیزم برپایه اتحاد کارگر ــ دهقان توفیق یارش بوده است. این جبهه احزاب دموکراتیك، سازمان‌های توده‌یی، هیأتهای مذهبی‌وملیتهای مختلف رادر برمی‌گیردکه همه تحت رهبری **حزب کارگران ویت‌نام** دست در دست همدگر **برنامهٔ مشترك جبهه** را بدیدهٔ اجرا می‌گیرند و ویت‌نامی صلح‌آمیز، وحدت یافته، مستقل، دموکراتیك و کامکار را بنا می‌کنند.

حزب‌ما آگاه است که چگونه مطابق اوضاع مشخص فراروی جنبش، اشکال‌مختلف مبارزهٔ انقلابی را بکار بندد، خاصه باتکای **آمیزش مبارزهٔ مسلحانه با مبارزهٔ سیاسی در جنگ دراز، صعب و قهرمانانهٔ خلق بمنظور برانداختن‌تجاوزکاران.**

حزب ما کادرها، اعضای حزب و توده‌ها را در زمینهٔ **میهن‌پرستی راستین و انترناسیونالیزم پرولتری** هماره آموزش می‌دهد و همبستگی و دوستی با اتحاد شوروی، جمهوری خلق چین و دیگر کشورهای برادر را بی‌وقفه تقویت می‌کند. حزب ما بطور عمده به‌نیروهای خود اتکا می‌کند و در عین حال حمایت و تشریك مساعی مـوثر کشورهـای سوسیالیستی برادر و هواخواهان صلح و عدالت در چهارگوشهٔ جهان، از جمله مردم ترقیخواه ایالات متحد را برمی‌انگیزد.

خلق ویت‌نام براساس قدرت خویش اعتماد راسـخ دارد کـه در اوضاع کنونی، که به‌حال جنبش انقلابی مساعد است، هرملت، ولوملتی کوچك که موافق خطمشی درست سیاسی و نظامی وحدت یابد وبحمیت و غیرت پیکار کند و بیش از پیش از حمایت و مساعی ثمربخش‌اردوگاه سوسیالیستی وخلقهای انقلابی گیتی بهره‌مند شود، باری، چنین مـلتی بتأکید مسلم می‌تواند هر تجاوز کار امپریالیستی، از زمره سرسلسله جنبان آن، امپریالیزم ایالات متحد را منهزم کند.

خلق ویت‌نام، در راستای راهی که به‌همت **لنین** کبیر، راه انقلاب اکتبر، شکل گرفت، پیروزیهای بس سترگی حاصل کرده است. هم‌ازین روی است که دلبستگی و حق‌شناسی آنان از خلق شوروی بسا ژرفناك

است.

خلق ویت نام همیشه بیاد خواهد داشت که ظفرهای آنان از مساعی قابل توجه اتحاد شوروی، جمهوری خلق چین و دیگر کشورهای سوسیالیستی برادر جدایی ناپذیر است و از حمایت موثر مردم ترقیخواه سراسر جهان جدایی نمی‌تواند گرفت.

از جانب خلق ویت نام، بمناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب پرافتخار اکتبر، میل دارم از **حزب لنین** و خلق شوروی برادر، که از صمیم قلب به‌خلق ما در مقاومت ایشان در برابر تجاوز ایالات متحد، برای رهایی ملی مدد رسانده است عمیقاً قدرشناسی کنم.

خلق ویت‌نام، که بمناسبت پنجاهمین سالگشت انقلاب کبیر اکتبر در شادمانی مشترك طبقهٔ کارگر، زحمتکشان و خلقهای تحت ستم در جهان شریك است آرزو دارد که خلق شوروی برادر در بنای پای‌بست مادی وفنی کمونیزم، دستآوردهـای بازهم تابناکتری حـاصل آرد و امیدوار است که ایشان در مبارزه خلقهای جهان علیه امپریالیزم وبرای صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیزم نقشی بس قابل توجه تـر ایفا خواهند کرد.

زنده باد مارکسیزم ــ لنینیزم!

پاینده باد همبستگی برادرانهٔ خلق ویت نام و خلق شوروی!

پایدار باد همبستگی برادرانه در خانوادهٔ کبیر کشورهای‌سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی!

شادباشهای سال نو

(بهار ۱۹۶۸)

هم میهنان و جنگآوران عزیز،

از سال ۱۹۶۵، امپریالیستهای ایالات متحد برای تجاوز مستقیم بجنوب سرزمین ما و پی‌گیری جنگی انهدامی علیه شمال صدها هزارتن سرباز وارد کارزار کرده‌اند. خلق ما متحد و یك‌پارچه، بجنگ بـا تجاوزکاران ایالات متحد و رهایی کشور عزم کرده و بـا پیروزیهای افتخار انگیز بدست آورده است.

تاپایان‌سال ۱۹۶۷، نیروهای مسلح وخلق قهرمان جنوب ویت ـ نام صدها هزار تن از سربازان ایالات متحد و آلت دست و اقمار آن را کشته، زخمی یا مفلوج کرده بود.

نیروهای مسلح و خلق قهرمان شمال ۲۶۸۵ فروند هواپیمای جنگندهٔ ایالات متحد را سرنگون کرده‌اند.

درسال‌جاری، تجاوزکاران ایالات‌متحد بیش‌ازپیش بحالت انفعالی وآشفتگی درغلتیده‌اند، درحالی‌که نیروهای‌مسلح و خلق‌ما باتکای انگیزهٔ توفیقهای مکررخویش بطورقطع ظفرهای بازهم عظیمتری رقم خواهندزد.

بمناسبت **سال‌نو**، از جانب هم‌میهنان ورزمندگان‌مان میـل دارم شادباشهای قلبی خـود را به‌کشورهای سوسیالیستی‌برادر، کشورهـای دوست و مردمان سراسر گیتی، از جمله مردم ترقیخواه امریکا، که از صمیم قلب از مبارزهٔ برحق خلق ما حمایت کرده‌اند، ابراز کنم.

امیدوارم که ویت نامیان ساکن خارج در سال نو کوششهای‌تازه‌یی بعمل آورند و بترقیهای جدیدی نایل آیند.

برای خلق وجنگاوران درسرتاسر کشور این شادباشهای **سال‌نـو** را ارسال می‌کنم:

این بهار، بربهاران گذشته پرتو می‌افکند،
خبرهای پیروزی کشور را سراسر بوجد می‌آورد.
جنوب و شمال در جنگ با تجاوزکاران ایالات متحد،
باهمدگر رقابت می‌کنند،

به‌پیش!

پیروزی کامل از آن‌ما خواهد شد!

فراخوان
بمناسبت ۲۰ ژوییه، ۱۹۶۸

هم‌میهنان و رزمندگان عزیز سراسر کشور،

چهارده سال پیش، در پی پیروزی عظیم ما در **دین بین فو**، موافقت‌نامه‌های ژنو امضا شد و استقلال، حاکمیت، وحدت و تمامیت ارضی ملی ویت‌نام را برسمیت شناخت. خلق مامی‌بایست در ژوییه سال ۱۹۵۶ انتخابات عمومی برگـزار می‌کرد. کشور ما می‌بایست سربه‌سر مستقل، آزاد، صلح‌آمیز و وحدت یافته می‌شد. بنابود شمال و جنوب از نو یك پارچه گردد.

اما امپریالیست‌های جنگ طلب ایالات متحد که پیمان خویش شکستند، موافقت‌نامه‌های ژنورا آشکارا نقض‌کرده‌اند. حکومت خیانت پیشهٔ آلت دست را براریکهٔ قدرت نشاندند و جنگی تجاوزکارانـه را در جنوب سرزمین ما دامن زدند. اما با مقاومت بغایت قهرمانانهٔ هم‌میهنان و جنگاوران ما در جنوب مواجه شده‌اند و بـا شکستهای سنگین را متحمل گشته‌اند. در تقلای عبث بمنظور خلاصی از وضع انفعالی‌خویش‌در مرداب جنوب ویت‌نام، طی سه سال آزگار برشمال جنون‌آسا بمب و گلوله فـرو ریخته‌اند . اکنون نیز استقلال، صلح ، بیطرفی لائوس را زیرپای می‌نهند واز وسایل تهدید وتحریك علیه کشور پادشاهی کامبوجیا پیوسته استفاده می‌کنند .

جنگ تجاوزکارانه ایالات متحد درسرزمین ما غدارتریـن جنگ درتاریخ بشری‌است. تجاوزکاران ایالات‌متحد برخطا خیال می‌کنند که‌با یك میلیون تن سرباز ، از جمله نیم میلیون تن سپاهی ایالات متحد وبـا استفاده ازسازوبرگهای مدرن می‌توانندخلق‌مارابه‌تمکین وادارند.حقیقت، اما، کاملا عکس این است. هم میهنان ورزمندگان قهرمان مادرجنوب و خلق قهرمان ویت‌نام در مجموع بعزم قامت برافراشته‌اند، میلیونها تن یك

پیکرند وبانهایت دلاوری می‌رزمند ، تمام نقشه‌های نظامی وسیاسی خصم‌را در هم می‌ریزند و پیروزیهای بزرگتری فراچنگ می‌آورند.

از اوایل سال ۱۹۶۸ ، جنگ مقاومت در جنوب به‌مرحله‌یی جدید پای گذاشته است : هم‌میهنان ورزمندگان ما در جنوب درشهرها تعرضی عمومی و قیامهای منظمی را پی‌نهاده‌اند وبه‌چنان ظفرهای افتخار آفرینی دست یافته‌اند که ایالات متحد وجهان راسراسر بلرزه درآورده‌است. بنیاد **اتحاد نیروهای ملی، دموکراتیك وصلح** در جهت سیاست وحدت تمام‌مردم علیه تجاوزکاران ایالات متحد وبرای رهایی ملی توفیقی بزرگ بوده‌است. این اتحاد به افشای چهرهٔ واقعی تجاوزکاران ایالات‌متحد وخائنان‌وانزوای هرچه بیشتر آنان کمك می‌کند . در شمال ، افزون‌برسدهزار فرونددجنگندهٔ ایالات متحد سرنگون شده است . بدینسان، «شمال وجنوب هردو بخوبی می‌رزمند.» امپریالیست‌های ایالات متحد شکستهای بازهم بزرگتری را نوش می‌کنند وبه هزیمت کامل محکومند.

بااین همه، «پلنگ‌هیچوقت خالهایش‌راتغییرنمی‌دهد»!تجاوزکاران ایالات متحد هنوز بساگرانجانی می‌ورزند. درجنوب ، راه تشدید جنگ را پیش می‌گیرند، برشهرها وحشیانه بمب فرو می‌ریزند وتمام نواحی روستایی را منهدم می‌کنند، در همین حال علیه استانهای جنوبی شمال حملات دیوانه‌وار خویش را ادامه می‌دهند.

در مذاکرات پاریس ، در برابر گرایش جدی وپایگاه برحق ما به سخت‌ترین شیوه ، «امتیازات متقابل» را بیشرمانه مطالبه می‌کنند. حاجت به بیان نیست که امپریالیست‌های ایالات متحد از جنگ جنایتکارانه تعرضی خویش دست برنداشته‌اند وباز تقلا می‌کنند که دودستی بدجنوب کشورما بچسبند بدین‌قصد که تقسیم سرزمین اجدادی ماراداییمی‌کنند.

خلق سراسر کشور ما، در رویارویی با چنین وضع وخیمی باید هرچه بیشتر استقامت کنند وبرای رهایی ملی بردامنهٔ مقاومت علیه تجاوزایالات متحد بیفزایند. ۳۱ میلیون تن مردم مابخاطراستقلال وآزادی‌مصمم‌شده‌اند که برتمام دشواریها وسختیها چیره آیند وآهنگ آن کرده‌اند که‌پیکار کنند و پیروز شوند. تجاوزکاران ایالات متحد بیش از پیش به‌سراشیب انفعال کشیده می‌شوند وباشکستهای پیاپی‌روبرو می‌گردند. اینان خود را در زاویه تنگنا بازمی‌یابند. نیروهای مسلح وخلق سرتاسر کشور ما ابتکار عمل رادر دست دارند واز موضع تهاجمی عمل می‌کنند؛ وهراندازه بیشتر می‌رزمند، از پیروزیهای عظیمتری خصه‌می‌برند.

هم‌میهنان و جنگاوران ما درجنوب، که در لوای پرچم پرافتخار جبههٔ آزادیبخش ملی بفشردگی وبنحوی فراگیر متحد شده‌اند، بی‌تردید سخت‌تر خواهند رزمید وپیروزیهای بزرگتری حاصل خواهند کرد.

هم‌میهنان و رزمندگان ما درشمال باید هشیاری خویش را پیوسته اعتلا بخشند، دلیرانه پیکارکنند، در کار تولید بایکدیگر هم‌چشمی‌نمایند، جنگ انهدامی خصم رامنهزم‌کنند، برای درهم‌ریختن تمام‌توطئه‌های‌جدید تصاعدی آنان آماده باشند وبه‌خویشاوندان جنوبی‌مان از سرشوق کمك کنند وبدینسان در قبال جبههٔ گستردهٔ نبرد وظیفهٔ نواحی پشت‌جبههٔ‌بزرگ را بتمام وکمال انجام دهند .

شمال وجنوب یك تنند. تمام خلق‌ما باثبات قدم مقاومت‌خواهدکرد وتجاوزکاران ایالات متحد راشکست خواهد داد وازین‌گذر جنوب راآزاد می‌کند، از شمال دفاع می‌نماید وبسوی تجدید وحدت ملی مسالمت‌آمیز حرکت می‌کند .

خلق ما صلح را گرامی می‌دارد، اما صلح راستین تنها بااستقلال و آزادی واقعی بازمی‌آید. موضع مابسابرحق وعیان است: روزی که امپریالیست‌های ایالات متحد جنگ تجاوزکارانه خویش علیه سرزمین‌مارا پایان بخشند وبمباران شمال را ختم کنند وتمام سربازان ایالات‌متحدواقمار آن‌را از جنوب ویت‌نام واپس نشانند وبگذارند خلق ما مسایل‌داخلی‌خویش را به‌آزادی حل کنند، آن روز صلح برقرار خواهد گشت. این آرزوی خلق ماونیز مردم ترقیخواه در امریکا وهواداران صلح وعدالت در جهان است. تنها راه استقرار صلح این است که تمام سربازان ایالات متحد واقمار آن واپس نشینند. **ویت‌نام برای ویت‌نامی!**

هم‌میهنان ورزمندگان عزیز،

خلق‌ویت‌نام عظیمترین جنگ مقاومت در تاریخ‌خودرا پی‌می‌گیرد. برای استقلال وآزادی‌سرزمین‌اجدادی،برای مصالح‌اردوگاه سوسیالیستی، وخلقهای متحد وبشریت ترقیخواه ، ما درکار نبرد وشکست‌بیرحمترین دشمن بشریت هستیم، برگسترهٔ سرزمین ما میان عدالت وبیعدالتی، میان تمدن وتوحش مبارزه‌یی بی‌امان‌شراره برکشیده است. خلقهای کشورهای سوسیالیستی برادر ومردم ترقیخواه جهان سراسر به‌ویت‌نام چشم‌دوخته‌اند وبه‌هم‌میهنان وجنگاوران مابگرمی تبریك می‌گویند. از جانب خلق‌ویت‌نام ازین مجال بهره‌جسته، سپاسهای خویش رابه کشورهای سوسیالیستی برادر

وتمام دوستان‌مان در پنج قارهٔ جهان ، که به‌خلق‌ما در مقاومت‌مقدسشان علیه تجاوز ایالات متحد وبرای رهایی‌ملی‌از سرصدق وصفا کمك کرده‌اند، صمیمانه ابراز می‌کنم.

خلق ما ، خلقی قهرمان است. خط‌ما، خطی درست است . ما حق و عدالت را درسمت‌وسوی خویش داریم. ماازخواست واراده انعطاف ناپذیر واستوار برای رزمیدن ومظفرگشتن‌الهام می‌گیریم وبدینسان‌روح‌وجان‌مان نواخته می‌شود. ماازنیروی گردن فراز وشکست‌ناپذیر وحدت تمام خلـق بهره‌مندیم وبرهمین‌گونه از هم‌آوازی وحمایت تمام بشریت تـرقیخواه برخـورداریم .

امپریالیست های ایالات متحد بیقین شکست می‌خورند !

خلق ما بطور قطع مظفر می‌شود !

هم میهنان ورزمندگان سرتاسر کشور

به پیش !

بمناسبت
سال تحصیلی جدید

(اکتبر ۱۹۶۸)

دوستان وبچه‌های عزیزم ،

در سرآغاز این چهارمین‌سال تحصیلی‌جنگ مقاومت‌علیه‌تجاوزکاران ایالات متحد وبرای رهایی ملی، میل‌دارم شادباشهایم رابه‌همهٔ‌شماعزیزان ابراز کنم .

مهربانان من ،

هرچند تمام سرزمین ما در گرداب جنگ گرفتارآمده است ، کـار آموزشی ماسریعتر وپرقوتتر ازپیش گسترش می‌یابد.

خرسندم که می‌شنوم باوجود اوضاع دشوار، هم‌اکنون در شمال‌میهن ما ۱۲۰۰۰ باب آموزشگاه عمومی وجود دارد، درهرروستایك مـدرسه ابتدایی دایر است ، بسیاری از روستاهادورهٔ اول دبیرستان دارندوهربخش دست‌کم یك دبیرستان برای‌دورهٔ‌دوم دایرکرده‌است. شمارتحصیل‌کننده‌های مابه‌شش میلیون تن سرمی‌زند که یك میلیون تن کادر، کارگر ودهقان را دربرمی‌گیرد‌که در کلاسهای نیمه‌وقت حضور می‌یابند. شماردانشجویانی که به‌دانشگاه‌ها ودبیرستان‌های حرفه‌یی پذیرفته شدند در قیاس باشمارقبل از جنگ ضد ایالات متحد نزدیك به سه‌برابر افزایش داشته‌است . سی‌باب تأسیسات آموزش عالی و ۲۰۰ باب دبیرستان حرفه‌یی درهم‌آهنگی فشرده با شاخه‌ها ومقامات مختلف محلی برای آموزش سریع کادرها، در مدارس تمام وقت ودر کلاسهای نیمه‌وقت بکار پرداخته‌اند.

تمام مدارس که درجهت جنبش هم‌چشمی برای «تدریس وفراگیری خوب» تلاش گسترده‌یی بعمل آورده‌اند ، ایمنی آموزگاران وشاگردان را تأمین می‌کنند وزندگی مادی ومعنوی آنان رابتدریج بهبود می‌بخشند.

برغم حملات هوایی جنون آسای ایالات متحـد علیـه شمال، مـا

تجاوزکاران راندتنها در جبهه‌های سیاسی ونظامی ، بل درجبههٔ آموزشی وتربیت کادر نیز شکست داده‌ایم.

این امر بدان علت است که حزب‌ما خطی درست دارد ونیروهای‌مسلح وخلق مابسا قهرمانند ونیز ازآن جهت که تمام شمادر مدارس پهلوبه‌پهلوی یکدیگر تلاش ورزیده‌اید که بربسیاری از مشکلات چیره شوید ووظایف خود را بخوبی انجام دهید.

رخصت می‌خواهم که به همهٔ شما بخاطر کوششهایتان ونتایجی که بدست آورده‌اید تبریك وتهنیت بگویم وسیماهای معصوم شما عزیزانم را ببوسم .

بااین همه، امپریالیست‌های ایالات متحد بسیار سرسختند. انقلاب مالامحاله پیش از رسیدن به‌پیروزی کامل باید برانبوه دشواریها وسختیها فایق‌آید . هم‌اینك حزب وخلق مابرآن سرند که وظایف بزرگتری را بشما احاله کنند. بنابرین میل دارم چند نکتهٔ زیر را بشما یادآور شوم:

ــ آموزگاران وشاگردان باید عشق خــویش را نسبت بسرزمیــن اجدادی وسوسیالیزم همواره اعتلا بخشند، احساسات انقلابی خویش‌رانسبت به‌کارگران ودهقانان بپرورند، درقبال آرمان انقلابی وفاداری پابرجایی نشان دهند، نسبت به‌رهبری حزب اعتماد کامل داشته باشند، برای احالهٔهر گونه وظیفه از جانب حزب وخلق آماده باشند وبرای این‌که قدر وقیمت کارهم میهنان قهرمان ما در جنوب برازندهٔ ایشان باشد بی‌وقفه جدوجهد ورزنــد .

ــ جنبش هم‌چشمی برای «تدریس وفراگرفتن خوب» باید حتی در دشوارترین اوضاع پی‌گرفته شود. برپایهٔ آموزش سیاسی وایده‌ئــولوژی شایسته، شما باید سعی کنید معیارهای فرهنگی وفنی راچندان‌ارتقادهید که به‌راه‌حلهای عملی مسایلی که انقلاب مابا‌آن روبروست مددکنــد ودر آینده‌یی نه‌چندان دور به سطح عالی علم و تکنولوژی نایل‌آیید.

ــ همهٔ شما باید باتفاق کار کنید تاسازماندهی ومدیریت زندگی‌مادی ومعنوی درمدارس بهبودی یابد وبهداشت‌وامنیت‌بهتر برای‌همه‌تأمین‌شود.

وظایف آموزگاران بسا مهم وبسیار افتخارآفرین‌است.

آموزش وپرورش ، کار توده‌ها است. دموکراسی سوسیالیستی باید یکسره گسترش یابد. روابط براستی نکووحدت فشرده میان آموزگاران، میان معلمان ودانش‌آموزان ، میان دانش‌آموزان، میان کادرها ازسطوح مختلف ومیان مدرسه وخلق باید حاصل‌آیدتابرین روال این‌وظیفه‌بکامیابی

جامه تحقق پوشد .

آموزش و پرورش برین‌هدف استواراست که برای‌آرمان‌پرتوگستر انقلابی حزب وخلق ماپیروان ودنبال‌کنندگانی تربیت‌کند. بنابرین تمام شاخه‌ها وتمام حزب ومقامات حکومتی نسبت به‌این‌کار درخور ومهم کشش وگرایش ژرفتری نشان می‌دهند. ایشان باید ازهرجهت مراقب‌مدارس‌باشند وکارآموزشی مارا پیش‌برند .

عزیزانم، انتظار دارم که از دستآوردهای شما خبرهای‌زیادی‌بشنوم. ما پیروز می‌شویم !

فراخواندن ملت

(۳ نوامبر ، ۱۹۶۸)

هم‌میهنان ورزمندگان سراسر میهن ،

در پی ظفرهای بزرگی که نیروهای مسلح وخلق‌مادر هردو منطقه، خاصه در جنوب از اوایل‌بهار سال جاری حاصل کردند، حکومت ایالات متحد مجبور گشت که ازاول نوامبرسال ۱۹۶۸ بمباران‌وگلوله‌باران‌سراسر قلمرو جمهوری دموکراتیك ویت‌نام رابدون قید وشرط پایان‌بخشد.

در واقع ، چهار سال جنگ قهرمانی باورنکردنی نیروهای مسلح‌و خلق نتایج بس‌برآوری بارآورده است: بیش از ۳۲۰۰ فروند جت جنگندهٔ خصم پوزه برزمین مالید، صدها سفینهٔ جنگی، خردوکلان، بخاکسترنشست وارکان جنگ انهدامی ایالات متحد علیه شمال سرافراز میهن مابه‌شکست وبست کشیده شد.

این‌ظفرمندی برای جنگ مقاومت‌گران خلق ماعلیه‌تجاوزامریکاواز برای رهایی ملی ازاهمیت خطیری برخوردار است.

امپریالیست‌های‌امریکایی برخطا این انتظارداشتندکه قدرت‌هستی‌سوز انهدامی بمب‌ها وگلوله‌های آنان‌شمال‌راازپای‌دراندازد وازسیل‌حمایت‌آمیز نواحی پشت جبههٔ بزرگ به جبههٔ گستردهٔ نبرد جلوگیرد وقدرت سترگ رزمندگی جنوب را تحلیل برد. در واقع، درگذار جنگ علیه‌تجاوزکاران امریکایی ، هرگز دررشد قدرت همه جانبهٔ شمال نکث ومکثی پدیدنیامده است وکمك صمیمانهٔ آن به‌مبارزهٔ رهایی بخش هم‌میهنان دلاور جنوبی‌ما همچنان پایا ومحفوظ باقی مانده است. برهمین سیاق، وحدت، نیـرو و توفیقهای هم‌میهنان جنوبی ما همچون مبارزهٔ آنان علیه تجاوزایالات‌متحد بگونهٔ دم‌افزونی بارآوری وفزونی‌گرفته است.

پیروزی ما، درمشی انقلابی روشن‌حزب ومیهن‌پرستی پرشورخلق‌مان وقدرت یگانگی اندیشه وظفرعزمی آنان ودر رژیم سوسیالیستی شایستهٔ‌ما

پایه ومایه‌دارد. آری، همه از سرافرازی مشترك نیروهای مسلح وخلق ما درهردو منطقهٔ، شمال وجنوب منشا می‌گیرد. نیز آنگونه پیروزی است که بپایمردی خلقهای کشورهای سوسیالیستی برادر ودوستان مادر پنج قارهٔ جهان حاصل آمده است .

به‌این‌مناسبت، از جانب‌حزب‌وحکومت، ازهم‌میهنان‌وجنگاوران‌مان در سرتاسر کشور بگرمی تجلیـل وستایش می‌کنـم و از کشورهـای سوسیالیستی برادر ، کشورهای دوست دور ونزدیك وخلقهای جهان، از جمله ترقیخواهان ایالات متحد امریکا، بپاس کمکهای‌بزرگ آنـان و هم‌آوازی و حمایت ایشان صمیمانه سپاسگزارم .

هم‌میهنان ورزمندگان عزیز ،

ماجنگ انهدامی امپریالیست های امریکایی را در شمـال درهـم کوفته‌ایم. امااین تازه آغاز پیروزی است. امپریالیست‌های امریکایی‌باکه سنگدل وپیمان شکن وخائنند . از «صلح» و «مذاکره» سخن می‌گویند، امادر خفا طرحهای تجاوزکارانه سیه‌آیین‌تری در می‌اندازند. زیاده از یك میلیون تن سرباز امریکایی، آلت‌دست واقمارآن هنوز هم هرروزعلیه هم‌میهنان جنوبی ما مرتکب جنایات ناگفته وناشنیده‌یی می‌شوند .

بنابرین ، وظیفهٔ مقدس تمام خلق مادر لحظهٔ کنونی این است کـه عزم خویش را به‌جنگ وپیروزی جزمتر کنند، در ثبات رأی برای آزادی جنوب، دفاع از شمال ورسیدن نهایی به‌تجدید وحدت ملی مسالمت‌آمـیز راسختر واستوارتر گام بردارند.

تاوقتی که یك تن تجاوزکار در خاك قهرمان پرور ماباقی بماند ، ما باید نبرد خویش را پی‌گیریم واو را از عرصهٔ روزگار برو‌بیم .

بگذار خلق ورزم‌آوران دلیر جنوبی ما، زیر پرچم پرافتخار جبههٔ آزادیبخش ملی ویت‌نام جنوبی برای رهایی، تعرضها وقیامهای بی‌انقطاع راپی‌گیرند و بسوی پیروزی کامل باستواری پیش روند.

بگذار نیروهای مسلح وخلق‌شمال تمام جهد خویش‌رابرسر هم‌چشمی میهن پرستانه مبذول دارند، سوسیالیزم را بناکنند ووظیفه خویش‌رادرقبال خویشاوندان جنوبی بتمام انجام دهند، برمـراقبت وهشیـاری خـویش بیفزایند، اتکای بخود راپیشه سازند، قدرت وآمادگی خـود را گسترش دهند وتمام دسیسه‌های جدید خصم رابی‌اثر کنند.

ما اطمینان داریم که مقاومت خلق‌مان علیه‌تجاوزامریکا وبرای‌رهایی

ملی، هم‌آوازی ، پشتیبانی وکمك هرچه بیشتر خلقهای کشورهای برادر و تمام مردم جهان ، از جمله امریکاییان ترقیخواه‌راهمراه‌خواهد آورد.

خلق ما، پس از نزدیك به یکصد سال که‌در لوای اسارت استعماری تقلا می‌کرد وافزون بربیست سال مقاومت علیه جنگهای تجاوزکارانهٔ امپریالیستی، بیش از هرخلق دیگری قدروبهای صلح را، که برای بنای ملی سخت بدان نیاز دارد، ازته‌دل می‌شناسد وبدان وزن می‌نهد. این صلح، اما، باید صلحی راستین باشد واز استقلال وآزادی حمه‌برد.

به‌همین علت است که مابرین نکات باستواری پای‌می‌فشریم:

ــ حکومت ایالات متحد جنگ تعرضی علیه ویت‌نام را پایان بخشد واز تمام انواع دست درازیها به‌حاکمیت وامنیت جمهوری دموکراتیك ویت‌نام مطلقا ومشخصا اجتناب ورزد؛

ــ تمام سربازان امریکایی واقمار آن از جنوب ویت‌نام‌واپس‌نشینند؛

ــ امور داخلی جنوب به‌همت مردم‌جنوب ودرانطباق با **برنامهٔسیاسی جبههٔ آزادیبخش ملی ویت‌نام جنوبی** حل وفصل‌شود، بدون‌مداخلهٔ‌خارجی؛

ــ مسالهٔ تجدید وحدت ویت‌نام توسط خلق هردو منطقه، جنوب و شمال حل شود بی‌آنکه مداخلهٔ خارجی عرض وجودکند.

هم‌میهنان ورزمندگان،

بسا سختیها وفداکاریها هنوز فراروی ماست، اما جنگ مــقاومت عظیم خلق‌ما علیه تجاوز امریکا وبرای رهایی‌ملی باشتابی‌تند بسوی‌پیروزی پیش می‌رود. سرزمین اجدادی ازما می‌طلبد که ازپای شکست قطعــی تجاوزکاران امریکایی بچالاکی پیش رویم ! به پیش!

امپریالیست های امریکایی بطور قطع شکست می‌خورند !

خلق ما بی‌تردید مظفر می‌گردد !

تبریکات سال‌نو

(بهار ۱۹۶۹)

هم‌میهنان و جنگاوران ،

سال ۱۹۶۸ ، سال پیروزیهای غرورانگیز نیروهای مسلح وخلق ما درسراسر میهن بود. امپریالیست‌های ایالات متحد مجبور شده‌اند که جنگ انهدامی خویش را علیه شمال بی‌قید وشرط پایان بخشند.

از اوایل بهار سال ۱۹۶۸ ، مردم ورزم‌آوران قهرمان در جنــوب حملات وقیامهای مستمری راپی‌گرفته‌اند وبسا کامیابهای تابناك از آن‌خود کــرده‌انــد .

قدرمسلم این‌است‌که تجاوزکاران ایالات متحــد یــکسره شکست گریبانشان را خواهد گرفت . نیروهای مسلح وخلق مادرسراسر میهن که بوساطت قوهٔانگیزنده و پیروزیهای خویش پیش رفته‌اند، بــی‌گفت‌وگو پیروزی کامل عیار راازآن خود خواهند کرد.

بمناسبت سال‌نو، ۱۹۶۹ ، از جانب خلق سراسر کشور میل‌دارم‌برای کشورهای سوسیالیستی برادر، کشورهای دوست وهواداران صلح وعدالت در جهان ، ازجمله مردم ترقیخواه امریکا، که صمیمانه ازخلق ویت‌نــام پشتیبانی کرده‌اند ودر مقاومت آنان علیه تجاوزکاران ایالات متحد وبرای رهایی ملی کمك نموده‌اند، تبریکات گرم وسپاسهای صمیمی‌خود را ارسال کنم .

برای هم‌میهنان، جنگاوران، کادرها، باشندگان چینی در هر دو منطقه ، شمال وجنوب کشورمان وویت‌نامیان ساکن خــارج، سال نــوی **وحدت، مبارزه وپیروزی** را قلباً آرزو می‌کنم. واکنون چند خطدرسلام بــه بهار نو :

پارسال پیروزیهای پرتوافشانی ازآن‌مانشد .

امسال ظفرهای شکفته‌تر ، بی‌تردید،بازهم ،

درآوردگاه برما می‌برازد .
برای تو، ای!، استقلال و آزادی،
رخصت ده‌برزمیم ، چونان که امریکاییان رخت‌برکشندو
دلالگان برجهند .
پیش! کمانداران‌ووطن خواهان،
شمال وجنوب را وصلتی نوباد، بهاری خوشتر ، آیا ،
برمی‌آید ؟

اخلاقیات انقلابی را اعتلا بخشید،
فردگرایی را یکسر از خود بزدایید*

(۳ فوریه ، ۱۹۶۹)

خلق ما برحسب معمول می‌گویند: اعضای حزب پیشاپیش می‌روند و مردم درپس پشت‌گام برمی‌دارند.این‌دیدگاه، تمجید صمیمی‌ازاعضای‌حزب وکادرها راواگو می‌کند.

پس از ۳۹ سال مبارزه غرورانگیز وافتخارآور، که‌در راستای‌آن خلق ما **انقلاب اوت** را مظفر کرد واولین جنگ مقاومت رابه پیروزی رساندوهم‌اینك برای رهایی‌کشور ودر عین حال بنای‌سوسیالیزم‌درشمال علیه تجاوزکاران ایالات متحد می‌رزمد ، اعتماد راسخ داردکه‌رهبری‌حزب مابسا روشن ضمیر بوده است وملت‌مان راپیوسته‌ازیك پیروزی‌به‌پیروزی دگررهبری‌کرده‌است.درتاریخ مبارزاتی‌حزب ودرفعالیتهای روزمرهٔ‌آن، خاصه‌درجبهه‌های‌جنگ وتولید، کادرهاواعضای‌بیشمارحزب قدر و مرتبه‌یی وزین‌وسلوك ورفتاری شایان تمثیل‌نشان‌داده‌اند. آنان‌همیشه‌نخستین‌افرادی بوده‌اند که به پیشباز مشقات رفته‌اند وآخرین اشخاصی بوده‌اند که در طلب اجرومزد برآمده‌اند وبا دستآوردهای‌گران اعتبار انگیخته‌اند.

حزب‌ما از پسران ودختران ، نسل جوان انقلابی بارآورده است که در اجرای هرگونه وظیفه از غیرت وشجاعت وحمیت‌واستقامت مالامال وآگنده‌اند.

آنان نسترنهای زیبای قهرمان‌گرایی انقلابیند. خلق و حزب ما از چنین پسران ودختران لایق وشایسته‌یی سخت‌برخودمی‌بالد.

بااین همه، قطع نظر ازین رفقای سزاوار تمجید، هنوز تنی ازکادرها واعضای حزب وجود دارند که ازنگاه اخلاقی وکیفی در مرتبهٔ نازلند.

---

* بمناسبت سی ونهمین سالگشت بنیانگزاری حزب کارگران ویت نام نوشته شد ـ ۳ فوریه، ۱۹۶۹. (و.).

جسم وروح آنان را ترجیح بند **فردگرایی** می‌نوازد وهمیشه نخست به‌منافع خاص خویش می‌اندیشند. شعار ایشان چنان‌نیست‌که «یکی‌برای همه»، بل‌که چنین است «همه برای من.»

بعـلت فردگرایی خویش ، از بازسختیها وناسپاسیها تن می‌زنند و به‌مغاك‌تباهی، فساد، اسراف وتفنن فرومی‌غـلتند. راه شهـرت ومنفعت، قدرت ومرتبت پیش می‌گیرند . مغرور ومتکبرند، کار جمعی راخـوار می‌شمرند، توده‌ها را تحقیر می‌کنند وبخودکامگی‌واستبداد، عمل‌می‌نمایند. از توده‌ها وواقعیتها پیوند می‌گسلند وازرگه‌های دیوان‌سالاری‌گرایی و امرونهی‌گرایی سود برمی‌مکند. در بهبود وضع خودتلاش نمی‌ورزندودر طلب آن برنمی‌آیند که‌ازطریق مطالعه ، توانش واستعداد خویش را والا وخجسته کنند .

نیز بعلت **فردگرایی** خویش ، تفرق وپراکندگی می‌انگیزند وازحس وشعور سازماندهی، انضباط ومسئوولیت بی‌بهره‌اند. مشی‌وسیاستهای‌حزب‌و دولت را بدرستی بدیدهٔ اجرا نمی‌گیرند و برمنافع و مصالح انقلاب و خلق خسران می‌زنند.

محض کوتاه سخنی، **فردگرایی** خاستگاه بسا خطاکاریهاست.

حزب‌ما، از برای این‌که تمام کادرها واعضای خود را به مـبارزان انقلابی سزاواری تبدیل کند باید برین امرهمت گماردکه روح وجان‌ایشان راباآرمانهای کمونیزم ، مشی وسیاستهای حزب، وظایف وروحیات اعضای حزب‌آگنده وعجین‌سازد. انتقادوانتقادازخود در حزب‌باید بجدیت عملی گردد. از انتقاد صادقانه مردم از کادرها واعضای حزب‌باید استقبال کرد وپویش آن را تشویق نمود. حیات‌هستهٔ (سلول) حزبی بایداز مقررات پیروی کند . انضباط حزبی باید برحق ودقیق باشد. کنترل حزب بایـد سخت و فشرده گردد .

هر کادر وعضوحزب باید منافع انقلاب، حزب وخلق را بالاتر از هرچیز دیگری قرار دهد. آنان باید کرته‌ازلکه‌های **فردگرایی** پاك کنند، اخلاقیات انقلابی را اعتلا بخشند، روحیه جمعی وجمع‌گرایی‌راپرورندو حس همبستگی ، سازماندهی وانضباط را بنوازند. باواقعیتها وباتوده هـا تماس فشردهٔ مستمری را حفظ کنند. حاکمیت جمعی خلق را باید سربه‌سر مرعی‌دارند ودامنهٔآن‌راگسترش دهندن ایشان باید سخت‌مطالعه‌کنند و تعلیم بگیرند ودر طلب بهبودی دانش خویش چندان برآیند که بتوانند وظایف خود را بنحو نکو انجام دهند .

آنچه آمد راه عملی مشاهدهٔ سالگشت‌بینانگزاری‌حزب ماست، حزبی کبیر ازطبقهٔ کارگر وخلق قهرمان ما. نیز اجرای‌این امورنکته‌یی‌ضروری است تا بدین‌طریق به تمام کادرها واعضای حزب کمك شود که پیش روند ودر پیروزی کامل جنگ مقاومت علیه تجاوز ایالات متحد وبرای رهایی ملی وبنای توفیق آمیز سوسیالیزم سهم کلان‌تری را ادا کنند.

فراخوان
بمناسبت ۲۵ ژوییه سال ۱۹۶۹

جنگاوران وهم‌میهنان عزیز سراسر میهن !

چهارده‌سال‌پیش، پس از پیروزی تابناك **دین بین فو**، موافقت‌نامه‌های ژنو دربارهٔ ویت‌نام حقوق اساسی خلق ما را برسمیت شناخت ــ استقلال، حاکمیت ، وحدت وتمامیت ارضی. این موافقت نامه‌ها مقرر می‌داشت که انتخابات عمومی آزاد در ژوییه سال ۱۹۵۶ از برای تجدید وحدت‌سراسر ویت‌نام برگزار شود .

لکن امپریالیست‌های ایالات‌متحد موافقت‌نامه‌های ژنو را نابخردانه نقض کرده‌اند و به‌میهن ما تجاوز نموده‌اند و شریرانه‌ترین جنگ استعماری در تاریخ بشری را پی‌نهاده‌اند .

در سرتاسر پانزده سال گذشته ، نیروهای مسلح وخلق‌مادرتمام‌کشور، درپیکری واحد که تمام جانبازیها ومحنتها رامردانه ازسرمی‌گذرانند ، با قهرمانی‌بلندپایه علیه تجاوز ایالات‌متحد، بـرای رهـایی کشور پیکار کرده‌اند . نقشه‌های تجاوزکارانهٔ امپریالیست‌های ایالات متحد یکی‌درپی دیگری سر به‌بن‌بست وورشکستگی ساییده‌است ، اینان شکستهای‌سنگین‌تری را متحمل شده‌اند. وخلق‌ما از یك پیروزی به‌پیروزی‌دگر گام‌برداشته‌است ویقیناً ظفرمندی تمام عیار را حاصل می‌کند. این حتمیت‌تاریخ است.

نیروهای مسلح وخلق در شمال جنگ انهدامی تجاوزکاران ایالات متحد را منهزم کرده‌اند.

نیروهای مسلح وخلق در جنوب «جنگ محدود» ایالات متحـد را به‌ورطهٔ هزیمت می‌کشند .

از بهـار سال **مـایـوتـان** (Mau Than) اوضاع بنفع ما از ریشه تغییر کرده است وبتمامه‌بضرر خصم تمام می‌شود. چهار پنجم قلمروجنوب ویت‌نام باسه‌چهارم جمعیت آن آزاد گشته‌اند. دریـن اوضاع ظفرتوز،

کنگرهٔ نمایندگان خلق جنوب ویت‌نامانجمن‌کرد وباتفاق آرا **دولت‌انقلابی موقت جمهوری جنوب ویت‌نام وشورای مشورتی** را برگزید. ایـن دولت بیدرنگ از جانب بیست کشور برادر ودوست برسمیت شناخته شده‌است و خلقهای جهان مقدم آن‌رابگرمی گرامی داشتند.

رئیس جمهور **نیکسن** ، که به‌منافع مردم‌امریکا خیانت می‌کندبه‌تشدید جنگ تجاوزکارانه در بخش جنوبی سرزمین ماادامه داده‌است، بـردامنهٔ حملات جنگنده‌های ب. ۵۲ ومواد شیمیایی کشنده افزوده، بمبارانهـای هوایی ددآسارا بمنظور انهدام روستاها وشهرها وکشتار عام هم‌میهنان ماپی‌گرفته است ودرنهایت توحش جنایات تازه‌یی رامرتکب‌می‌شود.

نیکسن برای «غیر امریکایی کردن» جنگ دسیسه‌یی را در آستین دارد وازین راه قصد داردکه ازسربازان آلت‌دست، درپیکار باخلق جنوب ویت‌نام استفاده کند.

در گردهمآیی پاریس، امپریالیست‌های ایالات متحد بلـجاجت و یك‌دندگی خواستهای سراپا پوچی را پیش کشیده‌اند، ودرخصوص‌راه‌حل معقول ومنطقی ۱۰ ــ اصل‌پیشنهادی **جبههٔ آزدایبخش ملی** و **دولت‌انقلابی موقت جمهوری جنوب ویت‌نام** از بحث‌جدی‌سرسختانه‌خودداری می‌ورزد.

نیکسن برآن سراست که ۲۵۰۰۰ تن سرباز ایالات متحد رابدیـن نیت‌واپس کشدکه عقیدهٔ عمومی امریکا وجهان را آرام‌کند. این کـار حقه‌یی‌بیش نیست .

خلق ویت‌نام عقب‌نشینی تمام سربازان ایالات متحد وکشورهای اقمار را قویاً مطالبه می‌کند ؛ ونه واپس نشینی ۲۵۰۰۰ یا ۲۵۰۰۰۰ یا ۵۰۰۰۰۰ تن از آنان را ، بل که عقب نشینی سربه‌سر وکامل وبدون قید وشرط همه را خواستار است. تنها برین سیاق اعادهٔ احترام ایالات متحد میسور خواهد شد وازمرگ عبث صدها هزار تن ازجوانان امریکایی اجتناب‌می‌شود و رنج وماتم صدها هزار تن خانوادهٔ امریکایی رنگ می‌بازد.

پس از واپس نشینی کامل سربازان ایالات متحد واقمارآن ورهایی تمام عیار جنوب ویت‌نام از تهاجم بیگانه ، دولت موقت ائتلافی، همانگونه که در راه حل ۱۰ــ اصلی قیدشده است، انتخابات عمومی دموکراتیك و آزاد را برگزار خواهد کرد تامردم جنوب ویت‌نام بتوانند رژیم سیاسی خاص خود را معین کنند، **مجلس موسسان** را انتخاب نمایند، **قانون اساسی** را تدوین کنند وبدون آن‌که هیچ کشور خارجی حق دخالت داشته‌باشد **حکومت ائتلافی** رسمی را تعیین کنند. تاوقتی که سربازان ایالات متحد و

حکومت دست نشانده در جنوب ویت‌نام عرض وجود می‌کنند، راست این است که بگوییم انتخابات عمومی دموکراتیك وآزادکاری مطلقاً ناممکن خـواهد بـود .

شکست امپریالیست های ایالات متحد آشکار شده است، بااین حال هنوز از طرح تبهگن خویش در چسبیدن به‌بخش جنوبی سرزمین‌ما دست بردار نیستند . نیروهای مسلح وخلق مادر سرتاسر میهن، میلیون ها تـن همچون یك پیکر سترگ، که قهرمان‌گرایی انقلابی وبی‌پروایی‌ازجانبازیها وسختیها را والا و خجسته می‌دارند، برآنند که‌جنگ مقاومت را تـداوم بخشند و بردامنهٔ هستی خیز آن‌بیفزایند وباعزمی‌جزم برای‌نبرد وپیروزی، تاهنگام واپس نشینی کامل سربازان ایالات متحد وفروپاشی سراسرآرتش وحکومت آلت دست سلاح ازکف‌رها نخواهند کرد تاازمیان این هنگامهٔ ظلمت‌آشوب، جنوب را برهانند، ازشمال دفاع‌کنندودرنهایت‌امربه‌سرمنزل تجدید وحدت مسالمت‌آمیز کشورنایل آیند.

ازین مجال بهره‌می‌جویم تابتوانم از جانب نیروهای مسلح وخلـق ویت‌نام ، سپاسهای قلبی‌مان رااز حمایت و پشتیبانی گستردیی که ازجهان دریافت داشته‌ایم ابراز کنم، اطمینان دارم که کشورهای‌سوسیالیستی‌برادر، همهٔ حکومتها وخلقهای صلح دوست وعدالت خواه، از زمرهٔ آنان مـردم ترقیخواه درایالات متحد، بردامنهٔ حمایت ومساعدت به مبارزهٔ خلق‌ویت‌نام علیه‌تجاوز ایالات متحد وبرای رهایی ملی، تاوقتی‌که مرغ‌زیبای پیروزی کامل برخاك ما آشیان گیرد، هرچه‌بیشترخواهند افزود.

رزمندگان وهم‌میهنان سرتاسر میهن،با گامهای استوار به‌پیش !
تجاوزکاران امپریالیست ایالات متحد محکوم به‌شکستند !
خلق ویت‌نام بی‌تردید پیروزی کامل رااز‌آن خودمی‌کند !

وصیتنامه

گرچه مبارزهٔ خلق ما علیه تجاوز ایالات متحد، برای رهایی ملی ، ناگزیر ممکن است از خلال زحمتها وجانبازی‌های افزونتری گذرکند،ما بناداریم پیروزی کامل را بدست‌آریم.

این امری مسلم است.

من‌برآنم ، وقتی آن‌روز فرارسید، برای عرض تبریك و تهنیت به هم میهنان ، کادرها ورزمندگان قهرمان‌مان به‌جنوب وشمال سفر کنم واز سالداران وجوانان وخردسالان محبوب‌مان دیدار نمایم.

سپس ، از جانب خلق، به‌کشورهای برادر اردوگاه سوسیالیستـی و سرزمین‌های دوست در سراسر جهان خواهم رفت‌وازحمایت‌وکمك‌صمیمانهٔ آنان به‌مبارزهٔ میهنی خلق‌مان علیه تجاوز ایالات متحـد سپاسگـزاری خـواهم کـرد .

توفوفیو (Tu Fu) شاعر بلند آوازهٔ عصر **تانگ** درچـین سرود: «درتمام روزگاران، اندك شمارند آنان که به‌هفتاد سالگی می‌رسند.»

من امسال، در سن هفتاد ونه سالگی، خود را در میان آن «اندك شماران» می‌توانم یافت؛ هنوز ذهنم بتمامه سالم باقی مانده است، گرچه تندرستیم در قیاس باچند سال‌گذشته اندکك نقصان‌گرفته است. وقتـی فردی بیش از هفتاد **بهار** رادیده باشد، بابالا رفتن سن سلامتیش کاستی می‌گیرد. جای هیچگونه شگفتی نیست.

اما کدامین فرد می‌تواند گفت که من تاچه مدت دیگر تاب آن خواهم داشت که به‌انقلاب، سرزمین اجدادی وخلق خدمت کنم؟

بنابرین در پیش‌بینی روزی که خواهم رفت وبه **کارل مارکس،لنین** ودیگر بزرگان انقلابی خواهم پیوست این چند سطر را ازخود باقی

می‌گذارم؛ ازین راه، خلق ما در سرتاسر میهن ورفقای ما در حزب و دوستان‌مان در جهان شگفت‌زده نخواهند شد.

نخست در خصوص حزب: حزب ما، به‌یمن وحدت فشردهٔ ودلبستگی فداکارانهٔ خود به‌طبقهٔ کارگر، مردم وسرزمین مادری، از هنگام بنیادش توانسته است خلق ما را سازمان دهد وآنان را در مبارزه‌یی قاطع از یك پیروزی به‌پیروزی دگر رهبری کند.

وحدت، سنگ بس گرانسنگ حزب وخلق ما است. همهٔ رفقا، ازکمیتهٔ مرکزی تا هستهٔ حزبی، باید وحدت ویگانگی اندیشه را همچون مردمك دیده در حزب، حفظ وحراست کنند.

درون حزب، برقراری دموکراسی فراگیر وعملی ساختن **انتقاد از خود وانتقاد** بطور منظم وجدی بهترین راه یك پارچگی وگسترش‌همبستگی ووحدت است. مهر رفیقانه باید رواج یابد.

حزب‌ما، حزبی است براریکهٔ قدرت. هرعضو حزب وهر کادرباید از **اخلاق‌انقلابی** ژرفی الهام گیرد وجهد، صرفه‌جویی، درستی، راستی ودلبستگی فداکارانه به‌منافع عامه وخود ایثاری کامل عیار نشان دهد. حزب ما باید یکدستی مطلق را حفظ کند ونشان دهد که بعنوان رهبر و خدمتگزار بسیار صادق ووفادار خلق، برازندهٔ نقش خود می‌باشد.

اعضای اتحادیهٔ جوانان کارگر وجوانان ما برروی هم‌شایسته‌اند؛ همیشه آماده‌اند که گام پیش گذارند، پروای سختیها ندارند ومشتاق ترقیند. حزب باید **خصایل انقلابی** ایشان را بپرورد وآنان را تربیت کند شد، «سرخ» و «اهل‌فن»، گردند و در بنای سوسیالیزم جانشین ما شوند.

تربیت وآموزش نسلهای انقلابی آینده از اهمیت و ضرورت کلان برخوردار است.

زحمتکشان‌ما، در جلگه‌های همچون در کوهساران، نسل اندرنسل محنتها، ستم وبهره‌کشی فئودالی واستعماری را تاب آورده‌اند؛افزون‌برین سالهای دراز جنگ را آزموده‌اند.

بااین همه، خلق ماقهرمانی، شجاعت، شور، حمیت وممارست‌گرانی ازخود نشان داده است. آنان-از هنگامی که حزب بوجود آمد هماره از آن با وفاداری مطلق پیروی کرده‌اند .

حزب ما باید برای پیشرفت اقتصادی وفرهنگی **نقشه‌های** ثمرآفرینی طرح‌ریزد تا ازین گذر **زندگی مردم ما** پیوسته **بهبودی یابد.**

جنگ مقاومت علیه تجاوز ایالات متحد ممکن است ادامه یابد. خلق

ما یحتمل با تلفات جانی ومالی تازه‌یی روبرو می‌شود. هرآنچه پیش آید، مادرنبرد با تجاوزکاران ایالات متحد تا پیروزی کامل باید ارادهٔ قاطع خویش را حفظ کنیم.

کوههای‌مان همیشه برپا خواهد بود، رودهای‌مان همواره جاری خواهد بود، خلق‌مان همیشه زنده خواهد ماند؛ شکست از آن تاخت‌آوران امریکایی است، ما سرزمین‌مان رادهها بار زیباتر از نوبنا خواهیم کرد.

هرآنچه محنت وسختی فراروی داشته باشیم، اهمیتی ندارد، خلق ما از پیروزی کامل یقین دارد. امپریالیست‌های ایالات متحد بدون شك ناگزیر ازترك این خاکند. سرزمین اجدادی ما بطور قطع ازنو یك‌پارچه خواهد شد. هم‌میهنان ما در جنوب‌ودر شمال دوباره زیریك سقف‌وحدت می‌یابند. ما، ملتی کوچك، ازخلال مبارزهٔ قهرمانانه، افتخار شایان توجه هزیمت دوامپریالیزم بزرگ- فرانسه وامریکا- را حاصل خواهیم کرد ودر جنبش رهایی‌بخش ملی جهان سهم‌گرانی ادا خواهیم نمود.

در خصوص جنبش جهانی کمونیستی: من بعنوان فردی که سراسر زندگی خود را بدپای انقلاب نثار کرده است، هرقدر که از رشد جنبش کمونیستی وکارگری بین‌المللی احساس غرور می‌کنم،ازناسازگاری‌جاری درمیان احزاب برادر دل‌آزرده‌تر می‌گردم.

امیدوارم حزب‌ما از برای برقراری وحدت میان احزاب برادربر اساس مارکسیزم- لنینیزم وانترناسیونالیزم پرولتری آنچه ازعهده‌ش‌بر می‌آید بنحوی موثر انجام خواهد داد؛ بسیاقی که باخرد واحساس‌انطباق یابد.

اعتقاد راسخ دارم‌که احزاب وکشورهای برادر ناگزیرخواهندگشت که از نو وحدت یابند.

درباب‌امورشخصی: در سراسر زندگی خود، بمیهن، انقلاب و خلق با تمام قلب وتوانم خدمت کرده‌ام. اگر اکنون بنا گردد که از جهان رخت‌کشم، هیچ چیزمایهٔ تأسفم نخواهد گشت، الا این که دیگرنمی‌توانم طولانی‌تر وافروتر خدمتی انجام دهم.

وقتی سربرزمین گذاشتم، از تشییع جنازهٔ باشکوه باید پرهیز شود تا مبادا وقت وپول خلق هدر گردد.

در واپسین کلام، برای تمام خلق وحزب وتمام آرتش وبرادرزاده‌ها وخواهرزاده‌ها، جوانان وخردسالان عشق بیکرانم را باقی می‌گذارم.

نیز به‌رفقا ودوستان‌مان وجوانان وکودکان جهان سراسر درودهای قلبیم را نثار می‌کنم.

بازپسین خواست من‌این‌است که تمام حزب و خلق ما، که تلاش‌خویش را بفشردگی همـان می‌کنند، ویت‌نامی صلح‌آمیز، وحدت یافته، مستقل، دموکراتیك و کامکار بنا خواهند کرد ودرانقلاب جهانی سهم گرانقدری ادا خواهند نمود.

هانوی، ۱۰ مه، ۱۹۶۹
هو چی مین

. پایان ترجمه،
خزان ۵۹

کمونیستهای انقلابی
www.k-en.com
info@k-en.com

HO CHI MINH

Selected Writings

(1920 - 1969)

This is a trnslation of
English version
Published by
Foreign Languages Publishing

House, Hanoi - 1977

Translated into Persian.

By J. NAVAIE

Negah Publication

Winter, 1981

Teheran, Iran

نگاه منتشر می‌کند

ایدئولوژی آلمانی	ترجمه ع. نوریان
فرانسه در عصر انقلاب‌ها جلد ۳و۲	ترجمه فریدون شایان
اختلافات ما (پلخانف)	ترجمه پرویز بابائی
درباره تبیین ماتریالیستی تاریخ	ترجمه پرویز بابائی
از ایده‌آلیسم تا ماتریالیسم	ترجمه پرویز بابائی
مجموعه آثار پلخانف	ترجمه پرویز بابائی
جنگ خلق، ارتش خلق	جیاپ
انقلاب ویتنام	له‌دوان
قصه‌های بند	علی‌اشرف درویشیان
در صف شکنجه	علی‌اشرف درویشیان